

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قَدِيمُ الْإِحْسَانِ.

فهرست مطالب

- العلماء ورثة الانبياء... ۱۵
- زندگی نامه‌ی استاد الفقهاء والمجتهدين، ميرزا جواد تبریزی(قدس سره) ... ۲۳
- وفات ... ۲۷
- آخرین توصیه های استاد الفقهاء والمجتهدين ميرزا جواد تبریزی(قدس سره) ... ۲۹
- در بستر بیماری چند روز قبل از رحلت، در ایام شهادت رئیس مذهب، حضرت امام صادق(علیه السلام) ... ۲۹
- وصیت نامه ... ۳۳
- سند تبدیل فاطمیه به عاشورای دوم ... ۳۵
- درس های برگرفته از ایمان و ولای میرزای تبریزی(قدس سره)
- ولای اهل بیت(علیهم السلام) (فانی بودن مرحوم میرزا (قدس سره) در ولای اهل بیت (علیهم السلام)) ... ۳۹
- فاطمیه، عاشورایی دیگر (با اقدام مرحوم میرزا(قدس سره) فاطمیه به عاشورای دیگری تبدیل شد) ... ۴۱
- اخلاص و محبت به مقام شامخ اهل بیت(علیهم السلام) (میرزای تبریزی(قدس سره) و ادب در مقابل مقام شامخ اهل بیت (علیهم السلام))... ۴۴
- اقامه‌ی مجلس اهل بیت(علیهم السلام) حفظ شعائر است (میرزای تبریزی(قدس سره) و حضور در مجلس عزای اهل بیت (علیهم السلام))... ۴۶
- مقام اهل بیت(علیهم السلام) با کسی قابل قیاس نیست (مرحوم میرزا(قدس سره) و عظمت مجلس اهل بیت(علیهم السلام)) ... ۴۹
- اقامه‌ی مجلس عزای بر خاندان اهل بیت(علیهم السلام) (علاقه‌ی مرحوم میرزا(قدس سره)به مجلس روضه) ... ۵۱
- حزن در مصایب اهل بیت(علیهم السلام) (میرزای تبریزی(علیهم السلام) و عنایت خاص به روضه) ... ۵۳
- لحظات شیرین و معنوی (میرزای تبریزی(قدس سره) و بهترین لحظات زندگی) ... ۵۶
- ذکر مصایب اهل بیت(علیهم السلام) علاقه را در قلب مردم بیشتر می کند (میرزای تبریزی(قدس سره) و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام)) ... ۵۸
- تمام وقت خود را صرف ترویج مذهب اهل بیت(علیهم السلام)نمایید (میرزای تبریزی(قدس سره) و نصیحت به مبلغین) ... ۶۰
- ارادت به خاندان عصمت و طهارت(علیهم السلام) (مرحوم میرزا(قدس سره) و اخلاص به درگاه اهل بیت(علیهم السلام)) ... ۶۳
- آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند خداوند آنان را محبوب می کند (مرحوم میرزا(قدس سره) و محبت ایشان در قلوب مؤمنین) ... ۶۵
- تقویت مذهب وظیفه‌ی علمای شیعه (میرزای تبریزی(قدس سره) و تقویت مذهب) ... ۶۷
- اهتمام به مسایل اعتقادی (میرزای تبریزی(قدس سره) و اهمیت به مسایل اعتقادی) ... ۷۰
- توسل به اهل بیت(علیهم السلام) (میرزای تبریزی(قدس سره) و توسل قبل از شروع درس) ... ۷۱
- لزوم توجه به عقاید شیعه (میرزای تبریزی(قدس سره) و توجه به عقاید) ... ۷۳
- مواضع شجاعانه در ردّ شبهات (مرحوم میرزا(قدس سره) و ردّ شبهات) ... ۷۴
- دفاع از حریم ولایت (صراحت مرحوم میرزا(قدس سره) در دفاع از تشیع) ... ۷۷
- برای دفاع از مظلومیت حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) هر کاری که بتوانیم، باید انجام دهیم (مرحوم میرزا(قدس سره) و ردّ شبهات) ... ۸۰
- روح ولاء، پاسخ به شبهات و دفاع از کیان تشیع (مواقف میرزا(قدس سره)قلمها را به حرکت درآورد) ... ۸۵
- اهانت به مرجع و فقیه تحت عنایت اهل بیت(علیهم السلام) (مقام میرزا(قدس سره)در نزد اهل بیت(علیهم السلام)) ... ۸۷
- ارائه طریق (مرحوم میرزا(قدس سره) و هدایت شخصی در خواب) ... ۸۹

قضیه‌ی مظلومیت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) از مسلمات مذهب است (میرزای تبریزی (قدس سره) و دفاع از مظلومیت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)) ۹۱... ۹۱...
بگذار پاهایم برای مظلومیت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) بسوزد (مرحوم میرزا (قدس سره) و تحمّل سوزش پاها) ۱۰۳...
محبت و مودت اهل بیت (علیهم السلام) (سوزش پای مرحوم میرزا (قدس سره)) ۱۰۵... ۱۰۵...
واقعه‌ی دار از مسلمات مذهب اثنی عشری است (نظر مرحوم میرزا (قدس سره) در رابطه با هجوم به خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)) ۱۰۷... ۱۰۷...
گریه بر سید الشهداء (علیه السلام) (آرزوی مرحوم میرزا (قدس سره) همان آرزوی حبیب بن مظاهر) ۱۱۰... ۱۱۰...
هر گامی در راه امام حسین (علیه السلام) اجر و ثواب دارد (مرحوم میرزا (قدس سره) و ردّ شبهات عزاداری) ۱۱۲... ۱۱۲...
عظمت عزاداری سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام) (میرزای تبریزی (قدس سره) و عزاداری سالار شهیدان (علیه السلام)) ۱۱۴... ۱۱۴...
محبت اهل بیت (علیهم السلام) (مرحوم میرزا (قدس سره) الگویی برای جوانان در حبّ اهل بیت (علیهم السلام)) ۱۱۵... ۱۱۵...
عرض ارادت به ساحت مقدّس سیدالشهداء (علیه السلام) (عرض ارادت میرزای تبریزی (قدس سره) به سیدالشهداء (علیه السلام)) ۱۱۷... ۱۱۷...
لباس عزا به تن کردن (میرزای تبریزی (قدس سره) و ایّام حزن اهل بیت (علیهم السلام)) ۱۱۹... ۱۱۹...
بکاء در مظلومیت سیدالشهداء (علیه السلام) (میرزای تبریزی (قدس سره) و گریه‌ی شدید بر مظلومیت امام حسین (علیه السلام)) ۱۲۰... ۱۲۰...
بگآء بودن در مصایب اهل بیت (علیهم السلام) (با صدا گریه کردن مرحوم میرزا (قدس سره)) ۱۲۲... ۱۲۲...
اگر کسی با معرفت به عظمت مصایب اهل بیت (علیهم السلام) اشک بریزد، از بهشتیان است (میرزای تبریزی (قدس سره) و گریه بر مظلومیت سیدالشهداء (علیه السلام)) ۱۲۴... ۱۲۴...
بهترین ذخیره‌ی قبر و قیامت (مرحوم میرزا (قدس سره) و دستمال ایشان برای روضه‌ی اهل بیت (علیهم السلام)) ۱۲۶... ۱۲۶...
گریه بر مظلومیت صدقه‌ی شپیده، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) (انحراف چشم مرحوم میرزا (قدس سره) به دلیل گریه‌ی فراوان در ایّام فاطمیّه) ۱۲۸... ۱۲۸...
گریه بر سیدالشهداء (علیه السلام) فریضه‌ی الهی (میرزای تبریزی (قدس سره) گریه بر امام حسین (علیه السلام) را واجب می دانست) ۱۳۱... ۱۳۱...
بهترین ذخیره‌ی آخرت (وصیّت مرحوم میرزا (قدس سره) در خصوص دستمال عزا) ۱۳۳... ۱۳۳...
کربلای معلی برترین سرزمین (اشتیاق شدید مرحوم میرزا (قدس سره) به زیارت کربلا) ۱۳۵... ۱۳۵...
زیارت سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام) (مرحوم میرزا (قدس سره) و دخالت نکردن در قضایای سیدالشهداء (علیه السلام)) ۱۳۸... ۱۳۸...
فضیلت سفر به سرزمین کربلا (قداست قضایای سیدالشهداء (علیه السلام) در نزد مرحوم میرزا (قدس سره)) ۱۴۰... ۱۴۰...
کسی در قضایای امام حسین (علیه السلام) مؤاخذه نمی شود (نظر مرحوم میرزا (قدس سره) در مورد سفر به کربلا در موقع خطر) ۱۴۲... ۱۴۲...
تا این افراد هستند، ماجرای امام حسین (علیه السلام) زنده و ابدی خواهد بود (نظر مرحوم میرزا (قدس سره) در مورد خدمت به زوّار سیدالشهداء (علیه السلام)) ۱۴۴... ۱۴۴...
صورت این جوان عین جزع است (نظر مرحوم میرزا (قدس سره) در رابطه با جزع بر سیدالشهداء (علیه السلام)) ۱۴۶... ۱۴۶...
زیارت سامرا با پای برهنه (روای صادقه از مرحوم میرزا (قدس سره)) ۱۴۸... ۱۴۸...
سائل بر در خانه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) انتظار نمی کشید (میرزای تبریزی (قدس سره) و محبت به اهل بیت (علیهم السلام)) ۱۵۱... ۱۵۱...

فردای قیامت در صفوف خدام امام حسین(علیه السلام) (میرزای تبریزی(قدس سره) و خدمت به مجالس اهل بیت(علیهم السلام))
۱۵۴...

زیارت سیدالشهداء(علیه السلام) مقدم بر مرجعیت (مرحوم میرزا(قدس سره) و عشق به زیارت سیدالشهداء(علیه السلام))
۱۵۶...

اسراف در مجالس اهل بیت(علیهم السلام) وجود ندارد (نظر میرزای تبریزی(قدس سره)در رابطه با اطعام در مجالس اهل
بیت(علیهم السلام)) ۱۵۸...

از مجلس روضه برایم تبرّکی بیاور (مرحوم میرزا(قدس سره) و درخواست تبرّک از مجلس روضه) ۱۶۰...

درب های رحمت الهی (میرزای تبریزی(قدس سره) و علاقه‌ی فراوان به خطباء) ۱۶۲...

منزلت منبر و خطابه بر مظلومیت سیدالشهداء(علیه السلام) (مرحوم میرزا(قدس سره) و عشق به روضه خوانی برای
سیدالشهداء(علیه السلام)) ۱۶۳...

اجر منبر سیدالشهداء، امام حسین(علیه السلام) (نظر مرحوم میرزا(قدس سره) در مورد اجر و پاداش خطبا) ۱۶۶...

اهل بیت(علیهم السلام) را نکر کن (مقام و منزلت اهل بیت(علیهم السلام) در نظر مرحوم میرزا(قدس سره)) ۱۶۸...

شما اصل هستید و ما فرع هستیم (جایگاه خطیب از نظر مرحوم میرزا(قدس سره)) ۱۷۱...

بگو من خادم و روضه خوان سیدالشهداء(علیه السلام) هستم (منزلت روضه خوان سیدالشهداء(علیه السلام) در نظر مرحوم
میرزا(قدس سره)) ۱۷۲...

حضور فقیه مقدّس(قدس سره) در کربلای معلی (مرحوم میرزا(قدس سره) و عشق به سیدالشهداء(علیه السلام) و کربلا)
۱۷۴...

عشق به زیارت ابوالفضل العباس(علیه السلام) (مرحوم میرزا(قدس سره) و عشق به ابوالفضل العباس(علیه السلام)) ۱۷۶...

یا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) (مرحوم میرزا و ذکر نام امیرالمؤمنین(علیه السلام)) ۱۷۹...

اعتراف به ولایت علی بن ابی طالب(علیه السلام) بزرگ ترین خیر (مرحوم میرزا(قدس سره) و عظمت ولایت امیرالمؤمنین(علیه
السلام)) ۱۸۱...

ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام) (لزوم دفاع از ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام)در نظر مرحوم میرزا(قدس سره)) ۱۸۵...

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة (میرزای تبریزی(قدس سره) و بوسیدن درب مرقد مطهر اهل بیت (علیهم السلام)) ۱۸۷...
السلام علیک یا فاطمه بنت موسی بن جعفر(علیها السلام) (مرحوم میرزا(قدس سره)اولین زائر بی بی حضرت معصومه(علیها
السلام)) ۱۸۹...

السلام علیکم یا ائمة الهدی (مرحوم میرزا(قدس سره) و صبر بر بیماری و رضا به تقدیر الهی) ۱۹۱...

بنده‌ی ناچیز و فقیر (میرزای تبریزی(قدس سره) و زمزمه‌ی نیمه شب) ۱۹۳...

امان از آتش جهنم (منزلت کتب فقه و احادیث اهل بیت(علیهم السلام)در نزد مرحوم میرزا(قدس سره)) ۱۹۵...

اللهم اجعلنا من اعوانه و انصاره (مرحوم میرزا(قدس سره) خدمتگزار امام زمان(عج)) ۱۹۷...

با قلبی مطمئن به سوی پروردگار سفر می کنم (مرحوم میرزا(قدس سره)و ثبات قدم در دفاع از کیان تشیع) ۱۹۹...

فرزندم! من مظلوم (مرحوم میرزا(قدس سره) و دفاع از مظلومیت حضرت صدیقه‌ی شهیده(علیها السلام)) ۲۰۱...
مقام و جایگاه حضرت ابوالفضل العباس(علیه السلام) (میرزای تبریزی(قدس سره)و توسّل به ابوالفضل العباس(علیه السلام))
۲۰۴...

السلام علیک یا ابوالفضل العباس(علیه السلام) (علاقه‌ی فراوان مرحوم میرزا(قدس سره)به حضرت ابوالفضل العباس(علیه السلام))
۲۰۶...

وابتغوا الیه الوسيلة (مرحوم میرزا(قدس سره) و توسّل به ابوالفضل العباس(علیه السلام)) ۲۱۰...
عشق به خاندان عصمت و طهارت(علیهم السلام) (میرزای تبریزی(قدس سره)، دل سوخته‌ی خاندان عصمت و طهارت(علیهم
السلام)) ۲۱۱...

اعتبار زیارت عاشورا (مرحوم میرزا(قدس سره) و دلایل اعتبار زیارت عاشورا) ۲۱۵...

ذکر استفتائاتی از میرزای تبریزی (قدس سره) در رابطه با زیارت عاشورا ... ۲۳۰
اهمیت به زیارت عاشورا (اهمیت دادن مرحوم میرزا (قدس سره) به زیارت عاشورا) ... ۲۴۵
عاشورا، عاشورا (میرزای تبریزی (قدس سره) و زیارت عاشورا) ... ۲۴۷
زیارت عاشورا پلی به سوی استجاب دعا (مرحوم میرزا (قدس سره) و دفاع از زیارت عاشورا) ... ۲۴۹
سؤالی در خصوص فرازی از زیارت ناحیهی مقدّسه ... ۲۵۱
احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و علوم آل محمد (صلی الله علیه وآله) (میرزای تبریزی (قدس سره) و احترام فراوان به کتب روایی و فقهی) ... ۲۵۳

توسّل به امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) (میرزای تبریزی (قدس سره) و رکن یمانی) ... ۲۵۵
فضیلت حدیث کساء (مرحوم میرزا (قدس سره) و عقیده به حدیث کساء) ... ۲۶۱
حفظ مقام و کرامت اهل بیت (علیهم السلام) از اهم واجبات (میرزای تبریزی (قدس سره) و حریم اهل بیت (علیهم السلام)) ... ۲۶۵
آیا کسی از امام زمان (علیه السلام) سؤال کرده که از این طلابّ راضی است؟ (میرزای تبریزی (قدس سره) و عشق به ولی عصر (علیه السلام)) ... ۲۶۷

توسّل به اهل بیت (علیهم السلام) (میرزای تبریزی (قدس سره) و توسّل در دوران تحصیل در نجف) ... ۲۶۹
این از باب ادای وظیفه و امر به معروف بود (مرحوم میرزا (قدس سره) و ادای وظیفه در قبال مذهب) ... ۲۷۱
لفظ امام مختص به امام معصوم (علیه السلام) است (مرحوم میرزا (قدس سره) و احترام به القاب ائمه (علیهم السلام)) ... ۲۷۳
سلام مرا به عبد صالح خدا برسان (اعتقاد مرحوم میرزا (قدس سره) به ابولؤلؤ) ... ۲۷۵
زیارت ابولؤلؤ شجاع الدین (سفارش مرحوم میرزا (قدس سره) به زیارت ابولؤلؤ) ... ۲۷۷
نهم ربیع الاول، عیدی مبارک (نظر مرحوم میرزا (قدس سره) در خصوص نهم ربیع و ابولؤلؤ) ... ۲۷۸

درس های برگرفته از تقوای عملی میرزای تبریزی (قدس سره)

سازندگی انسان ها (میرزای تبریزی (قدس سره) و نقش ایشان در سازندگی) ... ۲۸۱
من مانند سایر مردم هستم (مرحوم میرزا (قدس سره) و ساده زیستی) ... ۲۸۳
تواضع، فروتنی و قضای حوایج مردم (میرزای تبریزی (قدس سره) و قضاء حوایج) ... ۲۸۵
باید برای خدا حرکت کرد (اخلاص میرزای تبریزی (قدس سره)) ... ۲۸۷
کمال اخلاقی (میرزای تبریزی (قدس سره) و کمال اخلاق) ... ۲۸۸
استفاده از وسایل متعارف (استفادهی مرحوم میرزا (قدس سره) از وسایل متعارف) ... ۲۹۰
برخورد ولایبی (صفات والای اخلاقی میرزای تبریزی (قدس سره)) ... ۲۹۲
ساده زیستی (ساده زیستی فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره)) ... ۲۹۳
زهد و پرهیزگاری علما (زهد و تواضع مرحوم میرزا (قدس سره)) ... ۲۹۶
ساده زیستی در دنیا (مرحوم میرزا (قدس سره) و پوشش ساده) ... ۲۹۸
ملاک رضایت امام زمان (عج) است (مرحوم میرزا (قدس سره) و ساده پوشی) ... ۳۰۱
فرزندم! طوری زندگی کن که مردم توان آن را دارند (زندگی سادهی مرحوم میرزا (قدس سره)) ... ۳۰۲
مزد نیمه شب را از دست ندهیم (تهجّد و عبادت نیمه شب میرزای تبریزی (قدس سره)) ... ۳۰۴
یاد خداوند متعال (زمزمه‌ی میرزا (قدس سره) در لحظات تنهایی) ... ۳۰۶
عبادت خداوند متعال (میرزا (قدس سره) و زمزمه های سحر) ... ۳۰۹
ارتباط معنوی (سحرخیزی مرحوم میرزا (قدس سره)) ... ۳۱۱
اهرب من الفتیا هربک من الأسد (احتیاط مرحوم میرزا (قدس سره) در فتوی) ... ۳۱۳
فعلاً مبلغی غیر از وجوه ندارم (مرحوم میرزا (قدس سره) و احتیاط در مصرف وجوه) ... ۳۱۵
احتیاط در وجوه شرعیّه (میرزا (قدس سره) و تحبیر در صرف اموال) ... ۳۱۷

- احتیاط در مصرف از وجوهات (مرحوم میرزا(قدس سره) و دقت در صرف اموال) ۳۱۸...
 اهتمام به محتاجین (میرزای تبریزی(قدس سره) و اهتمام به فقرا و مساکین) ۳۱۹...
 تلاش برای رفع حاجت برادر مؤمن (میرزای تبریزی(قدس سره) و کمک به فقرا) ۳۲۱...
 توجه به محتاجین (میرزای تبریزی(قدس سره) و توجه به فقرا و مساکین) ۳۲۳...
 امانتداری (مرحوم میرزا(قدس سره) و امانتداری از سهم مبارک امام(علیه السلام)) ۳۲۵...
 دقت و نظارت بر امور مالی (احتیاطات مرحوم میرزا(قدس سره) در وجوه شرعی) ۳۲۷...
 من در مورد وجوه با کسی معامله نمی کنم (مرحوم میرزا(قدس سره) و دقت در وجوه شرعی) ۳۲۸...
 دستگردان وجوه شرعی (مرحوم میرزا(قدس سره) و احتیاط در دستگردان وجوه شرعی) ۳۳۰...
 شهریه‌ی طلاب حوزه (میرزای تبریزی(قدس سره) و مصرف شهریه) ۳۳۱...
 صبر و استقامت و پایداری (رفتار مرحوم میرزا(قدس سره) نسبت به افتراءات و اکاذیب) ۳۳۳...
 پند و نصیحت (مرحوم میرزا(قدس سره) و نصیحت به دیگران) ۳۳۵...
 زیارت قبور گذشتگان (مرحوم میرزا(قدس سره) و زیارت قبور) ۳۳۷...
 زیارت قبور گامی به سوی سازندگی (میرزای تبریزی(قدس سره) و تقید به زیارت قبور) ۳۳۹...
 توجه به اموات (تأکید مرحوم میرزا(قدس سره) بر خواندن یاسین برای اموات) ۳۴۱...
 مهیا شدن برای لقاء یار (مرحوم میرزا(قدس سره) و زیارت آخر ایشان بر قبور) ۳۴۴...
 زیارت اموات (اموات وادی السلام و یاد کردن مرحوم میرزا(قدس سره)) ۳۴۷...
 غیبت ممنوع (ممانعت میرزا(قدس سره) از صحبت کردن بر علیه دیگران) ۳۴۹...
 ضلال (موقف مرحوم میرزا(قدس سره) در مقابل علی شریعتی) ۳۵۲...
 کتب ضلال، حکم قرآن بر سر نیزه را دارد (مرحوم میرزا(قدس سره) در مواجهه کتب ضلال) ۳۵۵...

درس های برگرفته از اخلاق علمی میرزای تبریزی(قدس سره)

- چگونه باید باشیم تا امام زمان(علیه السلام) از ما راضی باشد (نصایح میرزای تبریزی(قدس سره) به طلاب) ۳۶۱...
 نصایح (میرزای تبریزی(قدس سره) و سفارش به طلاب) ۳۶۵...
 يك طلبه باید برای رضای خدا حرکت کند (مرحوم میرزا(قدس سره) و لحاظ رضای پروردگار) ۳۶۹...
 تهذیب نفس (میرزای تبریزی(قدس سره) و استفاده از فرصت ها برای خودسازی) ۳۷۱...
 حفظ زئی طلبگی (میرزای تبریزی(قدس سره) و نصایحی به طلاب) ۳۷۲...
 اهتمام به درس (جدیت مرحوم میرزا(قدس سره) در شروع طلبگی) ۳۷۴...
 مثل خستگی ناپذیر (میرزای تبریزی(قدس سره) و استفاده از تعطیلات درسی) ۳۷۶...
 لباس يك طلبه (میرزای تبریزی(قدس سره) و زی طلبگی) ۳۷۸...
 نظم در درس و استفاده از اوقات (مرحوم میرزا(قدس سره) و نظم در درس) ۳۷۹...
 اهتمام به درس (جدیت مرحوم میرزا(قدس سره) در امر تدریس) ۳۸۱...
 اغتنموا الفرص فانها تمرّ مرّ السحاب (میرزای تبریزی(قدس سره) و استفاده از اوقات) ۳۸۳...
 شجاعت و استقامت (مرحوم میرزا(قدس سره) و شجاعت در همه امور) ۳۸۵...
 نفس مطمئنّه (مرحوم میرزا(قدس سره) و تلاش و کوشش بوقفه) ۳۸۸...
 امام عصر(علیه السلام) ناظر بر اعمال و نگره دار حوزه (میرزای تبریزی(قدس سره) و عنایت حضرت ولی عصر(علیه السلام)) ۳۹۰...
 بحث علمی (مرحوم میرزا(قدس سره) و حلقه‌ی علمی) ۳۹۳...
 تربیت طلاب و نسل جوان (مرحوم میرزا(قدس سره) و اهتمام به تربیت طلاب) ۳۹۵...
 نگرانی از اُفت علمی طلاب (نگرانی مرحوم میرزا(قدس سره) از وضعیت طلاب) ۳۹۶...

طلبه باید از همان ابتدا با جدیت درس بخواند (حاضر جوابی مرحوم میرزا(قدس سره) در سنین جوانی) ... ۳۹۷
شیوه‌ی تدریس (شیوه‌ی تدریس میرزای تبریزی(قدس سره)) ... ۳۹۸
منابع درسی مرحوم میرزا(قدس سره) ... ۴۰۱
شاگرد پروری مرحوم میرزا(قدس سره): ... ۴۰۲
جدیت در تحصیل در همان ابتدای طلبگی (مرحوم میرزا(قدس سره) و جدیت در تحصیل) ... ۴۰۴
جدیت در تحصیل (در طالبیه‌ی تبریز، مرحوم میرزا(قدس سره) به فضل و علم معروف بود) ... ۴۰۵
خودسازی و نیل به کمال انسانی در نظر میرزای تبریزی(قدس سره) ... ۴۰۷
سفارشاتى به طلاب در امر تحصیل (برگرفته از سیر زندگی میرزای تبریزی(قدس سره)) ... ۴۱۴
خصوصیات يك طلبه‌ی خوب از نظر میرزای تبریزی(قدس سره)(چگونه باید باشیم تا امام زمان(علیه السلام) از ما راضی باشد)
... ۴۱۷

درسهایی برگرفته از نصاب سازنده‌ی میرزای تبریزی(قدس سره)

(در ضمن سؤال و جواب)

نصایحی به طلاب در ضمن جواب سؤالاتشان از میرزای تبریزی(قدس سره) ... ۴۲۵
نصایحی به دانش آموزان، معلمان، جوانان و مؤمنین و..... ۴۹۱
توصیه‌هایی برای درك فضیلت ماه رجب، توصیه‌هایی برای برگزاری باعظمت مراسم حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)،
نصیحتی به مسئولین، زیارت عاشورا، حدیث کساء ... ۵۲۷

العلماء ورثة الانبياء

بسم الله الرحمن الرحيم

علمای بزرگ، پرچمداران حریم ولایت و حافظان علوم آل محمد(صلی الله علیه وآله) هستند، که با تلاش شبانه روزی خود سعی در پاسداری از دستاوردهای رسول مکرم اسلام(صلی الله علیه وآله) و ائمه‌ی اطهار(علیهم السلام) داشته و دارند. آنان که پشت به دنیا کرده و خود را از لذت‌های آن دور نگاه داشته اند و خالصانه و با جدیت از حریم علوم آل محمد(صلی الله علیه وآله) دفاع کرده و در جهت ترویج آن تلاش نموده و می نمایند و امروز نشر مذهب، مرهون تلاش آن بزرگوارانی است، که در طول عمر پربرکت خود سعی کرده اند، به هر نحو ممکن، ضمن نقل علوم آل محمد(صلی الله علیه وآله) و بیان آن، بر مسند فتوی بنشینند؛ حرام و حلال خدا را برای مردم بیان کنند و از هر چیزی که موجب تقویت و انتشار مذهب بر حق تشیع است، دریغ ننمایند؛ از جان و مال خود مایه گذاشته و با اخلاص کامل، شمع وجود تشیع را با عنایت پروردگار متعال و اهل بیت(علیهم السلام) روشن نگاه داشته و همچون پروانه در حال پاسداری از آن می باشند؛ وجود عالمان و متفکرانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، کلینی، شیخ طوسی، علامه حلی، علامه مجلسی، محقق کرکی، صاحب جواهر، شیخ انصاری، میرزای شیرازی - که درود خدا بر آنان باد - و صدها شخصیت دیگر... بدون شك عنایت خداوند متعال و اهل بیت(علیهم السلام) بوده، که با حضور چنین علمایی در قرون مختلف ضمن تقویت مبانی تشیع، ادامه‌ی راهش را ترسیم کردند. عالمانی امین و ناقلانی حکیم که در عین صداقت و امانت، در حفظ و انتقال آنچه از معصوم(علیه السلام) رسیده است، نهایت تلاش خود را برای موشکافی و تعمق در متون و معارف اهل بیت(علیهم السلام)، برای نیل به غایت واقعی احکام و مفاهیم صادره از اهل بیت(علیهم السلام) به کار بسته و صدها هزار صفحه کتاب و رساله در همین زمینه تألیف و به آیندگان هدیه کرده اند؛ آری، در هر زمان و مکانی به فراخور حال، بوده و هستند اشخاص و عالمانی که پیرو واقعی امامان معصوم(علیهم السلام) بوده و خلف صادقی برای پیشینیان خویش به شمار می روند که در قرن خود تحولی ایجاد نموده اند. از جمله این عالمان ژرف اندیش و متفکران سترگ، که تمامی عمر خود را برای اعتلای معنوی مذهب جعفری به کار بسته و لحظه ای را از دست نداده اند، عالم بزرگوار و مقدس راحل آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی(قدس سره) بود، که پس از سال‌ها تحصیل، تدریس و اقامت در نجف اشرف، با کوله باری مملو از علم و عمل راهی ایران شده و پس از آنکه سال‌ها در قم رحل اقامت افکند، سفره‌ی فیض خود را برای طالبان و تشنگان معارف ناب محمدی(صلی الله علیه وآله) گسترده بود. خوشه چینی چند ساله‌ی آن مرحوم از محضر اساتید نامی حوزه، مانند آیت الله بروجردی(رحمه الله)، آیت الله سید عبدالهادی شیرازی(رحمه الله)، آیت الله خویی(رحمه الله)، آیت الله حجّت کوه کمره ای، آیت الله زنوزی، آیت الله خوانساری و... و نیز جلب اعتماد ویژه‌ی استادان میرز حوزه، از شاخصه‌هایی است

که در کمتر کسی از عالمان معاصر دیده می شود؛ اما در این میان، قرابت علمی آن مرحوم با مرحوم آیت الله خویی(رحمه الله)، ابهت خاصی را به شیوه‌ی علمی و نگارش فقهی و اصولی آن مرحوم(قدس سره) بخشیده است، به طوری که همین ویژگی، در کنار دقت نظرهای مخصوص به خود ایشان، پرجمعیت ترین درس فقه را، که هر روزه در «مسجد اعظم» قم برگزار می شد، نصیب ایشان کرده بود. ماحصل تلاش و کوشش شبانه روزی آن مرحوم(قدس سره) (که بنابر نقل نزدیکانشان، بیش از نیمی از شبانه روز را به مطالعه و تحقیق اختصاص داده بودند) تربیت هزاران شاگرد فاضل و محقق و عالم، که اغلب محققان نامی و فقهای برجسته‌ی کشور به شمار می روند و کرسی درس سطح عالی حوزه را به عهده دارند، موجب گردید که سالیان سال حوزه های علمیه، مدیون زحمات شبانه روزی و ثمرات باقیه‌ی ایشان باشند. اما در این میان نکته ای که مورد غفلت واقع شده، حجب و حیای ذاتی آن مرحوم و نیز حساسیت ویژه ای است که نسبت به دوری از شهرت و تبعات ناشی از آن داشته اند؛ در عین اینکه از میرزا(قدس سره)، به عنوان آخرین حلقه‌ی اتصال به فقهای عظام شیعه و استوانه های تأثیرگذار حوزه یاد می شود، بارها مشاهده می شد که با طلاب و دانشجویان حتی جوانان نارس، به بحث و گفتگو نشست و هیچ گاه مرجعیت و مقام علمی و والای ایشان، مانع از آن نمی شد که تازه نفس ها را رانده، و خود را فراتر از دنیای پر هیاهو و جنجالی آن ها بدانند. عشق به اهل بیت(علیهم السلام) و به خصوص بانوی دو عالم، حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) که بارها با راهپیمایی های پا برهنه‌ی خود در روز شهادت آن حضرت، عشق و ارادت خود را نسبت به ایشان نشان داده بودند، یکی از رموزی است که بدون شك، تمامی زندگی پربار آن مرحوم(قدس سره) متأثر از آن بوده و از آن نشأت گرفته بود. از دیگر ویژگی های آن مرحوم(قدس سره) که شاگردان و ارادتمندانش همگی بر آن اتفاق نظر دارند، عنایت خاص ایشان به محرومان و به خصوص افرادی بود که در جامعه از آن ها به عنوان بی کس و کار یاد می شود. بارها در سیره‌ی مرحوم میرزا(قدس سره) دیده شد که پای درد دل های پیرمردی، که سفره‌ی دل خود را در کمال سادگی و صداقت برای ایشان باز کرده بود، به آرامی گریسته، و هنگام گوش فرا دادن به مصیبت های مردم محروم، تاب و تحمل از کف داده و بی قرار می شد. بسیاریند، اشخاصی که بارها فقیه مقدّس میرزا(قدس سره) را با پای پیاده، هنگامی که برای کمک به در خانه‌ی فقرا و ایتم می رفت، مشاهده کرده بودند. چرا که آن مرحوم(قدس سره) بر این اعتقاد بود که برای سرکشی به فقرا باید به صورت حضوری و در صورت امکان با پای پیاده در خانه های آنان حاضر شد تا مراتب فقر، و عمق دردهای ناگفته و ناشنیده‌ی آن ها ملموس تر حس گردد. او در هنگام پیاده روی و تشریف به حرم فاطمه‌ی معصومه(علیها السلام)، اطراف را با دقت زیر نظر داشت و اگر احساس می کرد شخصی گرفتار است به سوی او می رفت. شخصی می گوید: «من سخت در فشار بودم، اول غروب در مجلسی جهت توسّل و برآورده شدن حاجتم شرکت کردم. نزدیک ساعت دو بامداد

با اندوه فراوان وارد حرم شدم و زیر درب ساعت حرم در گوشه ای نشستم، ناگهان مشاهده کردم که مرحوم میرزا(قدس سره) وارد حرم شد و تا نزدیک حوض حیاط رفته و برگشتند؛ بدون آنکه صدایی از من بلند شود، دیدم مرحوم میرزا(قدس سره) به طرف من آمدند و سؤال کردند: «فرزندم مشکل چیست؟» و خلاصه به پای درد دل من نشست و بحمد الله مشکل حل شد. آری! حال که آن بزرگوار از میان ما رخت بر بسته است، به خوبی می توان جای خالی ایشان را احساس کرد. او پدري مهربان و رئوف بود و رحلت ایشان زخمی غیرقابل جبران بر پیکر اسلام و تشیع بود، (إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ تَمَّ فِي الْإِسْلَامِ ثَمَّةٌ لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ) خسارت جبران ناپذیری که با فقدان ایشان بر حوزه های علمی و مراکز آموزشی وارد آمد به مرور و روز به روز بیشتر از گذشته رخ نمایانده و احساس خواهد شد. به یقین آیندگان به مرور زمان شأن و منزلت او را درک می کنند، زمانی که او دیگر در میانشان نیست. «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» سلام و درود خداوند بر او باد که جز در راه رضای حق گام برنداشته و به غیر از رضای او به چیز دیگری نیندیشید.

مرحوم میرزا(قدس سره) مصداق عینی و بارز قول امام(علیه السلام): «مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِعًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ» بودند، با نظر به وصیت نامه‌ی مرحوم میرزا(قدس سره) می توان پی برد که چگونه ایشان به دنبال طرح مسائلی بودند که روح اسلام و دین به آن وابسته است. فراموش کردن هر يك از آن فرازها، مصیبتی غیر قابل جبران به دنبال دارد؛ وصیت نامه ای که بسیاری، آن را همراه با اشک دیده و خون دل خواندند؛ وصیت نامه‌ی مرحوم میرزا(قدس سره) بیانگر زندگی روشن و نورانی ایشان می باشد؛ این که چگونه در طول عمر پربرکتشان، لحظات زندگی خود را صرف نشر علوم آل محمد(صلی الله علیه وآله) نمودند و هیچ گاه مشاهده نشد که ایشان لحظه ای را بیهوده از دست بدهد، ایشان رهنمودی از خود ارائه دادند، که سند گویای تشیع می باشد و راهی است برای آیندگانی که در جستجوی سعادت اخروی هستند.

در تمام لحظات، مرحوم میرزا(قدس سره) مشغول مطالعه، درس و یا تألیف بودند و تا آخرین لحظه‌ی عمر، مانند يك طلبه‌ی جوان کار می کردند و هم و غمشان نشر علوم آل محمد(صلی الله علیه وآله) و تربیت طلاب بود؛ ایشان با تمام وجود از معتقدات شیعه دفاع کردند و اجازه نمی دادند، کسی در مذهب و معتقدات شیعه شبهه ای وارد کند. ایشان در قرن خود در ردّ شبهات تحوّل ایجاد نمودند و در مقابل هر شبهه ای ایستاده و جوابگو بودند که نمونه‌ی بارز آن دفاع قهرمانانه‌ی ایشان از مظلومیت حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) است.

مرحوم میرزا(قدس سره) با عملکرد خود طریقی را ترسیم کردند که تا ابد در قلوب محبان و مخلصان اهل بیت (علیهم السلام) جای گرفته و آثار آن در جامعه به وضوح مشاهده می شود. ایشان(قدس سره) هنگامی که احساس کردند بعضی افراد به دلیل جهالت و وابستگی سعی دارند در مظلومیت

حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) شبهه وارد کنند، با هیئت عزا، با پای برهنه، و بر سر و سینه زنان با عده‌ای از مخلصین درگاه ولایت، خارج شدند و با تمام وجود از مظلومیت آن حضرت (علیها السلام) دفاع کردند؛ به طوری که این حرکت به سنتی حسنه تبدیل شد و همه ساله هیئت‌های مذهبی بر سر و سینه زنان جهت اظهار ارادت به آن صدیقه‌ی شهیده (علیها السلام) به صورت دسته‌های عزا از محل و تکیه خود خارج می‌شوند و نسبت به آن بانوی دو عالم ابراز ارادت می‌کنند. ایشان علاوه بر تحوّل علمی در قرن خود و تربیت طلاب فاضل و متدین، که امروزه سگان دار هدایت جامعه، و استادان دروس سطح عالی حوزه می‌باشند و علاوه بر به جای گذاشتن آثار علمی پر برکتی، مواقف شجاعانه در دفاع از مسلمّات تشیع داشته‌اند که تا ابد به نام ایشان ثبت شده است و این موضع‌گیری‌های شجاعانه موجب شد که ایّام فاطمیّه به عاشورای دیگری تبدیل شود. مرحوم میرزا (قدس سره) آن گونه زندگی کرد، که در واقع روز وفات ایشان **یَوْمَ عَلِيٍّ أَلِ الرَّسُولِ عَظِيمٍ** بود و تمام مردم به خصوص طلاب فاضل و متدین در حسرت فراق آن یار سوختند و بر سر و سینه زنان، پیکر مطهر آن عالم بزرگوار را تشییع کردند. هرکدام از ابعاد وجودی مرحوم میرزا (قدس سره) خود نیاز به کتابی مستقل و مفصل دارد؛ زیرا فقید راحل (قدس سره) آن گونه زندگی کرد که لحظه به لحظه‌ی زندگی پرمعنا و ملکوتی ایشان سزاوار نگاشتن می‌باشد، امید است که این کتاب مختصر که نقل شمه‌ای از حیات معنوی آن فقیه مقدّس (قدس سره) نگاشته شده، جهت استفاده و الگوگیری، به خصوص برای طلاب جوان مقبول بیفتد و ذخیره‌ای باشد برای **یَوْمٍ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ**.

مرکز تحقیقات دار الصدیقه‌ی شهیده (علیها السلام)

قم مقدسه، رمضان سال ۱۴۲۸ هجری

زندگی نامه‌ی استاد الفقهاء والمجتهدين،

میرزا جواد تبریزی (قدس سره)

یکی از اعیان و مفاخر فقهای نامدار شیعه و یکی از اکابر و متبحرین در علوم اسلامی و یکی از استوانه‌های فقهی و اجتهادی در فقه جعفری، که از نظر آثار و برکات وجودی بسیار با برکت بوده، استاد الفقهاء والمجتهدين، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) است. ایشان بسیار عابد و زاهد، اهل خشوع و تهجد بود و بر علم و دانش مداومت جدی داشت. جماعت بسیاری از فضلاء از او بهره بردند؛ مرحوم میرزا (قدس سره) بر تمام موالین و محبین اهل بیت (علیهم السلام)، بالاخص طلاب حوزه حق زیادی دارد؛ زیرا که ایشان در قرن خود، در معارف و ولای اهل بیت (علیهم السلام)، تحوّل عظیم ایجاد نمود.

هرگاه در پی شناخت ایشان برآییم، ایشان را آگاه بر هر فنی خواهیم یافت. جملات مدح و ستایش، در معرفی او ناتوانند. گویا ایشان تندیس علم، دانش، ادب و تجسم فضل و کمال است.

فقهی هوشیار، محدّثی پارسا، شخصیتی جلیل القدر و سرچشمه‌ی بزرگواری‌ها و فضیلت‌ها، و دارای تألیفات سودمندی است. علمای دین نه تنها از استاد خود درس علم و دانش می‌آموزند، بلکه مراتب معنوی و منازل کمال را نیز سپری می‌نمایند؛ مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) همزمان با طی مدارج علمی، و سریع‌تر از آن، مراحل معنوی و کمالات روحی را پیمودند تا آنجا که مصداق واقعی عالم ربانی گردیدند. این ادعا با مروّری بر سجایای اخلاقی ایشان کاملاً روشن می‌شود، از جمله خصایص بارز اخلاقی مرحوم میرزا (قدس سره) می‌توان به این موارد اشاره کرد:

یاد خداوند متعال: مرحوم میرزا (قدس سره) هیچ‌گاه از یاد خدا غافل نبودند و تمام اعمالشان را با قصد قربت انجام می‌دادند.

زیارت و توسّل: مرحوم میرزا (قدس سره) به زیارت ائمه‌ی هدی (علیهم السلام) اهمیّت فراوانی می‌دادند و هر جا فرصت می‌یافتند و یا امکان برایشان حاصل می‌شد، شروع به خواندن دعا و زیارت ائمه (علیهم السلام) می‌نمودند.

توجه خاص و توسّل به معصومین (علیهم السلام) باعث گردیده بود، که مرحوم میرزا (قدس سره) به تألیف کتب عقایدی روی آورند و اهمیّت خاصی به ردّ شبهات و دفاع از کیان تشیّع و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) دهند.

زهد و پارسایی: يك ویژگی بسیار مهم در زندگی این بزرگ مرد، زهد، پارسایی و ساده زیستی ایشان بود. با وجود اینکه مرحوم میرزا (قدس سره) تمام امکانات را در اختیار داشتند اما با همه‌ی این‌ها، زندگی شخصی ایشان در نهایت زهد و پارسایی سپری می‌شد.

تواضع: تواضع مرحوم میرزا(قدس سره) از دیگر خصایص ایشان بود. مرحوم میرزا(قدس سره) هیچ گاه به مقام اجتماعی و بالا و پائین بودن موقعیت نظر نمی کرد. آن خصایص روحی و کمالات معنوی و آن علم و دانش گسترده، از او شخصیتی ممتاز ساخته بود.

سعه‌ی صدر، خوش فهمی، حسن سلیقه، داشتن نظم و برنامه‌ی تحصیلی، ظرافت طبع، معنویت سخن، پختگی و بی نقص بودن آثار علمی، تخلّق به اخلاق الهی و قرب منزلت از خصوصیات این عالم ربانی است.

تعلیم و تعلّم از مهم ترین خدمات ایشان به شمار می آید. شخصیت بارز علمی ایشان در دقیق بودن مطالب، عمیق فکر کردن و حسن سلوک با طلاب باعث می شد، هر روز گروه بیشتری از افراد علاقه مند و با استعداد به سوی مجلس درس ایشان جذب شوند.

ایشان یکی از اعجوبه های روزگار خود بودند که در زمینه های مختلف علمی از جمله: فقه، اصول، کلام، رجال و... کتاب هایی ارزشمند نوشته اند که به زیور طبع آراسته شده، و در حدود ده ها کتاب اثر خطی از ایشان به جای مانده است که حاکی از نبوغ این فقیه فقید است.

این تألیفات فراوان و گوناگون در علوم و فنون مختلف اسلامی، هر کدام گوهری تابناک و گنجینه ای پایان ناپذیر است که هم اکنون با گذشت ایّام، روز به روز بر ارزش و اعتبار آن ها افزوده می شود و جایگاهی بس رفیع و والا یافته اند و در صدر قفسه‌ی کتابخانه ها و به حقیقت در سینه‌ی فقها و دانشمندان جای می گیرند، که از میان آن ها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- ارشاد الطالب في شرح المكاسب، ۷ جلد؛ ۲- تنقيح مباني العروة (الطهارة)، ۷ جلد؛ ۳- تنقيح مباني العروة (الصلاة)، ۶ جلد؛ ۴- تنقيح مباني العروة (الحج)، ۳ جلد؛ ۵- تنقيح مباني العروة (كتاب الصوم)؛ ۶- تنقيح مباني العروة (كتاب الزكاة والخمس)؛ ۷- اسس القضاء والشهادات؛ ۸- اسس الحدود والتعزيرات؛ ۹- كتاب القصاص؛ ۱۰- كتاب الديات؛ ۱۱- كتاب النكاح؛ ۱۲- كتاب الاجاره؛ ۱۳- تعليقه بر عروة الوثقى؛ ۱۴- تعليقه بر منهاج الصالحين؛ ۱۵- طبقات الرجال؛ ۱۶- الدروس في علم الاصول (دوره‌ی كامل اصول)؛ ۱۷- صراط النجاة، ۱۲ جلد؛ ۱۸- كتاب ظلمات فاطمة الزهراء(عليها السلام)(در حال چاپ)؛ ۱۹- كتاب اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب: (در حال چاپ)؛ ۲۰- فدك؛ ۲۱- الشعائر الحسينية (فارسی - عربی)؛ ۲۲- زیارت عاشورا فراتر از يك شبهه؛ ۲۳- زیارت عاشوراء فوق الشبهات؛ ۲۴- نفي السهو عن النبي(صلى الله عليه وآله)؛ ۲۵- النصوص الصحيحة على الأئمة(عليهم السلام)؛ ۲۶- الأنوار الإلهية في المسائل العقائدية؛ ۲۷- النكات الرجالية (مخطوط)؛ ۲۸- ما استفدت من الروايات في استنباط الاحكام الشرعية (وسائل الشيعة مخطوط)؛ ۲۹- النصايح (فارسی - عربی)؛ ۳۰- آداب المتعلمين؛ ۳۱- رقيه بنت الحسين(عليها السلام)؛ ۳۲- كشكول ميرزای تبریزی و... .

فوائد ارزشمند نوشته های ایشان، همچون ابر بهاری با قطرات حیات بخش خود دل های تشنه‌ی علم و دانش را سیراب می سازد.

تألیفات ایشان بر پیشانی روزگار همچون مروارید می درخشد و کلماتشان در میان سطرها همچون گوهرهایی گرانبها کنار هم چیده می شود. تمام کسانی که از ایشان یاد کرده اند، جز ستایش و تعریف چیزی نگفته اند و بنابر شهادت تمام بزرگان، مرحوم میرزا(قدس سره) قله های رفیع علوم مختلف از جمله فقه، اصول، کلام، رجال و... را فتح کرده است.

وفات

مردان الهی با رفتن از دنیا نمی میرند؛ بلکه تا ابد در یاد و خاطر آیندگان زنده اند و برکات آنان در ایام زندگیشان خلاصه نمی شود؛ بلکه پس از وفات نیز به واسطه‌ی تألیفات ارزشمند، شاگردان فاضل و اعمال صالحی که بر جای گذارده اند، منشأ بسیاری از عنایات الهی برای مردم هستند. مرحوم میرزا(قدس سره) در طول حیات خود، منشأ خدمات فراوانی شدند که به لطف پروردگار پس از ایشان شاگردان و فرزندان، ادامه دهندگان این راه پرفروغ بوده و خدمات ارزشمندی ارائه می نمایند، اما جای خالی يك عالم فرزانه را هیچ کس و هیچ چیز پر نمی کند. چراغ عمر مرحوم میرزا(قدس سره) پس از ۸۲ سال نورافشانی، در شب ۲۷ شوال سال (۱۴۲۷ هـ. ق) در شهر مقدّس قم خاموش گشت و جهان از فیض وجود این عالم گرانمایه محروم شد و در مسجد بالاسر حرم مطهّر حضرت معصومه(علیها السلام)، کنار قطعه‌ی بزرگان و مفاخر مذهب آرامید. راهش پر رهرو و یادش گرامی باد، آمین یا رب العالمین.

آخرین توصیه های استاد الفقهاء والمجتهدین

میرزا جواد تبریزی (قدس سره)

در بستر بیماری چند روز قبل از رحلت، در ایام

شهادت رئیس مذهب، حضرت امام صادق (علیه السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

ایام شهادت امام صادق (علیه السلام) در حالی فرا می رسد که من در بستر بیماری هستم؛ پس قلبم از اندوه پر شده و اشک هایم جاری است، از حزن بر مصائبی که بر آن امام بزرگوار (علیه السلام) وارد شده است، از محاصره و دستگیری آن حضرت (علیه السلام) از سوی عمال منصور و بردن آن بزرگوار با پای برهنه در حالی که حضرت عمامه بر سر نداشت، همان طور که جدّ بزرگوارشان، امیر المؤمنین (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام) را نیز به آن حال دستگیر کرده و به اجبار بردند، تا ترساندن عیالات آن حضرت و رعب و وحشتی که بر اهل بیت حضرت (علیه السلام) مستولی شده بود (همان طور که بر فرزندان امام حسین (علیه السلام) در کربلا مستولی بود) تا قطعه قطعه شدن قلب مبارک حضرت (علیه السلام) در اثر سم مُهَلْک، همان طور که قلب جدّ مظلومشان امام حسین (علیه السلام) با تیرها قطعه قطعه شده بود. پس از اعماق قلبم آرزو دارم که در احیای مراسم عزاداری جهت این فاجعه‌ی دردناک شریک باشم، و این امر باعث شده تا

برادران و فرزندان مؤمنم را مورد خطاب قرار داده و از آنها بخواهم که در احیای مراسم عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) و در ایام شادی و حزن آن بزرگواران و اقامه‌ی مجالس عزاداری برای مصائب اهل بیت (علیهم السلام) تلاش نمایند و ضمن برگزاری مجالس با عظمت و پر شکوه، آن را با امور موهن، از قبیل کف زدن و استعمال آلات موسیقی و مثل آن اموری که موجب اذیت اهل بیت (علیهم السلام) می شود، هتک ننموده و نیز در ترویج شعائر حسینی، به نحوی که بین طائفه‌ی برحق شیعه معروف است، و زنده نگه داشتن مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) در طول تاریخ و گذر زمان تلاش نمایند و برای کسانی که در این شعائر تشکیک کرده و در جهت تغییر، تبدیل یا محو آن تلاش می کنند، مجالی باقی نگذارند، که این شعائر، همان چیزی است که سیره‌ی علمای ابرار ما بر آن جاری است و شیعیان مخلص اهل ولاء در طول قرون متمادی بر آن مشی کرده اند و این خود به کار بستن دستورالعملی است که از حضرات معصومین (علیهم السلام) وارد شده است که فرموده اند: مَنْ تَدَكَّرَ مُصَابِنَا وَ بَكِيَ لِمَا ارْتَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ دُكِّرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَ أَبْكَى لَمْ تَبْكِ

عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعَيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرًا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ^۱، و نیز وارد شده است:

إِنَّ الْبُكَاءَ وَ الْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزِعَ مَا خَلَا الْبُكَاءَ وَ الْجَزَعَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) فَإِنَّهُ فِيهِ مَا جُورُ^۲.

همه‌ی مؤمنین می‌دانند که این جانب وقتی مشاهده نمودم که بعضی از اشخاص در صدد تشکیک در مسلمات طائفه‌ی برحق امامیه و عقاید برحق آنها هستند و می‌خواهند مظلومیت صدیقیه‌ی طاهره، حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) را مورد خدشه قرار دهند، به صورتی واضح و صریح و بدون ملاحظه و مجامله با هیچ شخص، هر کس که باشد، در صدد دفاع از مظلومیت بانوی بزرگوار اسلام و شفیعه‌ی روز جزا، فاطمه‌ی شهیده‌ی مظلومه (علیها السلام) و دفاع از حریم عقاید مذهب برآمدم و مؤمنین را نسبت به خطر این افکار پلید و تشکیکات مخرب آن مطلع ساختم و در این راه مصایب و اذیت‌هایی را از دور و نزدیک متحمل شدم؛ و لکن اینها ما را از ادامه‌ی راه فداکاری و دفاع از مذهب برحق جعفری باز نداشته و مانع نشده است. به این جهت، به برادران مؤمن، اهل ولایت و باغیرت تأکید می‌کنم که در مسیر دفاع از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و عقاید برحق آنها، استقامت داشته باشند و از کید دشمنان مذهب و

مکر تشکیک‌کنندگان و یاوه‌سرایان نترسند که شما به کمک حضرت حجت (علیه السلام) پیروز خواهید بود. به تبلیغات مادی و دنیایی آنها که غرضشان برگرداندن شما از وظیفه‌ی دفاع از مذهب حق است، ترتیب اثر نداده و به آن اعتنایی نکنید. همان‌طور که از علماء و فضلاء انتظار می‌رود که نهایت تلاش خود را در این راه مبارک به کار گیرند؛ هر چند راه سخت و دشوار است، چنانچه از معصومین (علیهم السلام) وارد شده است: **إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلَبَ مِنْهُ نُورَ الْإِيمَانِ^۳**. در نهایت به برادران مؤمن خود نسبت به ضرورت احیای این حادثه‌ی عظیم؛ یعنی زنده نگه داشتن شهادت رئیس مذهب، امام صادق (علیه السلام) تأکید می‌کنم و از آنها می‌خواهم که این مراسم را مانند ایام عاشورا و ایام فاطمیه، در این سال و همه‌ی سال‌ها جهت تحکیم ارکان مذهب جعفری و تجلیل از این امام بزرگ که حیات خود را در راه نجات ما از هر گونه گمراهی فدا کرد، زنده نگه دارند. از خداوند متعال مسئلت دارم که همه را برای خدمت به ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) موفق گرداند؛ **إِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ**.

۱- امالی صدوق، ص ۱۳۱؛ عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۶۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۲.

۲- کامل الزیارات، ص ۲۰۱، ح ۲۸۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۷؛ الفصول المهمة فی اصول الائمه، ج ۳، ص ۴۱۳.

۳- علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳۶؛ عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۰۳.

وصیت نامه

بسمه تعالی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ اَهْلِكْ اَعْدَاءَهُمْ

حال که بپیکر این جانب بر دستان شماست؛ بر دستان شاگردان عزیزم که سال ها برای موفقیت آنان تلاش کردم و هیچ گاه تعطیلی را احساس نکردم، ویا در قبر آرمیده است، این ناقابل نصیحتی دارم که در طول حیاتم سعی کرده ام قبل از آنکه نصیحتی متوجه کسی کنم، خود بدان عمل کرده باشم. بر تمام مؤمنین است که با دل و جان از مسلمات مذهب حق دفاع کنند و هیچ گاه اجازه ندهند بعضی با القای شبهه، عوام از مؤمنین را فریب دهند، به خصوص در مسایل شعائر حسینیّه که تشیع به واسطه‌ی آن زنده است، حفظ شعائر اهل بیت(علیهم السلام) حفظ مذهب برحق تشیع است. در آن کوتاهی نکنید که مسئول هستید. به طلاب عزیز نصیحت می‌کنم که با جدیت و تلاش، تقوای الهی را پیشه‌ی خود کنند و در امر تحصیل تلاش کنند و همواره رضای خدا را مدّ نظر داشته باشند. این جانب در طول دوران عمرم، طلبه‌ای بیش نبودم و مثل يك طلبه‌ی جوان شب و روز در امر تحصیل تلاش می‌کردم تا بتوانم خدمتی ناچیز داشته باشم و اثری از خود بر جای بگذارم که طلاب عزیز از آن استفاده کنند. عزیزانم! سگان هدایت مردم به دست شماست. کاری نکنید که دل امام زمان(علیه السلام) به درد آید. آن حضرت به اذن خداوند متعال ناظر بر اعمال ماست و در همین جا از پیشگاه مبارکشان می‌خواهم که اگر کوتاهی‌ای از سوی این جانب سر زده، بر من ببخشند، عزیزانم! به دعای خیر شما نیاز دارم. من چه در میان شما باشم یا نباشم، دلی به دنیا نبسته‌ام که در ادای وظیفه‌ی خود تردید کرده باشم، هنگامی که در میان شما بودم، خود را يك خادم كوچك حساب می‌کردم و امیدوارم این خدمت ناچیز، مورد رضایت اهل بیت(علیهم السلام) واقع شده باشد که رضای آنان رضای خداست. حال که در میان شما نیستم، به دعای خیر شما عزیزان محتاجم. در پایان بر حفظ شعائر تأکید می‌کنم و ضمن طلب دعای خیر، شما عزیزان را به خدای بزرگ می‌سپارم. وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ جَمِیْعًا وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ.

سند تبدیل فاطمیه به عاشورای دوم

با اقدام شجاعانه و به موقع آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره)، فاطمیه به عاشورای دیگر تبدیل شد. در نیمه‌ی دهه‌ی دوم قرن پانزدهم هجری؛ یعنی در روز سوم جمادی الثانی سال ۱۴۱۴ هـ.ق، برابر با سال ۱۳۷۴ هـ.ش، ایام فاطمیه، به همت فقیه مقدس میرزای تبریزی (قدس سره) به عاشورای دیگر تبدیل شد. ایشان با مشاهده‌ی تشکیکات در خصوص واقعه‌ی هجوم به خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) مجلس عزاداری روز شهادت حضرت (علیها السلام) را با پای برهنه و بر سوسینه زنان برگزار کردند و در تاریخ تشیع، اولین مرجعی بودند که با اقدام به این کار ضمن تحوّل در مراسم فاطمیه، آن را به عاشورای دیگر تبدیل کردند و این افتخار تا ابد در پرونده‌ی ایشان (قدس سره) ثبت شد و سال‌های بعد با الگوگیری از آن مرجع فاطمی، آن سنت حسنه ادامه یافت و امروز برگزاری فاطمیه و عظمت آن، مرهون تلاش و مواقف شجاعانه‌ی آن فقید راحل می باشد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

ولای اهل بیت (علیهم السلام)

فانی بودن مرحوم میرزا (قدس سره) در ولای اهل بیت (علیهم السلام)

فقیه اهل بیت، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) فانی در ولای اهل بیت (علیهم السلام) بودند؛ به نحوی که در هر جا فقط کلمه‌ی «اهل بیت (علیهم السلام)» را می شنیدند، خود به خود چهره‌ی شان دگرگون می شد، آهی می کشیدند و اشک در چشم مبارکشان حلقه می زد. شاگردان مرحوم میرزا (قدس سره) بارها مشاهده می کردند، هنگامی که مرحوم میرزا (قدس سره) در درس به روایتی می رسیدند که شمه‌ای از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) در آن بود، بغض گلوی ایشان را می گرفت و اشک در چشمشان حلقه می زد. گریه‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) در مجالس روضه زبازد بود، به طوری که هر بیننده‌ای را تحت تأثیر قرار می داد. دفاع مرحوم میرزا (قدس سره) از شعائر و ردّ شبهات تا آنجا پیش رفت که در قرن خود تحوّل عظیم ایجاد نمود. ایشان بارها می فرمودند: «وظیفه‌ی ماست که در مقابل شبهات ایستادگی نماییم.» مرحوم میرزا (قدس سره) در مجلس درس یا مجالس استفتاء و یا زمانی که با مردم و یا شخصیت‌ها دیدار داشتند به صورت کتبی یا شفاهی، شبهه را شجاعانه مطرح و رد می کردند و با تمام قدرت در مقابل تشکیکات ایستادگی می نمودند، بارها مشاهده شد که ایشان می گفتند: «قلم و کاغذ بیاورید تا به وظیفه‌ی خود عمل کنم!» و فقط به خاطر حبّ و اخلاص به اهل بیت (علیهم السلام) بدون هیچ ملاحظه‌ای می نوشتند، و با دفاعی عالمانه آتش فتنه را خاموش می کردند و همیشه می فرمودند: ما موظفیم که در عصر غیبت به هر شکل ممکن از مبانی حقّ دفاع کنیم و اجازه ندهیم عدّه‌ای با القای شبهات عوام از مؤمنین را فریب دهند و من تا زنده هستم، اجازه نمی دهم عدّه‌ای بی سواد و سر سپرده، جوانان محب اهل بیت (علیهم السلام) را فریب دهند. اگر کسی کوتاهی کند، فردای قیامت مسئول است و در آخرت حسرت خواهد خورد.

فاطمیه، عاشورایی دیگر

با اقدام مرحوم میرزا (قدس سره)

فاطمیه به عاشورای دیگری تبدیل شد

یکی از یادگاری های فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) تبدیل فاطمیه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (قدس سره) به عاشورای دیگر است. ابتدا مردم در شهرهای ایران نسبت به ایام فاطمیه بهای خاصی قایل نبودند و بیرون آمدن گروه های عزاداری و حرکت هیئات مرسوم نبود؛ بلکه فقط مجالس عزا برگزار می شد (آن هم محدود)؛ بعد از موضع گیری مرحوم میرزا (قدس سره) و ردّ شبهاتی که در خصوص قضیه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (قدس سره) وارد شده بود، فاطمیه رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و بعد از سخنرانی آتشی‌نی که مرحوم میرزا (قدس سره) در درس خارج فقه ایراد فرمودند. برای تثبیت فاطمیه و بیان اهمیت آن در روز شهادت حضرت (علیها السلام) با جمعی از فضلا، طلاب و مؤمنین با پای برهنه بر روی زمین داغ به سوی حرم حضرت معصومه (علیها السلام) حرکت کردند که از این حرکت، تمام هیئات و مراکز مذهبی الگو گرفتند و سال های بعد، هیئات برای عرض تسلیت به حضرت معصومه (علیها السلام) در روز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) بر سر و سینه زنان به طرف حرم مطهر روانه شدند و پایه های این تحوّل عظیم را مرحوم میرزا (قدس سره) بنا نهادند و با این حرکت عاشورایی موفق شدند فاطمیه را به عاشورای دیگر تبدیل کنند که این یادگار آن مخلص درگاه حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) بود و ایشان تا آخرین سال حیات خود، حتی سال آخر حیاتش علی رغم شدت بیماری، روز شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) برای عرض تسلیت به بی بی حضرت معصومه (علیها السلام) و عرض ادب به ساحت مقدّس حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) با پای برهنه بر روی زمین گرم از دفتر خود به سمت حرم مطهر روانه شدند و بر سر و سینه زنان و گریه کنان، مقداری از راه را پیاده حرکت کردند؛ ولیکن متأسفانه در نیمه‌ی راه حال ایشان یاری نکرد و نتوانستند پیاده به حرکت خود ادامه دهند و بقیه‌ی راه را با ماشین (همراه عزاداران) حرکت کردند و آن سال، مرحوم میرزا (قدس سره) حال و هوای خاصی داشتند و با خلوص تمام در ایام فاطمیه بی تابی می کردند. گویا می دانستند که آخرین فاطمیه‌ی عمر شریفشان است. هنوز اشک های خالصانه‌ی آن عالم ربانی که همچون باران بر گونه های مبارکشان جاری می شد، از ذهن ها پاک نشده و حرکت پا برهنه‌ی ایشان و سوزش پای مبارکشان که برای دفاع از بی بی دو عالم (علیها السلام) صورت می گرفت، در یادها زنده است. این عمل تاریخ ساز مرحوم میرزا، در آن برهه از زمان، نشان از نهایت عشق و علاقه‌ی مرحوم به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) به خصوص حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) دارد، آن حضرت که پیامبر گرامی اسلام در بیان فضیلت و منقبتش فرمود: «يَا سَلْمَانَ

مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِي»^۱ و چه حبی بالاتر از اینکه، این پیرمرد ولایی با پایی برهنه برای ابراز محبت خویش به ساحت مقدّس دخت نبی مکرم، بر جاده های تفدیده گام برداشته، به حرم دخترش، فاطمه‌ی معصومه آمده و او را تعزیت گوید و از مبغضین فاطمه (علیها السلام) که در قعر جهنم جا دارند، تبرّی جوید که سیّد الانبیاء (صلی الله علیه وآله) فرمود: «وَمَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ»^۲.

۴ و ۲- بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۱۶؛ مائة منقبة، ص ۱۳۷.

اخلاص و محبت به مقام شامخ اهل بیت (علیهم السلام)

میرزای تبریزی (قدس سره) و ادب در مقابل مقام شامخ اهل بیت (علیهم السلام)

يك از مواردی که در فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) به خصوص در هنگام تدریس بسیار محسوس بود، اینکه وقتی به نام مبارک ائمه (علیهم السلام) می رسیدند، اخلاص و محبت فوق العاده ای به مقام شامخ اهل بیت (علیهم السلام) ابراز می کردند. در هر مجلسی که ذکر اهل بیت (علیهم السلام) به میان می آمد، چشمانشان پر از اشک می شد و با اخلاص عرض ادب می کردند. اگر کسی در محضر ایشان می گفت، «امام علی (علیه السلام)»، ناراحت می شدند و می گفتند: «مثل سنّی ها صحبت نکنید! بگویید: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام).»

در حلقه‌ی درس وقتی به روایتی می رسیدند که ذکر از اهل بیت (علیهم السلام) می شد، صدا در گلو مبارکشان قطع می گردید، بغض کرده و اشک در چشمانشان حلقه می زد، به طوری که شاگردان مرحوم میرزا (قدس سره) تحت تأثیر قرار می گرفتند و اگر روایت، شمه ای از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) را در بر داشت، مرحوم میرزا (قدس سره) تحمل نکرده و چون ابر بهاری اشک می ریختند، گاهی طلاب را نصیحت می کردند و طریقه‌ی عرض ادب را عملاً به فضلا و طلاب یاد می دادند. این برخورد آن قدر جذاب بود که تأثیر عملی بر شاگردان می گذاشت. ایشان دوست داشتند طلاب در مقابل نام اهل بیت (علیهم السلام) با تواضع و فروتنی کامل، بهترین الفاظ و القاب را به کار ببرند و با عرض ادب و اخلاص، ارادت خود را به آن خاندان ابراز نموده و در مقابل آن بزرگواران خود را هیچ حساب نکنند و درصدد آن باشند که همواره از مقام شامخ اهل بیت (علیهم السلام) دفاع کنند و به مردم یاد دهند که شأن و منزلت اهل بیت (علیهم السلام) به حدّی است که رضای خدا تحقق نمی یابد، مگر با رضایت آنان و همواره دعا می کردند که اهل بیت (علیهم السلام) تفضّل کرده و عنایتی نمایند. ایشان واقعاً محب اهل بیت (علیهم السلام) بودند و آتش عشق به ولای ائمه اطهار (علیهم السلام) از تمام وجودش شراره می کشید، تا این عشق و علاقه در هفت موطن سخت به فریادش برسد که صادق آل محمد (صلی الله علیه وآله) فرمود: «إِنَّ حُبَّنا أَهْلَ الْبَيْتِ لَيُنْتَفَعُ بِهِ فِي سَبْعِ مَوَاطِنَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ عِنْدَ الْقَبْرِ وَ يَوْمَ الْحَشْرِ وَ عِنْدَ الْحَوْضِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ»^۱ به راستی ایشان با سیل قطرات اشکش به ما یاد داد که اگر می خواهید شافعین روز جزا در این مواقع هولناک به فریادتان برسند، به ریسمان حب آل الله (علیهم السلام) چنگ بزنید .

بیت(علیه السلام) که اکنون در سایه سار عنایات خاندان اهل بیت(علیهم السلام) در اعلی درجه فردوس برین
بر سر خوان نعیم با لبی خندان نشسته است.

مقام اهل بیت (علیهم السلام) با کسی قابل قیاس نیست

مرحوم میرزا (قدس سره) و عظمت مجلس اهل بیت (علیهم السلام)

از جمله مواردی که فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) به آن بسیار حساس بود و اجازه نمی داد کسی عمداً در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) یا مجالس عام آن را ذکر کند، نام خود مرحوم میرزا (قدس سره) بود. ایشان می فرمود: مقام اهل بیت (علیهم السلام) با کسی قابل قیاس نیست، از این رو نباید در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) نام اشخاص، با نام مقدّس ائمه (علیهم السلام) ذکر شود. ایشان اگر می دید شخص منبری از اشخاصی تمجید کرده و از آن ها نام می برد به شدت ناراحت می شد و می فرمود: به این منبری تذکر دهید که فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را بگوید؛ اگر علما هم کاری کرده اند به عشق و علاقه ای اهل بیت (علیهم السلام) است و اجری نمی خواهند مگر رضای آن ها، بارها پیش آمد که در مجلسی نام ایشان برده می شد، اما مرحوم میرزا (قدس سره) با حالتی غضبناک با دست خود ناراحتی خویش را ابراز می کردند و می فرمودند: «به این خطیب تذکر دهید!»

خطیب شهیر، حجت الاسلام شیخ مصطفی منصوری می گوید: خدمت مرحوم میرزا (قدس سره) رسیدیم و گفتیم می خواهیم بر بالای منبر برای شما دعا کنم. ایشان فرمودند: «خیر! نیاز نیست، در منبر از فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) بگو که سید الانبیاء (صلی الله علیه وآله) در منقبت آن حضرت فرمود: «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا قَبِلَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ صَلَاتَهُ وَ صِيَامَهُ وَ قِيَامَهُ وَ اسْتَجَابَ دُعَاؤَهُ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ عِرْقٍ فِي بَدَنِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ آلَ مُحَمَّدٍ أَمِنَ مِنَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ الصِّرَاطِ...»^{۱۰} و از فضایل فاطمه زهرا (علیها السلام) بگو که خیر الانام در موردش خطاب به سلمان فرمود: «يَا سَلْمَانَ حُبُّ فَاطِمَةَ (علیها السلام) يَنْفَعُ فِي مِائَةِ مَوْطِنٍ أَيْسَرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَ الْقَبْرُ وَ الْمِيزَانُ وَ الْمَحْشَرُ وَ الصِّرَاطُ وَ الْمُحَاسِبَةُ فَمَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ رَضِيَتْ عَنْهُ، وَ...»^{۱۱} و از سید شباب اهل الجنة بگو که اشرف مخلوقات (صلی الله علیه وآله) در مورد عظمتش فرمود: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا»^{۱۲} و... ذکر به میان بیاور و از فضایل آنان بگو.» از این رو در زمان حیات مرحوم میرزا (قدس سره) هنگامی که مجلس عزا در محضر ایشان بر پا می شد، خطبا می دانستند ایشان (قدس سره) راضی نیست نامشان در منبر برده شود.

۱۰- کشف الغمه، ج ۱، ص ۱۰۲؛ شرح احقاق الحق، ج ۷، ص ۱۶۱.

۱۱- مائة منقبة، ص ۱۲۷، منقبة ۶۱؛ ینابیع المودة، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۹۷۰.

۱۲- سبل الهدی والرشاد، ج ۹، ص ۳۷۰؛ ترجمة الامام الحسين (علیه السلام)، ابن عساکر، ص ۱۲۰؛ شرح احقاق الحق، ج ۳۳،

اقامه‌ی مجلس عزرا بر خاندان اهل بیت (علیهم السلام)

علاقه‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) به مجلس روضه

معروف بود وقتی که فقیه اهل بیت، میرزای تبریزی (قدس سره) در مجلس روضه حاضر می شدند به شدت گریه می کردند؛ به طوری که تأثیر عجیبی بر حاضرین در آن مجلس می گذاشت و طلاب، به خصوص طلاب جوان غرق در چهره‌ی نورانی این فقیه می شدند که چگونه در مصایب اهل بیت (علیهم السلام) همچون ابر بهاری اشک می ریزند. و این جای تعجب ندارد که دلسوخته‌ای در فراق محبوبش نه تنها اشک، بلکه خون بگرید، محبوبی که نه تنها در قلب آدمیان عاشق، بلکه در قلب تمام مخلوقات عالم هستی جایی به خود اختصاص داده، به وسعت آسمان‌ها که حتی جن و انس، دیو و دد بر حسین (علیه السلام) می‌گریند، این نه صرف ادعاست که شیخ الائمه، رئیس مذهب فرمود: «بَكَتِ الْأَنْسُ وَالْجِنُّ وَالطَّيْرُ وَالْوَحْشُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیه السلام) حَتَّى دَرَفَتْ^{۱۳} دُمُوعُهَا»^{۱۴}.

مرحوم میرزا (قدس سره) با توجه به عشق و علاقه به گریه کردن در

مصایب خاندان ختم الرسل (صلی الله علیه وآله)، همیشه به فرزند خود می فرمودند: به منبری‌ها بگویید بیشتر روضه بخوانند. ایشان عاشق روضه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) بودند و با کمال تواضع با آن دستمال سیاهی که وصیت کرده بود در قبر همراهشان دفن شود، اشک‌های خود را پاک می کردند و با آن حالت ملکوتی، فانی در حب اهل بیت (علیهم السلام) می شدند و در مظلومیت آنان به شدت اشک می ریختند و علاوه بر آنکه خود گریه شدید می کردند توجه داشتند که حاضرین هم حالت بکاء به خود بگیرند و اگر مشاهده می کردند کسی بی تفاوت نشسته است یا خود تذکر می دادند یا به دیگران اشاره می کردند که تذکر دهید، دوست داشتند مجلس روضه به طول انجامد و هر پنج شنبه صبح‌ها مجلس عزرا در دفتر اقامه می کردند و خود عاشقانه در آن شرکت می کردند و به مقام والای اهل بیت (علیهم السلام) عرض ادب داشتند.

۱۳- ذرفت: ای سالت.

۱۴- کامل الزیارات، ص ۱۶۵، ح ۲۱۲.

حزن در مصایب اهل بیت (علیهم السلام)

میرزای تبریزی (علیهم السلام) و عنایت خاص به روضه

نشان عشق، اشک شفق آلود عاشق است در حلقه‌ی ذکر و یاد محبوب، و این پیر ولایی، مرحوم تبریزی (قدس سره) چه با شکوه در مجلس روضه، بی تاب می شد و به شدت می گریست. طلاب جوان با مشاهده‌ی گریه‌ی مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) سخت تحت تأثیر قرار گرفته و به یاد بکائین ثمانیه می افتادند که «و رَأْسُ الْبُكَاءِ بَيْنَ ثَمَانِيَّةٍ: أَدَمُ وَ نُوحٌ وَ يَعْقُوبُ وَ يُوسُفُ وَ شُعَيْبٌ وَ دَاوُدُ وَ فَاطِمَةُ وَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (علیه السلام)»^{۱۵} آدم (علیه السلام) در فراق جنة المأوى و یعقوب (علیه السلام) در فراق یوسف (علیه السلام)، و یوسف (علیه السلام) در فراق پدر و فاطمه زهرا (علیها السلام) در فراق پدر بزرگوارشان و سید الساجدین (علیه السلام) در مصیبت پدرش سیدالشهداء (علیه السلام); چگونه با خون دل و سوز و گداز می گریستند و اکنون مرحوم میرزا (قدس سره) در امتداد راه آنان با سیل اشک به دیگران درس خودسازی می دادند و همیشه به افراد می فرمودند: به منبری ها بگویید زیاد روضه بخوانند و گاهی خود تذکر می دادند که ذکر اهل بیت (علیهم السلام) در مجالس زیاد شود تا قلب زنگار گرفته‌ی ما در غم مصایب سیدالشهداء (علیه السلام) سوخته و باران رحمت حسینی از دیدگانمان بر شعله های آتش جهنم باریده و آن را

بسان آتش ابراهیمی خاموش کند، چرا که امام صادق (علیه السلام) خطاب به مسمع در روایتی طولانی فرمود: «... وَ مَا بَكَى أَحَدٌ رَحْمَةً لَّنَا وَ لِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحِمَهُ اللَّهُ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ فَإِذَا سَأَلَتْ دُمُوعُهُ عَلَى خَدِّهِ فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَاطْفَأَتْ حَرَّهَا وَ...»^{۱۶}.

ایشان عاشق روضه خواندن بر اهل بیت (علیهم السلام) بودند و با کمال تواضع با آن دستمال سیاهی که وصیت کرده بودند در کفنشان گذاشته شود، اشک های خود را پاک می کرد. ایشان با آن حالت ملکوتی، در مجلس روضه حاضر می شدند و فانی در حب اهل بیت (علیهم السلام) می گردیدند.

هرکسی ایشان را مشاهده می کرد، تحت تأثیر سیمای ملکوتی وی قرار می گرفت و نورانیت خاصی در چهره‌ی مبارکشان نمایان می شد. ایشان نسبت به عزاداری و حفظ شعائر دایماً توصیه می کردند و به جوانان می گفتند: به حبل متین اهل بیت (علیهم السلام) چنگ بزنید که آن بزرگواران «سفينة النجاة»^{۱۷} هستند.

۱۵- مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۱۰۴.

۱۶- کامل الزیارات، ص ۲۰۳، ح ۲۹۱.

۱۷- عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۶۲؛ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲۶۰؛ روضة الواعظین، ص ۱۵۷؛ ینابیع المودة، ج ۲، ص ۳۱۶ و ج ۳، ص ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۴۲.

هرکس در خصوص شعاثر و معتقدات مسلم، شبهه ای القاء می کرد پاسخگوی او می شدند و اجازه نمی دادند کسی به خود جرأت دهد، حرف های شبهه ناک بزند و معتقدات را زیر سؤال ببرد.

لحظات شیرین و معنوی

میرزای تبریزی (قدس سره) و بهترین لحظات زندگی

از فرزند فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) سؤال شد که بهترین لحظه‌ی زندگی آقا (قدس سره) در چه زمان و کدام مکان بوده است؟

فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می‌گوید: لحظه‌ای که آقا (قدس سره) در مجلس عزای اهل بیت (علیهم السلام) نشسته و در حال گوش دادن به روضه باشند و حلاوت معنویت آن لحظه‌ای است که منبری متعرّض به مصیبت می‌شود، و لحظه‌ی بسیار پر معنویت و آرامش دهنده است. ایشان با نشستن در مجالس عزاء در پی احیاء مظلومیت اصفیاء الله^{۱۸} بود تا قلب مبارکش همیشه زنده باشد و در عشق ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) در تب و تاب، که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ»^{۱۹} و مورد دیگر که حلاوت معنوی برای مرحوم میرزا (قدس سره) داشت آن لحظه‌ای بود که ایشان در حال مطالعه یا تدریس بودند. مرحوم میرزا (قدس سره) در مجلس عزاء واقعاً بی‌تاب می‌شد و بارها به اطرافیان می‌فرمودند: به منبری بگوئید زیاد مصیبت بخواند و خود مرحوم میرزا (قدس سره) هنگام روضه مانند ابر بهاری

اشک می‌ریخت و با دستمال سیاهی که مختص پاک کردن اشک هایشان بود، صورت نورانی خود را پاک می‌کردند؛ به خصوص در مجالس بی‌بی، حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)، حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) و حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) بی‌تاب می‌شدند و به گونه‌ای ابراز ارادت می‌کرد که هر بیننده‌ای را شیفته می‌نمود، از این رو آن مرحوم (قدس سره) می‌فرمودند: بهترین لحظات زندگی من آن وقتی است که منبری مشغول به ذکر مصیبت می‌شود. «إِنَّ ذِكْرَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (علیهم السلام) شِفَاءٌ لِلصُّدُورِ وَ جَعَلَ الصَّلَوَاتِ عَلَيْنَا مَاحِيَةً لِلْأَوْزَارِ وَ الذُّنُوبِ وَ مَطَهَّرَةً مِنَ الْعُيُوبِ وَ مُضَاعِفَةً لِلْحَسَنَاتِ»^{۲۰} ایشان در زمان حیاتشان هر پنجشنبه، مجلس روضه منعقد می‌کردند و خود نیز مانند سایر مردم می‌نشستند و اشک می‌ریختند و بعد از روضه مشاهده می‌شد آن قدر اشک ریخته‌اند که چشم هایشان از شدت گریه سرخ شده است. وقتی امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: کسی که به اندازه‌ی بال مگسی در مصیبت حسین (علیه السلام) بگرید، مورد غفران و رحمت الهی قرار می‌گیرد^{۲۱}، پس خوشا به سعادت این پیر دل‌عاشق، که عمری در داغ عزای ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) چنان گریست که بعد از ارتحالش هنوز جریان اشک هایش در خاطرات زنده است.

۱۸- کامل الزیارات، ص ۵۲۶، ح ۸۰۵ .

۱۹- مشکاة الانوار، ص ۴۴۹؛ امالی شیخ صدوق، ص ۱۳۱ .

۲۰- بحار الانوار، ج ۱۰۸، ص ۳۷۱ .

۲۱- قال ابا عبدالله (علیه السلام): «مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ الذُّبَابِ غُفِرَ لَهُ ذُنُوبُهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ».

(کامل الزیارات، ص ۲۰۷، ح ۲۹۳)

ذکر مصایب اهل بیت (علیهم السلام)

علاقه را در قلب مردم بیشتر می کند

میرزای تبریزی (قدس سره) و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام)

همه ساله در نیمه‌ی شعبان عده‌ای از طلاب ضمن برگزاری مجلس جشن به مناسبت ولادت باسعادت امام زمان (علیه السلام) در مسجد امام حسن عسکری (قم)، یک روز معتکف شده و برنامه‌های متنوع و بامعنوی‌تری دارند، چند سالی بود که جهت اقامه‌ی نماز صبح روز میلاد حجت بن الحسن العسکری (علیه السلام) از فقیه مقدّس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) دعوت می‌کردند. چند روز قبل از نیمه‌ی شعبان سال ۱۳۸۴ (سال آخر حیات مرجع) یکی از عزیزانی که مسئول برنامه‌ی احیای شب نیمه‌ی شعبان بود به دفتر تشریف آوردند و گفتند: می‌خواهیم ضمن اینکه مرحوم میرزا (قدس سره) توجهی به این مجلس داشته باشند، نماز صبح را هم اقامه کنند. ایشان بعد از حاضر شدن در محضر مرحوم میرزا (قدس سره)، درخواست خود را بیان کردند.

مرحوم میرزا (قدس سره) ضمن تشویق این گروه به این کار عظیم و مسئله‌ی جشن و اعتکاف در مسجد، فرمودند: من برای نماز حاضر می‌شوم و کمک هم می‌کنم که ان شاء الله این مجلس با عظمت برگزار شود؛ البته به شرطی آنکه در مراسم، روضه‌ی حضرت صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) نیز خوانده شود. آن گاه اشک در چشم مبارکشان حلقه زد و در حالی که صدا در گلوی ایشان به لرزه درآمد، فرمودند: روضه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) را بخوانید. آن گاه فرمودند: شاید سؤال کنید که چرا در روز جشن، روضه بخوانیم؟! سپس خودشان در پاسخ فرمودند: زیرا آن قدر به اهل بیت (علیهم السلام) ظلم شد که معاندین روز خوشی را برای ما نگذاشتند، تصور آن صحنه‌ها و آن ظلم‌ها انسان را بی‌تاب می‌کند که آن حضرت در آخرین وصیتش به امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: «أَوْصِيكَ أَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدٌ جَنَازَتِي مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ ظَلَمُونِي وَ أَخَذُوا حَقِّي فَإِنَّهُمْ عَدُوِّي وَ عَدُوُّ رَسُوْلِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) وَ لَا تَتْرُكْ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ وَ لَا مِنْ أَتْبَاعِهِمْ وَ ادْفِنِّي فِي اللَّيْلِ إِذَا هَدَأَتِ الْعُيُونُ وَ نَامَتِ الْأَبْصَارُ»^{۲۲}.

امید است با توسل در چنین مجالسی، امام عصر (علیه السلام) عنایتی بفرماید و خداوند تفضلی کند که شیعه دلشاد شود.

تمام وقت خود را صرف ترویج مذهب

اهل بیت(علیهم السلام) نمایید

میرزای تبریزی(قدس سره) و نصیحت به مبلغین

حجت الاسلام والمسلمین شیخ سعید سواری می گوید: علاقه‌ی خاصی بین من و مرحوم میرزا (قدس سره) ایجاد شده بود و سال‌ها با ذوق و شوق در درس مرحوم میرزا(قدس سره) شرکت نموده و از وجود ایشان استفاده‌ی فراوان می کردم، گاهی اوقات بعد از درس خدمت ایشان می رسیدم و اشکالات خود را مطرح می کردم، آن قدر شیفته‌ی این مرد الهی بودم که تصمیم گرفتم یک روز بعد از درس از ایشان طلب دعا کنم و بگویم: آقا من به شما خیلی علاقه دارم، یک روز بعد از درس خدمتشان رسیدم و ضمن طلب دعا گفتم: آقا من به شما خیلی علاقه دارم، ایشان لبخندی زد و گفت: شیخنا من هم تو را دوست دارم، خدا تو را موفق کند. قبل از رفتن به تبلیغ تصمیم گرفتم خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) برسم تا مرا نصیحت کند، خدمت ایشان رسیدم و گفتم: آقا من در حال سفر، برای تبلیغ هستم، چه می فرمایید؟ استاد بزرگوار(قدس سره) دست مرا گرفت و با حالتی بسیار معنوی که حاکی از ولای سرشار مرحوم میرزا(قدس سره) بود گفت: شیخنا تمام توان خود را در جهت نشر معارف، فضایل و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) به کار ببر و فقط در

این موارد مردم را ارشاد نما و ضمن تذکر نکات اخلاقی از طرح مطالب دیگر خودداری کن و با طرح اخلاق، کردار و معارف اهل بیت(علیهم السلام)، ضمن راهنمایی مردم از مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام)، به آنان از غربت آقا امیرالمؤمنین(علیه السلام) بگو که در نهایت مظلومیت فرمود: «أَغْضَيْتُ عَلَى الْقَدَى وَ شَرِبْتُ عَلَى الشَّجَا وَ صَبَرْتُ عَلَى أَخْذِ الْكُظْمِ وَ عَلَى أَمْرٍ مِنْ طَعْمِ الْعُلُقَمِ»^{۲۳} چشم پر از خار و خاشاک را ناچار فرو بستم، و با گلویی که استخوان شکسته در آن گیر کرده بود، جام تلخ حوادث را نوشیدم و خشم خویش را فرو خوردم و بر خوردن چیزی تلخ تر از گیاه حنظل شکیبایی نمودم.

از به آتش کشیدن خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) بگو که: «وَ إِشْعَالَ النَّارِ عَلَى بَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ(علیه السلام) لِأَخْرَاقِهِمْ بِهَا وَ ضَرْبَ يَدِ الصَّديقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِالسَّوْطِ وَ رَفْسَ بَطْنِهَا وَ إِسْقَاطَهَا مُحَسَّنًا»^{۲۴}، «وَ كَانَ سَبَبُ وَقَاتِهَا أَنْ فُتِنُوا مَوْلَى عَمَرَ لَكَرَّهَا بِنَعْلِ السَّيْفِ بِأَمْرِهِ فَأَسْقَطَتْ مُحَسَّنًا وَ مَرَضَتْ مِنْ ذَلِكَ مَرَضًا شَدِيدًا»^{۲۵}.

۲۳- نهج البلاغه، ص ۵۰، نامه ۲۶.

۲۴- بحار الأنوار ج ۵۳، ص: ۱۴.

۲۵- بحار الأنوار ج ۴۳، ص: ۱۷۰.

از داغ گران ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) بگو که ارض و سماء در ماتم آن حضرت اشک ریختند
چنانچه امام جعفر صادق(علیه السلام) فرمود: «إِنَّ
الْحُسَيْنَ(علیه السلام) بَكَى لِقَتْلِهِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ أَحْمَرَّتَا وَ لَمْ تَبْكِيَا عَلَيَّ أَحَدٌ قَطُّ إِلَّا عَلَيَّ يَحْيَى بِنِ
زَكَرِيَّا وَ الْحُسَيْنِ بِنِ عَلِي(علیه السلام)»^{۲۶}.

شیخ سعید سواری می گوید: آن قدر مرحوم میرزا(قدس سره) این کلمات را با اخلاص و محبت به
اهل بیت(علیهم السلام) تذکر می داد که من مبهوت در کلماتی بودم که از اعماق وجود اداء می شد، واقعاً
مرحوم میرزا(قدس سره) استادی بود به تمام معنا، فقدان ایشان ضایعه‌ی بزرگ بر جهان تشیع بود که
علی رغم گذشت چند سال از رحلت ایشان هنوز شاگردان ایشان(قدس سره) در حسرت غم فراقش
می سوزند.

ارادت به خاندان عصمت و طهارت(علیهم السلام)

مرحوم میرزا(قدس سره) و اخلاص به درگاه اهل بیت(علیهم السلام)

فقیه مقدّس، میرزای تبریزی(قدس سره) در مقابل تشکیکات و انحرافات اعتقادی به شدت ایستادگی می کردند و در طول اقامت در قم و تصدی مرجعیّت، هیچ گاه اجازه ندادند عده ای جاهل سر سپرده، مؤمنین را فریب دهند. هرگاه می گفتند: فلان حرف انحرافی در حوزه مطرح شده است، می فرمودند: «این ها چه لقمه ای خورده اند که آن قدر بی تقوا شده اند!» ایشان با تمام وجود در عشق دفاع از اهل بیت(علیهم السلام) می سوخت و در مقابل تشکیکات مذهب شجاعانه می ایستاد، بدون ملاحظه‌ی هر مصلحتی، در مقابل این انحرافات ایستادگی می کرد تا به حدّی که حاضر بودند تمام هستی خود را در این راه فدا نمایند.

بعضی از شاگردان مرحوم میرزا(قدس سره) می گویند: ما سال ها از محضر ایشان استفاده کردیم، مجلس ایشان مملو از ارادت و اخلاص به خاندان عصمت و طهارت(علیهم السلام) بود و هرگاه در مجلس ایشان حاضر می شدیم روح و لا را حس می کردیم، در مجلسشان یا مسایل علمی مطرح می شد یا سخن از فضایل، مناقب و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) و دفاع از کیان تشیع بود. هیچ گاه مشاهده نشد که مرحوم میرزا(قدس سره) در مورد کسی صحبت کنند که آن شخص در مجلس حضور نداشتند، و این جای تعجب ندارد؛ زیرا ایشان عامل به فرامین اهل بیت(علیهم السلام) بود که در این مورد امام صادق(علیه السلام) به نقل از رسول گرامی اسلام فرمود: «الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ».^{۲۷}

آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند

خداوند آنان را محبوب می کند

مرحوم میرزا(قدس سره) و محبت ایشان در قلوب مؤمنین

خطیب شهیر، حجت الاسلام والمسلمین آل طاها در مجلس ختم فقیه مقدّس، میرزای تبریزی(قدس سره) را این گونه معرفی کردند:

میرزای تبریزی(قدس سره) مصداق بارز و اتم آیهی شریفهی «۹۵»، سورهی مریم بودند: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا) همانا آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند، خدای رحمان، آن ها را محبوب می گرداند.

میرزای تبریزی(قدس سره) در قلوب کسانی که ایشان را می شناختند واقعاً محبوب بود، علّت آن، رفتار و منش عالی و منحصر به فرد ایشان بود. مرحوم میرزا(قدس سره) علاوه بر جهات علمی که به استوانه‌ی حوزه معروف بودند، دارای صفاتی بودند که متدینین از آن الگو می گرفتند و به وجود ایشان دلگرم بودند.

خداوند متعال عزتی به این مرجع عالی قدر داده بود که تشییع جنازه‌ی ایشان گویای آن عظمت بود. میرزای تبریزی(قدس سره) علاوه بر تلاش برای نشر معارف و علوم اهل بیت(علیهم السلام) در ولای آنان می سوختند و تا زنده بودند، اجازه نمی دادند کسی شبیه‌ای را عمداً مطرح کند؛ اگر کسی شبیه‌ای را مطرح می کرد، ایشان سریع موضع می گرفتند و شبیه را بدون جواب نمی گذاشتند. امروز فقدان آن عالم ربانی به وضوح مشهود است و هنوز آن حرکت الهی در ایام شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) بر روی زمین گرم با پای برهنه، در یادها زنده است و اثر خود را دارد. با موضع صریح و شجاعانه‌ای که داشتند یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های علمی و مدافع حریم اهل بیت(علیهم السلام) در دوران خود شده بودند؛ هم در معارف آل محمد(صلی الله علیه وآله) شبانه روز تلاش می کرد و هم در ولایت و محبت اهل بیت(علیهم السلام) می سوختند. ایشان در طول مرجعیّت با برکت خویش انقلابی در میان ارادتمندان اهل بیت(علیهم السلام) ایجاد نمودند. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

تقویت مذهب ووظیفه‌ی علمای شیعه

میرزای تبریزی (قدس سره) و تقویت مذهب

تاریخ در مقاطع مختلف در هر زمان حکایاتی را از بزرگان ثبت کرده است که نقل آن وقایع حاکی از اهمیت آن عمل است؛ عظمتی که قلم از ثبت آن عاجز است، عصری که این بزرگان سپری نمودند، ضمن ثبت در تاریخ، منشور سعادت بشری گردید. آنان که در شرایط بسیار حساس با تحمل تمام مشکلات، ایستادگی نمودند و با سلاح علم و عمل در دفاع از حق، از هیچ چیز دریغ ننمودند. هرچند حکماء جور به مخلصین درگاه ولایت اجازه ندادند که آزادانه مفسر و مبیین حقایق باشند، لکن با استفاده از فرصت‌های محدود پیش آمده به هر نحو ممکن به دنبال متوجه کردن افراد بودند. چون پدرانی مهربان و دلسوز، پا به میدان گذاشته و با قاطعیت، هرچه در توان داشتند خالصانه، در طبق وجود گذاشتند، آنان به دنبال مزد و پاداش نبودند، بلکه می‌خواستند، عمل به وظیفه خود کرده باشند که توانستند با مواقف شجاعانه، نقشه‌های شوم را که می‌خواست مسیر حق را تغییر دهد، نقش بر آب کنند.

این سؤال باقی است که چرا بعضی خود را، از ما (پیروان مکتب اهل بیت) می‌دانند، لکن در گودال منحرفین افتاده و هر چند بار بانگ نامردی سر می‌دهند (در همین مقطع، ای خواننده‌ی محترم سجده‌ی شکر به جای آور که خداوند به تو این توفیق را داده که حقیقت را بیایی و به دور از القاءات شیطان، حافظ شعائر الهی باشی).

آنان که شعائر الهی را مورد هجوم قرار می‌دهند و هرچند گاه شبهه‌ای می‌افکنند و با طرح شبهات واهی، روزی می‌گویند: در زمان حضرت صدیقه‌ی شهیده (علیها السلام) درب خانه نبوده که واقعه‌ی دار ثابت شود، بلکه پرده بوده است. روز دیگر زیارت عاشوراء را زیر سؤال می‌برند. و روزی به حدیث کساء هجوم می‌برند و... اینان از رحمت الهی بدورند و عمق این فاجعه را درک نکرده و نمی‌کنند، چون که به محبت واقعی اهل بیت (علیهم السلام) نرسیده‌اند و با کلام و برداشت ناقص خود می‌خواهند، دیگران را از این نعمت الهی محروم سازند. لکن غافلند که «**لَلْكَعْبَةِ رَبِّ يَحْمِيهِ**».

یکی از کسانی که تحوّل عظیم در حوزه ایجاد نمود و شاگردانی فاضل و متدین تربیت نمود و در جهت تقویت مذهب و دفاع از کیان تشیع و شعائر الهی به خصوص اثبات مصایب صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) تلاش فراوان نمود، و تمام مشکلات و مصایب را تحمل کرد، مرحوم فقیه مقدّس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) است، آن پیر و لاء که تمام هستی خود را در این راه فدا نمود و در طول حیات پربرکت خود اجازه نداد، عده‌ای با برداشت غلط بخواهند عقاید باطل خود را در جامعه منتشر سازند. آن شخصیت عظیم الشان که با تلاش فراوان ابتدا نیمه شب در ساحت پروردگار

سجده‌ی بندگی می سائید و بعد در حرم کریمه‌ی اهل بیت فاطمه‌ی معصومه (علیها السلام) حاضر می شد و عرض ادب می کرد و در آن مکان شریف به راز و نیاز می پرداخت و از اهل بیت (علیهم السلام) مدد می جست، بارها می فرمودند: من طلبه‌ی ای بیش نیستم. آنگاه بر کرسی درس و استفتاء قرار می گرفت و هر آنچه در تقویت مذهب و حوزه‌ی علمیه و کیان تشیع ممکن بود، انجام می داد، خالصانه از معتقدات و ضروریات مذهب دفاع می کرد، هنگامی که قلم به دست می گرفت جز رضای پروردگار و اهل بیت (علیهم السلام) چیز دیگری مدّ نظر نداشت، هر آنچه را جهت تقویت مذهب صلاح می دید بر کاغذی می آورد، شبیهه را در دم خفه می کرد. هنگامی که مشاهده می کرد به بعضی از مسلمات هجوم شده، شجاعانه وارد میدان می شد، همان تلاش‌ها موجب پرورش فضلاء و تحوّل فاطمیّه شد که آن تحوّل فاطمیّه را به عاشورای دیگر تبدیل کرد.

اهتمام به مسایل اعتقادی

میرزای تبریزی (قدس سره) و اهمیت به مسایل اعتقادی

مرحوم میرزا (قدس سره) به مسایل اعتقادی اهمیت خاصی می دادند به خصوص وقتی که هجمه و تشکیکات شروع شد. ایشان هر سؤالی را که احساس می کردند لازم است جواب داده شود تا جلوی القای شبهات گرفته شود، پاسخ می دادند و می فرمودند: این زمان باید به عقاید مهمیتی خاص داد و مسایل اعتقادی نیز باید با دقت جواب داده شود. زمان، زمان فتنه است و عدّه ای با هجمه به معتقدات می خواهند، آن ها را کمرنگ نشان دهند. ایشان به مسایل اعتقادی بهای خاصی می دادند و سعی داشتند که هر سؤال حساسی را بی پاسخ نگذارند ثمره‌ی آن همه تلاش و پاسخگویی، کتب عقایدی همچون «الأنوار الالهية» و «ظلمات فاطمة الزهرا (عليها السلام)»، «الشعائر الحسينية»، «امير المؤمنين على بن ابي طالب (عليه السلام)»، «بضعة المصطفى فاطمه الزهراء (عليها السلام)»، «نفی السهو عن النبی»، «النصوص الصحيحة على الائمة اثني عشرية»، «لبس السواد»، «زيارة عاشوراء فوق الشبهات»، «فدک» و... می باشد، که کثرت استفتاءات عقایدی ایشان در ردّ شبهات، سند محکمی است برای دفاع از مبانی بر حقّ تشیع که گره گشای بسیاری از شبهات مطرح شده در جامعه می باشد.

توسّل به اهل بیت (علیهم السلام)

میرزای تبریزی (قدس سره) و توسّل قبل از شروع درس

یکی از صفات فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) این بود که سعی می کردند در تمام حرکات و سکنات خود پیامی را به سایرین، به خصوص طلاب جوان برسانند. در کارهایی که در انظار مردم انجام می دادند بسیار حساب شده و جهت دار عمل می کردند؛ قبل از شروع درس در «مسجد اعظم» قم، بعد از ورود به مسجد دو رکعت نماز می خواندند و سپس دست های خود را به سوی آسمان بلند کرده و دعا می کردند، آن گاه جهت درس به طرف منبر حرکت می کردند. این کار در روحیهی طلاب بسیار اثر کرده بود و مشاهده می کردند که این مرجع با آن علم سرشار و موقعیت خاص، قبل از درس در مقابل پروردگار خود چنین تواضع نموده و تضرّع می کند، این صفت که نهایت بندگی را در آستان قدس ربوبی متجلی می سازد، اسباب تقرب به بارگاه سرمدی را در وجود آدمی فراهم می کند تا ایشان گوی سبقت از ملائک گرفته و پای به مکان لامکانی نهد که (قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى) ^{۲۸} باشد.

از این رو خداوند رحمان تواضع را سگویی عروج آدمی از فرش به عرش تلقی نمود که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «فِيَمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ (عليه السلام) يَا دَاوُدُ كَمَا أَنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَوَاضِعُونَ كَذَلِكَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَكَبِّرُونَ» ^{۲۹} ایشان می خواستند به همه بفهمانند که هر کس می خواهند، باشند، يك انسان متدین باید در تمام کارها متواضع بوده و به خدا پناه ببرد و به اهل بیت (علیهم السلام) توسّل کرده و از آنان مدد بجوید.

۲۸- سورهی نجم، آیهی ۹ .

۲۹- الکافی، ج ۲، ص ۱۲۳، ح ۱۱ .

لزوم توجه به عقاید شیعه

میرزای تبریزی (قدس سره) و توجه به عقاید

به مناسبت های مختلف عده‌ی بسیاری از جوانان مؤمن و متدین خارج کشور به خصوص دولت های حوزه‌ی خلیج فارس به دیدار مرحوم میرزا (قدس سره) می آمدند و طلب نصیحت می کردند. آن فقیه راحل (قدس سره) در این دیدارها آنان را به اهمیت دادن به تکالیف شرعی توصیه می نمود و آن ها را به ثابت قدم بودن در عقاید حقه‌ی تشیع فرا می خواندند، و می فرمودند: «امروز تشیع مورد حمله قرار گرفته و عده‌ی می خواهند با سست نشان دادن معتقدات شیعه، جوانان را منحرف سازند و با استفاده از هر ابزاری (مخصوصاً افراد بی سواد) جوانان را نسبت به مذهب سست کنند. شما باید با مراجعه به علمای ولایی و فضلالی متدین، عقاید خود را محکم سازید و در مقابل شبهاتی که مطرح می شود، ایستادگی نمایید و از معتقدات شیعه که دین به واسطه‌ی آن زنده است، پاسداری نمایید! شما جوانان موظف هستید که با رجوع به علمای متدین و مؤمن، که فقط برای رضای خدا و اهل بیت (علیهم السلام) گام بر می دارند، معتقدات صحیح را از آنان جویا شده و اجازه ندهید بعضی افراد که معلوم نیست با چه غرض دنیوی، القای شبهه می کنند در اجتماع جای باز کنند».

مواضع شجاعانه در ردّ شبهات

مرحوم میرزا(قدس سره) و ردّ شبهات

مرحوم میرزا(قدس سره) به عنایت مولانا و مقتدانا ولیّ عصر(علیه السلام) برای ردّ شبهات و دفاع از کیان تشیع در هر لحظه و مکان آمادگی داشتند و هر آنچه که در توان داشتند، به کار می بردند و هیچ چیز مانع ایشان نمی شد. این مواقف و ایستادگی ها نتایج پرباری را در جامعه داشت به طوری که آثار حرکت ایشان، بیداری مؤمنین و طلاب حوزه را به دنبال داشت. افکار غلط مطرح شده می رفت تا در ذهن ها جای گیرد و زمزمه‌ی تشکیکات گسترش پیدا کند، ولیکن مرحوم میرزا(قدس سره) با موضع گیری شجاعانه و ردّ شبهات، مشککین را سر جای خود می نشانند و حقایق را بر مؤمنین روشن می کرد؛ این ایستادگی میرزا(قدس سره) موجب شد تا صدها کتاب در موضوع های مختلف عقایدی، به خصوص ماجرای شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) به رشته‌ی تحریر در آید و اهل منبر با طرح شبهه ها، در جهت ردّ کلمه‌ی باطل و تثبیت کلمه‌ی حق سخن بگویند و آن گونه عمل می کردند که جامعه در حفظ شعائر از ایشان الگوگیری می کرد. تأثیر حرکت مرحوم میرزا(قدس سره) به حدّی بود که فاطمیّه، که در اکثر مکان ها کمرنگ برگزار می شد، به يك عاشورای دیگر تبدیل گردید.

موضع گیری مرحوم میرزا(قدس سره) تحوّل عجیبی در قلوب طلاب ایجاد کرد. شاید مسایل عقایدی بدان صورتی که توقع می رفت، در حوزه مورد توجه قرار نمی گرفت و یا طلاب به ردّ شبهات اهمیّت نمی دادند، لکن موضع گیری مرحوم میرزا(قدس سره) در مقابل منحرفین از خط ولایت، سبب شد که احساسات طلاب تحریک شده و احساس کنند، علاوه بر درس، که باید بدان توجه خاصی داشته باشند، دفاع از حریم ولایت وظیفه‌ی سنگین دیگری است که بدوش دارند.

امروز هزاران طلبه‌ی جوان با الهام گیری از آن مدرسه‌ی ولاء، شب و روز در محبت اهل بیت(علیهم السلام) و تقویت مذهب تلاش می کنند که در نهایت این عظمت، یادگار آن مرجع عظیم الشان می باشد و به یقین این توفیقی که به تلاش مرحوم میرزا(قدس سره) حاصل شد میسر نمی گردید، مگر به عنایت و توجه ولیّ عصر(علیه السلام) و در نهایت این توفیق بدان منجر شد که در قرن اخیر یکی از بارزترین پرچمداران مدافع خط راستین اهل بیت(علیهم السلام) فقیه مقدّس، میرزای تبریزی(قدس سره) باشد. آن فقیه فرزانه با دل و جان به فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) عشق مورزید و می گفت: با تأسی به سیره‌ی فاطمه(علیها السلام) راه بندگی و تهذیب نفس را بیاموزید که بی ولای فاطمه(علیها السلام)، راه رفتن بر روی زمین، غاصبانه است.

از پیامبر (صلی الله علیه وآله) سؤال کردند، مهر فاطمه را در دنیا دانستیم، صدق او در سماء چیست؟
فرمود: «كَانَ مَهْرُهَا فِي السَّمَاءِ خُمْسَ الْأَرْضِ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُغْضَباً لَهَا وَ لَوْلِدِهَا مَشَى عَلَيْهَا
حَرَاماً إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ»^{۳۰}.

دفاع از حریم ولایت

صراحت مرحوم میرزا (قدس سره) در دفاع از تشیع

یکی از صفات فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) این بود که در امور عقایدی صریح و قاطع بودند و بسیار شجاعانه برخورد می کردند. بارها اتفاق افتاد، بعضی از اشخاصی که انحراف عقایدی داشتند، درخواست ملاقات می کردند، مرحوم میرزا (قدس سره) می فرمودند: «این شخص حق ندارد بیاید، اول باید عقیده‌ی خود را اصلاح کند، بعد اگر حرفی دارد، بیاید» و به ندرت قبول می کردند که این گونه افراد به خدمتشان برسند و اگر هم آن ها را به خدمت می پذیرفتند، اشتباهاتشان را به آن ها تذکر می دادند. به واسطه‌ی استفتاء جواب شبهات را می دادند و موضعی را می گرفتند که بقیه متوجه و مواظب کار و حرف های خود باشند.

به مرحوم آقا (قدس سره) خبر دادند شخصی به زیارت عاشورا اشکال وارد کرده و متأسفانه طلبه است. آقا (قدس سره) فرمودند: او طلبه نیست، می خواهد با لباس روحانیت شهرت کسب کند و فکر می کند با مطرح کردن این افکار بزرگ می شود، حال آنکه این اشخاص عاقبت خوشی ندارند و چوب نادانی خود را خواهند خورد. خداوند به تمام عزیزانی که در راه دفاع از عقاید شیعه و دفاع از مسلمات تلاش می کنند، توفیق دهد. تا افراد متدین و فاضل وجود دارند، این گونه افراد موفق به القای شبهه نخواهند شد؛ زیرا طلاب متدین اجازه نخواهند داد و بر همه تکلیف است که از عقاید حقه‌ی مذهب دفاع کنند. به حرف این اشخاص گوش ندهید، اکنون زمان فتنه است و آشوب، پس بر طلاب است که با سرمشق قرار دادن کلمات نورانی امیر سخن (علیه السلام) که فرمود: «مَنْ صَرَخَتْ لَهُ الْعِبْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَى عَنِ تَقْحُمِ الشُّبُهَاتِ أَلَا وَ إِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ ص وَ الَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لِنُبُلِّئَنَّ بِلُبْلَاءِ وَ لِنُعْرِبِلَنَّ غَرْبَلَهُ وَ لِنُسَاطِنَنَّ سَوْطَ الْفِدْرِ حَتَّى يَعُودَ أَسْفَلَكُمْ أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ وَ لِيَسْبِقَنَّ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرُوا وَ لِيَقْصِرَنَّ سَبَاقُونَ كَانُوا سَبَقُوا»^{۳۱}.

کسی که عبرت ها برای او آشکار شود، و از عذاب آن پند گیرد، تقوی و خویشتن داری او را از سقوط در شبهات نگه می دارد. آگاه باشید، تیره روزی ها و آزمایش ها، همانند زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بار دیگر به شما روی آورد. سوگند به خدایی که پیامبر را به حق مبعوث کرد، سخت آزمایش می شوید، چون دانه ای که در غربال ریزند، یا غذایی که در دیگ گذارند، به هم خواهید ریخت، زیر و رو خواهید شد، تا آنکه پایین به بالا، و بالا به پایین رود، آنان که سابقه ای در اسلام داشتند، و تاکنون منزوی بودند، بر سر کار می آیند، و آن ها که به ناحق پیشی گرفتند، عقب خواهند رفت.

اکنون که آتش فتنه از طرف عده ای جهّال با شبهه افکنی بار دیگر شعلهور گشته است، سعی کنید با حفظ عقاید و دفاع از حقایق، جز سربازان امام موعود(عج) باشید که آن حضرت پاسدار مذهب بر حق شیعه است. امید است با رفتار و کردار خودمان، کاری کنیم که قلب امام زمان از ما راضی و خشنود باشد. ان شاء الله «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ».

برای دفاع از مظلومیت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)

هر کاری که بتوانیم، باید انجام دهیم

مرحوم میرزا (قدس سره) و رد شبهات

طرح تشکیکات از سوی شخص بیروتی^{۳۲} و پخش نوار سخنرانی های وی، موجب موضع گیری شجاعانه‌ی فقیه مقدس میرزا جواد تیریزی (قدس سره) شد، چنانچه ایشان می گفتند: «چطور این شخص جرأت کرده، این گونه به ساحت مقدس بی بی دو عالم (علیها السلام) جسارت کند و منکر بعضی قضایا شود؟ حضرت (علیها السلام) کم مصیبت کشید که این ها این گونه در حق او ظلم می کنند و همسو با ظالمین، منکر بعضی فضایل یا مصایب حضرت (علیها السلام) می شوند».

مرحوم میرزا (قدس سره) می فرمود: «آن قدر حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) را مورد ظلم قرار دادند که امیرالمؤمنین، حضرت علی (علیه السلام) در هنگام دفن فرمود: . . . قَدْ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدِيعَةُ وَ أَخَذَتِ الرَّهِيْنَةَ وَ أُخْلِستِ الزَّهْرَاءُ فَمَا أَفْبَحِ الْخَضْرَاءُ وَ الْغُبْرَاءُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ وَ أَمَّا لَيْلِي فَمَسْهَدٌ وَ هُمْ لَا يَبْرُحُ مِنْ قَلْبِي أَوْ يَخْتَارَ اللَّهُ لِي دَارَكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا مُقِيمٌ كَمَا مُقِيحٌ وَ هُمْ مُهَيِّجٌ سَرْعَانَ مَا فَرَّقَ بَيْنَنَا وَ إِلَى اللَّهِ أَشْكُو

وَ سَتُنْبِئُكَ ابْنَتُكَ بِتَظَاوُرِ أُمَّتِكَ عَلَى هَضْمِهَا فَأَخْفِهَا السُّؤَالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحَالَ فَكَمْ مِنْ غَلِيلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِهَا لَمْ تَجِدْ إِلَى بَثِّهِ سَبِيلاً وَ سَتَقُولُ وَ يَحْكُمُ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ; سَلَامٌ مُودِعٌ لَا قَالَ وَ لَا سَنِمَ فَإِنْ أَنْصَرَفَ فَلَا عَنْ مَلَالَةٍ وَ إِنْ أَقِمَ فَلَا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ.

وَآهَ وَآهًا وَ الصَّبْرُ أَيْمَنُ وَ أَجْمَلُ وَ لَوْ لَا غَلْبَةُ الْمُسْتَوْلِينَ لَجَعَلْتُ الْمَقَامَ وَ اللَّبِثَ لِرَامًا مَعْكُوفًا وَ لَا عَوْلَتْ إِعْوَالَ النَّكْلِ عَلَى جَلِيلِ الرَّزِيَّةِ فَبِعَيْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ ابْنَتُكَ سِرًّا وَ تُهَضَمُ حَقَّهَا وَ تُمْنَعُ إِرْتَهَا وَ لَمْ يَتَبَاعَدِ الْعَهْدُ وَ لَمْ يَخْلُقْ مِنْكَ الذَّكْرُ وَ إِلَى اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمُشْتَكَى وَ فِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْسَنُ الْعَزَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ الرَّضْوَانُ;^{۳۳}

امانت بازگردانده و گرو تحویل داده و زهرا از دستم رهنانیده شد، ای رسول خدا! چقدر این آسمان نیلگون و زمین تیره، در نظرم زشت جلوه می کند. راجع به اندوهم چه بگویم که همیشگی است و شبم که به بیداری می گذرد، و غم از دلم رخت نمی بندد تا خداوند خانه ای را که تو در آن اقامت داری، برایم برگزیند. غصه ای دارم جگر سوز و اندوهی شورانگیز، چه زود میان ما جدایی افتاد، و تنها به خدا شکایت می برم.

۳۲- محمد حسین فضل الله بیروتی.

۳۳. الکافی، ج ۱، ص ۴۵۸ .

به زودی دخترت تو را خبر می دهد از همدست شدن امتت

علیه من، پس به اصرار از او بپرس و احوال را از او جویا شو که چه بسا سوزها داشت که در سینه اش می جوشید و راهی برای شرح و بیرون ریختن آن نداشت و اکنون خواهد گفت، و خدا داوری خواهد کرد که او بهترین داوران است.

سلام بر شما، سلام وداع کننده ای که نه خشمگین است و نه دلتنگ، که اگر باز گردم از روی دلتنگی نیست و اگر بمانم از بدگمانی نیست به آنچه خداوند به صابران وعده داده، نمی باشد. آه! باز هم شکیبایی مبارک تر و زیباتر است که اگر بیم غلبه چیره شوندگان نمی بود، برای همیشه در اینجا می ماندم و درنگ می نمودم و بر این مصیبت بزرگ چونان زنان عزیز مرده شیون می کردم، (چرا که) همچنان که خداوند نظاره می فرماید، دخترت پنهانی (و دور از چشم بیگانگان) به خاک سپرده می شود و (اما آشکارا در پیش چشم همگان) حَقش پایمال و از ارثش ممنوع می گردد با آنکه دیر زمانی نگذشته و هنوز یاد تو کهنه نگشته است. ای رسول خدا، شکایت نزد خداوند بلند مرتبه برده می شود و بهترین صبر و دلداری و عزاداری دربارهی توست، درود و رحمت و برکات خداوند یکتا و آفریدگار جهانیان بر تو و او باد.

مرحوم میرزا (قدس سره) به همه تکلیف می نمود که باید از مظلومیت حضرت (علیه السلام) دفاع کنند، به مشککین اجازه ندهند که حرف های واهی را به جامعه القاء کنند و عوام از مؤمنین را فریب دهند. مرحوم میرزا (قدس سره) وقتی شنید که فلان شخص در خصوص قضیهی هجوم به خانهی دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و سوزاندن درب خانه تشکیکاتی راه انداخته است، سر درس خارج فقه در مسجد اعظم، خطبهی آتشینی ایراد نموده و با صراحت کامل با ردّ گفتار منحرفین از مظلومیت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) دفاع نمودند، جملات مرحوم میرزا (قدس سره) آن قدر سوزاننده بود که صدای گریهی طلاب در مسجد اعظم می پیچید و ایشان با تمام وجود از بی بی (علیها السلام) دفاع می کردند و بارها می گفتند که: «اگر همه چیز من در راه دفاع از حضرت برود، باکی ندارم» خطبهی مرحوم میرزا (قدس سره) آنچنان صریح و مؤثر بود که موجب حرکت فضلا و طلاب شد؛ به طوری که ضمن بر هم خوردن دعوت آن شخص کذایی به ایران، تا زمان حیات مرحوم میرزا (قدس سره) آن شخص و اطرافیانش جرأت نکردند به ایران سفر کنند. موضع گیری مرحوم میرزا (قدس سره) موجب شد که در سراسر جهان، اتباع و آن شخص مفتضح شوند؛ به طوری که جرأت نمی کردند در مجلس عام حاضر شوند (چون مورد اعتراض مردم قرار می گرفتند). مرحوم میرزا (قدس سره) با عملکرد خود، نسل فاطمی را پرورش داد و تا زنده بودند کمتر کسی جرأت می کرد که در محافل مؤمنین در خصوص عقاید، شبهه ای مطرح کند و ایشان هر جا که صلاح می دیدند شجاعانه ایستادگی

می کردند و جوّی معنوی و ولایی را در حوزه‌ی قم ایجاد کردند و نسلی ولایی و فانی در اهل بیت (علیهم السلام) پرورش دادند که امروز حوزه به وجود آنان افتخار می کند.

روح ولاء، پاسخ به شبهات و دفاع از کیان تشیع

مواقف میرزا(قدس سره) قلمها را به حرکت درآورد

فاضل محترم سیّد محمود غریفی بحرانی می گوید: با بررسی قرون مختلف پی می بریم که در قرن اخیر بود که با مواقف شجاعانه فقیه مقدّس مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) در دفاع از عقاید بر حق تشیع و ردّ شبهات و بر ملا کردن غرض مشککین، عده‌ی زیادی از شیعیان غیور صاحب قلم و گفتار در دفاع از کیان تشیع به حرکت درآمدند به طوری که در این قرن، خطباء و قلم به داستان، مقاله ها، جزوه ها و کتاب ها تدوین کردند و سعی نمودند هر شبهه ای را پاسخ دهند و این همه برکات مرهون مواقف شجاعانه و منحصر به فرد مرحوم میرزا(قدس سره)در قرن اخیر است که قوّت قلبی به ولّائیان داد و آنان را آگاه نمود و موجب تحریک احساسات مخلصین درگاه ولایت شد و با این حرکت الهی صدها کتاب با عناوین مختلف به چاپ رسید که اکثر آن ها حاوی روح ولاء و پاسخ به شبهات و دفاع از کیان تشیع است.

برای نمونه می توان به کتب تدوین شده در خصوص صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) اشاره کرد. قبل از مواقف مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) در این خصوص کتب موجود بسیار محدود بود و شاید به ۴۰ عنوان کتاب بیشتر نمی رسید، لکن امروزه بعد از مواقف الهی مرحوم میرزا(قدس سره) کتب تحت عنوان فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) به صدها جلد می رسد و این به برکت آن مدافع راستین فاطمی است که همه چیز خود را با اخلاص تمام در دفاع از کیان تشیع صرف نمود و لحظه ای درنگ نکرد و تا آخرین لحظه بر مواقف شجاعانه‌ی خود اصرار داشت.

اهانت به مرجع و فقیه تحت عنایت اهل بیت(علیهم السلام)

مقام میرزا(قدس سره) در نزد اهل بیت(علیهم السلام)

حجت الاسلام شیخ عبدالعزیز سلیم قطیفی می گوید: یکی از طلاب توجه خاصی به سید بیروتی داشت و مرتب از مواضع مرحوم میرزا(قدس سره) انتقاد می کرد و می گفت که داعی ندارد، این گونه برخورد شود. این شخص می گوید: يك روز یکی از طلبه ها مبلغی بابت شهریه‌ی مرحوم میرزا(قدس سره) برایم آورد و به محض اینکه گفت این شهریه‌ی میرزا است، من به آن فقید راحل(قدس سره) دشنام دادم. شب هنگام در عالم خواب دیدم که ضریح مقدس کریمه‌ی اهل بیت (حضرت معصومه(علیها السلام)) را با شدت تمام هفت بار با سنگ مورد هجوم قرار دادم. از خواب بیدار شدم، بسیار ناراحت بودم؛ به طوری که آرامش نداشتم. به دوستانم زنگ زدم که به فریادم برسید، در حال دیوانه شدن هستم، این خواب مرا اذیت می کند. خلاصه مرا نزد یکی از معبرین خواب بردند و بعد از تعریف خواب، معبر گفت: تو اخیراً به عالمی اهانت کرده ای. تعبیر خواب شما این است که شما به مرجع و فقیهی که تحت عنایت اهل بیت(علیهم السلام) قرار دارد، اهانت کرده ای. فکر کن، ببین چه گفته ای! و کلمه ای که به کاربردی از هفت حرف تشکیل شده است. فکر کردم و یادم افتاد که من با کلمه ای هفت حرفی به میرزا(قدس سره) اهانت کرده ام و بعد به جلالت و مقام مرحوم میرزا(قدس سره) پی بردم و روزها از درگاه خدا استغفار می طلبیدم که چرا من از این شخصیت غافل بودم و چگونه این عالم بزرگ تحت عنایت اهل بیت(علیهم السلام) بوده و تمام وجود خود را صرف دفاع از مبانی حقه‌ی اهل بیت(علیهم السلام) به خصوص صدیق‌ه‌ی شهیده(علیها السلام) نموده است.

ارائه طریق

مرحوم میرزا(قدس سره) و هدایت شخصی در خواب

یکی از طلاب حجازی که دوست نداشت نامش فاش شود و با مرکز «مرفأ الکلمه» (که مقر آن در قم است و افکار روشن فکری دارند) همکاری داشت، آن شخص می گوید: من از مؤسسین «مرفأ الکلمه» بودم و با شخص مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) [به خاطر موافقی که در مقابل سید بیرونی داشتند] بسیار مخالف بودم و تحت تأثیر افکار روشن فکری آنها قرار گرفته بودم. يك شب در عالم خواب، مرحوم میرزا (قدس سره) را دیدم که با لباس خاصی در حال کشاورزی است و طرف راست ایشان يك راه بسیار نورانی قرار دارد که از شدت نور هر کسی را متوجه خود می کرد. از این رو بدون توجه به مرحوم میرزا(قدس سره) (در خواب) می خواستم از کنار ایشان بگذرم که ناگهان مرحوم میرزا(قدس سره) متوجه من شد و ضمن لبخند فرمود: «فرزندم! می خواهی امام زمان(علیه السلام) را ببینی؟» این طلبه می گوید: در عالم خواب سخت تحت تأثیر کلام میرزا(قدس سره) واقع شدم و در جای خود میخکوب شدم و گفتم: «بله آقا!» مرحوم میرزا (قدس سره) فرمود: از این طرف برو و دست مبارکشان را به سوی آن راه نورانی حرکت دادند و فرمودند: این راه را طی کن و تردید نکن. این طلبه می گوید: سراسیمه از خواب بیدار شدم و مانده بودم که خدایا این چه خوابی است که دیده ام. در نهایت متوجه شدم که تاکنون اشتباه رفته ام و این گروه با این افکار روشن فکری عاقبت خوشی ندارند؛ بنابراین به سرعت از آنان جدا شدم و خود را به بیت میرزا (قدس سره) رساندم و گفتم: می خواهم خدمت میرزا (قدس سره) برسم. آفازادهی ایشان مرا نزد میرزا (قدس سره) برد. چند لحظه در نزد ایشان نشستم، یاد آن خواب افتادم و نشستن در کنار مرحوم میرزا(قدس سره) بسیار برایم لذت بخش بود، به خود عتاب می کردم که چرا تا کنون از این نعمت الهی محروم بودم، صورت نورانی و خندهی ملیحانهی میرزا (قدس سره) به من نوید سعادت داد و از آن روز خود را یافته ام. رحلت ایشان غمی بزرگ بر قلبم گذاشت که سال ها باید در فراق او بسوزم. هرگاه دلم می گرفت، سری به بیت آن مرحوم(قدس سره) می زدم تا نفس آن بزرگوار به من قوت دهد ولی الآن فقط باید حسرت آن روزها را بخورم.

قضیه‌ی مظلومیت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)

از مسلمات مذهب است

میرزای تبریزی (قدس سره) و دفاع از مظلومیت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)

فرزند فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) می‌گوید: يك روز عدّه‌ای از فضلا خواهان ملاقات با آقا شدند، آقا فرمودند: عصر تشریف بیاورید! بعد از اینکه به محضر آقا رسیدند در مورد بعضی از تشکیکات در مذهب با ایشان سخن گفتند، در این حال وضعیت آقا دگرگون شد به طوری که بسیار متأثر گردیدند. مرحوم میرزا (قدس سره) خطاب به فرزند خود فرمودند: «این طلبه‌ها می‌گویند که شخص کذایی در بیروت، فلان حرف‌ها را در حق حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) زده و در قضیه‌ی هجوم، تشکیکاتی راه انداخته است. بپرس و ببین قضیه چیست، چرا این حرف‌ها را زده و چطور جرأت کرده است؟ مگر کسی نیست که جلوی این‌ها را بگیرد؟» مرحوم میرزا (قدس سره) به حدی ناراحت شدند که سخت بیمار شدند و بعد از بررسی و فرستادن فاضل محترم حجت الاسلام شیخ مالک وهبه (حفظه الله) برای نصیحت آن شخص، دیدند که فایده نمی‌کند، بنابراین ابتدا استفتایی را نوشته، آن‌گاه در درس خارج فقه خطبه‌ی آتشی را ایراد کردند به طوری که حوزه یکپارچه تحت تأثیر قرار گرفت.

ایشان بعد از درس فقه بلافاصله فرمودند:

حال که سخن به اینجا رسید، باید درباره‌ی موضوعی صحبت کنم که امروزه مورد ابتلاء است. بعضی گمان می‌کنند و بعضی هم تعمد دارند که این تصوّر را ایجاد کنند که همراهی و مماشات با اهل سنت (که مسلمانند و باید حقوق و اموالشان محترم شمرده شود) به معنای دست برداشتن از اعتقادات شیعه است.

از این رو برخی جاهلانه و بعضی عامدانه و باقصد تحریف عقاید شیعه و گمراه کردن دیگران دست به کار شدند. این اعتقادات، عقایدی است که اصحاب ائمه (علیهم السلام) متحمّل زحماتی شدند و نیز علمای بزرگ، سختی‌های زیادی را در طول زمان برای حفظ این اعتقادات تحمّل کردند. این عقاید، اساس تشیع است و این‌گونه افراد منحرف، در صدد انحراف جوانانی هستند که در مورد حقایق مسایل دینی و تاریخ اسلام جستجویی نکرده‌اند و اطلاعی ندارند و از مبانی و پایه‌هایی که این مطالب و عقاید حقّه‌ی مذهب بر آن‌ها استوار است نیز شناختی ندارند.

این گمراه‌کنندگان سخنانی می‌گویند که جوانان بی‌اطلاع آن‌را بپذیرند. به جای اینکه حقایق را بیان کنند تا جوانان شیعه آن‌ها را یاد بگیرند، القای شبهه می‌کنند!

روش ترویج مذهب شیعه بر پایه‌ی بیان حقایق استوار بوده است و در هر فرصت مناسبی با زبان نرم و با بهترین روش انجام شده است. قضیه‌ی تشیع و آنچه را شیعه می‌گوید کاملاً واضح است. رسول خدا(صلی الله علیه وآله) (به اتفاق شیعه و سنی) فرمود:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»^{۳۴} یعنی من دو چیز گرانبها و سنگین را در میان شما به یادگار می‌گذارم، قرآن و عترتم(علیهم السلام) که این دو هیچ‌گاه جدا نخواهند شد تا در روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»

یکی از ادله‌ی قاطع شیعه که در آن هیچ‌خدشه‌ای نیست و اگر کسی بصیرتی داشته باشد، امکان جهل و نادیده گرفتن آن را ندارد، همان چیزی است که مربوط به صدیقه‌ی شهیده، حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) است (هجوم به خانه‌ی حضرت(علیها السلام)). آن حضرت(علیها السلام) مقام

و منزلت رفیعی نزد خدا دارد. مرحوم کلینی(رحمه الله) در «کافی» به سند صحیح نقل می‌کند که حضرت امام صادق(علیه السلام) فرمودند: «... وَ كَانَ جَبْرئیلُ(علیه السلام) يَأْتِيهَا فَيُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَيَّ أَبِيهَا وَ يَطِيبُ نَفْسَهَا وَ يُخْبِرُهَا عَنْ أَبِيهَا وَ مَكَانِهِ وَ يُخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَ كَانَ عَلِيٌّ(علیه السلام) يَكْتُبُ ذَلِكَ...»^{۳۵} جبرئیل بعد از رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بر فاطمه(علیها السلام) نازل می‌شد و با او درباره‌ی حوادثی که بر ذریه‌ی آن حضرت وارد خواهد شد، سخن می‌گفت و امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) آن سخنان را می‌نوشت. رسول خدا(صلی الله علیه وآله) سفارشات زیادی در مورد دخترش فرمود، این دختر عزیز بعد از ۷۵ یا ۹۵ روز، بعد از رحلت پدرش به شهادت رسید، حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) در شب، غسلش دادند و سپس در همان شب دفنش نمودند. به راستی چرا چنین شد؟

آیه مودت است که خداوند فرمود: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) ^{۳۶} اکثر علماء اهل سنت معترفند که منظور این آیه اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه وآله) است. از جمله: حاکم در مستدرک، ج ۳، ص ۱۷۲؛ هیثمی در مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۱۰۳ و ج ۹، ص ۱۶۸؛ عمدة القاری، ج ۱۶، ص ۷۱؛ تثبیت الامامة، ص ۲۸؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۴۷ و

۳۴- عیون اخبار الرضا(علیه السلام)، ج ۱، ص ۶۸ و ج ۲، ص ۶۰؛ کمال الدین، ص ۶۴ و ۲۳۴ و...؛ معانی الاخبار، ص ۹۰؛ کفایة الاثر، ص ۸۷؛ روضة الواعظین، ص ۲۷۳؛ شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶ و ج ۵، ص ۱۶۶ و...؛ وسائل، ج ۲۷، ص ۳۴؛ تفسیر الثعلبی، ج ۹، ص ۱۸۶؛ تفسیر البغوی، ج ۴، ص ۱۲۵؛ تفسیر الرازی، ج ۸، ص ۱۷۳ و ج ۲۹، ص ۱۱۲؛ تفسیر البحر المحیط، ج ۱، ص ۱۱۷ و ج ۸، ص ۱۹۲؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۲۴؛ تفسیر الأوسی، ج ۲۲، ص ۱۹۵؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۵۴، ص ۹۲؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۹، ص ۳۶۵؛ امتاع الاسماع، ج ۵، ص ۳۷۸ .

۳۵- الکافی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۵؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۹، ح ۶۷ .

۳۶- سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۲۳ .

به طور حتم، قدر متیقن آن فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) است، پس چه شد که آن حضرت را شبانه دفن کردند و قبرش مخفی است؟ (صدای گریه‌ی فضلا و طلاب به حدی بود که صدا در گنبد مسجد اعظم می پیچید).

این حادثه، نشانه و حجتی است بر همه که بر اساس حکمت انجام شد.

آن مظلومه، چنین وصیت کرد (مرا شبانه دفن کنید و قبر مرا به کسی اعلام ننمایید) و مولی الموالی، امیر المؤمنین علی (علیه السلام) به آن وصیت عمل کرد «أَوْصَتْ فَاطِمَةُ أَنْ لَا يَعْلَمَ إِذَا مَاتَتْ أَبُو بَكْرٍ وَ لَا عُمَرُ وَ لَا يُصَلِّيَا عَلَيْهَا قَالَ فَدَفَنَهَا عَلِيٌّ (علیه السلام) لَيْلًا وَ لَمْ يُعْلِمْهُمَا بِذَلِكَ»^{۳۷} آنگاه که امیرمؤمنان فاطمه، آن بضعه‌ی اشرف کائنات را در شب با چشمی گریان و غمی گران دفن نمود، قائم علی شَفِيرِ الْقَبْرِ وَ ذَلِكَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ لِإِنَّهُ كَانَ دَفَنَهَا لَيْلًا ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ:

لِكُلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِيلَيْنِ فُرْقَةٌ *** وَ كُلُّ الَّذِي دُونَ الْمَمَاتِ قَلِيلٌ

وَ إِنَّ افْتِقَادِي وَاحِدٌ (وَاحِدًا) بَعْدَ وَاحِدٍ *** دَلِيلٌ عَلَيَّ أَنْ لَا يَدُومَ خَلِيلٌ

سَيُعْرِضُ عَنِّي ذِكْرِي وَ تُنْسَى مَوَدَّتِي وَ *** يَخْدُتُ بَعْدِي لِلْخَلِيلِ خَلِيلٌ

و این کار به دلیل اقامه‌ی حجت بر نسل‌های آینده بود تا در این باره فکر کنند که چرا قبر آن

حضرت (علیها السلام) مخفی است؟!

مرحوم کلینی (رحمه الله) فقط با سه واسطه از امام هفتم موسی بن جعفر (علیه السلام) به روایت صحیحه روایت می کند به این ترتیب که از محمد بن یحیی العطار از عمرکی بن علی البوفکی از علی بن جعفر برادر امام (علیه السلام) از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) روایت می کند که امام (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ (علیها السلام) صَدِيقَةٌ شَهِيدَةٌ»^{۳۸}.

حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) در موطن مختلف از حقانیت خود دفاع می کرد تا مقام علی بن ابی طالب (علیه السلام) را بیان فرماید: «همسرم جهاد کرد و خدمات بزرگی را تقدیم اسلام نمود» و حق با اوست.

فاطمه (علیها السلام)، صدیقه‌ی شهیده است؛ یعنی هم راستگوست و در آنچه می گوید شك و شبهه ای نیست و هم شهیده‌ی راه حق است که در ادامه سخنان عرض خواهیم کرد.

روایتی را که مرحوم کلینی (رحمه الله) در همین صفحه در حدیث ۳ آورده است ملاحظه کنید که در آن آمده است: مولانا

امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام دفن فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) صورت خود را به سمت قبر رسول

۳۷- بحار الأنوار ، ج ۴۳ ، ص ۱۸۳ .

۳۸- الکافی، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۲.

خدا(صلی الله علیه وآله) نموده و عرضه داشت: «قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي»؛ یعنی صبر و طاقتم در این مصیبت کم شده است.

علی بن ابی طالب(علیه السلام) که در جنگ ها و صحنه های مختلف بیست و پنج سال صبر کرد، اما در فقدان فاطمه(علیها السلام) می گوید: «قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي... وَ سَتُّنُوكَ ابْنُكَ بِتَطَاؤُرِ أُمَّتِكَ عَلَيَّ هَضْمِهَا».

خوب به آنچه می گویم توجه کنید: «هضم» را به «ظلم» تفسیر کرده اند در حالی که هضم در اصل به معنای نقص است؛ یعنی وقتی چیزی را از کسی می گیرند، این کار نسبت به او ظلم است، و گاهی هم نقص بر حق کسی می شود مانند «غصب فدک». در این روایات، هضم، نقص بر خود آن حضرت است (هضمها) نه هضم و نقص حق! وقتی این جمله را ضمیمه کنیم به فرموده‌ی فرزندش موسی بن جعفر(علیه السلام) که فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ(علیها السلام) صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ»، نتیجه چه خواهد بود؟! یعنی فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) را شهید کردند و بر او نقصی وارد کردند و آن نقص موجب شهادت آن حضرت شد.

اما (با این دلایل واضح) اشخاصی که بعضی از آن ها معمم هستند و منتسب به سادات می باشند^{۳۹}، پیدا شده اند و شهادت حضرت زهرا(علیها السلام) را انکار می کنند؛ یعنی انکار قول امام موسی بن جعفر(علیه السلام) که فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ(علیها السلام) صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ»، آگاه و هشیار باشید و دیگران را هم بیدار کنید!

من شنیده ام (و امیدوارم این گونه نباشد) که عده ای در این حوزه‌ی علمیه می خواهند مجلسی به نام شهید بزرگوار حاج آقا مصطفی خمینی(رحمه الله) برگزار کنند و از این شخص گمراه و گمراه کننده دعوت کنند تا در این مجلس سخنرانی کند و از خدا می خواهم که کار به این شکل نینجامد. این حوزه‌ی مقدّسه، رکن تشیع است و مکلف به حفظ تشیع می باشد و کسی در این حوزه، نباید با این افراد که گمراه و گمراه کننده اند، این گونه تعامل و ارتباط داشته باشد به طوری که مسایل پیش جوان های ما برعکس واقع جلوه کند و دلیل بر خوبی این اشخاص شود و بگویند که: «مثلاً این شخص به حوزه رفته است و در جلسه‌ی فرزند بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران شرکت کرده و او را تجلیل و احترام کردند؛ پس این آدم خوبی است. خیر! همه باید بدانند این شخص به ساحت مقدّس حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) جسارت کرده و باید از ورود او منع شود».

متأسفانه می خواهند این شهید بزرگوار (سید مصطفی خمینی(رحمه الله)) را پیراهن عثمان کنند در حالی که اوبه اسلام و شیعه خدمت کرده است. این ها می خواهند مجلسی را به نام این شهید منعقد کنند و کنفرانس و همایشی را برپا نمایند تا امثال این اشخاص بیایند و حاضر شوند!

می خواهم جمله ای را بگویم و خدا هم بر آنچه می گویم شاهد است: «دل ما خون است، این ها عقاید جوانان را فاسد می کنند. نامه هایی که از خارج به ما می رسد، ما را متحیر می کند. ترویج این گونه اشخاص جایز نیست و اشکال شرعی دارد، مگر اینکه این شخص برگردد و بگوید: «هرچه گفته ام اشتباه بوده است» و عیبی هم در این نیست؛ زیرا انسان معصوم نیست و اگر چنین کند برادر ما خواهد بود و شخصی محترم به حساب خواهد آمد و لکن تا توبه نکرده و دست از عقاید منحرف خود بردارد، جایی در نزد محبّین اهل بیت(علیهم السلام) نخواهد داشت.»

انسان باید با روشی تبلیغ کند که قرآن فرموده است (وَجَادِلْهُمْ بَاتِّبِي هِيَ أَحْسَنُ) و این روش و خطاب شامل کفار هم می شود چه رسد به برادران دینی ما و ما این کار را در حق این اشخاص انجام داده ایم.

اکثر این مخالفین، تحت تأثیر القائنات غلط روحانیون خود قرار می گیرند و اصلاً حق و باطل را نمی دانند و اکثر عوام جاهل قاصرند و برای نمونه عرض می کنم که: من در زمان اقامت در عراق، برای تبلیغ، مسافرت های زیادی به شمال عراق داشتم که شیعه و سنی در آنجا هستند. يك روز از يك سنی مذهب پرسیدم: «مذهب تو چیست؟» گفت: «حنفی!» گفتم: «آیا نام ابوحنیفه در قرآن آمده است؟» گفت: «حتماً! باید اسمش در قرآن ذکر شده باشد و معقول نیست که نام او در قرآن نباشد!»

این اشخاص حقیقت امر را نمی دانند و دیگران به آن ها تلقین کرده اند و این ها هم تصدیق کرده اند و ما موظفیم از مبانی حقّه دفاع کنیم، اگر هم با مخالفین مدارا می شود، بدین معنا نیست که از عقایدمان دست برداریم و عقب نشینی کنیم!

اساس دین بر پایه ی تبلیغ استوار است و شما هم باید این مطالبی را که عرض کردم به دیگران برسانید و صدیقّه ی شهیده، حضرت فاطمه ی زهرا(علیها السلام) که شهادتش فرداست، اظهار حزن و عزا داشته باشید^{۴۰}.

و مصیبت آن حضرت را یاد آور شوید، چون دوستان اهل بیت(علیهم السلام) این گونه اند که: «با حزن آن ها محزون می شوند و با شادی آن ها شاد می گردند.»

همان گونه که قبلاً از روایت کلینی(رحمه الله)، نقل کردم امیر المؤمنین(علیه السلام) بعد از دفن فاطمه(علیها السلام)، رسول خدا(صلی الله علیه وآله) را مخاطب قرار داد و عرض کرد: «فَأَخْفِهَا السُّؤَالَ وَ

۴۰- سوره ی نحل، آیه ی ۱۲۶ .

۴۱- این سخنرانی يك روز قبل از ایام شهادت حضرت فاطمه ی زهرا(علیها السلام) ایراد شده است.

اسْتَخْبِرُهَا أَلْحَالُ؛ یعنی او را سؤال پیچ کن و زیاد از او بپرس در مورد آنچه، امت تو با او کردند. چون دخترت مصایب زیادی را در دلش نگه داشت و کسی را در دنیا نداشت تا غصّه هایش را به او بگوید.» از این مطالب معلوم می شود که بعضی مصایب را حتی برای امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) هم بازگو نکرد! (گریه‌ی حضار)

خدا را به عزّت و جلالش قسم می دهم که ما و شما را هدایت کند.

این نعمت الهی است که درب های اهل بیت (علیهم السلام) بر ما باز است و اگر لطف و رحمت خدا نبود، ما هم از این هدایت بهره ای نمی بردیم.

بدانید اهل بیت (علیهم السلام) با تحمّل همه‌ی مصایب در دنیا اجرشان پیش خدا محفوظ است. اما آنچه این امت برای رسیدن به شفاعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و به خصوص صدیقه‌ی طاهره (علیها السلام) دل به آن بسته

است، همین گریه ها و همین مجالس است و همه‌ی این ها اسباب شفاعت می باشند.

وقتی روز قیامت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) در حالی که به شما عزیزان اشاره می کند، به خدا عرضه می دارد: «این محبّ من، عمری را بر اولاد من گریه کرده است» خدا حرف صدیقه‌ی شهیده (علیها السلام) را ردّ نمی کند و شفاعتش را بر نمی گرداند.

باید اسباب نعمت را مغتنم بشماریم تا از دستمان نرود و تا آخر عمر برایمان بماند، ان شاء الله.

از خدای متعال مسئلت دارم که شما و همه‌ی مؤمنین را در عمل و تمسک به اهل بیت (علیهم السلام) موفق گرداند و هرکس را که قابل هدایت است، از این گونه افراد که به این طریق عمل می کنند و گمراهند و شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) را انکار می کنند (چه عالمانه و چه از روی جهل) همه را هدایت بفرماید. اما عده ای که قابل هدایت نیستند، خدای متعال بهتر می داند که صلاح آنان چیست که دربارهی آن ها انجام دهد. **والله العالم، والحمد لله رب العالمین.**

بگذار پاهایم برای مظلومیت

حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) بسوزد

مرحوم میرزا(قدس سره) و تحمل سوزش پاها

فرزند فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) می گوید: حرکت مرحوم میرزا (قدس سره) با پای برهنه با جمعی از فضلا، طلاب و مؤمنین در روز سوم جمادی الثانی؛ یعنی روز شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) در فصل گرما واقع می شد؛ گرما بسیار سوزاننده بود، حتی يك گام برداشتن بر روی زمین با پای برهنه مشکل بود، به طوری که من طاقت نداشتم قدمی بردارم. از این رو به مرحوم والد(قدس سره) رو کرده و گفتم: آقا! گرما شدید است اگر شما اذیت می شوید، کفش بپوشید. ایشان همان طور که به سینه می زد و گریه می کرد، فرمودند: فرزندم! بگذار پاهایم بسوزد. برای مصیبت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) هر کاری بکنم، کم است؛ مگر این دختر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چه گناهی داشت که این همه ظلم را در حق او مرتکب شدند، پسر! مگر مصیبت حضرت کم بود؟ ما در مصیبت بی بی دو عالم (علیها السلام) هر کاری کنیم، کم کرده ایم. می خواهم هرآنچه در توان دارم در راه حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) تلاش نمایم تا قیامت حسرت آن را نخورم». فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید: وقتی به خانه برگشتیم، کف پای ایشان بر اثر شدت گرمای سوزان آسیب دیده بود؛ ولکن ایشان اشک می ریخت و می فرمود: این برای مصیبت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) کم است. ما قدر و منزلت سرور زنان عالم را نمی دانیم، او هم کفو امیرالمؤمنین(علیه السلام) است و اگر امیرالمؤمنین(علیه السلام) نبود، برای فاطمه کفوی پیدا نمی شد که امام صادق(علیه السلام) فرمود: «لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) لِفَاطِمَةَ مَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ»^{۴۲} با این حساب مولای متقیان برای استحکام پیوند و حرمت پیامبر عزیز اسلام، وصایت اموال خویش را به عهده‌ی فرزندان فاطمه گذاشته و فرمود: «... وَ إِنِّي إِنَّمَا جَعَلْتُ الْقِيَامَ بِذَلِكَ إِلَى ابْنِي فَاطِمَةَ ابْتِغَاءً وَجْهَ اللَّهِ وَ قُرْبَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) وَ تَكْرِيماً لِحُرْمَتِهِ وَ تَشْرِيفاً لَوْصَلْتِهِ»^{۴۳} با در نظر گرفتن این دو مطلب آیا باز می توان گفت: ما برای فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) کاری کرده و خدمتی به مذهب بر حق تشییع نموده ایم مذهبی که چون فاطمه(علیها السلام) و پدر بزرگوارش(صلی الله علیه وآله) فدایی آن هستند.

۴۲- الکافی، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۱۰.

۴۳- نهج البلاغه، ص ۳۵۸، نامه‌ی ۲۴.

محبت و مودت اهل بیت (علیهم السلام)

سوزش پای مرحوم میرزا (قدس سره)

مؤسس فاطمیّه و بزرگ پرچمدار انقلاب ایّام فاطمیّه به عاشورای دیگر، فقیه مقدّس میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در گرمای سوزان و با پای برهنه، همه ساله سوم جمادی الثانی روز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) جهت عرض ادب به ساحت مقدّس فاطمه‌ی معصومه (علیها السلام) همراه با فضلاء، طلاب و متدینین به سوی حرم مطهر حرکت می کردند. سال ۱۳۸۳ هـ. ش، گرما سوزان بود و مرحوم میرزا (قدس سره) با پای برهنه خارج شدند به طوری که گرمای سوزان موجب سوزش پای مرحوم میرزا (قدس سره) شد. بعد از مراجعه به دفتر، مرحوم میرزا (قدس سره) با توجه به زخمی که در کف پایشان ایجاد شده بود، به درمان و تمیز نمودن آن مشغول شدند. در آن هنگام حجت الاسلام والمسلمین شیخ علی دهنین احسائی و آقا زاده‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) در اتاق نزد مرحوم میرزا (قدس سره) بودند، ناگاه مرحوم میرزا (قدس سره) رو به فاضل محترم شیخ علی دهنین کرده و فرمودند: «ای شیخ ما! این هندی ها و پاکستانی ها که در ایّام محرم تأسیاً به درد و رنج های امام حسین (علیه السلام) روی آتش (زغال گذاخته) حرکت می کنند و می گویند پاهایشان نمی سوزد و احساس نمی کنند، راست می گویند؛ زیرا شما ببین کف پایم از

سوزش زخم شده، اما من در طول مسیر حرکت، سوزشی را احساس نکردم.» و این احساس مرحوم میرزا (قدس سره) برگرفته از حسن نظر و علاقه‌ی وافر ایشان به سلاله‌ی پیغمبر خاتم است، ایشان اهل بیت (علیهم السلام) را واسطه‌ی بی چون و چرای فیض هستی بخش می دانست و با توسّل به این خاندان از سد تمام مشاغل عبور می نمود، همان طور که انبیاء عظام در مواجهه با مشکلات دست به دامن اهل بیت (علیهم السلام) می شدند، آدم و نوح و ابراهیم و موسی (علیهم السلام) و... در گرداب بلا می گفتند: «إِنَّ أَدَمَ (علیه السلام) لَمَّا أَصَابَ الْخَطِيئَةَ كَانَتْ تَوْبَتُهُ أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا عَفَرْتَ لِي، فَعَفَرَهَا اللَّهُ لَهُ؛ وَ إِنَّ نُوحًا لَمَّا رَكِبَ فِي السَّفِينَةِ وَ خَافَ الْعَرَقَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْعَرَقِ، فَجَاءَهُ اللَّهُ عَنْهُ؛ وَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ ع لَمَّا أُلْقِيَ فِي النَّارِ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنْهَا، فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا؛ وَ إِنَّ مُوسَى (علیه السلام) لَمَّا أُلْقِيَ عَصَاهُ وَ أَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا آمَنْتَنِي فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى...»^{۴۴} این عمل مرحوم میرزا (قدس سره) انقلابی در دل عاشقان خاندان عصمت و طهارت ایجاد کرد، روحش شاد باد که هم و غمش احیاء نام اهل بیت (علیهم السلام) بود.

واقعه‌ی دار از مسلمات مذهب اثنی عشری است

نظر مرحوم میرزا (قدس سره) در رابطه با هجوم

به خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)

مرحوم میرزا (قدس سره) می فرمودند: ظلم هایی که بر اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص ظلمی که بر حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) گذشت از مسلمات تشیع است و به هیچ عنوان نباید در خصوص آن کوتاه آمد؛ زیرا قضیه‌ی هجوم به خانه‌ی حضرت (علیها السلام) حکایتی را به دنبال دارد که معاندین اهل بیت (علیهم السلام) از آن می ترسند و می دانند که اگر این قضیه مطرح شود، دستگاه کذایی آنان به خطر می افتد. بنابراین سعی می کنند با استفاده از بعضی ساده لوحان که بعضاً منسوب به حوزه هستند، شبهه ای را مطرح نمایند غافل از اینکه مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) خود، سند گویای حقانیت تشیع می باشد. مسئله‌ی هجوم به خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) نزد شیعه از مسلمات است و ارتباط مستقیم با عقاید دارد و هرکس در آن شبهه کند از ما نیست، بر همه است که با عقیده‌ی سالم و صحیح به مسئله‌ی ظلمی که بر حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) رخ داد، ایمان داشته باشند و به وسوسه‌ی شیاطین گوش ندهند. نمی دانم چرا این افراد علی رغم سفارش رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در حق حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) که خود

اهل سنت به آن اعتراف دارند، حرف هایی می زنند که قلب امام زمان (علیه السلام) را به درد می آورند. ظلمی که بر حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) در زمان حیاتشان رخ داد کافی نبود که بعضی ضمن کمک به معاندین در مطرح نمودن شبهات بی اساس فتنه ایجاد می کنند و طبیعی است افراد ولایی و متدین نمی توانند در مقابل القای این شبهات ساکت بنشینند.

مگر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«إِنَّمَا فَاطِمَةُ ابْنَتِي بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا.»^{۴۵}

فاطمه، پاره‌ی تن من است.»

«إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا فَقَدْ أَغْضَبَنِي.»^{۴۶} و^{۴۷}

فاطمه، پاره‌ی تن من است، هرکس او را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است.»

«إِنَّمَا فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»^{۴۸} - «أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةً

نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَنِسَاءِ الْعَالَمِينَ.»^{۴۹}

۴۵- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۹۳؛ فتح الباری، شرح البخاری، ج ۹، ص ۴۰۸، ح ۵۲۳.

۴۶- فتح الباری، شرح البخاری، ج ۷، ص ۹۸ و ۱۳۱، ح ۳۷۱۴ و ۳۷۶۷.

۴۷- صحیح البخاری، ج ۵، ص ۸۳، ح ۲۳۲؛ مناقب ابن المغازلی، ص ۱۸۰؛ مناقب الخوارزمی، ص ۳۵۳؛ الطبقات الكبرى، ج

۸، ص ۲۰۶؛ مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۸ - ۱۵۹.

فاطمه، بانوی زنان اهل بهشت است - آیا نمی خواهی (فاطمه) بانوی زنان این امت و زنان جهان باشی».

أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؟^{۵۰}

و....

فرزندانم! در هر حال از مظلومیت حضرت(علیها السلام) دفاع کنید و با انتخاب طریق صحیح و عدم اعطای بهانه به مخالفین، از مظلومیت صدیقه‌ی شهیده(علیها السلام)دفاع نمایید، موفق باشید.

۴۸- مسند احمد، ج ۳، ص ۸۰ و ج ۵، ص ۳۹۱؛ صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۸۳ و ۲۰۹ و ۲۱۹؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۲۶ و ۳۶۹؛ فضائل الصحابة، النسائی، ص ۵۸ و ۷۶؛ السقیفة وفدک، ص ۱۴۸؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۱ و ج ۴، ص ۴۴.

۴۹- مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۶؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۹۴؛ نظم درر السمطین، ص ۱۷۹؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۰؛ اسد الغابة، ج ۵، ص ۵۲۲؛ الاصابة، ج ۸، ص ۲۶۶؛ الخصائص الفاطمية، ج ۲، ص ۵۰۷.

۵۰- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۴.

گریه بر سید الشهداء (علیه السلام)

آرزوی مرحوم میرزا (قدس سره) همان آرزوی حبیب بن مظاهر

نقل است از میرزای شیرازی (قدس سره)، که حبیب بن مظاهر را در خواب دیدند بر تختی نشسته، میرزای شیرازی (قدس سره) از حبیب بن مظاهر سؤال کرد، آیا می خواهی به دنیا برگردی؟ حبیب گفت: بله! برای سه چیز:

۱- اینکه صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآله) بفرستم.

۲- تشنه ها را آب دهم.

۳- در مجالس ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) گریه کنم.

واقعاً اگر این سؤال از مرحوم میرزا (قدس سره) می شد، ایشان همان جواب حبیب را تکرار می کردند. ایشان بارها در حیات خود آرزو داشتند بر اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص امام حسین (علیه السلام) گریه نمایند. وقتی این خواب در مجلسی نقل شد، ذهن تمام حاضرین به مرحوم میرزا (قدس سره) سوق پیدا کرد که عجیب این خواب منطبق بر مرحوم میرزا (قدس سره) است؛ زیرا به یقین ایشان هم گریه را انتخاب می کرد که به دنیا برگردد و گریه کند و این را بارها در زمان حیات خود ذکر کرده اند هیچ مجلسی را به مجلس گریه بر اهل بیت (علیهم السلام) ترجیح نمی دادند و هر پنجشنبه، با ذوق و شوق با هیئت عزا در مجلس روضه حاضر می شدند، در آتش عشق حسینی می سوختند و تا زمانی که مرحوم میرزا (قدس سره) در قید حیات بودند، هیچ گاه این شعله های عشق حسینی به سردی و خاموشی نگرانید همانگونه که نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَنْ تَبْرُدَ أَبَدًا».^{۵۱}

هر گامی در راه امام حسین(علیه السلام) اجر و ثواب دارد

مرحوم میرزا(قدس سره) و ردّ شبهات عزاداری

یکی از شاگردان مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید:

برایم شبهات فراوانی در خصوص شعائر حسینی به وجود آمده بود و هر روز بعد از درس نزد مرحوم میرزای تبریزی(قدس سره) می رفتم و شبهات خود را در خصوص عزای حسینی مطرح می کردم. مرحوم میرزا(قدس سره) آن قدر با آرامش و با قاطعیت جواب می دادند که باعث شد من هر روز شبهات جدیدی را جمع آوری کرده و از ایشان سؤال می کردم، و ایشان با تمام وجود و با حوصله حرف های مرا گوش می داد و جواب می دادند، طی چند روزی که خدمت ایشان می رسیدم، ندیدم که مرحوم میرزا(قدس سره) حتی يك مورد از موارد مشهور که عوام در عزاداری انجام می دهند را ردّ نماید و این مسئله برایم بسیار عجیب بود. بعد از آنکه مرحوم میرزا(قدس سره) دیدند من مرتب سؤال می کنم، دست مرا گرفت و گفت: «شیخنا! بس است، هر گامی برای امام حسین(علیه السلام) بردارید، اجر و ثواب دارد و کسی به خاطر امام حسین(علیه السلام) مؤاخذه نمی شود. مصایب، امام حسین(علیه السلام) آن قدر زیاد است که خداوند به خاطر قطره‌ی اشکی بر او بهشت را واجب می کند، چنانکه امام سجاد(علیه السلام) فرمود: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ دَمْعَةً حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ عُرْفًا»^{۵۲} و نه تنها بهشت واجب می شود که آتش جهنم به واسطه‌ی اشک عاشقان حسین(علیه السلام) بر آنان حرام می شود که امام صادق(علیه السلام) فرمود: «مَنْ ذَكَرَنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ»^{۵۳}.

حفظ شعائر سیدالشهداء(علیه السلام) مصداق بارز (مَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ)^{۵۴} است و حقانیت تشیع موقوف بر زنده نگه داشتن واقعه‌ی کربلا است. امام حسین(علیه السلام) هرچه داشت در راه خدا فدا نمود، شما هم تا آنجا که می توانید مجالس و دسته‌ی عزاداری را با شکوه برگزار کنید که ان شاء الله به عنوان عزادار امام حسین(علیه السلام) محشور شوید.»

۵۲- ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۰۲ .

۵۳- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵ .

۵۴- سوره‌ی حج، آیه‌ی ۳۲ .

عظمت عزاداری سیدالشهداء، امام حسین(علیه السلام)

میرزای تبریزی(قدس سره) و عزاداری سالار شهیدان(علیه السلام)

بارها از نحوه‌ی عزاداری برای سیدالشهداء سؤال می‌شد که چگونه باید عزاداری کنیم؟ فقیه مقدس، میرزای تبریزی(قدس سره) در حالی که اشک می‌ریخت می‌فرمود: امام حسین(علیه السلام) هر آنچه را که داشت در راه خدا فدا کرد و با فداکاری خود، دین را زنده نگه داشت و با اهدای خون خود از زحمات رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) و صدیقه‌ی شهیده(علیها السلام) و امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب(علیه السلام) و امام حسن مجتبی(علیه السلام) دفاع کرد و از هیچ چیز در راه خدا دریغ ننمود، حتی از اهل و عیال خود گذشت؛ حال وظیفه ماست که هر آنچه در توان داریم برای عزاداری سیدالشهداء(علیه السلام) به کار گیریم تا این واقعه تا ابد (ان شاء الله) زنده نگه داشته شود. هر کس بخواهد در آخرت خشنود باشد و حسرت نخورد، باید به معنای واقعی حسینی باشد و در ایام و فیات اهل بیت(علیهم السلام) در مجالس حزن شرکت کند و هر آنچه در توان دارد کمک کند که ان شاء الله تمامی اعمال در پرونده‌ی او ثبت خواهد شد. هر کاری که برای امام حسین(علیه السلام) انجام بدهید، حتی اشک ریختن بی نهایت ثواب دارد و تلاش کنید که در مجالس ابی عبدالله(علیه السلام) با سوز دل گریه کنید، چنانچه امام صادق(علیه السلام) فرمود: «لِكُلِّ شَيْءٍ ثَوَابٌ إِلَّا الدَّمْعَةَ فِينَا».^{۵۵}

محبت اهل بیت(علیهم السلام)

مرحوم میرزا(قدس سره) الگویی برای جوانان در حبّ اهل بیت(علیهم السلام)

فرزند فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تیریزی(قدس سره) می گوید: نیمه شبی در کنار قبر مرحوم میرزا(قدس سره) در حال قرائت قرآن بودم. ناگهان جوانی حدود ۲۳ ساله را مشاهده کردم که بر سر قبر مرحوم میرزا(قدس سره) بسیار بی تابی می کند، بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم، تعجّب کردم که این جوان از آقا چه دیده که آن قدر ابراز احساسات می کند. بدون آنکه متوجّه شود من فرزند میرزا(قدس سره) هستم، از او پرسیدم: آقا شما با مرحوم میرزا(قدس سره) چه نسبتی دارید که آن قدر بی تابی می کنید؟ او به چشمان من خیره شد در حالی که خنده‌ی ملیحانه بر لب داشت، گفت: این آقا که الان موفق به زیارت قبرش شدم، چگونگی مودّت و محبّت به اهل بیت(علیهم السلام) را به من یاد داد، ایشان با آن گریه های خود و خروج با پای برهنه در آن گرمای سوزان و عرض ادب به ساحت مقدّس اهل بیت(علیهم السلام) به خصوص فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) به من یاد داد که چگونه محب اهل بیت(علیهم السلام) باشم و تا آخر عمر این نعمت الهی را فراموش نمی کنم و امروز لذّت محبت اهل بیت(علیهم السلام) را به واسطه‌ی این مرد الهی دارم. ما جوانان نمی دانستیم چگونه به این خاندان ابراز محبت کنیم تا آنکه مرحوم میرزا(قدس سره) با خروج با پای برهنه در آن گرمای سوزان تحوّل عظیم در ما ایجاد نمود. من شغل آزاد دارم و از اصفهان به نیت زیارت بی بی، حضرت معصومه(علیها السلام) و زیارت این قبر شریف آمده ام و آن قدر به صاحب این قبر (مرحوم میرزا(قدس سره)) علاقه دارم که امروز آمده ام تا با او درد دل کنم، ایشان شخصیت بسیار بزرگی بود و چگونگی ابراز دوستی و محبت به اهل بیت(علیهم السلام) را به ما جوانان آموخت.

عرض ارادت به ساحت مقدس سیدالشهداء (علیه السلام)

عرض ارادت میرزای تبریزی (قدس سره) به سیدالشهداء (علیه السلام)

یکی از سؤال‌هایی که همواره از فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) پرسیده می‌شد و به صورت شبهه درآمده، در خصوص وقایعی است که اهل منبر ضمن مصایب اهل بیت (علیهم السلام) نقل می‌کنند و به اصطلاح با طرح آن وقایع، گریه از مردم می‌گیرند. مرحوم میرزا (قدس سره) در حالی که اشک می‌ریختند در جواب می‌فرمودند: مصایب اهل بیت (علیهم السلام) از آنچه که ثبت شده عظیم‌تر است، به خصوص مصیبت سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام). اگر خطیب مطلبی را نقل کرد که موجب گریه‌ی عزاداران شد و آنان را به واقعه‌ی کربلا نزدیک کرد، مانعی ندارد. خطباء گاهی در مصایب روز عاشورا نقل حال می‌کنند و این امر مردم را منقلب می‌کند، طبیعی است؛ وقتی علی اکبر (علیه السلام) به میدان می‌رود وصف حالی بر سیدالشهداء (علیه السلام) وجود داد و همچنین وقتی علی اصغر بر دستان سیدالشهداء ذبح می‌شود، عرض حالی دارد و خروج سیدالشهداء (علیه السلام) به میدان، وداع آخر و ملاقات با زینب (علیها السلام) در آخرین لحظات، خود مناظر بسیار دردناکی است که خطیب آن را به شکل گفتگو و مصیبت می‌خواند. خدا می‌داند کسی نمی‌تواند عمق فاجعه و درد دل زینب (علیها السلام) را درک کند که آن عقیده‌ی بنی هاشم در کربلا و شام چه مصیبت‌ها که ندید. سنگینی این مصیبت عظمی قامت افلاک را خمید «وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»^{۵۶} و آسمان در مظلومیت سبط نبی اعظم (صلی الله علیه و آله) چهل روز گریست. قال الصادق (علیه السلام): «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَا زُرَّارَةُ إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِاللَّيْلِ وَ إِنَّ الْأَرْضَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالسَّوَادِ وَ إِنَّ الشَّمْسَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالْكَسُوفِ وَ الْحُمْرَةَ وَ إِنَّ الْجِبَالَ تَقَطَّعَتْ وَ انْتَثَرَتْ وَ إِنَّ الْبِحَارَ تَفَجَّرَتْ وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا عَلَى الْحُسَيْنِ»^{۵۷}.

وقتی جن و انس، آسمان و زمین و... بر این مصیبت کبری گریه می‌کنند، پس ما هر چه بگوییم و هر کاری انجام دهیم، نمی‌توانیم ذره‌ای از آن وقایع جانکاه را بازگو کنیم.

۵۶- کامل‌الزیارات، ص: ۱۷۶.

۵۷- بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۰۷.

لباس عزا به تن کردن

میرزای تبریزی (قدس سره) و ایام حزن اهل بیت (علیهم السلام)

یکی از ویژگی های فقیه مقدّس، مرحوم میرزا این بود که به ایام و فیات به خصوص ایام حزن صدیقه‌ی شهیده (علیها السلام) و سیدالشهداء (علیه السلام) اهتمام خاص داشتند به طوری که از چهره و لباس ایشان می شد تشخیص داد که ایام عزاست. قبای سیاه به تن می کردند و اجازه نمی دادند در مجلس برایش متگا بگذارند (غیر از سال آخر عمر که سرما برای ایشان مضرّ بود، از این رو با اصرار پشتمی برای ایشان گذاشته می شد تا سرما نخورند) و در مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) همچون باران اشک می ریختند. در شهادت ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) بسیار ابراز احساسات می کردند و به شدت اشک می ریختند و با هیئت عزاداران در مجلس حاضر می شدند و خطاب به منبری می فرمودند: «زیاد روضه بخوان!» به گونه ای اشک می ریختند که اطرافیان تحت تأثیر قرار می گرفتند. ایشان می فرمود: «بهترین لحظات زندگی من حضور در مجلس عزا و روضه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) است» از این رو ایشان به هر مناسبتی مجلس عزایی به یاد مصایب اهل بیت (علیهم السلام) به پا می کردند و خود نیز از اول تا آخر مجلس شرکت می کردند، اگر خطیبی خدمت ایشان می رسید کم اتفاق می افتاد که چند بیته در نزد مرحوم میرزا (قدس سره) نخواند، مجالس خصوصی میرزای تبریزی (قدس سره) از سه حالت خارج نبود یا بحث علمی بود یا نوشتن استفتاء و یا ذکر مناقب، فضایل و روضه‌ی اهل بیت (علیهم السلام).

بکاء در مظلومیت سیدالشهداء (علیه السلام)

میرزای تیریزی (قدس سره) و گریه‌ی شدید بر مظلومیت امام حسین (علیه السلام)

ماه محرم، ماه حزن و غم و اندوه است. حضرت امام رضا (علیه السلام) در روایتی فرمود: «كَانَ أَبِي (علیه السلام) إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَ كَانَتْ الْكِنَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ (علیه السلام)»^{۵۸}. و مرحوم میرزا (قدس سره) نیز با تأسی از این امام همام با فرا رسیدن ماه محرم، با هیئتی عزادار، جامه‌ی سیاه به تن می نمود و مجالس با شکوهی در این ماه غربت و اسارت اهل بیت (علیهم السلام) برگزار می کرد و چنان غرق ماتم و سوگواری می شد که با نگاه به مرحوم میرزا (قدس سره) می توانستیم متوجه ایام حزن شویم. ایشان محرم را با غم و اندوه شروع می کردند. در هنگام ذکر مصیبت، چون باران اشک می ریختند و به منبری ها می گفتند: «زیاد روضه بخوانید!» مرحوم میرزا (قدس سره) در مجلس عزا و در هنگام روضه از خود بی خود می شدند و با شدت شروع به گریه می کردند؛ به طوری که اطرافیان سخت تحت تأثیر قرار می گرفتند. هر کسی ایشان را با این هیئت می دید، عاشقانه

می سوخت و هرگاه به ایشان می گفتند: آقا! کمی مواظب خود باشید، این قدر بی تابی نکنید برای حالتان مناسب نیست، می فرمود: «این اشک ها برای قبر و قیامت است، می خواهم اسمم جزء عزاداران اهل بیت (علیهم السلام) و سیدالشهداء (امام حسین (علیه السلام)) ثبت شود» مگر نمی دانید اشک ریختن بر آن «قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ وَ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ»^{۵۹} چقدر در نزد خداوند متعال ارزشمند است که حتی به خاطر قطره‌ی اشکی به کمتر از بهشت برای عاشقان حسین (علیه السلام) راضی نمی شود. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ لَهُ وَ مِنْ ذِكْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ (عَيْنِيهِ) مِنَ الدَّمُوعِ مِقْدَارُ جَنَاحِ دُبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَمْ يَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ^{۶۰}. ایشان علاوه بر اینکه تلاش می کرد تا آخرتش مملو از حسنات باشد، دیگران را نیز آموزش می داد که چگونه به درگاه اهل بیت (علیهم السلام) ابراز ارادت کنند. هرکس به آن صورت نورانی نظر می کرد، نایافته های خود را می یافت و می فهمید که چگونه باید محبت و علاقه‌ی خود را به اهل بیت (علیهم السلام) ابراز کند.

۵۸- امالی، شیخ صدوق، ص ۱۱۱.

۵۹- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۲۲۵.

۶۰- کامل الزیارات، ص ۲۰۲، ح ۲۸۷.

بگآء بودن در مصایب اهل بیت(علیهم السلام)

با صدا گریه کردن مرحوم میرزا(قدس سره)

فقیه مقدّس، مرحوم میرزای تبریزی(قدس سره) افرادی را که با صدا و با احساسات بر اهل بیت(علیهم السلام) گریه می کردند، بسیار دوست داشتند. اگر فردی خدمت ایشان می رسید که معروف بود، که این آقا در مصایب اهل بیت(علیهم السلام) «بگآء» است، بسیار خشنود می شد، او را نزدیک تر فرا می خواند و ضمن لبخند می فرمود: التماس دعا داریم. و با عمل خویش به بکائین روحیه می داد و با زبان حال می فرمود: قدر این مجالس و این اشک هایی که از سوز دل بر آقا، امام حسین(علیه السلام) با ناله و فریاد همراه است، را بدانید که سعادت دنیا و عقبی در گرو همین اشک ها و مودّت به اهل بیت(علیهم السلام) است که امام باقر(علیه السلام) خطاب به کمیت فرمود: «مَنْ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ الْبُعُوضَةِ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ»^{۶۱}. خود مرحوم میرزا(قدس سره) در مجالس اهل بیت(علیهم السلام) بسیار اشک می ریخت و به خطباء سفارش می کرد که زیاد روضه بخوانند، گاهی به خاطر شدّت بگآء چندین بار خود را در مجلس جابه جا می کردند، تحمّل ذکر مصیبت اهل بیت(علیهم السلام) برای ایشان سخت بود و نمی توانستند آرام بنشینند. مرحوم میرزا(قدس سره) بارها در مواطن مختلف به ثواب گریه بر سیدالشهداء(علیه السلام) اشاره می کردند و می فرمودند: انسان در طول زندگی همواره لغزش دارد و شیطان در کمین است، ممکن است اشتباه هم بکند که باید در این حال از شرّ شیطان به درگاه اهل بیت(علیهم السلام) پناه ببرد. یکی از راه های نجات از شرّ شیطان گریه در مصائب اهل بیت(علیهم السلام) و کمک خواستن از آن هاست. اگر ایشان مشاهده می کردند کسی در مجلس روضه بی تفاوت نشسته است یا خود تذکر می دادند یا با نگاه طرف را متوجّه می کردند که باید حالت گریه داشته باشد.

اگر کسی با معرفت به عظمت مصایب اهل بیت (علیهم السلام)

اشک بریزد، از بهشتیان است

میرزای تبریزی (قدس سره) و گریه بر مظلومیت سیدالشهداء (علیه السلام)

هنگامی که فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) در مجلس روضه حاضر می شدند، سخت بی تابی می کردند و مانند باران اشک می ریختند که حاضرین را عجیب تحت تأثیر قرار می دادند. روزی فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) خطاب به ایشان گفتند: «آقا! چرا در روضه این قدر بی تابی می کنید، با وضعیتی که دارید، (چهار سال آخر عمر مرحوم میرزا (قدس سره) که به بیماری گذشت) به شما فشار می آید!» مرحوم میرزا (قدس سره) فرمودند: «فرزندم! گریه‌ی من ان شاء الله اگر مورد قبول واقع شود، عرض ادب به ساحت مقدس اهل بیت (علیهم السلام) است. من با این گریه دو چیز را دنبال می کنم: یکی به خاطر قبر و قیامت که ثواب این اشک ها برای روزی که «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»^{۶۲} ذخیره شود، مگر نه اینکه ملایک، انبیاء و اوصیاء معصومند، با این وجود با گریه بر مظلومیت امام حسین (علیه السلام) برای ترفیع درجه و آخرت خود توشه ای ذخیره می کنند، امام صادق (علیه السلام) فرمود: «وَكَلَّ اللَّهُ تَعَالَى بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ كُلَّ يَوْمٍ شَعْنًا غُبْرًا مُنْذُ يَوْمِ قَتْلِ إِيَّيَّ مَا شَاءَ اللَّهُ يَعْزِي بِدَلِكِ قِيَامِ الْقَائِمِ (علیه السلام)»^{۶۳}. پس بدانید گریه در مصایب اهل بیت (علیهم السلام) حلال مشکلات است و علاوه بر تأثیر دنیوی ذخیره ای برای آخرت است. اگر کسی با معرفت به عظمت مصایب اهل بیت (علیهم السلام) اشک بریزد از بهشتیان است. مورد دوم اینکه، من می خواهم به مؤمنین به خصوص طلاب جوانی که در آینده، هدایت مردم در دست آن هاست، طریقه‌ی ابراز ارادت و محبت و برگزاری مجالس عزا در مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) را آموزش دهم تا آنها بفهمند که در مقابل مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) باید ابراز احساسات کرده و نباید خود را در مقابل مقام والای آنان چیزی حساب کنند؛ بلکه باید بر سر و سینه زده و گریه کنند. گریه علاوه بر اینکه در مقابل مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) ادای وظیفه است، ذخیره ای بسیار گرانبها برای قبر و قیامت است؛ زیرا چشمی که بر مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) گریه کند، در آخرت گریان محشور نخواهد شد. ما تا فرصت داریم باید در دنیا برای خود ذخیره داشته باشیم و از جمله بهترین ذخیره ها، اشک ریختن در مظلومیت اهل بیت: می باشد و امید است که به برکت این اشک ها خداوند رحمی نموده و ما را در آنچه تقصیر کرده ایم، ببخشد و توفیق دهد، آن باشیم که او دوست دارد.»

۶۲- سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۸۸.

۶۳- کامل الزیارات، ص ۱۷۲، ح ۲۲۵.

بهترین ذخیره‌ی قبر و قیامت

مرحوم میرزا(قدس سره) و دستمال ایشان برای روضه‌ی اهل بیت (علیهم السلام)

فقیه مقدّس، میرزای تبریزی(قدس سره) دستمال سیاهی داشتند که مخصوص گریه بر اهل بیت(علیهم السلام) بود، ایشان مقید بودند که آن دستمال را در روضه‌ها با خود همراه داشته باشند، به ندرت این کار را فراموش می‌کردند. گاهی اتفاق می‌افتاد که مرحوم میرزا(قدس سره) بدون برنامه ریزی قبلی در مجلس روضه شرکت می‌کردند و به همین سبب دستمال همراهشان نبود، لکن ایشان در مجالسی که خبر داشتند روضه برگزار خواهد شد، دو دستمال حمل می‌کردند: یکی سیاه که مخصوص گریه بر مصائب اهل بیت(علیهم السلام) بود و اشک‌های خود را با آن پارچه‌ی مخصوص سیاه پاک می‌کردند و دیگری دستمال سفیدی بود که مخصوص پاک کردن بینی و دهان مبارکشان بود. ایشان مقید بودند که اشک خود را با آن دستمال سیاه پاک کنند و همیشه می‌فرمودند: «من این دستمال را برای قبرم می‌خواهم و وصیت کرده‌ام که آن را در قبر من جای دهند تا برای قبر و قیامت امانی باشد». بحمد الله فرزندان مرحوم میرزا(قدس سره) موفق شدند که از آن دستمال‌های سیاه را یکی در دست مبارک و دیگری را بر روی سینه‌ی ایشان جای دهند. مرحوم میرزا(قدس سره) نمونه‌ی بارزی از عاشقان و محبّان اهل بیت(علیهم السلام)، و غرق در بحر مودّت آنها بود. ایشان با حب آل محمد (صلی الله علیه و آله) از این دنیا به جوار اخیار عقبی پر گشود و چه زیباست لحظه‌ی دیدار، آن دم که ملائک و انبیاء در عالم قبر به مصافحه‌ی میرزا جواد (قدس سره) آمدند، که عبدالله بن عمر در حدیث طولانی از رسول خدا نقل می‌کند: «... أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صَافَحَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَ زَارَتْهُ أَرْوَاحُ الْأَنْبِيَاءِ وَ قَضَى اللَّهُ لَهُ كُلَّ حَاجَةٍ كَانَتْ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ كُنْتُ أَنَا كَفِيلُهُ بِالْجَنَّةِ...»^{۶۴} و این مصافحه صرف ادعا نیست بلکه آن دو دستمال، گواهی صادق بر حب آن فقیه فقید است. مرحوم میرزا(قدس سره) با این اشک ریختن و ابراز محبت کردن به اهل بیت(علیهم السلام)، به دیگران درس دادند که با تمسّک به این روش، خود را از عذاب قبر در امان دارند و گریه‌های خود را با دستمالی خاص خشک کنند که فریاد رسی باشد در قبر و قیامت و راه گشایی باشد در محشر و این دستمال‌ها گواهی باشد بر ابراز ارادت میرزا(قدس سره) به اهل بیت(علیهم السلام)، هَنِئِلاً لَهُ عَاشَ سَعِيداً وَ مَاتَ سَعِيداً.

گریه بر مظلومیت صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)

انحراف چشم مرحوم میرزا (قدس سره)

به دلیل گریه‌ی فراوان در ایام فاطمیّه

فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در ایام سوگواری حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) (ایام فاطمیّه‌ی سال ۱۴۲۷ هـ. ق) سخت بی‌تابی کرده و به شدّت گریه می‌کردند. چون ایشان کسالت داشتند، اطرافیان برای حال ایشان بسیار نگران بودند و می‌گفتند: آقا! کمی تحمّل کنید، برای حالتان خوب نیست، کمتر بی‌تابی کنید؛ ولی ایشان می‌فرمود: نمی‌توانم! مصایب حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) به قدری است که انسان نمی‌تواند خود را کنترل کند. ایشان آن قدر بی‌تابی می‌کرد که سرانجام چشم چپ ایشان از شدّت فشار منحرف شد و اطرافیان به خصوص اعضای شورای استفتاء به وضوح مشاهده می‌کردند که مرحوم میرزا (قدس سره) اختیار یکی از چشمان خود را از دست داده است. برای علاج چشم مرحوم میرزا (قدس سره) به پزشکان مختلف مراجعه شد و بعد از بررسی و معاینه، نظر دکترها این بود که چشم هیچ عیبی ندارد، ولیکن به آن فشار آمده و زیاد خسته شده است؛ از جمله دکتر تالشان از متخصصان چشم که بعد از معاینه و بررسی کامل چشم مرحوم میرزا (قدس سره) گفتند: چشم سالم است؛ اما بسیار خسته شده و به آن فشار آمده است. ولی نگران نباشید، بگویید، آقا کمی استراحت کنند و از چشم خود کار نکنند.

بعضی از پزشک‌ها سؤال می‌کردند: مگر آقا چه کار می‌کند که آن قدر به چشم هایشان فشار آمده است! وقتی قضیه‌ی بی‌تابی در ایام فاطمیّه و گریه بر حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) را دلیل خستگی چشم آقا بیان می‌کردیم، سخت تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و از چهره‌ی آن‌ها می‌شد فهمید که گویا می‌گفتند: این پیر و لاء چقدر نسبت به این خاندان مخلص است. مرحوم میرزا (قدس سره) هنگامی که شروع به گریه می‌کردند بسیار اشک می‌ریختند. بارها مرحوم میرزا (قدس سره) می‌فرمودند: نمی‌دانید بر حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) چه گذشت. این دخت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چه گناهی کرده بود که باید به او آن قدر ظلم کنند، سپس شروع به گریه می‌کردند و می‌فرمودند: بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) این دخت گرامی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چه مصایبی را تحمّل کرد، ولی ضمن دفاع از حریم ولایت، مانند همسر خود صبر کرد تا زحمات رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از بین نرود و در کنار مولا علی بن ابی طالب (علیه السلام) چه مصایبی را تحمّل نمود؛ سرانجام غاصبان حرمت آن بانو را نگاه نداشتند و به درب خانه‌ی وی هجوم بردند و آن را سوزاندند. حضرت بین در و دیوار قرار گرفت و آن چنان ضربه‌ای به جسم مقدّسشان وارد شد که بر اثر آن به شهادت رسیدند. چه کسی می‌تواند آن لحظه‌ی هجوم دشمنان به خانه‌ی حضرت را تصور کند که نقل شده: «... وَ أَخَذَتْ

النَّارُ فِي حَشَبِ الْبَابِ وَ إِدْخَالَ قُنْفُذٍ يَدَهُ لَعَنَهُ اللَّهُ يَرُومُ فَتَحَ الْبَابَ وَ ضَرَبَ عُمَرَ لَهَا بِالسَّوِطِ عَلَى عَضِدِهَا حَتَّى صَارَ كَالدُّمُجِ الْأَسْوَدِ وَ رَكَلَ الْبَابَ بِرِجْلِهِ حَتَّى أَصَابَ بَطْنَهَا وَ هِيَ حَامِلَةٌ بِالْمَحْسَنِ لِسِنَّةِ أَشْهُرٍ وَ إِسْقَاطِهَا إِيَّاهُ وَ هُجُومِ عُمَرَ وَ قُنْفُذِ وَ خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ وَ صَفَقِهِ خَدَّهَا حَتَّى بَدَا قُرْطَاهَا تَحْتَ خِمَارِهَا وَ هِيَ تَجْهَرُ بِالْبُكَاءِ وَ تَقُولُ: وَ أَبَتَاهُ وَ رَسُولَ اللَّهِ ابْنَتُكَ فَاطِمَةُ تُكَدِّبُ وَ تُضْرَبُ وَ يُقْتَلُ جَنِينٌ فِي بَطْنِهَا...»^{٦٥}.

تازیانه عمر با سر و صورت حضرت چه کرد که بعد از ۷۵ و یا ۹۵ روز آثارش بر روی بازوان صدیقه‌ی زهرا (علیها السلام) وجود داشت.

گریه بر سیدالشهداء (علیه السلام) فریضه‌ی الهی

میرزای تبریزی (قدس سره) گریه بر امام حسین (علیه السلام) را واجب می‌دانست

حجت الاسلام سید محمد موسوی می‌گوید: در حرم مطهر حضرت ثامن الحجج، امام رضا (علیه السلام) خدمت خطیب شهیر حجت الاسلام والمسلمین، عبدالحسین خراسانی (رحمه الله) رسیدم، بنا به مناسبتی، ذکری از مرحوم فقیه مقدّس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) به میان آمد. ایشان ضمن آه کشیدن و اشاره به بعضی از مناقب میرزای تبریزی (قدس سره) گفتند: خدایش بیامرزد و بر درجاتش بیفزاید که ایشان فانی در ولای اهل بیت (علیهم السلام) بود و در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) به شدت اشک می‌ریخت و ابراز ارادت می‌کرد، گریه بر امام حسین (علیه السلام) را واجب می‌دانست که این، خود دال بر ولای سرشار و علاقه‌ی فراوان آن مرجع راحل به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) است. ایشان در مجالس اهل بیت (علیهم السلام)، به خصوص سالار شهیدان و صدیقه‌ی شهیده (علیها السلام) مانند باران اشک می‌ریخت و به منبری‌ها سفارش می‌کردند که زیاد روضه بخوانید، ایشان (قدس سره) می‌فرمود: «بهترین لحظه‌ی حیات من همان زیارت عتبات مقدّسه و حضور در مجلس روضه می‌باشد». حضور در مجلس روضه باعث احیاء قلب‌های مرده می‌شود، آینده‌ی وجود انسان درگذر زمان و تماس با بدی‌ها و زشتی‌ها تیره و کدر شده و فرجامی جز شکستن نخواهد داشت. پس با کمال میل و رغبت در مجالس عزای حسینی شرکت کنید و مسببات احیاء و تجلی آن را فراهم آورید که امام رضا (علیه السلام) فرمود: «من جلس مجلساً یحیا فیه امورنا لم یمت قلبه یوم یموت القلوب»^{۶۶}.

اگر کسی در مجالس روضه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص روضه‌ی سالار شهیدان حالت بکاء به خود نمی‌گرفت، مرحوم میرزا (قدس سره) سخت ناراحت می‌شدند و تذکر می‌دادند و یا اینکه به کسی می‌گفتند به فلانی بگو، این طور در مجلس روضه ننشیند یا لا اقل صورت خود را به حالت بکاء بگیرد. ایشان در روضه واقعاً از خود بی‌خود می‌شدند و مانند باران اشک می‌ریختند و می‌گفتند: به منبری‌ها بگویید: زیاد روضه بخوانند.

بهترین ذخیره‌ی آخرت

وصیت مرحوم میرزا (قدس سره) در خصوص دستمال عزا

فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) دو دستمال سیاه داشتند که در ایّام عزا با خود به مجالس روضه برده و هنگام ذکر مصیبت، اشک هایشان را با آن خشک می‌کردند و همواره از دستمال‌ها مواظبت کرده و بعد از فراغت از مجالس، در جای خاص قرار می‌دادند، بارها به فرزندان خود می‌گفتند: «اگر من از دنیا رفتم، این دستمال‌ها را در کفن من قرار دهید.» بعد از رحلت ایشان، فرزندان‌شان قبل از تکفین، هر چه جستجو کردند، دستمال‌ها را پیدا نکردند تا آنکه نوبت به کفن کردن مرحوم میرزا (قدس سره) رسید. همین که کفن را باز کردند، ناگهان مشاهده شد دستمال‌ها در کفن است. معلوم شد که مرحوم میرزا (قدس سره) قبل از رفتن به بیمارستان (که آخرین بستری ایشان بود و در همان بیمارستان از دنیا رفتند) دستمال‌ها را در کفن خود قرار داده‌اند. یکی از دستمال‌ها را در دست راست مرحوم میرزا (قدس سره) و دیگری را بر سینه‌ی مبارکشان قرار دادند و دستمالی که مرحوم میرزا (قدس سره) سال‌ها اشک هایشان را با آن پاک می‌کردند، و بارها می‌گفتند: اگر چیزی داشته باشم که در آخرت به درد من بخورد، همین دو دستمال است که سال‌ها به عشق اهل بیت (علیهم السلام) اشک ریخته‌ام، همراه ایشان به خاک سپرده شد تا به گفته‌ی مرحوم میرزا (قدس سره)، این دستمال‌ها شاهد و فریادری در قبر و قیامت باشد؛ زیرا که ایشان سال‌های متمادی با این دستمال چشمان پر اشک خود در مصایب اهل بیت (علیهم السلام) را پاک می‌کردند و معتقد بودند که این دستمال‌ها دادرس ایشان خواهند بود و بدین وسیله پیامی به همه دادند که باید در دنیا تا می‌توان بر مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) ابراز احساسات کرد تا این عرض ارادت‌ها نجات بخشی در قبر و قیامت باشد.

کربلای معلی برترین سرزمین

اشتیاق شدید مرحوم میرزا(قدس سره) به زیارت کربلا

یکی از بزرگ ترین آرزوهای مرحوم میرزا(قدس سره) مشرف شدن به مشاهد شریفه‌ی عراق بود که بعد از سقوط رژیم بعث عراق و باز شدن راه کربلا، ایشان با اشتیاقی وصف ناپذیر گذرنامه‌ی خود را جهت سفر به عتبات آماده نموده و لحظه شماری می کردند که اوضاع بحرانی و پر آشوب عراق، کمی آرام تر شود تا عازم گردند؛ هر روز از وضعیت موجود سؤال می کردند و همواره در حسرت زیارت کربلا می سوختند و به یاد زیارت عتبات اشک می ریختند و می پرسیدند: اوضاع چطور است، آیا توفیق بر ما حاصل می شود؟ بعضی از مقلدین وقتی از موضوع خبردار شدند، پیشنهاد سفر عمره دادند و مبالغی را جهت سفر مرحوم میرزا(قدس سره) به عمره فرستادند؛ ولیکن مرحوم میرزا(قدس سره) قبول نکرده و فرمود: «من تا کربلا را زیارت نکنم، جای دیگر نمی روم. وقتی مردم ببینند من سفر عمره رفته ام، فکر می کنند که عمره افضل از سفر به کربلا است، من وظیفه دارم اگر موفق شدم اول به کربلا بروم تا اگر دیگران از سفر من مطلع شدند، بدانند که زیارت آقا ابی عبدالله الحسین(علیه السلام) در سرزمین کربلا، از زیارت خانه‌ی خدا در مکه افضل است. اگرچه سرزمین مکه به خود فخر مورزید که اشرف منم، ولیکن کربلا قطعه‌ای از خلد برین است چنانچه امام صادق(علیه السلام) فرمود: «إِنَّ أَرْضَ الْكُعْبَةِ قَالَتْ: مَنْ مِثْلِي وَ قَدْ بَنَى اللَّهُ بَيْتَهُ (بَنَى بَيْتَ اللَّهِ) عَلَى ظَهْرِي وَ يَأْتِينِي النَّاسُ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ، وَ جُعِلَتْ حَرَمَ اللَّهِ وَ أَمْنَهُ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا: أَنْ كُفِّي وَ قَرِّي فَوْ عَزَّتِي وَ جَلَالِي مَا فَضَّلَ مَا فَضَّلْتَ بِهِ فِيمَا أُعْطِيتُ بِهِ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْأُبْرَةِ غُرْسَتْ (غُمِسَتْ) فِي الْبَحْرِ فَحَمَلَتْ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ وَ لَوْ لَا تُرْبَةُ كَرْبَلَاءَ مَا فَضَّلْتُكَ وَ لَوْ لَا مَا تَضَمَّنَتْهُ أَرْضُ كَرْبَلَاءَ لَمَا خَلَقْتُكَ وَ لَا خَلَقْتُ الْبَيْتَ الَّذِي افْتَخَرْتَ بِهِ فَقَرِّي وَ اسْتَقَرِّي وَ كُونِي دُنْيَا مُتَوَاضِعاً دَلِيلًا مَهِيناً غَيْرَ مُسْتَكْبِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ لِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ وَ إِلَّا سَخَتْ بِكَ وَ هَوَيْتُ بِكَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ».^{۶۷}

با وجود چنین بیان صریح از صادق آل محمد(صلی الله علیه وآله) چگونه می توانم از سفر به اشرف بعقاء عالم، چشم پوشی نموده و به مکه روم. از این رو علی رغم اصرار شدید مقلدین برای سفر به عمره، ایشان تا آخر عمر قبول نکردند و می فرمودند: تا کربلا نروم سفر عمره را قصد نمی کنم همواره در حسرت سفر به کربلا می سوختند و تا اسم کربلا به زبان کسی جاری می شد اشک می ریختند و اگر شخصی می گفت: می خواهم به کربلا سفر نمایم اشک می ریختند و می گفتند: خوشا به حالت که موفق می شوی افضل اعمال را انجام دهی. سرانجام به دلیل عدم امنیت، سفر مرحوم میرزا(قدس سره) به کربلا صورت نگرفت.

هرچند که ایشان در دنیا در حسرت زیارت کربلا سوخت، اما عاقبت آن چنان مقرب درگاه ایزد
منان گردید که یقیناً روح پاکش آزادانه در ملکوت اعلیٰ به زیارت مشغول است.

زیارت سیدالشهداء، امام حسین(علیه السلام)

مرحوم میرزا(قدس سره) و دخالت نکردن در قضایای سیدالشهداء(علیه السلام)

مسئله‌ی بسیار مهمی که در طول حیات فقیه مقدّس، میرزای تبریزی(قدس سره) واقع شد، اصرار مکرّر به معظم له در خصوص دخالت در مراسم عزاداری و اعطای نظر صریح در خصوص بعضی از قضایای اباعبدالله الحسین(علیه السلام) بود. ایشان تا آخر عمرشان حاضر نشدند در بعضی از قضایا که احتمال داشت از آن، در جهت تضعیف شعائر استفاده شود دخالت کنند و بارها می فرمودند: «من در دستگاه امام حسین(علیه السلام) دخالت نمی کنم. خوشا به حال آنان که مورد عنایت حضرت امام حسین(علیه السلام) قرار می گیرند که آخرتشان تضمین است.» و حتی برخی بر ایشان اصرار می کردند، که هم اکنون در عراق کشتار است، چرا فتوا نمی دهید، مردم به زیارت نروند و از جان خود مواظبت کنند. مرحوم میرزا(قدس سره) می فرمودند: «من کسی نیستم که نظر دهم. با توجّه به اینکه من خود را خادم سالار شهیدان(علیه السلام) می دانم و در عشق زیارت حضرت(علیه السلام) می سوزم چگونه می توانم مردم را از نایل شدن به آن فیض اعظم منع کنم، ولو جان انسان در این راه از دست برود. هرکس در راه زیارت سیدالشهداء(علیه السلام) از دنیا برود، شهید است و در آخرت از اجر بالایی برخوردار خواهد بود؛ زیرا که او در راه زیارت سیدالشهداء(علیه السلام) از دنیا رفته، همان راهی که افضل اعمال می باشد.» و خوشا به سعادت آن جوانمردان عاشق پیشه که لیاقت حضور در بقعه‌ی بهشتی سیدالشهداء(علیه السلام) را پیدا نمودند، که شرف حضور در آن مکان ملکوتی افضل است از هزار حج و هزار عمره، گویی که در رکاب محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله) و در تمام غزواتش شرکت داشته و از فیض حضور در جوار رحمة للعالمین بهره برده که حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) در روایتی طولانی ضمن بر شمردن گوشه ای از ثواب زیارت مضجع ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) فرمود: «فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَتَبَ لَهُ ثَوَابُ أَلْفِ أَلْفِ حِجَّةٍ وَ أَلْفِ أَلْفِ عُمْرَةٍ وَ أَلْفِ أَلْفِ عَزْوَةٍ كُلِّهَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) وَ كَانَ لَهُ ثَوَابُ مُصِيبَةِ كُلِّ نَبِيٍّ وَ رَسُولٍ وَ صَدِيقٍ وَ شَهِيدٍ مَاتَ أَوْ قُتِلَ مِنْذُ خَلَقَ اللَّهُ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ...»^{۶۸}.

فضیلت سفر به سرزمین کربلا

قداست قضایای سید الشهداء (علیه السلام) در نزد مرحوم میرزا (قدس سره)

فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) در حفظ شعائر سالار شهیدان، امام حسین (علیه السلام) سخت تلاش می‌کردند و همواره مقابل شبیّهات ایستادگی کرده و با افراد شبیه افکن با صراحت و شجاعت مقابله می‌نمودند. بعد از سقوط حکومت عراق و کشتار مردم مظلوم شیعه توسط «وهابیون» در داخل عراق، همواره از مرحوم میرزا (قدس سره) در خصوص سفر به کربلا و بعضی عزاداری‌ها سؤال می‌شد (آنان که این سؤال‌ها را مطرح می‌کردند، انتظار داشتند مرحوم میرزا (قدس سره) سفر به کربلا با آن وضعیت موجود، و انجام بعضی مراسم را تحریم کنند). اما مرحوم میرزا (قدس سره) با کمال اخلاص و فروتنی در جواب سؤال کنندگان می‌فرمود: «من در دستگاه سیدالشهداء (امام حسین (علیه السلام)) دخالت نمی‌کنم، دخالت در این امور جرأت می‌خواهد که من آن جرأت را ندارم. هر گفتاری، فردا در نزد پروردگار جواب می‌خواهد و من توان جوابگویی را ندارم. من خود عاشق حسینم و حاضر همه‌ی هستی خود را در راه آن حضرت فدا کنم و معتقدم هر کاری که بکنند، باز هم مردم در جهت زیارت و ارادت به سالار شهیدان کوتاهی نخواهند کرد؛ بلکه شوق و علاقه‌ی آنان هر روز از روز دیگر بیشتر و بیشتر خواهد شد. هرکس در این مسایل خودش تکلیف خود را تشخیص می‌دهد، چه اشکال دارد انسان در راه زیارت سیدالشهداء (امام حسین (علیه السلام)) جان خود را فدا کند! مگر ما از خاندان اهل بیت (علیهم السلام) برتریم؟! آنان در راه خدا از همه‌ی هستی خود گذشتند. خداوند این جوانان مخلص را حفظ کند که این‌گونه با اخلاص، ارادت خود را به اهل بیت (علیهم السلام) نشان می‌دهند. من برای همه‌ی آن عزیزانی که در راه احیای شعائر حسینی تلاش می‌کنند، دعا می‌کنم.»

کسی در قضایای امام حسین(علیه السلام) مؤاخذه نمی شود

نظر مرحوم میرزا(قدس سره) در مورد سفر به کربلا در موقع خطر

یکی از تجار اخیار می گوید: قرار بود حدود چهل نفر از زائرین عتبات مقدسه را راهی کشور عراق کنم و همزمان با مهیا شدن، درگیری در عراق شدید شد به طوری که ترسیدم برای زائرین اتفاقی رخ دهد. خدمت فقیه مقدس راحل، آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی(قدس سره) رسیدم و از ایشان سؤال کردم که با تعدادی زائر عاشق می خواهیم به عراق مشرف شویم ولیکن خوف داریم، چه کنیم؟ مرحوم میرزا(قدس سره) گفتند: اگر واقعاً خوف دارید سفر را به تأخیر بیندازید. با توجه به اینکه همه‌ی زائرین مهیا بودند، سخت بود آن سفر را به تأخیر بیندازم. از این رو به مرحوم میرزا(قدس سره) گفتم: آقا! اگر آن ها را به زیارت بردم و خدای ناکرده برای آنان اتفاقی افتاد، فردای قیامت مؤاخذه خواهم شد؟ ناگهان دیدم مرحوم میرزا(قدس سره) آهی از درون، که نشان از عشق سرشار ایشان به زیارت کربلا بود، کشیده و گفتند: کسی به خاطر امام حسین(علیه السلام) مؤاخذه نمی شود!

این کلام در دل من جای گرفت و قوت قلبی برای سفر شد. مرحوم میرزا(قدس سره) آن قدر با اخلاص و قاطعیت این کلام را بیان کرد که هرگاه یاد آن لحظه می افتم، بی اختیار اشک چشمانم را فرا می گیرد. این کلام چنان قوتی در وجودم ایجاد کرد که علی رغم آن درگیری ها به زیارت عتبات مقدسه مشرف شدیم و دائم در ذهنم مرور می کردم که کسی به خاطر قدم برداشتن در راه امام حسین(علیه السلام) فردای قیامت مؤاخذه نمی شود. روحش شاد باد که در هر کلامش دنیایی از معنا نهفته بود.

تا این افراد هستند، ماجرای امام حسین(علیه السلام)

زنده و ابدی خواهد بود

نظر مرحوم میرزا(قدس سره) در مورد خدمت به زوّار سیدالشهداء(علیه السلام)

مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید: زمانی که ما در اربعین حسینی از نجف با پای پیاده به سمت کربلا حرکت می کردیم، در بین راه مردم با تمام وجود از ما استقبال می کردند و ما را مهمان می نمودند. از بسیاری از آن ها عذر می خواستم، ولیکن آنان به اصرار و توسّل ما را مهمان می کردند و هرکس با امکاناتی که داشت از ما استقبال می کرد. در بین راه، شخصی تا ما را دید، از دور شروع به دویدن کرد و از ما خواست که در منزل آنان مهمان شویم. از او عذر خواستیم، شخصی دیگر جلوی ما را گرفت و با تمام وجود گفت: «به حق «ابوالفضل العباس» نمی گذارم بروید!» باید امشب مهمان ما باشید، و هرچه خواستم وی را قانع کنم، قبول نکرد. شروع به گریه کرد و گفت: «مرا از ضیافت زوّار امام حسین(علیه السلام) محروم نکنید.» در هر حال، جمعی که باهم بودیم، دیدیم نمی شود به این اصرار جواب منفی داد. به سمت منزل این عاشق حسین بن علی(علیها السلام) حرکت کردیم. تمام اهل خانه به احترام ما بلند شدند، يك گوسفند ذبح کردند و شام مفصلی دادند. بعد رختخواب هایی که تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته بود، در اختیار ما قرار دادند. مرحوم میرزا (قدس سره) می فرمود: ببینید مردم چگونه عاشق اباعبدالله الحسین(علیه السلام) هستند که حتی به زوّار شهید کربلا چنین احترام گذاشته و خدمتگزاری آنان را برای خود افتخاری می دانند که واقع نیز چیزی جز این نیست که خدمت به زوّار حضرت امام حسین(علیه السلام) افتخاری است که نصیب هرکس نمی شود. امام صادق(علیه السلام) در این باره فرمود: «... وَ يُنَزَّلُ اللَّهُ عَلَى زُورِ الْحُسَيْنِ(علیه السلام) عُذْوَةً وَ عَشِيَّةً مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ وَ خُدَامُهُمُ الْمَلَائِكَةُ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَبْدًا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهَا إِيَّاهُ...»^{۶۹}.

پس تا زمانی که عاشقان خدمتگزار زوّار امام حسین(علیه السلام) وجود دارند، نام و حرکت جهان شمول سبط نبی اعظم(صلی الله علیه وآله) در صدر وقایع ایّام، زنده و پاینده خواهد بود.

صورت این جوان عین جزع است

نظر مرحوم میرزا (قدس سره) در رابطه با جزع بر سیدالشهداء (علیه السلام)

یکی از جوانان کاشان به دفتر فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) مراجعه کرد، در حالی که دو طرف صورتش زخم هایی ایجاد شده بود و خون بر روی زخم ها بسته شده بود (بعضی از جوانان هنگام عزاداری به طرف صورت خود چنگ می زنند و آن را زخم می نمایند). به فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) گفت: «آیا آقا این گونه عزاداری را که موجب زخمی شدن صورت می شود، جایز می دانند؟» فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: به جوان گفتم بهتر است خود آقا صورت شما را ببینند و نظر دهند. جوان را نزد مرحوم میرزا (قدس سره) بردم و آن جوان سؤال خود را مطرح کرد. ناگهان اشک در چشمان مرحوم میرزا (قدس سره) حلقه زد و در حالی که دست خود را بر صورت و محل زخم آن جوان قرار دادند، فرمودند: «فرزندم! این عین جزع است. خداوند شما جوانان را در پناه امام زمان (علیه السلام) حفظ کند که شعائر را حفظ می کنید و مصداق بارز عزاداران حسینی هستید. بروید و با اخلاص به اباعبدالله الحسین (علیه السلام) عرض ادب کنید که فردای قیامت روسفید خواهید بود. حضرت امام حسین (علیه السلام) تمام هستی خود را در راه خدا فدا نمود و با اهدای خون خود، فرزندان و... شیعه را بیمه کرد. به دوستانتان سلام برسانید و بگویید: در این حرکتی که می کنید، مأجورید و این عزاداری و ابراز اخلاص به درگاه اهل بیت (علیهم السلام) بهترین ذخیره الهی در قیامت است. مرا هم دعا کنید، من هم برای شما دعا می کنم.» آن گاه مرحوم میرزا (قدس سره) در حالی که صورتشان قرمز شده بود و اشک در چشم مبارکشان حلقه زده بود فرمودند: «خوشا به حال این جوانان! خوشا به حال این جوانان!»

عزادار بودن در مصیبت امام حسین (علیه السلام) شایستگی و طهارت باطن می خواهد؛ زیرا آن را که خداوند دوست می دارد یقیناً پاک سرشت است و عزاداران حسینی نیز چنین است که خداوند آنان را محب خود می داند. پیامبر گرامی اسلام در این باره فرمود: «أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا»^{۷۰} بر سر و سینه زدن به خاطر شهادت مظلومانه ای آقا، اعلی درجه ای اظهار حب و مودّت است، پس به فرموده ای میرزا (قدس سره): خوشا به حال این جوانان عزادار که خداوند و اهل بیت (علیهم السلام) آنان را دوست می دارند.

زیارت سامرا با پای برهنه

روایای صادقانه از مرحوم میرزا(قدس سره)

با تخریب قبور ائمه‌ی اطهار(علیهم السلام) در سامرا دنیایی از غم وجود مبارک فقیه مقدس، میرزای تبریزی(قدس سره) را فرا گرفته بود. ایشان نسبت به این فاجعه بی‌تابی می‌کردند و تصمیم گرفتند همراه با هیئت عزاداری و با پای برهنه از دفتر خود به سمت حرم حضرت معصومه(علیها السلام) حرکت کنند. همچنان که اشک می‌ریختند، می‌فرمودند: اهل بیت(علیهم السلام) هم در زمان حیات خود و هم بعد از حیاتشان مظلومند، چه دستان ناپاکی حاضر است که هر ظلمی را مرتکب شود تا آنجا که قبر شریف این بزرگواران را تخریب کند.

بعد از آنکه خبر تخریب قبور ائمه‌ی سامرا (علیهم السلام) پخش شد، مرحوم میرزا(قدس سره) با عده‌ی کثیری از فضلا، طلاب و مؤمنین در حالی که بر سر و سینه می‌زدند، با پای برهنه به سوی حرم مطهر حضرت فاطمه‌ی معصومه(علیها السلام) جهت عرض تسلیت حرکت کردند.

فاضل محترم، حجت الاسلام والمسلمین وحیدپور می‌گوید: بعد از چند روز حجت الاسلام والمسلمین رکنی، امام جمعه‌ی بندر لنگه با این حقیر تماس گرفته و گفتند که شب همان روز (یعنی شب

بعد از روزی که مرحوم میرزا(قدس سره) با پای برهنه برای عزاداری جهت تخریب قبور ائمه‌ی مظلوم سامرا(علیهم السلام) خارج شده بودند)، خانواده خواب دیده است که مرحوم میرزا(قدس سره) به صورت دسته جمعی به زیارت امامین عسکریین(علیهم السلام) حرکت می‌کنند؛ همه با کفش وارد حرم می‌شوند؛ و لکن يك نفر عالم بزرگوار و نورانی با پای برهنه وارد حرم شد و به زیارت و گریه پرداخت که در میان آن همه جمعیت برای همه اسباب تعجب بود که این پیرمرد نورانی کیست؟

حاج آقای رکنی می‌گوید: خانواده‌ی ما مرحوم میرزا(قدس سره) را ندیده بود و می‌گفت يك پیرمرد نورانی بود، سپس می‌گوید: از ایشان خصوصیات آن پیرمرد را سؤال کردم؟ او اوصافی را بیان کرد که کاملاً با خصوصیات فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی(قدس سره) منطبق بود، من به ایشان گفتم: اتفاقاً میرزا دیروز با پای برهنه به حرم حضرت معصومه(علیها السلام) رفته اند. جای تعجب این جاست که خانواده‌ی این جانب اصلاً میرزای تبریزی(قدس سره) را ندیده بود و نمی‌شناخت؛ ولی اوصافی را که در خواب از ایشان می‌گفت، منطبق بر مرحوم میرزا(قدس سره) بود. این است ثمره‌ی يك عمر سوختن در ولای اهل بیت(علیهم السلام)، این است عنایت خداوند متعال در اظهار مودت به خاندان عصمت و

طهارت که تمسکی یابند ناگسستی به عروة الوثقی^{۷۱}، و حشر و نشر کنند^{۷۲} با او که عالم امکان از طفیل سر او، پا به منصه‌ی هستی نهاد.^{۷۳}

۷۱- اشاره به روایت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) دارد که فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا فَلْيَسْتَمْسِكْ بِوَلَايَةِ أَخِي وَوَصِيِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ لَا يَهْلِكُ مِنْ أَحَبِّهِ وَتَوَلَّاهُ وَ لَا يَنْجُو مَنْ أَبْغَضَهُ وَ عَادَاهُ» بحار الأنوار، ج ۶۴، ص: ۱۳۲.

۷۲- اشاره به روایت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) دارد که فرمود: «مَعَاشِرُ أَصْحَابِي مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ بَيْتِي خَيْرَ مَعَنَا وَ...» كفاية الاثر، ص ۷۴.

۷۳- اشاره به روایت قدسی دارد که خداوند متعال خطاب به پیامبر گرامی اسلام فرمود: «أَنْتَ خَيْرَتِي مِنْ خَلْقِي وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَوْلَاكَ مَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ مِنْ أَحَبِّكَ أَحَبُّنُهُ وَ مَنْ أَبْغَضَكَ أَبْغَضْتُهُ» بحار الأنوار، ج ۵۴، ص: ۱۹۹.

سائل بر در خانه‌ی اهل بیت(علیهم السلام) انتظار نمی کشید

میرزای تبریزی(قدس سره) و محبت به اهل بیت(علیهم السلام)

فاضل محترم، سیّد محمد حسن میر حسینی می گوید: در ایّام شهادت حضرت صدیقه‌ی کبری (فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)) شور حال خاصی در بیت فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) برقرار بود. بنا داشتیم در گوشه‌ای از حسینیه‌ی معظم له، درب خانه‌ی مبارک فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) را به صورت نمادین بسازیم. از صبح زود همراه عده‌ای از دوستان و آقازاده‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) که ناظر بر ساخت خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) بود، مشغول کار شدیم. بعد از ظهر که کارهای نهایی انجام می گرفت، به ناگاه مرحوم میرزا(قدس سره) به حسینیه تشریف آوردند، در حالی که محاسن مبارک را به دست گرفته بود، پرسید: این جا چه خبر است؟ نزدیک ایشان که شدم، دیدم صورت مبارک ایشان حالت غم به خود گرفته است. عرض کردم مشغول ساخت خانه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام) هستیم. آقا آرام آرام به سوی خانه‌ی نمادین آمدند و با همان حالت منقلب اشاره به درب سوخته که نیمه باز بود کرده و فرمود: درب این گونه نبود. وقتی که هجوم آوردند در کاملاً باز شد. بعد نگاهی به سکویی که کنار درب خانه ساخته بودیم، انداختند و فرمودند: این سکو چیست؟ عرض کردیم: آقا جان! شنیده ایم که بر درب خانه‌ی امیرالمؤمنین(علیه السلام) سکویی گلی بود که حضرت برای قضاوت و رفع امور بر آن می نشستند و گاه سائل بر روی آن به انتظار اهل بیت(علیهم السلام) می نشست. به این جا که رسیدیم، آقا با عصبانیت و حالتی عجیب فرمودند: نه! نه! سائل بر خانه‌ی اهل بیت(علیهم السلام) انتظار نمی کشید. اهل بیت(علیهم السلام) سائل را قبل از این که سؤال کند، جواب می دادند و سائل بر درب خانه‌ی اهل بیت(علیهم السلام) منتظر جواب نمی ماند. بعد از این جمله که تمامی اطرافیان را در بهت فرو برده بود، ایشان از تمام کسانی که با دست و لباس گلی و خاکی مشغول کار بودند، تفقّد جستند و فرمودند: خداوند به شما توفیق دهد، مأجور باشید. روحش شاد و یادش گرامی باد که معلّمی نمونه و فقیهی ولایی و استوار بود، تحوّل عجیبی در معتقدات ایجاد نمود و علاوه بر تثبیت شعائر افراد مؤمن به خصوص جوانان با الگوگیری از آن مرجع راحل چهره‌ی زیبایی از حب اهل بیت(علیهم السلام) در جامعه به نمایش گذاشته و با خلوص نیت در حال فعالیت و تقویت شعائر می باشند و چه زیبا آن شاعر، فضایل و مناقب فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) را ترسیم کرده و شمه‌ای از حقایق عالم اسرار و رشحه‌ای از مظلومیت ام‌الائمة(علیها السلام) را بیان کرده است:

هي البتول الطهر والعذراء *** كمریم الطهر ولا سواء

فإنها سيدة النساء *** و مریم الكبرى بلا خفاء

وحبّها من الصفات العالیة *** علیه دارت القرون الخالیة

تتبلت عن دنس الطبيعة *** فيا لها من رتبة رفيعة
في أفق المجد هي الزهراء *** للشمس من زهرتها الضياء
بل هي نور عالم الأنوار *** ومطلع الشمس والأقمار
يا قبلة الأرواح والعقول *** وكعبة الشهود والوصول
أيضرم النار بباب دارها *** وآية النور على منارها
وبابها باب نبي الرحمة *** وباب أبواب نجات الأمة
لكن كسر الضلع ليس يجبر *** إلا بصمصام عزيز مقتدر
ومن نبوع الدم من ثدييها *** يعرف عظم ما جرى عليها
وجاوزوا الحدّ بلطم الخدّ *** شلت يد الطغيان والتعدّي^{٧٤}

فردای قیامت در صفوف خدام امام حسین(علیه السلام)

میرزای تبریزی(قدس سره) و خدمت به مجالس اهل بیت(علیهم السلام)

یکی از مسائلی که در محضر مرحوم، فقیه مقدّس میرزای تبریزی (قدس سره) بسیار مطرح می شد، مسئله‌ی کمک تجار به مجالس سیّدالشهداء(علیه السلام) از وجوه شرعی بود که سؤال می کردند، آیا جایز است از وجوه شرعی در مجالس سیّدالشهداء(علیه السلام) مصرف شود یا خیر؟

مرحوم میرزا(قدس سره) در مورد این مسئله با تجاری که برای سؤال خدمتشان می رسیدند، طوری برخورد می کردند که با چشمان گریان از مجلس خارج می شدند و عظمت کمک به مجالس سیّدالشهداء(علیه السلام) بر آنان روشن می شد. مرحوم میرزا(قدس سره) می فرمودند: شما که متمکن هستید و خدا به شما این قدرت را داده؛ چرا نمی خواهید فردای قیامت در صف خدام امام حسین(علیه السلام) قرار گیرید؟ باب امام حسین(علیه السلام) باب مخصوصی است که هرکس را توفیق عبور از آن نیست، ما سال ها درس خواندیم و شب و روز زحمت کشیدیم، سرانجام امید ما، به عنایت اهل بیت(علیهم السلام) است، به سیّدالشهداء(علیه السلام) است، به فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) و امیر المؤمنین(علیه السلام) که دست ما را بگیرند تا حداقل جزء عزاداران آن بزرگواران به حساب بیاییم. سیّدالشهداء(علیه السلام) هرچه داشت در راه خدا فدا نمود، شما نمی خواهید از دارایی خود تبرّع داشته باشید تا مجلس عزای سالار شهیدان با شکوه برگزار شود؟ زنده نگه داشتن وقایع کربلا و برگزاری مجالس موجب زنده نگه داشتن دین می شود. فرزندان خود را حسینی بار بیاورید، شما اگر می خواهید (ان شاء الله) مورد شفاعت آن بزرگوار قرار بگیرید، از مال خود انفاق کنید و کمک کنید که عزاداری ها با شکوه برگزار شود و مقداری از سرمایه‌ی خود را، که خدا به شما عنایت کرده، برای این کار اختصاص دهید تا فردای قیامت رو سفید باشید، اعمال صالح ذخیره کنید که از جمله‌ی آن اعمال، همین کمک به هیئت مذهبی و مجالس اهل بیت (علیهم السلام) است. و مطمئن باشید که خداوند متعال چندین برابر آنچه که در این مجالس خرج کردید، را به شما از خزائن غیب اعطا خواهد کرد. «و يُجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَنْفَقَهُ عَشْرَةٌ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ نُحِرَ ذَلِكَ لَهُ فَإِذَا حُسِرَ قِيلَ لَهُ لَكَ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةٌ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ لَكَ وَ دَخَرَهَا لَكَ عِنْدَهُ»^{۷۰}.

زیارت سیدالشهداء(علیه السلام) مقدم بر مرجعیت

مرحوم میرزا(قدس سره) و عشق به زیارت سیدالشهداء(علیه السلام)

بعد از سقوط رژیم ظالم عراق، فقیه مقدّس، مرحوم میرزای تبریزی(قدس سره) بسیار تلاش کردند که جهت زیارت عتبات عازم کشور عراق شوند، اما بعضی از مسئولین به دلیل وضعیت امنیتی صلاح نمی دیدند. ایشان بارها تصمیم گرفتند به زیارت عتبات مقدّسه حرکت کنند و لکن موفق به این امر نشدند. يك روز یکی از آقایان به فقیه مقدّس میرزای تبریزی (قدس سره) گفت: آقا! شما مرجع هستید، جامعه به شما نیاز دارد، حلّ مشکل شرعی مردم بر دوش شما می باشد. شما به تقویت حوزه، تربیت طلاب و دفاع از مبانی بر حق تشیّع می پردازید و این کار کمی نیست، بنابراین فعلاً فکر زیارت نباشید زیرا زیارت يك امر مستحبی است. ناگهان مشاهده شد مرحوم میرزا(قدس سره) در حالی که اشک در چشمانشان حلقه زده، فرمود: من این طور فکر نمی کنم! آرزوی من زیارت سیدالشهداء(علیه السلام) است و به مرجعیت فکر نکرده و نمی کنم، و این مذهب صاحب دارد که پاسدار و نگهبان اوست. اگر وضعیت عراق خوب شود ان شاء الله به زیارت خواهم رفت و مرجعیت مانع این کار نمی شود، و بارها می فرمود: چه توفیقی در ایام تحصیل در نجف اشرف داشتیم. شب های جمعه به کربلا مشرف می شدیم و به ساحت ملکوتی حضرت سیدالشهداء(علیه السلام) عرض ادب می کردیم و بهترین ایام عمرمان همان روزها بود و فکر نمی کردیم روزی از این فیض الهی محروم شویم ولی هر آنچه واقع شود، قضای الهی است و ما راضی به رضای او هستیم.

به راستی که بهترین ایام عمر، آن لحظه ای است که در کنار مضجع شریف سالار شهیدان به سر شود، زیارت آن مکان مقدّس به حدی ارزشمند است که هر نبی و وصی و... از خداوند سبحان تقاضای زیارت کربلا را دارند، اسحاق بن عمار می گوید: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) يَقُولُ: لَيْسَ نَبِيٌّ فِي السَّمَاوَاتِ إِلَّا وَيَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَأْذَنَ لَهُمْ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فَفَوْجٌ يُنْزَلُ وَفَوْجٌ يَصْعَدُ».^{۷۶}

اسراف در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) وجود ندارد

نظر میرزای تبریزی (قدس سره) در رابطه با اطعام در مجالس اهل بیت (علیهم السلام)

یکی از مؤمنین اخبار به نام «حاج صادق رفیعی» می گوید: یکی از آقایان طلبه به مجلس ما آمد و از من اجازه خواست که میکروفون مجلس را به دست او دهم تا چند جمله ای با مردم صحبت کند. از حرف های آن آقا معلوم شد، از طعامی که شب های محرم توزیع می شود، گله مند است و حتی به آشپزها تذکر داد؛ این قدر غذا پخت نکنید. آن شب گذشت تا آنکه خدا توفیق داد خدمت فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) در قم رسیدم و از ایشان سؤال کردم، ما شب های وفیات و به خصوص شهادت سیدالشهداء (علیه السلام) اطعام می دهیم و غذاها زیاد می آید که مردم با خود می برند یا تقسیم می کنیم و در هر حال غذایی که پخته می شود، بیشتر از تعداد حضار است. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟ آقای رفیعی می گوید: مرحوم میرزا (قدس سره) در حالی که اشک در چشمانشان حلقه زد فرمود: پخت اضافه در مجالس عزای اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص ایام محرم و صفر هیچ گونه اشکالی ندارد. ما برای مجالس اهل بیت (علیهم السلام) اسراف نداریم به خصوص برای سیدالشهداء (علیه السلام) بپزید، حتی اگر زیاد هم بپزید، گرچه غذا اضافه آید. اطعام سنت حسنه ای است که مؤمنین در طول محرم، صفر و وفیات ائمه (علیهم السلام) بدان عمل می کنند و ان شاء الله مزد آن را در آخرت خواهند گرفت. ارزش اطعام مؤمن به حدی است که خداوند اطعام کننده را مورد لطف و عنایت قرار داده، او را از نعمات اخروی بهره مند خواهد ساخت. امام صادق (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مَنْ أَطْعَمَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَلَاثِ جَنَّاتٍ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ الْأَفْرَدُوسِ وَ جَنَّةِ عَدْنٍ وَ طُوبَى وَ شَجَرَةَ تَخْرُجُ مِنْ جَنَّةِ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبُّنَا بِيَدِهِ»^{۷۷}. و در روایتی دیگر، امام صادق (علیه السلام) فرمود: ثواب اطعام را کسی جز خدا نمی داند.

قال (علیه السلام): «مَنْ أَطْعَمَ مُسْلِمًا حَتَّى يُشْبِعَهُ، لَمْ يَدْرِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْآخِرَةِ لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ»^{۷۸}.

۷۷- الکافی، ج ۲، ص ۲۰۱.

۷۸- ثواب الاعمال، ص ۱۳۶.

از مجلس روضه برایم تبرّکی بیاور

مرحوم میرزا(قدس سره) و درخواست تبرّک از مجلس روضه

فاضل محترم و خطیب شهیر حجت الاسلام شیخ بندانی نیشابوری می گوید: در قم بسیار خدمت فقیه مقدّس، مرحوم میرزای تبریزی(قدس سره) می رسیدم و از ایشان علاوه بر استفاده علمی، استفاده معنوی هم می بردم. ایشان با کمال خضوع و خشوع به سوالات بنده جواب می داد و مسایل را حل می کرد. ایشان می دانست که من گاهی منبر می روم؛ بنابراین از من می خواست که برای ایشان دعا کنم. يك روز مناسبتی پیش آمد، خدمتشان رسیدم و عرض ادب کردم. از من سؤال کردند: «امروز کجا می روی؟» گفتم: «آقا! منبر دارم». مرحوم میرزا(قدس سره) سؤال کردند: «در مجالس شما تبرّکی هم می دهند؟ ممکن است از آنجا کمی تبرّکی برایم بیاوری؟!» گفتم: «چشم آقا». در فکر فرو رفتم که این بزرگوار واقعاً چه اعتقادی دارد. با وجودی که خود مقرب است، اما عقیده و اعتقادش به تبرّکی مجلس عزای اهل بیت(علیهم السلام) چه محکم و پا برجاست. به مجلس رفتم، در مجلس فقط چای دادند و من هم چند حبه قند برداشتم و خدمت میرزا(قدس سره) رفتم و گفتم: «آقا! در آن مجلس فقط چای می دادند». مرحوم میرزا(قدس سره) يك حبه قند از دست من برداشته، به دهان مبارکشان گذاشتند و فرمودند: این تبرّک از مجلس توسّل به اهل بیت(علیهم السلام) است. خداوند به تمام کسانی که در راه خدمت به خاندان اهل بیت(علیهم السلام) گام بر می دارند توفیق دهد. آن گاه با حسرت خاصی به من نگاه کردند، از چشمان مرحوم میرزا(قدس سره) می شد فهمید که می خواهد بگوید: خوشا به حالت که خادم امام حسین(علیه السلام) هستی، این خدمت در مجالس عزای حسینی به هر صورتی که باشد ممدوح و مأجور است؛ حتی يك بیت شعر گفتن در رثای ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) برابر است با آمرزش و دخول در بهشت چنانچه امام صادق(علیه السلام) فرمود: «وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ(علیه السلام) شِعْراً فَأَبْكَى وَاحِداً فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ(علیه السلام) شِعْراً فَأَبْكَى وَاحِداً فَلَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ(علیه السلام) شِعْراً فَأَبْكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ».

آن گاه اشک در چشمان ایشان حلقه زد و فرمودند: «یا حسین! یا حسین!» شیخ بندانی می گوید: من واقعاً شیفته‌ی اخلاص و اعتقادات مرجع راحل بودم که چگونه با عمل، درس و لاء را به ما یاد می داد و ما را راهنمایی می کرد که چگونه حسینی باشیم. سال های متمادی از درس تا منزل از محضر ایشان استفاده می کردم. رحلت ایشان ضایعه ای جبران ناپذیر است که باید سال ها بگذرد تا شاید مانند این شخصیت عظیم پیدا شود و شاید هم هیچ گاه مانند چنین شخصیتی نبینیم.

درب های رحمت الهی

میرزای تبریزی (قدس سره) و علاقه‌ی فراوان به خطباء

از ویژگی‌های خاصی که فقیه مقدس، مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) داشتند و کمتر در افراد دیگر مشاهده می‌شد، علاقه‌ی فراوان ایشان به خطباء بود و اگر اهل منبر به دیدارشان می‌آمد و ایشان می‌فهمیدند که او خطیب حسینی است از جای خود بلند شده و سعی می‌کردند او را نزدیک خود بنشانند، سپس ضمن لبخند از حال آن‌ها سؤال کرده و می‌فرمودند: خوشا به حالتان که خادم امام حسین (علیه السلام) هستید. این توفیق بزرگی است که خدا به شما اعطا کرده و من چقدر دوست داشتم، یک منبری باشم تا بتوانم در منبر قضایای اهل بیت (علیهم السلام) را بیان کنم. مرحوم میرزا (قدس سره) به اهل منبر نصیحت می‌کرد باید مردم را با قضایای مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر آشنا کنید. من هم زمانی که نجف بودم، ایام تبلیغ موفق می‌شدم به مناطق ترك زبان عراق از جمله «بشیر» سفر کنم و از آن سفرها عنایات بسیار دیدم و خداوند متعال ابواب رحمت خود را بر من باز کرد. يك خطیب اگر با اخلاص خدمت کند و به مردم آگاهی دهد، علاوه بر مقام رفیعی که در آخرت نصیب او خواهد گردید، در دنیا به کسی محتاج نخواهد شد.

منزلت منبر و خطابه بر مظلومیت سیدالشهداء (علیه السلام)

مرحوم میرزا (قدس سره) و عشق به روضه خوانی برای سیدالشهداء (علیه السلام)

جلسه‌ی درس فقه فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) در مسجد اعظم، از امتیاز خاصی برخوردار بود؛ درس پربار و مجتهد پروری که محل اجتماع عده‌ی بسیاری از فضلالی محترم حوزه بود و به اعتراف اکثر آن‌ها، درس مرحوم میرزا (قدس سره)، مجتهدپرور بود. امروزه شاگردان آن معظم له افتخار حوزه هستند. هنگامی که ایشان بر کرسی تدریس قرار می‌گرفت، با مطرح نمودن فروع مختلف و استدلال‌های محکم و دقیق، شاگردان را به سوی آموختن و فقیه شدن هدایت می‌کرد که امروزه وجود شاگردان آن مرحوم (قدس سره) دلیل محکمی بر این ادعاست.

روزی یکی از شاگردان نزد استاد سؤالی را مطرح کردند. مرحوم میرزا (قدس سره) جواب دادند، شاگرد اشکال را بار دیگر تکرار کرد، مرحوم میرزا (قدس سره) دوباره جواب می‌داد، برای بار سوم (با توجه به ضیق وقت)، مرحوم میرزا (قدس سره) فرمودند: «جواب باشد بعد از درس، اشکال مگیر و دیگر گوش بده!» شاگرد اصرار می‌کند، مرحوم میرزا (قدس سره) می‌فرماید: «بعد از درس، بس است، صحبت نکن!» ناگهان شاگرد می‌گوید: «درس محل اشکال است، جلسه‌ی روضه خوانی نمی‌باشد تا گوش دهم!» مرحوم میرزا (قدس سره) سخت ناراحت می‌شود و در حالی که بغض گلوی ایشان را گرفته بود، اشک در چشم مبارکشان حلقه زده و می‌فرماید: «این حرف را نزن؛ مقام و منزلت منبر و خطابه بر مظلومیت سیدالشهداء (امام حسین (علیه السلام)) بسیار عظیم است، ای کاش منبری امام حسین (علیه السلام) بودم! اگر همه‌ی این تلاش من، یک منبر امام حسین (علیه السلام) حساب شود، سعادت اخروی را تضمین می‌کند. مقام آنان که در راه نشر مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) مخصوصاً در منبر حسینی تلاش می‌کنند، بسیار والا است که فردا مایه‌ی حسرت دیگران خواهد شد. من دوست داشتم یک خطیب و منبری امام حسین (علیه السلام) باشم تا یک مرجع و مدرس؛ و لکن صدایم یاری نکرد و امروز در راه نشر معارف علوم آل محمد (صلی الله علیه و آله) تلاش می‌کنم که امید است مورد قبول درگاه ایزد متّان بوده و رضایت اهل بیت (علیهم السلام) را به دنبال داشته باشد.» ایشان همان گونه که بغض گلوی ایشان را فرا گرفته بود، فرمودند: اگر تمام این تلاش‌هایی که ما می‌کنیم ثوابش به قدر روضه‌ای حساب شود، کافی است؛ روضه بر ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) جایگاه خاص خود را دارد که هرکس توفیق آن را نمی‌یابد. اگر مرثیه‌سرای ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) ثوابی افضل از حور و جنّت نداشت، امثال دعبل خزاعی در دوران حکومت جور، و دشمنان قسم خورده‌ی اهل بیت (علیهم السلام) در رثای اهل بیت (علیهم السلام) ابیات بی شماری نمی‌سراییدند، و جان خویش را به ورطه‌ی هلاک نمی‌افکندند، و چه زیبا گفت، دعبل در رثای امام حسین (علیه السلام):

يا واقفاً يبكي الطلول وينشد *** بالله تهمت وغاب عنك المرشد
كم تدعى حزناً وأنت مرفه *** إن كنت محزوناً فما لك ترفد
هلا بكيت على الحسين وأهله *** هلا بكيت لمن بكاه محمد
فلقد بكته في السماء ملائك *** زهر كرام راعون سجّد
قتلوا الحسين واكلوه بسبطه *** فالثكل من بعد الحسين مبدد
هذا حسين بالسيوف مبضع *** وملطخ بدمائه مستشهد
والشمس والقمر المنير كلاهما *** حول النجم تباكيا والفرقد
حول الحسين ذبائحاً لم يلحدوا *** فسقوه من جرع الحتوف بمشهد^{٧٩}

اجر منبر سیدالشهداء، امام حسین(علیه السلام)

نظر مرحوم میرزا(قدس سره) در مورد اجر و پاداش خطبا

فاضل محترم و خطیب شهیر حجّت الاسلام شیخ نصیراوی می گوید: من خدمت فقیه مقدّس، میرزای تیریزی(قدس سره)رسیدم و ایشان چون می دانست بنده خادم حضرت سیدالشهداء، امام حسین(علیه السلام) هستم، بسیار احترام کردند و استقبال گرمی نمودند. سوّالی بود که همواره ذهنم را به خود مشغول کرده بود و دوست داشتم آن را از این مرجع ولاء سؤال کنم؛ لذا فرصت را مغتنم شمرده و سؤال کردم: ما خطباء عادتاً وقتی می خواهیم جهت تبلیغ جایی برویم به خصوص در ایّام محرّم، صفر یا رمضان ابتدا میزبان یا دست اندرکاران مجالس روضه از ما سؤال می کند که برای منبر، مثلاً فلان مبلغ را می دهیم و به اصطلاح نرخ منبر ما قبل از شروع مجالس تعیین می شود، بفرمایید ما که قبل از سفر مبلغ منبرمان مشخص است و در مقابل آن پول دریافت می کنیم، آیا این مسئله موجب نمی شود که اجر و ثواب برای ما ثبت نشود؛ زیرا ما مبلغ را تعیین کرده ایم؟ مرحوم میرزا(قدس سره)در حالی که لبخند معناداری زدند، فرمودند: شما مأجورید و مزد شما محفوظ است، فردای قیامت رو سفید خواهید بود و خود حضرت سیدالشهداء(علیه السلام)شفیع شما خواهد بود. شما قرار می گذارید، مثلاً هر روز يك ساعت منبر بروید، آیا تا به حال شده يك ساعت و چند دقیقه منبر بروید؛ یعنی از وقتی که تعیین کرده اید کمی بیشتر شود؟ شیخ نصیراوی می گوید: گفتیم: بله، اکثراً این طور می شود. مرحوم میرزا(قدس سره)فرمودند: همین قدر برای شما کافی است که چند دقیقه ای را بدون حساب، به عشق ائمه(علیهم السلام)طول دادید و این مزدش کم نیست، **هنیئاً لکم**.

اهل بیت(علیهم السلام) را ذکر کن

مقام و منزلت اهل بیت(علیهم السلام) در نظر مرحوم میرزا(قدس سره)

فاضل محترم خطیب شهیر حجت الاسلام شیخ منصوری می گوید: چندین بار توفیق یافتم ذکر مصیبتی در دفتر فقیه مقدّس راحل، میرزای تبریزی(قدس سره)داشته باشم و به ساحت مقدّس اهل بیت(علیهم السلام)عرض ادب کنم. يك روز قبل از اینکه روضه‌ی خود را شروع کنم، خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) رسیدم و چند دقیقه ای جلوس داشتم و از مطالب مختلف که اهل منبر مبتلا به آن هستند سؤال کردم، بعد خطاب به آقا گفتم، می خواهم منبر بروم و اسم شما را هم ذکر کنم. شیخ منصوری می گوید: يك دفعه دیدم چهره‌ی میرزا(قدس سره)عوض شد، در حالی که دست خود را بالا و پایین می آوردند، فرمودند: لا شیخنا لا شیخنا، اسم مرا نیاور بلکه اهل بیت(علیهم السلام) را ذکر کن که منبر جای ذکر نام این بزرگواران است، نام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) و صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام)، امام حسن(علیه السلام) و امام حسین(علیه السلام)و... منبر جای نقل فضایل و مناقب اهل بیت(علیهم السلام) است، ما که هستیم که ناممان ذکر شود. شیخ منصوری می گوید: این کلام آنقدر دلنشین بود که درس بزرگی برای من بود و کاشف از عظمت این شخص بزرگوار است که چگونه با تمام وجود

سعی داشت نام اهل بیت(علیهم السلام)مقدّم بر همه‌ی امور باشد و اجازه نمی داد کسی شبیه ای در فضل و کمال خاندان عصمت و طهارت(علیهم السلام) ایجاد کند؛ چرا که آنان در افق اعلاّی کمال و جمال در سرا پرده‌ی عصمت کبریایی محجوبند و دامن ایشان مبرّی از هر تلوّثی است، پس هر که در سینه‌ی خویش اندک حب و مودّت به این خاندان داشته، دنیا و آخرت او تضمین است و چرا چنین نباشد که حتی برخی از اهل سنّت، عزت و سعادت را در قبال ولای اهل بیت(علیهم السلام) می دانند.

شافعی سروده:

یا راکبا قف بالمحصب من منی *** واهتف بساکن خیفها و الناهض

سحرا إذا فاض الحجیح إلى منی *** فیضا کملتطم الفرات الفائض

إن کان رفضا حب آل محمد *** فلیشهد الثقلان أنی رافضی^{۸۰}

«ای سواره! در (محصب) - که از سرزمین منی بشمار می آید - توقف کن و در آنجا کسی را که در (خیف) ساکن است، و یا کسی را که از محل (خیف) عازم مقصد خود می باشد، بویژه حاجیان را که در سحرگاه مانند آب نهر فرات می غلظند و موج می زنند و پشت سر یکدیگر عازم مقصد می شوند،

مورد خطاب قرار داده و بگو که هرگاه

محبت و علاقه به (آل محمد) دلیل بر رفض باشد، جن و انس گواهی بدهند که من رافضی ام!!
(ابن حجر) گفته است که (بیهقی) اظهار داشته: (شافعی) ابیات مزبور را هنگامی می سراید که
خارجی ها بر اثر حسادت و عداوتی که با او داشتند، او را به رافضی ها (شیعه) نسبت می دادند^۱».

شما اصل هستید و ما فرع هستیم

جایگاه خطیب از نظر مرحوم میرزا(قدس سره)

خطیب شهیر حجّت الاسلام اعتمادیان می گوید: من همراه با حجّت الاسلام والمسلمین کازرونی خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) رسیدم و بعد از طرح بعضی مسائل، آقای کازرونی خطاب به مرحوم میرزا(قدس سره) و اشاره به من گفت: این شیخ اهل منبر است. مرحوم میرزا(قدس سره) تا این جمله را شنیدند، فرمودند: اینان اصل هستند و ما فرع، این کلام مرحوم میرزا(قدس سره) سخت در من اثر کرد و روحیه‌ی خوبی به من داد و این جمله برایم بسیار تازه بود، تا به حال از کسی چنین مطلب زیبایی را نشنیده بودم. این مرجع با آن علم سرشار، جایگاه خاص و محبوبیت فراوان آن گونه با تواضع برخورد می کند که هر کسی در کنار ایشان قرار می گرفت، معنویت را حس می کرد و آن گونه در مقابل اهل منبر برخورد می کرد که با اعطای روحیه‌ی مضاعف به خادمین منبر حسینی، باعث می شد منبری خود را مأجور می دید و از اینکه يك مرجع با آن معنویت بالا، آنگونه او را مورد خطاب قرار می داد، به خود می بالید. این پیر مرد الهی تمام حرکاتش حساب شده و هدف دار بود. کاری را که انجام می داد از آن نتیجه ای را دنبال می کرد که تأثیر خود را می گذاشت.

بگو من خادم و روضه خوان سیدالشهدا(علیه السلام) هستم

منزلت روضه خوان سیدالشهدا(علیه السلام) در نظر مرحوم میرزا(قدس سره)

فاضل محترم حجّت الاسلام اسماعیلی می گوید: خدمت فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) رسیدم. از آنجا که چندین سال خدمت ایشان افتخار شاگردی را داشتم، تا مرا دیدند بسیار خوشحال شدند، مرا در کنار خود نشاندند و سؤال کردند: «شیخ! کجا هستی، پیدایت نیست؟» گفتم: «آقا جان! من به تبریز رفته ام و آنجا مستقر شده ام.» سؤال کردند: «چکار می کنی؟» گفتم: «آقا! عمده‌ی وقتم صرف منبر می شود.» مرحوم میرزا(قدس سره) از من سؤال کرد: «اگر از تو سؤال کنند در تبریز چه می کنی، چه جواب می دهی؟» کمی به فکر فرو رفتم و گفتم: «خطابه می خوانم و آخوندی می کنم.» ایشان(قدس سره) به من گفت: «شیخ! هر که از تو سؤال کرد در تبریز چه می کنی؟ بگو من خادم امام حسین(علیه السلام) هستم و خادم بودن برای سیدالشهدا(علیه السلام)، شرف و افتخار است و منزلت والایی دارد. خوشا به حالت که به سیدالشهدا(علیه السلام) خدمت می کنی، آینده‌ی تو تضمین شده است. مرا از دعای خیر فراموش نفرما، خداوند بر عزت تو بیفزاید.» شیخ اسماعیلی می گوید: مدتی گذشت، یک روز تا اواخر شب در تبریز مجلسی داشتم، بعد از پایان مجلس به طرف منزل حرکت کردم، دیدم، عده‌ای جوان جلوی راهم را گرفتند و چون دیدند معمم هستم، به خاطر حس جوانی شروع به استعمال الفاظی کردند که حاکی از تمسخر آن‌ها بود. بعد از آنکه به آنان نزدیک شدم یکی از آن‌ها با حالت تمسخر گفت: «شیخ! چه کاره ای؟» یاد کلام مرحوم میرزا(قدس سره) افتادم که گفت هر که سؤال کرد، بگو خادم حسینم. فوراً گفتم: «من خادم سیدالشهدا(علیه السلام) هستم.» یک دفعه یکی از آن‌ها میان من و دیگر جوانان حایل شد و صدا زد برگردید و کاری به شیخ نداشته باشید، این خادم سیدالشهدا(علیه السلام) است. از اینجا بود که به عظمت کلام مرحوم میرزا(قدس سره) پی بردم.

حضور فقیه مقدّس (قدس سره) در کربلای معلّی

مرحوم میرزا (قدس سره) و عشق به سیدالشهداء (علیه السلام) و کربلا

فاضل محترم حجّت الاسلام شیخ حسین مطلّبی فشارکی می گوید: من در ماه جمادی الثانی سال (۱۴۲۸ ق)، يك شب قبل از شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) موفق شدم در کربلای معلّی، در منزل مسکونی مرحوم میرزا (قدس سره) (در کربلا) که نزدیک حرم مطهر می باشد، بیتوته کنم. در حال دعا و ذکر بودم ناگهان دخترم که متدیّنه و دارای توفیقاتی است فریاد زد: «بابا! بابا! مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) در اتاق عقبی نشسته است. دخترم می گفت: هنگامی که درب اتاق را باز کردم، يك لحظه ایشان را مشاهده کردم که در حال توسّل بر روی زمین نشسته بود.» شیخ حسین فشارکی می گوید: من از این مکاشفه متعجّب نشدم؛ زیرا که می دانستم مرحوم میرزا (قدس سره) چقدر عاشق سیدالشهداء (علیه السلام) بود و با این مکاشفه برایم روشن شد که روح بلند ایشان در کربلای معلّی حضور دارد. اشخاصی مثل ایشان که با تمام وجود خود را فدای مذهب کرده بودند و در مجالس ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) از خود بی خود می شدند و آن گونه اشک می ریختند، حضور روح معنویشان در کربلای معلّی بعید نمی باشد که خداوند این عنایت را به مرحوم میرزا (قدس سره) کرده است تا در آن سرزمین حضور یابند. یادش گرامی باد که عاشقانه در مصایب اهل بیت (علیهم السلام) بی تاب می شد و گریه های فراوان می کرد ایشان می فرمود: امام حسین (علیه السلام) همه چیز خود را در راه خدا فدا کرد. به این خاطر خداوند سبحان به سیدالشهداء (علیه السلام) مقامی اعطا نمود که امام سجاد (علیه السلام) فرمود: هر مومنی به خاطر ما گریه کند، و یا اذیت شود، خداوند او را در بهشت جا داده و آتش جهنم را بر وی حرام می کند. «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیه السلام) دَمْعَةً حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ عُرْفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا وَ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ فَبِنَا لِأَدَى مَسْنَا مِنْ عَدُونَا فِي الدُّنْيَا بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ مَبْوَأً صِدْقًا وَ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَسَّهُ أَدَى فَبِنَا فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ مِنْ مَضَاضَةِ مَا أُودِيَ فَبِنَا صَرَفَ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ الْأَدَى وَ أَمَنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ سَخَطِهِ وَ النَّارِ.»

عشق به زیارت ابوالفضل العباس (علیه السلام)

مرحوم میرزا (قدس سره) و عشق به ابوالفضل العباس (علیه السلام)

خطیب شهیر حجّت الاسلام شیخ حیدر مولی می گوید: بعد از زیارت عتبات مقدّسه، به قم مشرفّ شدم و با توجّه به موضع شجاعانه‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) در قضیه‌ی دفاع از حضرت زهرا (علیها السلام) تصمیم گرفتم خدمت ایشان برسم، از این رو در دفتر معظم له حاضر شده و با استقبال گرم ایشان مواجه شدم. مرحوم میرزا (قدس سره) همین که فهمید، من از روحانیون لبنانی و از خادمان منبر امام حسین (علیه السلام) می باشم، مرا در آغوش گرفت و از وضعیت عراق و به خصوص عتبات سؤال کردند که زیارت شما چگونه بود و چه چیزهایی مشاهده کردی؟ سفر خود را برای ایشان تشریح کردم و گفتم: توفیق یافتم که به سرداب حرم «ابوالفضل العباس (علیه السلام)» داخل شوم و منظره‌ی عجیبی مشاهده کردم. همین که این حرف را زدم، دیدم مرحوم میرزا (قدس سره) چهره اش عوض شد و اشک در چشمانشان جمع گردید و خیره شدند که ببینند چه چیزی را مشاهده کردم. برای مرحوم میرزا (قدس سره) نقل کردم وقتی که وارد سرداب شدم، آب دور قبر مطهر را فرا گرفته بود، قبر مطهر حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) درون آب پنهان شده بود، به سقف نگاه کردم، دیدم سقف هیچ‌گونه استحکامی ندارد، ولكن به برکت وجود آن امام فداکار، حرم مطهر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) استوار، ثابت و پابرجاست.

ناگهان دیدم مرحوم میرزا (قدس سره) اختیار خود را از دست داد و شروع به گریه کرد؛ به طوری که ترسیدم حالشان دگرگون شود. ایشان در فکر فرو رفتند و آن قدر منقلب شدند که به نظر می رسید صحنه مقابل چشم ایشان مجسم شده است. در سیمای این مرجع راحل حبّ اهل بیت (علیهم السلام) موج می زد، در عشق زیارت می سوخت. اشک ها را پاک کرد و فرمود: حضرت ابوالفضل (علیه السلام) چه فداکاری ها کرد؛ به آن حضرت متوسّل شوید که حلال مشکلات است. به تمام معنا دین را یاری کرد و با فداکاری بزرگوار در کربلا، امام حسین (علیه السلام) هیچ گاه احساس تنهایی نمی کرد تا اینکه فرمود: «یا حسین أدرك أخاك»، آن گاه میرزا (قدس سره) شروع به اشک ریختن کرد و آرزوی خود را برای زیارت ابراز کرد و فرمود: ایامی که ما نجف بودیم، هر شب جمعه موفق می شدیم به زیارت امام حسین (علیه السلام) و ابوالفضل العباس (علیه السلام) نایل شویم؛ ولكن الان این توفیق از ما سلب شده است. آرزو دارم به کربلاء برگردم و در کنار قبر ابوالفضل العباس (علیه السلام) درد دل کنم، او مردی از تبار اهل بیت (علیهم السلام) بود چنانچه امام صادق (علیه السلام) فرمود: «كان عمنا العباس بن علی (علیهما السلام)، نافذ البصيرة صلب الايمان جاهد مع ابي عبدالله الحسين (علیه السلام) وأبلى بلاءً حسناً ومضى شهيداً»^{۸۲}.

امام سجاد(علیه السلام) فرمود: خدا رحمت کند عمویم عباس را که در رکاب حضرت سیدالشهداء(علیه السلام) جان فشانی کرد و با تمام توان از حریم آل الله دفاع نمود.^{۸۳} با رشادتی بی نظیر، کمال ولایت مداری و اطاعت از امام زمان(علیه السلام) خویش را در صفحات ایام، تا ابد ثبت نمود و با صدایی رسا چنین رجز می خواند:

والله ان قطعتم یمینی *** انی احمی ابدأ عن دینی
وعن امام صادق الیقین *** نجل النبی الطاهر الامین
یا نفس لا تخشی من الکفار *** وابشری برحمة الجبار
مع النبی السید المختار *** قد قطعوا ببغیهم یساری^{۸۴}

ایشان مصداق بارز «كُونُوا لَنَا رِئَاسَةً» و عشق به اهل بیت(علیهم السلام) بوده و سربازی مخلص، فداکار و آماده برای آن خاندان بودند و تا آخرین لحظات از مبانی حقّه ی تشیع و مسلّمات مذهب دفاع کردند و در مقابل مشککین ایستادند.

۸۳- مقتل الحسین، ابو مخنف الازدی، ص ۱۷۶ .

۸۴- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۵۶؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۰؛ العوالم، ص ۲۸۳؛ لواعج الاشجان، ص ۱۷۹ .

۸۵- أمالی الصدوق، ص ۴۰۰ .

یا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)

مرحوم میرزا و ذکر نام امیر المؤمنین (علیه السلام)

در محضر فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) بحث شد که بعضی شیعیان در هنگام بلند شدن از جای خود یا هنگامی که می خواهند کاری را انجام دهند، لفظ «یا علی» (علیه السلام) را به کار می برند، گفتن این کلمه چگونه است، با توجه به این که این کار بهانه به دست دشمن می دهد و آن ها می گویند: شیعیان علی پرست هستند؟ مرحوم میرزا (قدس سره) فرمودند: ما هر کاری بکنیم مخالفین باز هم بر ما اشکال خواهند کرد، آنان هیچ گاه به کارهای ما راضی نخواهند شد از این رو رضایت آن ها شرط نیست؛ به حرف های آنان توجّه نکنید و در ضمن طوری عمل نکنید که بهانه به دست آنان داده شود. اجازه بدهید برایتان یک خاطره از استادم، آیت الله العظمی مرحوم سید ابوالقاسم خویی (رحمه الله) نقل کنم. ما در مجلس استفتاء که حاضر می شدیم، ایشان در هنگام بلند شدن «یا علی» (علیه السلام) می گفت. یک روز بعد از آنکه استادم هنگام بلند شدن «یا علی» (علیه السلام) گفت، یکی از افراد حاضر گفت: قصد آقا از گفتن یا علی (علیه السلام)، در حقیقت خدا را قصد کردن است. در این جلسه سید خویی (رحمه الله) جوابی ندادند و لکن فردای آن روز وقتی می خواستند از جای خود بلند شوند، می گفتند: «یا امیر المؤمنین یا علی بن ابی طالب (علیه السلام)» و با این کار استاد بزرگوارم (رحمه الله) می خواستند بگویند: من وقتی «یا علی» (علیه السلام) می گویم همان علی بن ابی طالب (علیه السلام) را قصد می کنم، «یا علی (علیه السلام)» گفتن به انسان قدرت خاصی می دهد.

بله! درست است در مجالسی که اهل خلاف هستند، شیعیان باید مراعات کنند تا بهانه به دست دشمن ندهند و لکن در بین خود شیعیان ایرادی ندارد. حب آن حضرت سرمایه سعادت، و بغضش مایه هلاکت است. که حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) به نقل پدر عظیم الشانش می فرماید: «جَبْرئیلُ یُخْبِرُنِي أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ؛ وَ إِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيِّ حَقَّ الشَّقِيِّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ وَفَاتِهِ»^{۸۶}

خداوند به ما توفیق دهد که با اعمال و کردار خود، رضایت امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب (علیه السلام) را کسب کنیم و از آن حضرت در کارها مدد بجویم که یکی از مصادیق وابتغوا إليه الوسيلة، مولایمان امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.

اعتراف به ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) بزرگ ترین خیر

مرحوم میرزا (قدس سره) و عظمت ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

فاضل محترم حجّت الاسلام، شیخ غلامرضا توگلی می گوید: جهت مطرح کردن مسئله ای خدمت مرحوم فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) رسیدیم، در ضمن، در خصوص نماز میت شیعه‌ی فاسق مطلبی را مطرح کردم و گفتم: در جمعی از فضلا مطرح شده که حضرتعالی قایل هستید، اگر شخصی شیعه فاسق باشد، می توان در نماز میت او گفت: «لا نعلم منه إلا خیرا»، حال آنکه این شخص معروف است که فاسق بوده؛ یعنی کارهایی را انجام می داده که فسقش بر دیگران محرز است؛ در این حال چگونه در نماز میت او جایز باشد که بگوییم: «لا نعلم منه إلا خیرا»؟ شیخ توگلی می گوید: منتظر بودم که استاد بگوید: اشتباهی شده و باید در رساله اصلاح صورت گیرد و لکن مشاهده کردم که مرحوم میرزا (قدس سره) آهی از اعماق وجود کشیدند و در حالی که اشک چشمانشان را فرا گرفته بود، فرمودند: شخص شیعه، هر چند که فاسق باشد می توان این جمله را در نمازش گفت. چه خیری بالاتر است از اعتراف به ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام)؟! این میت اعتراف به ولایت دارد و این مافوق خیرات است، از این رو با اقرار به ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) خطاب می کنیم: «لا نعلم منه إلا خیرا» که خیر در اینجا ولایت مولایمان، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.

مگر روایتی را که جابر بن عبدالله از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در مورد فضیلت و عظمت امیرمؤمنان نقل کرده است، نشنیده ای که حضرت فرمود: «حُبُّ عَلِيٍّ (علیه السلام) إِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ»^{۸۷} یا حدیث: «مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا فَقَدْ فَارَقَنِي وَ مَنْ فَارَقَنِي فَقَدْ فَارَقَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ»^{۸۸} را که ابو جعفر اسکافی آن عالم عامی در کتابش نقل کرده و حدیث: «شِبَعَةُ عَلِيٍّ هُمْ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ...»^{۸۹} را نشنیده ای. تمام این روایات دلالت بر فوز و فلاح شیعیان مولای متقیان دارد، اگرچه آنان در انجام تکالیف شرعی خود اندکی تساهل و تسامح مورزند ولی با این حال چون ولایت شاه مردان، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) را با جان و دل قبول دارند، در نهایت مورد شفاعت قرار می گیرند.

ها علی بشر کیف بشر *** ربّه فيه تجلی وظهر

هو والمبدأ شمس و ضیاء *** هو والواجب شمس و قمر

اذن الله و عين الباری *** یا له صاحب سمع و بصر

۸۷- ینابیع المودة، ج ۱، ص ۱۷۳ .

۸۸- المعیار والموازنة، ص ۳۱۱ .

۸۹- الخصال، شیخ صدوق، ص ۴۹۶؛ عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۵۷؛ روضة الواعظین، ص ۲۹۶؛ ینابیع

المودة، ج ۱، ص ۱۷۳ و ج ۲، ص ۷۷ .

علة الكون ولولاه لما *** كان للعالم عين وأثر
 فلك في فلك فيه نجوم *** صدف في صدف فيه درر
 أسد الله إذا صال وصاح *** أبو الأيتام إذا جاد و برّ
 بو تراب و كنوز العالم *** عنده نحو تراب و مدر
 من له صاحبة كالزهراء *** أو سليل كشبير و شبر
 إذا أتى أحمد في خم غدیر *** بعلي و على الرحل نبر
 قال من كنت أنا مولاه *** فعلي له مولی و مفر^{۹۰}
 ترجمه:

هان، علی بشر است، اما چه بشری؟ بشری که پروردگارش در او تجلی و ظهور نموده است.
 او و مبدأ آفرینش مانند خورشید و پرتوآند، او و واجب متعال مانند خورشید و ماهند (که نور
 یکی از دیگری است).

او گوش و چشم خداست، و چه صاحب گوش و چشمی.
 او علت آفرینش است و اگر او نبود عین و اثری از عالم به چشم نمی خورد.
 چرخ در چرخ همراه با ستارگان است، و صدف در صدف درر بار.
 در وقت نبرد و فریاد بر دشمن شیر خداست، و در وقت بخشش و نیکوکاری پدر یتیمان است.
 او بو تراب (خاک نشین) است، چرا که گنج های عالم در نزد او به سان خاک و کلوخ است.
 کیست جز او که همسری چون زهرا (علیها السلام)، یا فرزندان او چون حسن و حسین (علیهما السلام)
 داشته باشد.

آنگاه که پیامبر در غدیر خم علی را بر منبری که از جهاز شتران ساخته بودند، بالا بردند
 فرمودند: هر که من مولای اویم پس علی مولا و پناهگاه اوست.

فاضل محترم حجة الاسلام شیخ توکلی می گوید: این حرف مرحوم میرزا (قدس سره) سخت در قلب
 من جای گرفت، میرزا فانی در اهل بیت (علیهم السلام) بود و بارها این جمله را تکرار کردم، چه خیری
 بالاتر از آنکه انسان اعتراف به ولایت مولایمان، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) داشته باشد.
 الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين علي بن ابی طالب (علیه السلام).^{۹۱}

۹۰- حاج ملا علی خویی نجفی، م ۱۳۵۰.

۹۱- اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۲۶۱؛ مسند الامام الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۹.

ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام)

نزوم دفاع از ولایت امیرالمؤمنین(علیه السلام) در نظر مرحوم میرزا(قدس سره)

یکی از طلاب خدمت فقیه مقدّس، میرزای تبریزی(قدس سره) رسید و گفت: ادله‌ی دال بر اولویت ولایت مولایمان امیرمؤمنان(علیه السلام) را چه می‌دانید. ناگهان همه‌ی حاضرین ملاحظه کردند که مرحوم میرزا(قدس سره) صورت مبارکشان قرمز شد و با نگاه به آن طلبه می‌خواستند بفهمانند، اگر برای خودت تردید حاصل شده است وای به حالت! لذا فرمودند: حالا دیگر کار به جایی رسیده که از ادله‌ی اولویت و ولایت مولانا امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب(علیه السلام) سؤال می‌کنی؟ یا امیر المؤمنین! یا علی بن ابی طالب(علیه السلام)! آن گاه از مظلومیت امام(علیه السلام) ذکری بیان کرده و فرمودند: این امام مظلوم چه مصایبی را تحمل کرد تا زحمات رسول خدا(صلی الله علیه وآله) از بین نرود و هر آنچه داشت در راه خدا فدا کرد که در رأس آن هجوم به خانه‌ی وحی و شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) می‌باشد. یک طلبه باید با قاطعیت کامل و اعتقاد قوی از مسلمات مذهب دفاع کند. اگر سؤال می‌کنی تا بدانی و ردّ بر مخالفین کنی، این خوب است و مفروض این است که از اهلش سؤال کنی و اگر خود سؤال می‌کنی، چون القاء شبیهه در تو اثر کرده است، وای به حالت که در درس خواندن هم توفیق نخواهی یافت. یک طلبه علاوه بر درس باید مسلمات در ذهنش مثل آب زلال باشد و مدافع واقعی از مذهب بر حق تشییع باشد.

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة

میرزای تبریزی (قدس سره) و بوسیدن درب مرقد مطهر اهل بیت (علیهم السلام)

یکی از مناظر بسیار قابل توجه که از مرحوم میرزا (قدس سره) صادر شد و همگان را تحت تأثیر عجیب قرار داد، زیارتی بود که مرحوم میرزا (قدس سره) به حرم مطهر حضرت زینب کبری (علیها السلام) و حضرت رقیه (علیها السلام) داشتند. در حال خروج و دخول حرم، ضمن بوسیدن ضریح، درب های ورودی حرم را با شوق کامل می بوسیدند و این منظر معنوی، بسیار مؤثر بود.

فرزند میرزا (قدس سره) می گفت: میرزا (قدس سره) سعی داشتند با این حرکت خود بر حرف هایی که گاه گوشه و کنار زده می شد، خط بطلان بکشند و بفهمانند که چگونه در مقابل خاندان اهل بیت (علیهم السلام) باید تواضع کرد و مردم، به خصوص طلاب جوان می گفتند: واقعاً مرحوم میرزا (قدس سره) يك زیارت تاریخی انجام داد و به همه آموزش داد که چگونه در مقابل اهل بیت (علیهم السلام) عرض ادب کنند. از مرحوم میرزا (قدس سره) سؤال شد، شما چرا مثل عوام زیارت می کنید؟ فرمودند: ضمن آنکه این عمل تسکین قلبی برای خودم است، می خواهم به مردم نشان دهم که چگونه در مقابل این بزرگواران ارادت خود را نشان دهند و به حرف هایی که ممکن است بعضی ها بزنند، توجه نکنند. ما باید تا می توانیم ارادت خود را به اهل بیت (علیهم السلام) نشان دهیم و از آنان کمک بگیریم که آن ها سفینه ی نجات هستند و برای قضای حاجات خود باید به آنان متوسل شویم. اگر من در و دیوار این مکان را می بوسم نه تنها به دلیل عظمت این بانوی بزرگوار است که این حرم با وجود عقیده ی بنی هاشم، قطعه ای از بهشت است؛ چون پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به حضرت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَبْرَكَ وَ قُبُورَ وَلَدِكَ بِقَاعاً مِنْ بَقَاعِ الْجَنَّةِ وَ عَرَصَةً مِنْ عَرَصَاتِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ نَجَبَاءٍ مِنْ خَلْقِهِ وَ صَفْوَةَ مِنْ عِبَادِهِ تَحْنُ إِلَيْكُمْ وَ تَحْتَمِلُ الْمَدْلَةَ وَ الْأَدَى فِيكُمْ فَيَعْمُرُونَ قُبُورَكُمْ وَ يُكثِرُونَ زِيَارَتَهَا تَقَرُّباً مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ وَ مَوَدَّةً مِنْهُمْ لِرَسُولِهِ»^{۹۲} ... و در فضیلت این بانو همین بس که سید الساجدین (علیه السلام) فرمود: «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مَعْلَمَةٍ وَ فَهْمَةٌ غَيْرُ مَفْهَمَةٍ»^{۹۳}.

۹۲- وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۸۳.

۹۳- الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱؛ المجدی فی أنساب الطالبین، ص ۴۸؛ شجرة طوبی، ج ۲، ص ۳۹۳.

السلام عليك يا فاطمه بنت موسى بن جعفر (عليها السلام)

مرحوم میرزا (قدس سره) اولین زائر بی بی حضرت معصومه (علیها السلام)

فاضل محترم حجة الاسلام سید غنی موسوی می گوید: بارها جهت تجمه و زیارت به حرم حضرت معصومه (علیها السلام) می رفتم، و گاه قبل از آنکه درب حرم باز شود توفیق تشرف میافتم. در آن لحظات معنوی مرحوم استاد الفقهاء و المجتهدین میرزا جواد تبریزی (قدس سره) را در کنار درب ورودی مشاهده می کردم که منتظر باز شدن درهای حرم مطهر می باشند، و بارها مشاهده می کردم ایشان (رحمه الله) اولین شخصی است که وارد حرم می شود يك روز شخصی می خواست جلوتر از ایشان وارد حرم شود، مرحوم میرزا با همان لبخند معنی دار فرمودند: می خواهم ثواب اولین زائر را کسب کنم. ایشان در طول اقامت در قم نیمه شب در حرم و مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) به تهجد و اقامه نماز صبح می پرداختند. سیره ی علماء، سراسر، درس است و عبرت؛ این مرجع فقید با این سلوک عاشقانه، درسی بزرگ به کسانی می داد که به دنبال موفقیت و توفیق بودند. یادش گرامی باد که در قرن خود تحوّل عظیمی در حوزات اسلامی، و بخصوص اعتقاد مردمی نسبت به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) ایجاد نمود، و اکنون با آنکه جسم شریف آن یار سفر کرده در بین ما نیست و لکن نام و یادش به عنوان احیاءگر ایام فاطمیه در قلبهای عاشقان و لائی جاوید و باقی است^{۹۴}.

۹۴- هَلْكَ خَزَانُ الْأَمْوَالِ وَهُمْ أَحْيَاءُ، وَالْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ. (تصنيف غرر الحكم ودرر الكلم، ص ۴۷).

السلام عليكم يا ائمة الهدى

مرحوم میرزا (قدس سره) و صبر بر بیماری و رضا به تقدیر الهی

فرزند فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) می گوید: من مهیّا بودم که ماه رجب جهت انجام عمره‌ی رجبیه به مکه مشرف شوم؛ اما همزمان با سفر این جانب به عمره، مریضی مرحوم میرزا (قدس سره) شدت گرفت و تصمیم گرفتم سفر خود را لغو کنم؛ و لکن وقتی والد این جانب (قدس سره) مطلع شدند به من گفتند: «فرزندم! به عمره برو و برای من دعا کن. سلام مرا خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) و ائمه‌ی بقیع (علیهم السلام) و یاران و اصحاب راستین و با وفای رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) برسان». فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: برای خدا حافظی خدمت مرحوم والد (قدس سره) خود رسیدم. ایشان دعای سفر را خواندند، آن گاه به ایشان گفتم: «آقا اجازه می دهید در بقیع با اهل بیت (علیهم السلام) درد دل کنم و بگویم سزاوار است که بعد از ۸۰ سال تلاش در معارف آل محمد (صلی الله علیه وآله) . . .» هنوز سخنانم تمام نشده بود که مرحوم میرزا (قدس سره) سخت ناراحت شدند و فرمودند: «فرزندم! این سخن را نگو و این حرف ها را دیگر تکرار نکن. من يك خادم كوچك برای اهل بیت (علیهم السلام) هستم، آنان دریای رحمت الهی هستند. من هر کاری کردم برای رضای خدا و اهل بیت (علیهم السلام) انجام داده ام و در مقابل آن رحمت الهی، قبولی اعمال و رضایت اهل بیت (علیهم السلام) را می خواهم و انتظار دیگری ندارم. من اگر کاری کرده ام، به عشق و محبت درگاه الهی و خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. هنگامی که به پشت در بقیع رسیدی، سلام مرا برسان و بگو پدرم بر آن عهدی که با شما بسته است، باقی است و مریضی تأثیری در او نخواهد کرد؛ بلکه عزم و جزم او را بیشتر کرده که در هر حال با تمام وجود خدمت کند. من تا آخرین لحظات خادم کوچکی باقی خواهم ماند و در مقابل امتحان الهی صبر می کنم که تمام آن، لطف الهی است. من اگر حالم خوب باشد، با جان و دل در مسیر اعتلای معارف خاندان نبوی خدمت می کنم که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: کسی که اهل بیت مرا دوست داشته باشد با من محشور می شود. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله): مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي اللَّهِ حُسْرًا مَعَنَا وَ أَدْخَلْنَاهُ مَعَنَا الْجَنَّةَ»^{۹۰} و اگر بیماری قدرت را از من بگیرد به قضا و قدر الهی تسلیمم و راضی به رضای خدا و اهل بیت (علیهم السلام) هستم.»

بندهی ناچیز و فقیر

میرزای تبریزی (قدس سره) و زمزمه‌ی نیمه شب

یکی از شاگردان فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره)، به نقل از فاضل محترم حجّت الاسلام والمسلمین شیخ نوری می گوید: یکی از طلاب آذربایجان برای من نقل کرد: يك روز میرزا (قدس سره) را قبل از نماز صبح دیدم که به طرف حرم حرکت می کنند و تنها هستند. خیلی این صحنه مرا تحت تأثیر قرار داد. تصمیم گرفتم چند روزی صبح ها با قدم زدن پشت سر مرحوم میرزا (قدس سره) وی را همراهی کنم. این شخص می گوید: روز سوم کنجاو شدم که مرحوم میرزا (قدس سره) چه چیزی را با خود زمزمه می کند. خودم را از پشت سر به میرزا (قدس سره) نزدیک کردم و شنیدم که کلماتی را به زبان آذری زیر لب می گویند. سعی کردم گوش بدهم چه می گویند که متوجّه شدم خطاب به امام زمان (علیه السلام) می گوید: ای مولا و مقتدای من! ای سرور و آقای من! همان گونه که مرحوم علامه‌ی امینی (قدس سره) در مقابل ضریح حرم امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) می ایستاد و خود را عبد و بنده‌ی مخلص و کوچک شما خطاب می کرد، من هم خود را بنده‌ی ناچیز، فقیر، مخلص و کوچک شما می دانم. عنایتی کنید و به حال ما رحم نمایید. ما کوتاهی کردیم و نتوانستیم به وظیفه‌ی خود عمل کنیم، اما ای امام زمان (علیه السلام)! عنایتی بنمایید و این ناچیز را قبول کنید. این شخص می گوید: این کلمات مرحوم میرزا (قدس سره) سخت در من اثر گذاشت که چگونه نیمه شب آن پیر و لاء با امام زمان (قدس سره) زمزمه کرده و فرجش را از خداوند منان مسئلت می کند، ایشان در انتظار فرج آن منجی بشریت عمری بسوخت، به طوری که نیمه شبها در فراق آن امام همام اشک می ریخت و این اشک ریختن خود، با فضیلت ترین عمل است چنانچه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «افضل اعمال امتی انتظار الفرّج»^{۹۶} و در روایتی دیگر سائلی از مولا امیرالمؤمنین از محبوب ترین عمل در نزد خدا سؤال کرد؟ حضرت فرمودند: «انتظار الفرّج»^{۹۷} مرحوم میرزا (قدس سره) از جمله عاشقان حضرت بقیة الله الاعظم (عج) بودند و شب و روز در فراقش می گریست و در آرزوی وصل چون شمع بسوخت. ایشان با آنکه مرجعی والا مقام بود، ولی با خضوع و خشوع خود را خادم اهل بیت (علیهم السلام) می دانست و از آنان طلب فیض می نمود. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

۹۶- الامامة والتبصرة، ص ۲۱ .

۹۷- امالی، شیخ صدوق، ص ۴۷۹ .

امان از آتش جهنم

منزلت کتب فقه و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) در نزد مرحوم میرزا (قدس سره)

فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) معمولاً جهت درس، «وسائل الشیعه»، مرحوم شیخ حر عاملی (قدس سره) و کتاب «العروة الوثقی»، مرحوم سید یزدی (قدس سره) را با خود حمل می کردند. فاضل محترم، حجت الاسلام شیخ غلامحسین فشارکی می گوید: صبح، قبل از درس مرحوم میرزا (قدس سره) به دفتر آمد، مرحوم میرزا (قدس سره) هنوز به جلسه‌ی درس تشریف نبرده بودند. با ایشان جهت رفتن به درس همراه شدم، وقتی می خواستند درب اتاق خود را ببندند، مشاهده کردم که در دست مرحوم میرزا کتاب است و به سختی می توانند قفل درب اتاق را ببندند. کتاب ها را از دست مرحوم میرزا (قدس سره) گرفتم و آقا درب را به آهستگی بستند، بعد مرحوم میرزا (قدس سره) به من فرمودند: «کتاب ها را به من برگردانید!» گفتم: «آقا! دست من باشد، سنگین است» مسجد اعظم به شما تحویل خواهم داد.» در این هنگام مرحوم میرزا (قدس سره) فرمود: «کتاب ها را بدهید. این دو کتاب، یکی فقه آل محمد (صلی الله علیه وآله) و دیگری احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است. می خواهم آن ها را با دست های خود حمل کنم که دست هایم از آتش جهنم در امان باشند». آن گاه شروع به اشک ریختن کردند، این حرف آقا سخت در من اثر گذاشت. همیشه این جمله‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) را تکرار می کنم که فرمود: یکی فقه آل محمد (صلی الله علیه وآله) و دیگری احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است.

اللهم اجعلنا من اعوانه و انصاره

مرحوم میرزا (قدس سره) خدمتگزار امام زمان (عج)

حجّت الاسلام والمسلمین شیخ علی دهنین می گوید:

خدمت مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) رسیدم و چون بحث خارج خمس را مشغول بودم، در خصوص نیابت عامه‌ی فقیه سؤال کردم که حضرتعالی خود را نایب عام امام (علیه السلام) می دانید؟^{۹۸} ایشان (قدس سره) لبخند ملیحانه ای زد و گفت: خیر! گفتیم: بعضی آقایان در مباحث خود، بزرگان را نایب عام می دانند و فعلاً کاری که شما می کنید

همین است، ایشان فرمودند: خیر! من به عنوان نایب عام کاری را انجام نمی دهم. من به عنوان آنکه می توانم يك تكلیف را ادعا کنم، اقدام به آن می نمایم، نسبت به ما حسن ظن هست ما هم به تكلیف عمل می کنیم و هرچه انجام می دهیم به اعتبار وظیفه ای است که بر عهده‌ی ما قرار داده شده است، اما اینکه من خود را نایب امام (علیه السلام) بدانم و تصرف کنم، خیر! ما از باب ادای تكلیف و انجام تكالیف تصرف می کنیم و سعی می کنیم مرضی امام زمان (علیه السلام) باشد، ان شاء الله تعالی.

امید است که این ادای وظیفه مورد رضایت ولی عصر (علیه السلام) باشد، من نایب عام امام (علیه السلام) نیستم، فقط خدمتگذار هستم و تا آن وقت که تكلیف داشته باشم، عمل می کنم و خودم نمی توانم این مسئولیت را از خود سلب کنم، خداوند به من توفیق دهد این امانت را به مقصد برسانم. این تنها يك تكلیف است که از دست ما بر می آید و باید آن را ادا کنیم. از این باب، متصدی بعضی امور هستیم و هر کاری را هم که انجام می دهیم، محدود است.

۹۸- امام زمان (علیه السلام) دو نوع نایب داشته و دارند:

نایب خاص: امام زمان (علیه السلام) در طول غیبت صغری که قریب به هفتاد سال ادامه داشت، چهار تن از عالمان راستین و از پرهیزگاران روزگار، را به عنوان نایب خود معرفی نمود تا مردم در حل مسایل به آنان رجوع کنند و این نواب اربعه عبارتند از:

۱- ابو عمرو، عثمان بن سعید عمری.

۲- محمد بن عثمان بن سعید عمری م ۳۰۵.

۳- حسین بن روح نوبختی م ۳۲۶.

۴- ابوالحسن علی بن محمد سمری م ۳۲۹.

نواب عام: نواب عام حضرت حجت بن حسن العسکری، فقهای وارسته، و عالمان که از هوای نفس پیراسته اند که در مسیر امامت و ولایت گام برداشته، هم و غمشان ترویج شریعت مقدسه و اعتلاء ارکان مذهب می باشد.

با قلبی مطمئن به سوی پروردگار سفر می کنم

مرحوم میرزا(قدس سره) و ثبات قدم در دفاع از کیان تشیع

بعد از موقف گیری فقیه مقدّس میرزای تیریزی(قدس سره) در مقابل تشکیک در قضیه حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام)^{۹۹} و تأثیر آن، عدّه‌ای از مشککین سعی می کردند برای بازگرداندن اعتبار خود آنگونه تبلیغ کنند که میرزای تیریزی(قدس سره) از آن مواقف خود عقب نشینی کرده و دیگر آن اعتقاد را نسبت به فلان و فلانی ندارد. در آخرین روزهای عمر پر برکت مرحوم میرزا(قدس سره) ایشان به فرزند خود تأکید کردند، من آنچه که انجام داده ام برای رضای خدا و به محبت و مودّت اهل بیت(علیهم السلام) بوده و تا آخرین لحظه بر آن مواقف خود (از قبیل: سخنرانی، استفتاء و...) با اعتقادی کامل اصرار دارم و دوباره بر آن تأکید می کنم؛ مبدا بعضی بخواهند سوء استفاده کنند و سم پاشی کنند که میرزا(قدس سره) از کرده‌ی خود پشیمان شد، خیر! من بر آنچه انجام دادم یقین دارم و تا آخرین نفس از آن مواقف دفاع می کنم و با قلبی مطمئن به سوی پروردگار سفر می کنم، فرزندم! تو موظفی به هرکسی

که از تو در مورد مشککین قضیه‌ی حضرت زهرا(علیها السلام) سؤال کرد، بگویی: هرکس که در قضایای فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) شك و تردید ایجاد نماید، ضال و مضل می باشد و از رحمت خدا به دور است. قضایایی همچون: عصمت، مظلومیت، شهادت و فضایل حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) از مسلمّات نزد شیعه اثنا عشری است و همین طور از ضروریات مذهب می باشد، هرکس به هر نحوی در آن مجامله کند، فردای قیامت مسئول است.

۹۹- دفاع از مظلومیت صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) و ردّ اباطیل شرك آمیز به سرکردگی سید بیروتی.

فرزندم! من مظلومم

مرحوم میرزا(قدس سره) و دفاع از مظلومیت حضرت صدیقه‌ی شهیده(علیها السلام)

فاضل محترم سیّد محمود غریفی می‌گوید: [با جمعی از دوستان، بعد از القای شبهات و موضع‌گیری فقیه مقدّس، میرزا جواد تبریزی(قدس سره) در مقابل سیّد بیروتی، شروع به فعالیت در جهت مقابله با خط منحرف کردیم] من با یکی از طلاب محترم از کشور سوریه با ماشین به سوی عربستان حرکت کردیم. در بین راه ماشین ما لاستیک ترکاند و پس از آنکه چند مرتبه ملق زد، من از شدت ضربه، از حال رفتم و دیگر چیزی متوجّه نشدم، اما دوستم که همراه من بود می‌گوید: بعد از آنکه ماشین شروع به ملق زدن کرد، تو از پنجره‌ی ماشین به طرف بیرون پرتاب شدی و از ناحیه‌ی کمر به سنگ بزرگی که کنار جاده بود، اصابت کردی، به طوری که هیچ‌گونه حرکتی نداشتی در این حال می‌شنیدم آنان که دور و بر ماشین جمع شده بودند، خطاب به تو می‌گفتند: این شخص مرده است! و می‌خواستند تو را از زمین بلند کرده تا به سردخانه منتقل کنند.

سیّد محمود می‌گوید: مردم در حال انتقال دادن من بودند، ناگهان حرکتی در من مشاهده می‌کنند، از این رو تصمیم می‌گیرند که مرا سریع به بیمارستان برسانند. من بعد از چند روز کم‌کم چشمانم را باز کردم، اما متوجّه شدم که اصلاً نمی‌توانم از جای خود حرکت کنم و قادر به حرکت نیستم. بعد از چند روز که اصلاً حرکت نداشتیم، تصمیم گرفتند مرا به کشور بحرین منتقل کنند که معالجه در کنار خانواده ادامه پیدا کند. یکی از شب‌ها در حالی که بر روی تخت از شدت درد به خود می‌پیچیدم، از خودم سؤال کردم من چه کاری کرده بودم که خدا مرا به این بلا دچار کرد [لازم به تذکر است با ضربه‌ای که به کمر من وارد شده بود، اصلاً امیدی برای بهبودی وجود نداشت و اکثر پزشکان از سلامت من مأیوس شده بودند و می‌گفتند: شما دیگر قادر به راه رفتن طبیعی نیستی.] در این فکر بودم، ناگهان به یاد آمد که میرزا جواد تبریزی(رحمه الله) در مقابل سیّد بیروتی، (به خاطر تشکیکاتی که در قضایای حضرت زهرا(علیها السلام) داشت) ایستاد و ما هم در کنار میرزا(رحمه الله) در مقابل آن شخص ایستادیم. به فکر فرو رفتم که نکند در حق آن شخص زیاده روی کرده باشیم و شاید آن شخص نباید این قدر مورد هجوم قرار می‌گرفت. در تلاطم این افکار بودم تا آنکه يك شب در عالم خواب خانمی باوقار و نورانی را دیدم [صحنه‌ای که قابل وصف نیست] که پارچه‌ی سبزی در دست داشت، فهمیدم که بی بی دو عالم، فاطمه زهرا(علیها السلام) است. در این حال حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) رو به من کرد و فرمود: فرزندم! در مظلومیت من شك می‌کنی، در ظلمی که بعضی در حق من روا داشتند؟ آن‌گاه آن پارچه‌ی سبز را بر روی من کشید. من از شدت تأثیر رؤیا، از خواب بیدار شدم و وقتی چشمانم را باز کردم، دیدم که می‌توانم به راحتی بنشینم و هیچ‌گونه دردی ندارم. کم‌کم بلند شدم و بر

روی تخت خود نشستم. در این حال یکی از پرستاران وارد اتاق شد. همین که دید من نشسته‌ام، جیغی کشید. او را به آرامش دعوت کردم و قضیه‌ی خواب خود را به او گفتم. اتفاقاً این پرستار، مقلد همان بیرونی بود تا خواب را شنید، از تقلید او عدول کرد. به برکت عنایت بی بی، شفا یافتم. در حالی که همه‌ی پزشکان به من گفته بودند، تا آخر عمر باید عصا به دست بگیری؛ اما من امروز حرکتم بدون عصاست و هیچ‌گونه آثاری از آن تصادف در بدنم موجود نیست و این خواب موجب شد به خط ولایی میرزا جواد تیریزی (قدس سره) یقین پیدا کنم و از آن روز به بعد با الهام‌گیری از کلام مرحوم میرزا (قدس سره) خودم را وقف دفاع از بی بی، حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) کرده‌ام و کتاب‌های فراوانی را جهت دفاع از این خط اصیل گردآوری کرده و بعضی از آن‌ها را به چاپ رساندم و بحمدالله این اواخر موفق شدم کتاب «المرجعية الرشيدة» که گفتاری از الهامات آن مرجع راحل است، و همچنین کتابی به نام «فتنه‌ی فضل الله» که در آن سیر و نقش دفاع میرزا (قدس سره) در مقابل خط منحرف، به تصویر کشیده شده‌ام، به چاپ برسانم.

مقام و جایگاه حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام)

میرزای تبریزی (قدس سره) و توسل به ابوالفضل العباس (علیه السلام)

فقیه مقدّس، مرحوم میرزاجواد تبریزی (قدس سره) به مجالس توسل به اهل بیت (علیهم السلام) علاقه‌ی فراوان داشتند و در مجلس عزای اهل بیت (علیهم السلام) بسیار اشک می ریختند. ایشان با شدت ابراز احساسات کرده و سفارش می کردند که بگویید: روضه‌ی باب الحوایج (ابوالفضل العباس (علیه السلام)) را بخوانند و با شنیدن لفظ «ابوالفضل العباس (علیه السلام)» اشک در چشمانشان حلقه می زد و به لفظ «عباس» علاقه‌ی خاصی داشتند و به خطباء می فرمودند: به «ابوالفضل العباس (علیه السلام)» توسل کنید که «باب الحوایج» است و این شخصیت با وفا و شهید، تمام هستی خود را در راه خداوند متعال فدا کرد و بهترین یار و یاور سالار شهیدان بود؛ به طوری که با شهادتش مولا ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) فرمودند: «الآن انكسر ظهري»^{۱۰۰}. و ایشان حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) را نسبت به مرتبه و مقام خود معصوم می دانست و در استفتایی از ایشان در خصوص عقیده‌ی بنی هاشم و ابوالفضل العباس (علیهم السلام) آمده است: هر چند که در رتبه‌ی ائمه (علیهم السلام) نیستند؛ ولیکن نسبت به رتبه و جایگاه خود معصوم هستند. ایشان از خاطرات دوران تحصیل نجف می فرمودند: چه ایام با معنویتی بود، شب‌های جمعه موفق می شدیم ساقی کربلا را زیارت کنیم آن فداکاری که با حماسه‌ی خود دین را بیمه کرد و با تمام وجود در خدمت امام حسین (علیه السلام) بود. آن حضرت علمدار راستین و حامی واقعی برای سیدالشهداء (علیه السلام) بود.

۱۰۰- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۲ و ج ۵۸، ص ۲۳۳؛ العوالم، ص ۲۸۵؛ شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۹۹ و ۳۹۶؛ موسوعه کلمات الامام الحسین (علیه السلام)، ص ۵۷۰؛ أبصار العین فی انصار الحسین (علیه السلام)، ص ۲۲۶.

السلام عليك يا اباالفضل العباس (عليه السلام)

علاقه‌ی فراوان مرحوم میرزا (قدس سره) به حضرت ابوالفضل العباس (عليه السلام)

در موطن متعدد مشاهده شد که فقیه مقدّس، مرحوم میرزا (قدس سره) به خطبایی که خدمتشان می‌آمدند، می‌فرمود: به حضرت ابوالفضل العباس (عليه السلام) توسل کنید و از آنان می‌خواستند که مجلس به نام آن بزرگوار برپا شود، هرگاه نام حضرت را بر زبان می‌آوردند، به سرعت چشمانشان پر از اشک می‌شد، در حالی که بغض گلوی ایشان را می‌گرفت، اسم قمر بنی هاشم را به زبان می‌آوردند و بسیار مشاهده شد کسانی که مشکل داشتند و از مرحوم میرزا (قدس سره) کمک می‌خواستند، آقا می‌فرمود: به حضرت ابوالفضل العباس (عليه السلام) توسل کنید که آن بزرگوار حلال مشکلات است، نباید از توسل به این بزرگوار غافل شد که مجرب است. کرامات و فضایل قمر بنی هاشم بسیار است، برای تیمّن يك نمونه را نقل می‌کنیم: آیت الله حاج میرزا هادی خراسانی در کتاب «معجزات و کرامات» به نقل از حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی می‌گوید: شیخ جلیل و رفیق نبیلی داشتیم که گفت: پسر جوان رئیس خانواده‌ی «الکبه» از شدت بیماری در حالت احتضار بود، والدهی آن جوان که علویه محترمه ای بود، از مستخدمین حرم باب الحوائج استدعا می‌کند به او اجازه بدهند شب را در آن حرم ملکوتی بیتوته کند، به هر ترتیب به او اجازه می‌دهند، شیخ جلیل می‌گوید: همان شب من به کربلا مشرف شدم از بیماری آن جوان اطلاعی نداشتیم. در همان شب در خواب دیدم به حرم ابا عبدالله الحسین (عليه السلام) مشرف شدم، در حالیکه فضای بالا سر حرم از زمین تا آسمان مملوّ از ملائک بود، حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و امیرمؤمنان (عليه السلام) بر تختی نشسته اند، ملکی خدمت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) رفته و بعد از عرض ادب گفت: حضرت باب الحوائج ابی الفضل (عليه السلام) عرض می‌کند علویه، عیال حاجی الکبه برای شفاء فرزندش به من متوسّل شده، شما دعا کنید که شفا یابد، حضرت دعا کردند و لحظه بعد فرمودند: موت این جوان مقدر است. ملک برگشت، بعد از لحظه ای دیگر، ملک دیگری آمد و همان پیام را ابلاغ کرد، حضرت دعا کرد و همان جواب اول را داد، شیخ می‌گوید: ناگاه دیدم ملائک به جنبش درآمدند، گفتم: چه خبر است؟ دیدم حضرت عباس (عليه السلام) خودشان تشریف آوردند، با همان حالت وقت شهادت در کربلا، عباس پیش آمد و عرض کرد، السلام عليك يا رسول الله و... یا رسول الله (صلی الله علیه وآله) از خداوند شفای این جوان را بخواهید یا آن که دیگر مرا باب الحوائج نخوانید و این لقب را از من بردارید.

چشمان پیامبر پر از اشک شد و فرمود: یا علی همراه من دعا کن، تا آنکه ملکی از آسمان گفت: خداوند شما را سلام می‌رساند و می‌گوید: من لقب باب الحوائج را نمی‌گیرم و جوان را شفا می‌دهم. شیخ راوی می‌گوید: قبل از اذان صبح از خواب بیدار شدم به طرف خانه حاجی الکبه رفتم. چون وارد

خانه شدم، پدر جوان را دیدم از شدت ناراحتی به سر و صورتش می زند، به حاجی گفتم: ناراحت نباش خداوند پسرت را شفا داد و... .

این حکایت که خلاصه و اقتباسی از کتاب «چهره‌ی درخشان قمر بنی هاشم، ص ۲۳» بود، فقط قطره‌ای از بحر فضایل آن شیر مرد دشت کربلاست که بیان شد.

مردی که تمام وجود خود را در راه خدا فدا نمود و با قدرت و اعتقاد کامل از دین دفاع کرد و تا زنده بود اجازه نداد کسی به خیام حرم نزدیک شود و این شخصیت آن گونه بود که تا در میدان بود مولایمان اباعبدالله (علیه السلام) احساس تنهایی نمی کرد، اما همین که حضرت ابوالفضل (علیه السلام) بر زمین افتاد ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) فرمود: الان کرم شکست.

مرحوم میرزا (قدس سره) هر جا نام ابوالفضل (علیه السلام) را می شنیدند، خود به خود دگرگون می شدند و بارها از زبان مبارک ایشان شنیده شد که می فرمودند: «ابوالفضل العباس (علیه السلام) در دشت کربلا چه ها کرد، چه جان فشانی ها کرد، هر چه داشت در راه خدا فدا نمود و سیدالشهداء (علیه السلام) را تا آخرین لحظات تنها نگذاشت. پرچم دار راستین اسلام بود و آن قدر مقامش والاست که به «باب الحواجج» معروف شد؛ برای اینکه توسل به این بزرگوار مجرب است و به اهل منبر سفارش کنید که از ابوالفضل (علیه السلام) زیاد مصیبت بخوانند و اگر کسی گرفتار است و مشکلی دارد، بگویید به این بزرگوار متوسل شود. مجلس روضه خوانی برای ابوالفضل العباس (علیه السلام) بگذارید؛ ان شاء الله حاجاتتان برآورده می شود.»

وابتغوا اليه الوسيلة

مرحوم میرزا(قدس سره) و توسل به ابوالفضل العباس(عليه السلام)

حجّت الاسلام والمسلمين محمدرضا ناصری قوچانی می گوید: روزی فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تیریزی(قدس سره) در مناسبتی فضایل و مناقب ابوالفضل العباس(عليه السلام) را ذکر می نمودند و از مقام آن قهرمان کربلا سخن می گفتند و در حالی که اشک چشمانشان را فرا گرفته بود، گفتند: «ابوالفضل العباس(عليه السلام) واقعاً باب الحوائج است.» ایشان در ادامه فرمودند: من مشکلی داشتم که برای حلّ آن زیاد به حضرت(عليه السلام) متوسّل شدم. يك شب در عالم خواب خدمت قهرمان کربلا مشرّف شدم، ایشان(عليه السلام) فرمودند: میرزا! به مراد خود خواهی رسید. مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید: آن مشکل به برکت و عنایت آن حضرت (عليه السلام) حل شد و من به مراد خود رسیدم. مرحوم میرزا(قدس سره) به توسّل به باب الحوائج عجیب عقیده داشتند و همیشه به منبری ها می گفتند: به حضرت عباس(عليه السلام) توسّل کنید. ایشان در مجلسی که روضه‌ی ابوالفضل العباس(عليه السلام) خوانده می شد به شدّت گریه می کردند و مانند باران اشک می ریختند آن قدر می گریستند که چشمانشان قرمز می گشت و تا چند ساعت اثر گریه بر چهره‌ی ایشان نمایان بود.

عشق به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)

میرزای تبریزی (قدس سره)، دل سوخته‌ی خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)

حجت الاسلام والمسلمین محمد امین پورامینی می گوید: استاد بزرگوارمان فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) دارای دلی سوخته و مملوّ از عشق به خاندان عصمت و طهارت بود، به هنگام بیماری به زیارت مرقد شریف حضرت رقیه (علیها السلام) در شام شتافت، در آنجا سخنانی ایراد فرمودند که ضمن تثبیت فضیلت حضرت رقیه بنت الحسین (علیه السلام) و تأکید بر بودن قبر آن حضرت (علیها السلام) در مکان فعلی، به منحرفین که درصدد تضعیف زیارت آن حضرت تلاش می کردند جواب محکمی دادند و قلب دل سوختگان ولایت را شاد کرده و رونق خاصی به زیارت آن مکان مقدّس دادند. مرحوم میرزا (قدس سره) در بدو ورود به حرم مطهر در حضور اقشار مختلف و زوّار مرقد آن حضرت (علیها السلام) فرمودند: یادگیری احکام شرعی و فراگیری مسایل فقهی از برترین کارهاست، شما می دانید که در رابطه با ثبوت موضوعات خارجی حدودی وجود دارد، در همه و یا در بیشتر آن ها باید بینه اقامه گردد، ولی در پاره ای از امور مجرد شهرت کافیست و نیازی به اقامه‌ی بینه و یا چیز دیگری ندارد و صرف شهرت کافی می باشد، مثل آنکه کسی زمینی را بخرد، پس از آن به وی گفته شود که این زمین وقف بوده است، از امام (علیه السلام) از حکم این مسئله پرسیدند: حضرت فرمود: اگر بین مردم مشهور باشد که این زمین وقف است خرید آن جایز نیست و آن را پس بدهد، از این قبیل است حدود منی و مشعر، (که با شهرت ثابت می شود) و همچنین مقابر، ممکن است کسی دویست سال پیش در جایی دفن شده باشد، الان کسی نباشد که خود، محل دفن وی را در این مکان دیده باشد، ولی بین مردم مشهور باشد که در این مکان دفن شده است، این شهرت کافی است.

و از این روست مقام و مزار حضرت رقیه بنت الحسین (علیه السلام)، که از اول مشهور بود، گویا حضرت امام حسین (علیه السلام) نشانی را از خود در شام به یادگار سپرده است تا فردا کسانی پیدا نشوند که به انکار اسارت خاندان طهارت و حوادث آن پردازند، این دختر خردسال گواه بزرگی است بر اینکه در ضمن اسیران حتی دختران خردسال نیز بوده اند، ما ملتزم به این هستیم که بر دفن و جان سپردن رقیه بنت الحسین (علیه السلام) در این مکان شهرت قائم است. ما به زیارتش شتافتیم و باید احترام زیارت او را پاس داشت، (نگویید آن حضرت خردسال است) علی اصغر (علیه السلام) که کودک شیرخواری بود دارای آن مقامی است که روبروی حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) در کربلا دفن گردید، گفته اند که دفن وی در این مکان نشان از آن دارد که در روز حشر حضرت (علیه السلام) این کودک خردسال را به دست خواهد گرفت و نشان خواهد داد.

دفن این طفل خردسال در شام گواه بزرگ و نشان قوی از اسارت خاندان طهارت، و ستم روا داشته بر ایشان دارد، آن ستمی که تمام پیامبران از آدم تا خاتم بر آن گریستند، تا آنجا که خداوند متعال عزای حسین(علیه السلام) را بر آدم خواند. از این رو احترام این مکان لازم است، به سخنان فاسد گوش فرا ندهید و همچنین سخنان باطلی که می گویند، او طفلی خردسال بیش نبود، گوش فرا ندهید، مگر علی اصغر(علیه السلام) کودک خردسال نیست که در روز قیامت شاهدهی خواهد بود و موجب آمرزش گنهکاران شیعه خواهد شد، ان شاء الله.

بنابراین بر همه واجب است احترام این مکان را داشته باشند، و به سخنان فاسد و بیهوده ای که از گمراهی شیاطین است، گوش فرا ندهند و اعتنایی نکنند.

ما با زیارت دختر امام حسین(علیه السلام) به خداوند متعال تقرب می جوییم، آن دختری که خود مظلوم بود، و خاندان وی همه مظلوم بودند.

رفتن میرزای تبریزی(قدس سره) به حرم حضرت رقیه(علیها السلام) برای زیارت به خاطر آن بود که شنیده بودند بعضی می گویند، حضرت رقیه(علیها السلام) کودک بوده و زیارت آن فضیلتی ندارد^{۱۰۱}. ایشان علی رغم بیماری و وضعی که داشتند به کشور سوریه سفر کرده و در حرم مطهر حضرت رقیه(علیها السلام) حاضر شدند و در بدو ورود این سخنانی را که ذکر شد، بیان فرمودند و قلب محبین و مخلصین ولایت را شاد کرده و مشککین را به جای خود نشانند.

۱۰۱- عده ای مغرض با تمسک به اینکه رقیه(علیها السلام) دختری خردسال بوده، پس زیارتش فضیلتی ندارد درصدد دلسرد کردن مردم از زیارت این نازدانه امام حسین(علیه السلام) بودند، اما غافل از اینکه لطف و عنایت الهی ربی به سن و سال ندارد. مگر حضرت عیسی در صباوت نگفت: (إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا) (سوره مریم، آیه ۳۰).

اشکال دیگری که مطرح کرده اند این است که: ما دلیل خاصی بر امر به زیارت او و مأجور بودن در این عمل نداریم؟ اولاً زیارت قبور فی نفسه امر مستحبی است چرا که تذکری برای آخرت است، بر فرض اگر دلیل خاص نداشته باشیم، چه برهانی قاطع تر از این که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) خطاب به امیرمؤمنان علی بن ابی طالب(علیه السلام) فرمود: «ان الله جعل قبرك وقبورك ولدك بقاعاً من بقاع الجنة، و... فيعمرون قبوركم ويكثرون زيارتها تقريباً منهم الى الله، ومودة منهم لرسول الله، اولئك يا علي المخصوصون بشفاعتي، والواردون حوضي، وهم زواري غداً في الجنة، و...» در این روایت طولانی پیامبر فضائل زیارت قبور فرزندان امیرمؤمنان را بیان کرده و به طور قطع و یقین رقیه از اولاد و ذراره‌ی امام علی بن ابی طالب(علیه السلام) محسوب می شوند. (الحدائق الناضرة، ج ۱۷، ص ۴۰۵؛ العقلية والفواطم، ص ۶۳)

اعتبار زیارت عاشورا

مرحوم میرزا (قدس سره) و دلایل اعتبار زیارت عاشورا

مرحوم میرزا (قدس سره) اعتقاد داشتند که:

۱- اگر خبری شهرت پیدا کرد؛ یعنی از منابع حدیثی مختلف و به سندهای گوناگون، همراه با راویان متعدّد، نقل شد و به حدّ شهرت رسید، موجب وثوق و اطمینان به صدور آن خبر از معصوم (علیه السلام) خواهد شد.

۲- گاهی منشأ عقلایی، موجب ثبوت و اطمینان به صدور روایت از معصوم می گردد، و آن به دلیل تنوع و تعدد منابع و مصادر خبر می باشد که در نهایت موجب حصول اطمینان به صدور روایت از معصوم می شود، کما اینکه علمای بزرگ به بعضی از نصوص (با اینکه از جهت سند تمام نمی باشد) اعتماد کرده اند، به خصوص در مستحبات و مکروهات.

۳- عالی بودن الفاظ و مضامین زیارت عاشورا، صدور آن را از اهل بیت (علیهم السلام) تأیید می نماید. [و این امر را به وضوح در کتاب «نهج البلاغه» مولانا امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) مشاهده می کنیم، که مضامین عالی و انسجام الفاظ موجب اطمینان به صدور آن از مولانا امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است].

۴- توافق مضامین زیارت با ملاکات و ادله‌ی عامه‌ی مذکوره در کتاب و سنّت قطعیه، خود دلیل دیگری بر اعتبار زیارت عاشورا است.

۵- هماهنگی بخشی از مضامین و جملات وارده در زیارت عاشورا، از قبیل اظهار درد، اندوه، سلام و لعن که در برخی از روایات صحیح آمده است.

۶- بعضی از فرازهای زیارت عاشورا، مدح، ستایش و سلام بر خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) می باشد و فرازهای دیگر آن، لعن، نفرین و بیزاری از غاصبان و ظالمین اهل بیت (علیهم السلام) است که این زیارت شریفه، جامع این دو امر (لعن و سلام) می باشد و هر یک از این دو یعنی سلام بر خاندان اهل بیت (علیهم السلام) و لعن بر دشمنانشان (بر طبق روایات وارده از معصوم (علیه السلام)) مورد تأکید امامان بوده و برای آن اجر و پاداش فراوانی قرار داده شده است.

۷- این زیارت، احیاء نام اهل بیت (علیهم السلام) است، چرا که یادآور ظلم هایی است که دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در حق آنان (علیهم السلام) روا داشتند و برپایی هرگونه مجالس اهل بیت (علیهم السلام) که یادآوری مصایب و مظلومیت آنان (علیهم السلام)، به خصوص سیّد الشهداء (علیه السلام) باشد، احیای امر آن ها (علیهم السلام) است که ثواب فراوان دارد.

در این زمینه روایات متعددی وارد شده است، که به بعضی از آن ها اشاره می شود:

۱- «قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُ الْبَيْتَ وَيَمْدَحُنَا وَيُرِي لَنَا: ١٠٢»

امام صادق (عليه السلام) فرمود: خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به سوی ما می آیند، و ما را مدح و مرثیه می گویند».

۲- «قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): تَزَاوَرُوا وَتَلَاَفُوا وَتَذَاكَرُوا وَأَحْيُوا أَمْرَنَا: ١٠٣»

امام صادق (عليه السلام) فرمود: به زیارت و دیدار یکدیگر بروید، با هم به سخن و مذاکره بنشینید، و امر ما را (کنایه از امامت) زنده کنید».

۳- «قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) لِلْفُضَيْلِ: تَجْلِسُونَ وَتَتَحَدَّثُونَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ

أَحْبَبُهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَى أَمْرَنَا: ١٠٤»

امام صادق (عليه السلام) از فضیل پرسید: آیا (دور هم) می نشینید و حدیث (سخن) می گویند؟ گفت: آری؟ فرمود: این گونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند».

۴- «قَالَ الرَّضَا (عليه السلام): مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً يُحْيِي فِيهِ أَمْرَنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمَوَّتُ الْقُلُوبُ: ١٠٥»

امام رضا (عليه السلام) فرمود: هرکس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (ولایت و امامت) ما احیا می شود، دلش در روزی که دل ها می میرند، نمی میرد».

خواندن زیارت شریفه عاشورا، خود به تنهایی یکی از راه های حفظ شعائر است؛ زیرا دارای الفاظ و مضامینی است، که موجب زنده نگه داشتن واقعه کربلا می شود و حماسه کربلا ارتباط مستقیم با دین دارد، از جهت دیگر، حفظ دین بر همگان واجب است و باید در برگزاری، هر آنچه که دین را زنده نگه می دارد (از جمله احیاء امر اهل بیت (علیهم السلام)) تلاش کرد.

۸- زیارت عاشورا، صرف نظر از سند آن، تحت ادله عمومی استحباب زیارت سیدالشهدا (علیه

السلام) قرار گرفته است و مشمول «اخبار من بلغ» نیز می شود. بر فرض خدشه در سند زیارت

۱۰۲- کامل الزیارات، ص ۵۳۹، ح ۸۲۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۹۹.

۱۰۳- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۲.

۱۰۴- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۲.

۱۰۵- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

عاشورا، می توان ثواب قرائت این زیارت شریفه را، به واسطه‌ی فضل خداوند نسبت به بندگان که اخبار (مَنْ بَلَغَ) بیانگر آن است، ثابت کرد.

اخبار (مَنْ بَلَغَ)، مجموعه‌ای از روایاتی است که با عنوان (مَنْ بَلَغَ...)، از ائمه (علیهم السلام) نقل شده است، از جمله آن‌ها: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) شَيْءٌ مِّنَ الثَّوَابِ فَعَمَلُهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) لَمْ يَقُلْهُ: ۱۰۶»

کسی که از پیامبر خبری به او برسد که مشتمل بر ثواب باشد و آن شخص این کار را انجام دهد، آن ثواب برای او خواهد بود، اگرچه رسول خدا آن را نفرموده باشد».

ظاهر این روایات، از فضل خداوند نسبت به بندگان خبر می‌دهد که بدون در نظر گرفتن حکم واقعی عمل، هر عملی را که مؤمن به اعتماد فضل او انجام دهد، بی ثواب نخواهد گذارد. برای نمونه می‌توان به مسجد کوفه اشاره کرد که فضیلت مسجد کوفه بر طبق روایات صحیحیه از مسلمات است و در فضیلت^{۱۰۷} این مسجد همین کافی است که محل عبادت بسیاری از انبیاء و امامان معصوم (علیهم السلام) بوده است، لکن در خصوص اینکه هر رکعت نماز در آن مسجد شریف چقدر ثواب دارد، روایات مختلفی وارد شده است، این گونه موارد را اخبار من بلغ شامل می‌شود و ثوابی که در روایات، بابت هر رکعت نماز در مسجد کوفه وارد شده است، خداوند متعال به فضل خود نسبت به بندگان، آن ثواب

۱۰۶- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۰، باب ۱۸.

۱۰۷- فضیلت مسجد کوفه و نماز در آن:

۱- امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: «هزار پیامبر و هزار وصی پیامبر در این مسجد نماز خوانده اند». (کامل الزیارات، ص ۲۸، ح ۵)

۲- در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «اگر من در نزدیکی مسجد کوفه بودم، امید آن را داشتم که حتی يك نماز در آن مسجد هم از من فوت نشود»، سپس خطاب به راوی می‌فرماید: «آیا از فضل آن آگاهی؟» راوی عرض کرد: نه، امام فرمود: «هیچ عبد صالحی و هیچ پیامبری نبود، مگر اینکه در مسجد کوفه نماز خواند، حتی زمانی که رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به معراج رفت، جبرئیل به آن حضرت گفت: آیا می‌دانی در

این لحظه در کجا هستی یا محمد؟ پیامبر فرمود: نه؛ عرض کرد: تو در مقابل مسجد کوفه هستی. رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: بنابراین، از پروردگارت اجازه بگیر که فرود آیم و در آن نماز بخوانم. جبرئیل اجازه گرفت، خداوند نیز اجازه داد و پیامبر (صلى الله عليه وآله) هبوط کرد و دو رکعت نماز خواند. آن گاه امام صادق (علیه السلام) فرمود: «نماز واجب در آن معادل هزار نماز، و نماز نافله در آن معادل پانصد نماز است. در هر جهت از چهار جهت او، باغی از باغ‌های بهشت قرار دارد. نشستن در آن بدون نماز و ذکر نیز، عبادت است». (کامل الزیارات، ب ۸، ص ۲۷، ح ۶)

۳- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «امیرمؤمنان علی (علیه السلام) به کسی که برای درك فضیلت مسجدالاقصی بار خود را بسته بود و برای خداحافظی خدمت آن حضرت در مسجد کوفه رسید، فرمود: زاد و راحله‌ات را بفروش و بیا در این مسجد نماز بگذار که نماز واجب در آن، معادل يك حج مقبول و نماز نافله در آن، معادل يك عمره‌ی مقبوله است... هیچ غمزه و دردمندی حاجتی از حوایجش را در این مسجد طلب نمی‌کند مگر اینکه خداوند به او پاسخ می‌دهد و مشکلش را برطرف می‌سازد». (کامل الزیارات، ب ۸، ص ۲۷، ح ۱۸) و...

را می دهد، پس بر فرض ناصحیح بودن سند زیارت عاشورا اخبار من بلغ شامل این زیارت شریفه می شود و ثواب موعود در زیارت شریفه‌ی عاشورا، به فضل خداوند به بندگان داده می شود. نهایتاً این نتیجه حاصل می شود، که قرائت زیارت عاشورا رجاءاً ثواب موعود را به دنبال دارد.^۹ مکاشفاتی^{۱۰۸} که برای برخی بزرگان شیعه رخ داده، حکایت از اعتبار و عظمت این زیارت دارد.

محدث نوری در کتاب نجم الثاقب از سیّد احمد فرزند سیّد هاشم رشتی (رحمه الله)، تاجر ساکن رشت، نقل می کند که ایشان گفت: «در سال هزار و دویست و هشتاد، برای ادای حج و زیارت خانه‌ی خدا از رشت به تبریز آمدم، آنجا در خانه‌ی یکی از تجار معروف، به نام حاج صفر علی منزل نمودم. چون کاروانی نبود، متحیر بودم که چگونه سفر را ادامه دهم، تا آنکه حاج جبار نامی که جلودار کاروان و از شهر سده‌ی اصفهان بود، مال التجاره‌ی او برداشت و من به همراه کاروان او حرکت کردم.

در یکی از منازل، ما بین راه (در ترکیه) حاجی جبار جلودار، نزد ما آمد و گفت که این منزلی را که در پیش داریم مخوف است،

قدری زودتر بار کنید که به همراه قافله باشید، چون در سایر منازل ما اغلب از قافله عقب بودیم، ما هم تقریباً دو ساعت و نیم یا سه ساعت به صبح مانده حرکت کردیم. به اندازه‌ی نیم یا سه ربع فرسخ از منزل دور شده بودیم که هوا تاریک شد و برف باریدن گرفت، به طوری که هر يك از رفقا سر خود را پوشانده و تند می رفتند. هرچه سعی کردم به آن‌ها برسم ممکن نشد، تا آنکه آن‌ها رفتند و من تنها ماندم، پس از اسب خود پیاده شده و در کنار راه نشستم. از آنجا که مبلغ ششصد تومان با خود داشتم، مضطرب گشته و تصمیم گرفتم که در همین مکان بمانم تا آفتاب طلوع کند و سپس به منزل قبلی مراجعت کرده تا دلیلی بیابم و به کاروان ملحق شوم.

ناگاه در مقابل خود باغی دیدم که در آن، باغبانی بیل به دست گرفته بر درختان می زد تا برف آن‌ها بریزد. مرد پیش من آمد و در فاصله‌ی کمی ایستاد، فرمود: تو کیستی؟ عرض کردم: رفقای من رفته اند و من تنها در این بیابان مانده ام و راه را هم نمی دانم. به زبان فارسی فرمود: نماز شب بخوان تا راه را پیدا کنی.

من مشغول خواندن نماز شب شدم. بعد از فراغ از تهجد، باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: به خدا قسم راه را نمی دانم. فرمود: زیارت جامعه بخوان! من زیارت جامعه را از حفظ نمی دانستم (و الان هم از حفظ ندارم) اما ایستادم و زیارت جامعه را از حفظ خواندم. باز فرمود: نرفتی؟ بی اختیار

۱۰۸- مکاشفه به معنی آشکار شدن اسرار و امور غیبی است. (آنچه در کشف و شهود به عنوان رکن اصلی نمود دارد، داشتن چشم حقیقت بین است تا از مهم ترین حقیقت غیبی: یعنی حقایق الهیه و اسماء پنهان در این گنجینه پرده بردارد).

گریه ام گرفت و گفتم: راه را نمی دانم! فرمود: زیارت عاشورا بخوان! من عاشورا را از حفظ نمی دانستم (و تا کنون هم حفظ نیستم) اما در آنجا با لعن و سلام و دعای علقمه از حفظ خواندم. باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: نرفتم. تا صبح شد، فرمود: من حالا تو را به کاروان می رسانم، رفت و بر الاغی سوار شد، بیل خود را به دوش گرفت و فرمود: پشت سر من بر الاغ سوار شو! من هم بر الاغ سوار شدم، عنان اسب خود را کشیدم، تمکین نکرد و حرکت ننمود. فرمود: جلوی اسب را به من بده! دادم، بیل را به دوش چپ و عنان اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد و اسب در نهایت تمکین، متابعت کرد. پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نماز شب نمی خوانید؟ و سه مرتبه فرمود: نافله، نافله، نافله.

باز فرمود: چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا.

بعد فرمود: چرا جامعه نمی خوانید؟ سه مرتبه فرمود: جامعه، جامعه، جامعه.

در همان حال به من فرمود: این ها رفقای تو هستند که لب نهر آب فرود آمده و برای نماز صبح مشغول وضو گرفتن هستند!!

من از الاغ پیاده شدم که سوار اسب خود شوم نتوانستم، او

پیاده شد و بیل را در برف فرو برد، مرا سوار کرد و به سوی رفقا برگردانید.

در آن هنگام به فکر فرو رفته و از خود سؤال کردم که این شخص چه کسی بود که به زبان فارسی حرف می زد، در صورتی که زبانی جز ترکی، و مذهبی غالباً جز عیسوی در آن حدود یافت نمی شد، چگونه مرا با این سرعت به رفقایم رسانید؟ پس پشت سر خود نگاه کردم، احدی را ندیده و اثری از او نیافتم و آن گاه به رفقای خود ملحق شدم.^{۱۰۹}

۱۰- این زیارت شریفه در طول تاریخ مورد توجه علمای بزرگ بوده است. به طوری که بر آثار و برکت خواندن آن اتفاق نظر داشته و حتی بر خواندن روزانه‌ی آن اصرار نموده اند.^{۱۱۰} بی شک چنین

۱۰۹- نجم الثاقب، ص ۶۰۱ - ۶۰۲، مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی (رحمه الله)، بعد از زیارت جامعه کبیره حکایت سید رشتی.
۱۱۰- توجه و مداومت بزرگانی چون علامه مجلسی (رحمه الله)، آیت الله شیخ مرتضی انصاری (رحمه الله)، آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی (معروف به کمپانی)، آیت الله شیخ صدرای بادکوبه ای (رحمه الله)، آیت الله شیخ عبدالکریم حائری (رحمه الله) مؤسس حوزه‌ی علمیه قم و (خود فقیه مقدس آیت الله میرزا جواد تبریزی (قدس سره) که مدافع سر سخت زیارت عاشورا بودند و همواره بر خواندن آن برای قضای حوائج تأکید می کردند).

فرزند علامه امینی نقل می کند که: پدرم (رحمه الله) با کثرت مطالعات و تحقیقاتی که داشت،

بر خواندن زیارت عاشورا مداومت می کرد، و من حدود چهار سال بعد از فوتشان، ایشان را خواب دیدم و از محضرشان پرسیدم که چه عملی باعث نجات است، ایشان به من گفتند: زیارت عاشورا را به هیچ عنوان و عذری ترک مکن.

مرحوم شیخ مشکور (رحمه الله) که از علمای بسیار مذهب نجف و از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی (رحمه الله) است، خواب می بیند که آیت الله محلاتی (که ساکن شیراز بود) از دنیا رفته و به او مقام شایسته ای داده شده است. شیخ (رحمه الله) از مرحوم محلاتی (رحمه الله) می پرسد: این مقام را از کجا به دست آورده ای؟ مرحوم محلاتی (رحمه الله) می گویند: از زیارت عاشورا.

زیارتی

بی نیاز از بررسی سندی است.^{۱۱۱}

۱۱- نقل زیارت عاشورا در منابع و کتاب های بزرگان و حامیان دین، از ده قرن قبل تاکنون، خود

دلیل دیگری بر معتبر بودن این زیارت شریف می باشد.

از جمله می توان به کتاب ها و منابع معتبر زیر اشاره کرد:

۱. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی (رحمه الله)، قرن چهارم

۲. مصباح المتهجد، شیخ طوسی (رحمه الله)، قرن پنجم

۳. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله)، قرن ششم

۴. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم

۵. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم

۶. منهاج الصلاح، علامه‌ی حلی (رحمه الله)، قرن هشتم

۷. کتاب مزار، شهید اول، محمد بن مکی (رحمه الله)، قرن نهم

۸. البلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعمی (رحمه الله)، قرن دهم

۹. بحار الانوار، و تحفة الزائر، علامه‌ی مجلسی (رحمه الله)، قرن یازدهم

۱۲- مجرب بودن زیارت عاشورا، در رفع مشکلات و قضای حاجات و آثار شگفت آور آن،

موجب شده است که این زیارت در میان علماء و بزرگان دین و مردم مؤمن عظمت خاصی داشته باشد

و این خود دلیل محکمی بر حقانیت و صحت آن است.

شیخ مشکور، خواب خود را برای میرزای شیرازی نقل کرده و مرحوم میرزا دستور مهیا شدن برای عزاداری می دهند. با این وجود طلاب گفتند: خواب حجت نیست و هنوز خبر فوت ایشان به ما نرسیده است، مرحوم آیت الله میرزای شیرازی (رحمه الله) می گوید: این خواب هرکس نیست، خواب شیخ مشکور (رحمه الله) است. بعد از سه روز، خبر فوت مرحوم آیت الله محلاتی (رحمه الله) به نجف می رسد. مرحوم محلاتی (رحمه الله) مدت سی سال هر روز زیارت عاشورا را خواند و هرگز آن را ترك نکرد و اگر مریض می شد، نایب می گرفت.

از شیخ محمد حسن انصاری (رحمه الله) برادر زاده و داماد مرحوم شیخ انصاری نقل شده که فرزند سوم شیخ - معروف به آقا شیخ بزرگ (رحمه الله) که از اجله‌ی اهل فضل نجف اشرف بود - را در عالم رؤیا دیدم و از او پرسیدم که آنجا چه عملی برای ما بیشتر سود دارد؟ آقا بزرگ، سه بار تکرار کردند: زیارت عاشورا.

(شیخ جعفر تبریزی فرزند فقیه مقدس راحل میرزا جواد تبریزی (قدس سره) نقل می کند: مرحوم میرزا (قدس سره) اهمیت خاصی به زیارت عاشورا می دادند و می فرمودند: این زیارت

حلال مشکلات است. ما زمانی که نجف مشغول درس بودیم، اگر مشکلی داشتیم در کنار قبر مطهر سیدالشهدا (علیه السلام) زیارت عاشورا می خواندیم و نتیجه می گرفتیم. مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) خود، جهت قرائت زیارت عاشورا به بالای پشت بام می رفتند و زیارت عاشورا را زمزمه می کردند و به دیگران برای قضای حوائج خود می گفتند: زیارت عاشورا بخوانید).

برای بیان آثار پر عظمت این زیارت شریفه، می توان به حکایتی که مرحوم آیت الله سید احمد زنجانی(رحمه الله) در کتاب *الكلام یجر الکلام* از مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی(رحمه الله) نقل نموده است، اشاره کرد که فرمود: من و آقا میرزا علی آقا(رحمه الله) (آقا زادهی میرزای شیرازی(رحمه الله)) و آقا سید محمود سنگلجی(رحمه الله) در سامرا، شبی روی بام در خدمت مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی(رحمه الله) درس می خواندیم. در اثنای درس، استاد بزرگ ما، مرحوم آقای سید محمد فشارکی(رحمه الله)^{۱۱۲} تشریف آوردند، در حالی که

آثار گرفتگی و انقباض در بشره اش پیدا بود، معلوم شد شنیدن خبر بروز وبا در عراق (سامرا) ایشان را این گونه منقلب کرده است. فرمود: عادل می دانید؟ عرض کردیم: بله! شما مرا مجتهد می دانید؟ عرض کردیم: بله، فرمود: من به تمام زن و مرد شیعهی سامرا حکم

می کنم که هر يك از ایشان يك مرتبه زیارت عاشورا را به نیابت از طرف نرجس خاتون، والدهی ماجدهی امام زمان(علیه السلام) بخوانند و آن مخدره را نزد فرزند بزرگوارش، شفیع قرار دهند تا آن حضرت از خداوند عالم بخواهد که خدا شیعیان مقیم سامرا را از این بلا نجات دهد. به محض اینکه حکم صادر گردید، تمام شیعیان مقیم سامرا، حکم را اطاعت کرده و زیارت عاشورا را طبق همان دستور خواندند، در نتیجه بعد از خواندن زیارت عاشورا، يك نفر شیعهی سامرا تلف نشد، در صورتی که هر روز حدود پانزده نفر از غیر شیعه تلف می شدند.^{۱۱۳}

۱۱۲- آیت الله سید محمد بن قاسم فشارکی(رحمه الله) اصفهانی؛ در سال ۱۲۵۳ قمری (۱۲۱۴ شمسی) در منطقهی فشارک (اصفهان) به دنیا آمد، در سن ۱۱ سالگی به عراق رفت و کفالت او را برادر بزرگش ابراهیم ملقب به «کبیر» بر عهده گرفت. ایشان برخی دروس را نزد برادر و ما بقی را نزد علمای دیگر مانند آیت الله فاضل اردکانی(رحمه الله) و حاجی آقا حسن بن سید مجاهد(رحمه الله) گذراند. در سال (۱۲۸۶ قمری)، به نجف رفت و در محضر آیت الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی(رحمه الله) تلمذ کرد و در سال (۱۲۹۱) به همراه آیت الله شیرازی(رحمه الله) به سامرا رفت. پس از وفات آیت الله شیرازی(رحمه الله) مجدداً در سال (۱۳۱۲ هجری قمری) به نجف بازگشت. آن طور که آقا بزرگ تهرانی در کتاب خود می فرماید: در مسجد هندی در نجف، کرسی تدریس داشت که حدود ۳۰۰ شاگرد در درس او حاضر می شدند. شیخ عباس قمی(رحمه الله) در «فوائد الرضویه» می فرماید: زمانی که آیت الله شیرازی(رحمه الله) در شعبان (۱۳۱۲) وفات کرد، بزرگان به او رجوع کردند؛ زیرا اعتقاد داشتند که او اعلم پس از میرزاست، و از او خواستند که تصدی امور شرع و مرجعیت را بر عهده بگیرد، اما ایشان فرمود: من خود می دانم که شایستهی این کار نیستم؛ زیرا ریاست امور شرعی نیاز به امور دیگری غیر از علم دارد و من در این امور وسواس خاصی دارم، من به غیر از تدریس نباید به کاری مشغول شوم. ایشان اشاره کرد که به سراغ مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی(رحمه الله) بروند که این یکی از دلایل بلندی همت، پاکی نفس و اخلاص قلب این بزرگوار بوده است. حاج میرزا محمد حسین نائینی(رحمه الله)، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی(رحمه الله)، آقا شیخ محمد رضا نجفی(رحمه الله)، حاج شیخ محمد حسین طبسی(رحمه الله) و آقا میرزا سید علی مدرس یزدی(رحمه الله) از شاگردان وی بودند. او در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی، اصالة البرائة، الاغسال، الفروع المحمدیه، مجموعه رسالاتی در فقه و غیره، شرح اوائل رساله البرائه شیخ انصاری، رساله ای در خلل نماز می باشد. وفات وی را در (۱۳۱۶ قمری، ۱۲۷۷ شمسی) دانسته اند. محل دفن وی یکی از حجرات صحن مقدس علوی است.

لازم به تذکر است که از آن به بعد تمامی تلفات متوجّه عامه بود که باعث شد عده ای از آنان متنبه شده و به مذهب حق روی آورند.^{۱۱۴}

ذکر استفتائاتی از میرزای تبریزی (قدس سره) در رابطه با زیارت عاشورا

چرا زیارت عاشورا در مجامع حدیثی شیعی ذکر نشده است؟

مجامع حدیثی شیعه به عنوان منابع مورد مراجعه کلیه افراد، حتی عامه بوده است و مبنای محدثان بزرگ، اجتناب از ذکر احادیثی بوده که با تقیه سازگاری ندارد (با توجّه به اینکه شیعه همواره در فشار حکام جور بوده) از این رو مشاهده می شود که این زیارت شریفه در منابع حدیثی ذکر نشده است و به ذکر زیارت عاشورا در کتب ادعیه که فقط مورد مراجعه شیعه بوده اکتفا نموده اند، پس عدم ذکر زیارت عاشورا در منابع اولیه شیعه، حاکی از آن نیست که این زیارت قبلاً نبوده و بعداً پدیدار گشته است؛ بلکه دستگاه ظلم بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با تکیه بر اریکه قدرت، قرن ها نگذاشت، شیعه به راحتی رأی و معتقدات خود را

منتشر کنند و کتابخانه های شیعی بارها به واسطه مخالفین مورد هجوم قرار گرفته و به آتش کشیده شد. به همین جهت علمای بزرگ با تلاش بوقفه خود و تحمل مشقات آن زمان (که همواره در دوران متعدد، تقیه را پیشه‌ی کار خود قرار داده بودند) توانستند اثری را جهت حفظ مبانی حدیثی شیعه تدوین نمایند، که اولین آن ها ۴۰۰ اثری بود که به اصول اربعمانه معروف گردید. این مجموعه توسط اصحاب ائمه (علیهم السلام) تدوین شد و حاوی کلمات ائمه (علیهم السلام) در موضوعات مختلف بوده است که به مرور زمان و هجوم به منابع غنی شیعی، اکثر آن ها از بین رفته اند و آنچه که امروزه از اصول اربعمانه باقی مانده است بیش از ۱۶ اصل نمی باشد که مرحوم محدث نوری (رحمه الله) در خاتمه‌ی کتاب مستدرک الوسائل ذکر نموده اند. سپس با تلاش بزرگان، کتب اربعه تدوین شد که هم اکنون این کتب؛ یعنی الکافی، تهذیب، استبصار، من لا یحضره الفقیه منبع مراجعه‌ی علمای بزرگ می باشد. از زمان غصب خلافت و تخلف از فرامین رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، هجوم به خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی

۱۱۴- فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می فرمودند: هر هفته عده ای از طلاب حوزه‌ی نجف اشرف شب های جمعه برای زیارت سالار شهیدان (علیه السلام) از نجف به کربلا می رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم که هر هفته به ساحت مقدّس آن بزرگوار عرض ادب می کردم و موفق می شدم که در کنار قبر مطهر و روبه روی ضریح آن امام مظلوم (علیه السلام) زیارت عاشورا بخوانم، و به واسطه این توسل، از سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام) مدد می جستم. در این جهت مولی (علیه السلام) عنایت فراوانی به من کرد و بسیاری از مشکلاتم به واسطه این توسل حل می شد. زیارت عاشورا مجرب است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه توسلات بوده که از جمله آن ها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت عاشورا سهل انگاری نکنید، خداوند به واسطه این توسلات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما را تضمین خواهد کرد، ان شاء الله تعالی.

زهر (علیه السلام)، خانه نشین کردن امام شیعیان، علی بن ابی طالب (علیه السلام) و تبعید یاران راستین اسلام، فشار بر شیعیان و مخلصین درگاه اهل بیت (علیهم السلام) به واسطه‌ی مخالفین روز به روز بیشتر شد و عرصه را بر شیعیان تنگ تر کردند. در شام بنی امیه لعنة الله علیهم ریشه دواند و قدرت گرفت که جانشین رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را بر روی منابر مورد لعن قرار داده و با به شهادت رساندن دخت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فاطمه‌ی زهر (علیها السلام) و علی بن ابی طالب (علیه السلام)، وصی برحق رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) هر آنچه که توانستند بر سر اسلام آوردند. به طوری که دو ریحانه‌ی رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را با بدترین آزارها به شهادت رساندند.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: ذلت و خواری شیعه، بلای مهم و کشتار، پس از شهادت امام حسن (علیه السلام) و در زمان معاویه اتفاق افتاد. در هر شهری شیعیان ما را می کشتند و دست و پای افراد را، حتی به گمان شیعه بودن آنان، قطع می کردند. هرکسی به ما اظهار محبت می نمود، به زندان می رفت. اموالش را غارت و خانه اش را خراب می کردند و این بلا و مصیبت ادامه داشت، تا آنکه زمان ابن زیاد و قاتل امام حسین (علیه السلام) فرا رسید^{۱۱۰}. پس از بنی امیه، بنی عباس (لعنة الله علیهم) با شعار دروغین و با افکار پلید و منحرف خود، هر آنچه توانستند بر سر شیعیان آوردند؛ زیرا از حقانیت و قدرت گرفتن شیعیان هراس داشتند و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) را با بهانه های پوچ و بی اساس مسموم و یا شهید نمودند و اصحاب راستین آنان را زندانی، تبعید و یا به شهادت رساندند. این روش خصمانه در قرون متمادی ادامه داشت

و حکام جور هرچه از آثار شیعی را که به دستشان می رسید، از بین می بردند. ولکن این مذهب با فداکاری علمای بزرگ و حامیان دین، توانست پا برجا بماند، ولو با اندک مبانی که علی رغم تقیه و فشار تدوین شده است و همواره علمای طائفه‌ی امامیه سعی کرده اند طوری حرکت کنند که بهانه ای به دست مخالفین ندهند و عدم ذکر زیارتی مانند زیارت عاشورا که با تقیه سازگاری ندارد از همین روست، به همین دلیل زیارت عاشورا را فقط در کتبی که مورد مراجعه‌ی شیعه بوده، ثبت و ضبط نموده اند. این زیارت شریفه عمدتاً در کتب ادعیه ای که به کتب مزار علماء معروف است، ذکر شده است.

زیارت عاشورا در کدام کتب آمده است؟

زیارت عاشورا یکی از زیارات مشهوره می باشد که در کتب بزرگان شیعه در طول قرون و اعصار مختلف ذکر شده است که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی (رحمه الله)، قرن چهارم.
۲. مصباح المتهدد، شیخ طوسی (رحمه الله)، قرن پنجم.
۳. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله)، قرن ششم.
۴. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم.
۵. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم.
۶. منهاج الصلاح، علامه ی حلّی (رحمه الله)، قرن هشتم.
۷. کتاب مزار، شهید اول، سید محمد بن مکی (رحمه الله)، قرن نهم.
۸. البلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعمی (رحمه الله)، قرن دهم.
۹. بحار الانوار و تحفة الزائر و زاد المعاد، علامه مجلسی (رحمه الله)، قرن یازدهم و

چرا زیارتی مانند زیارت عاشورا نیاز به بررسی سندی ندارند؟

زیارتی مانند زیارت عاشورا (جامعه‌ی کبیره، توسّل، کساء، ناحیه‌ی مقدّسه و...) احتیاج به بررسی سند ندارد، این گونه زیارات مشهور و شعار شیعه محسوب می‌شود و مضامین آن در روایات صحیح وجود دارد و علمای بزرگ بدان عمل کرده و جزء معتقدات شیعه شمرده می‌شود، چه شعاری بالاتر از بیان ظلم‌هایی که بر خاندان اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است.

زیارت عاشورا بیان ظلم، لعن بر ظالمین اهل بیت (علیهم السلام) و سیدالشهداء (علیه السلام) و احیای واقعه‌ی طف است و باید بر آن محافظت کرد؛ زیرا زنده نگه داشتن واقعه‌ی کربلا، زنده نگه داشتن مذهب برحق تشیع است. اگر کسی به مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص هجوم به خانه‌ی وصی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و دخت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله)، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) و حضرت صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) و سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام) (که از مسلمات نزد شیعه است) آگاهی پیدا کند، حقیقت را خواهد یافت.

همان گونه که بسیاری از افراد به واسطه‌ی آگاهی بر این ظلم‌ها، حقانیت مذهب تشیع و اهل بیت (علیهم السلام) بر آن‌ها روشن گردیده و بدان روی آورده‌اند. همان گونه که شهادت بر مولای ما امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) (شهادت ثالثه) در اذان، شعار شیعه شده و ترك آن جایز نمی‌باشد و کوتاهی در مثل این موارد، گناهی نابخشودنی به دنبال دارد؛ زیرا که شعار مذهب و بانگ حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) است^{۱۱۶}.

۱۱۶. کلیه‌ی سؤال و جوابها از کتاب زیارت عاشورا فراتر از شبیه و مجموعه‌ی استفتائات فقیه مقدّس، میرزا جواد تیریزی (قدس سره) اخذ شده است.

بعضی در خصوص زیارت عاشورا تشکیک راه می اندازد

و می گویند در زیارت لعن نبوده است؟

بسمه تعالی؛ زیارت عاشورا از زیارات معتبره و مجرب می باشد، زیارت عاشورا را شیخ طوسی (رحمه الله) در مصباح المتهجد صغیر و کبیر نقل کرده است (به همین شکل موجود در مفاتیح الجنان نیز نقل شده است). نُسخ خطی فراوانی وجود دارد که از سه حال خارج نیست؛ یا تمام زیارت به شکل موجود در مفاتیح الجنان نقل شده است و یا اینکه قسمت لعن، به دلیل تقیه حذف شده است که محل حذف در نسخ خطی مشهود می باشد و به دلیل فشار بر تشیع، حفظ تقیه و تسهیل در رد و بدل نمودن آن، فرازهای لعن را حذف کرده اند و یا آنکه در بعضی از نسخ کپی شده، قسمت لعن در حاشیه ذکر شده که به دلیل تقیه ابتدا در نسخه ذکر نشده بود، و لکن بعد از آنکه نسخه به شخصی خاص تعلق گرفته یا تشدید بر تشیع کمی برطرف شده است، آن را در حاشیه ذکر کرده اند تا مطابق با نسخه اصلی شود. در خصوص زیارت عاشورای موجود، با تمام فرازهایی که در مفاتیح الجنان ذکر شده است، شبهه ای وجود ندارد و معتبر می باشد.

در خصوص زیارات معروف از جمله جامعه، عاشورا، توسل، ناحیه

و... بعضی از افراد تشکیکاتی راه می اندازند و می گویند: سند این زیارات معلوم نمی باشد یا ضعیف است و کلماتی از این قبیل که موجب بروز توهمات به خصوص در نسل جوان می شود.

بسمه تعالی; مضمون زیارات معروف، در بعضی از روایات وارد شده است و با مراجعه به روایات، مضامین فقراتی از ادعیهی شریفه موجود می باشد و همچنین این زیارات مجرب است و بزرگان ما با توسل به این ادعیه به درجهی عالی رسیدند و این گونه ادعیه که مضامین آن در روایات وارد شده، مجرب است و نیاز به سند ندارد و هر کس آن ها را بخواند، خداوند متعال ضمن قبول این عمل، به آن ها پاداش خواهد داد (ان شاء الله تعالی). مسئلهی تشکیک از ابتدا از بعضی افراد بی اطلاع و منحرف سر می زده و باز هم چنین تشکیکاتی سر می زند و نباید به گفتار چنین افرادی گوش داد. بعضی از لذت عبادت دور هستند و فکر می کنند با مطرح کردن این مسایل می توانند دنیای خود را آباد کنند. حال آنکه این حرف ها ضمن قطع توفیق الهی، عاقبت خوشی برای این گونه افراد نخواهد داشت. خداوند به همه می توفیق دهد که با وسیله بردن (وابتغوا إلیه الوسیلة...) به درگاه خداوند متعال، به خواندن این ادعیه موفق شویم.

شما در خصوص سؤالات زیر، چه می فرمایید؟

۱. کسی که می گوید زیارت عاشورای اصلی این نیست؛ بلکه این زیارت تحریف شده است!

۲. ما بر علماء اشکال کردیم، به ما جواب درست ندادند!

۳. در ملا عام، حتی در نماز جمعه این اشکالات را مطرح می کند!

۴. می توان به آن ها خمس داد؟!!

۵. آیا خواندن نماز پشت سر آن ها جایز است؟

بسمه تعالی: ۱. هیچ گونه تزویری در زیارت عاشورا نیست و فقط بین نسخ اختلاف وجود دارد که به آن تزویر نمی گویند؛ بلکه اختلاف نسخ به دلیل تقیه اتفاق افتاده است و نسخی که در نزد ماست، شامل تمام فقرات زیارت عاشورا، به شکلی که در مفاتیح الجنان است، می باشد و طبق اجازات موجود در بعضی نسخ، نسخه‌ی موجود به زمان شیخ طوسی (رحمه الله) می رسد و تمام فقرات دعا در آن وجود دارد.

۲. علماء و بزرگان جواب مسئله را مناسب با مقام می گویند.

۳. حاضر شدن و گوش دادن به خطبه‌ی این شخص جایز نیست.

۴. دادن وجوه به این شخص جایز نیست.

۵. نماز پشت سر این شخص جایز نمی باشد. **والله الهادی الی سواء السبیل.**

از شما کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق الشبهات صادر شد

که بسیار مفید بود، نظر نهایی شما در خصوص زیارت عاشورا چیست؟

بسمه تعالی؛ همان گونه که در کتاب به آن تأکید کردیم، زیارت عاشورا از حیث سند صحیح است. بعضی از نسخ مصباح المتهدج که به شکل نسخه‌ی خطی می‌باشد، در دسترس است و بعضی از این نسخه‌ها با توجه به اجازات موجود بر آن، تاریخش به زمان شیخ طوسی (رحمه الله) می‌رسد و علمای بزرگ طایفه امامیه، این زیارت را با تمام فرازهای آن ذکر کرده‌اند، از جمله محمد بن مشهدی (رحمه الله) در مزار کبیر، ابن طاووس (رحمه الله) در مصباح و شهید اول (رحمه الله) در مزارش و...

زیارت عاشورا مجرب است و بسیاری از علماء به برکت این زیارت شریف، توفیقاتی کسب کرده‌اند و همین شهرت زیارت، در اثبات آن کافیهست. مؤمنین در آن زمان تقیه، با آن مشکلات موجود به روش‌های مختلف از ادعیه حفاظت کرده‌اند تا این ادعیه به دست ما برسد و زیارت عاشورا به شکل موجود در مفاتیح الجنان، از حیث سند معتبر می‌باشد و جای هیچ شبهه‌ای در آن نیست و خواندن آن اجر و ثوابی دارد که اهلش آن را درک می‌کنند.

آیا زیارت عاشورا معتبر است؟

بسمه تعالی؛ زیارت عاشورا از زیارات معتبره می باشد و این زیارت مبارکه در کتب متعدّد از علمای ابرار ذکر شده است و مضمونش صحیح می باشد، زیارت عاشورا مجرب است و خداوند به همه توفیق خواندن آن را عنایت فرماید. به وسوسه‌ی افرادی که از علم بهره‌ای نبرده‌اند، گوش ندهید و هر آنچه را که در راه زنده نگه داشتن مصایب اهل بیت(علیهم السلام) انجام می‌دهید، مأجور هستید و زیارت عاشورا بیان مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) و عمق فاجعه‌ی کربلا و موارد ظلم به اهل بیت(علیهم السلام) است، بخوانید که ان شاء الله فردای قیامت ذخیره‌ی خوبی خواهید داشت، موفق باشید.

در زیارت عاشورا آمده: «إِنَّ هَذَا يَوْمَ تَبْرُكُتُ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةٍ...»، در حالی که زیارت عاشورا در طول سال خوانده

می‌شود، آیا می‌توان عبارت را تغییر داد؟

بسمه تعالی؛ کلمه‌ی «هذا» به روز عاشورا اشاره دارد؛ یعنی به درستی که روز عاشورا؛ روزی است که بنی امیه آن را متبرک دانسته و عید خود قرار دادند و از این رو در طول سال، چه شب و چه روز خوانده می‌شود.

آیا روایت وارده در خصوص زیارت عاشورا از امام باقر(علیه السلام) صحیح

است و آیا می توان بر آن اعتماد کرد؟

بسمه تعالی; زیارت عاشورا از زیاراتی است که علمای بزرگ آن را می خواندند و این زیارت نزد شیعه مشهور است و قرائت آن موجب ثواب می باشد، همان گونه که در روایت وارده آمده، قابل اعتماد است، از جهت سند صحیح می باشد، شبهه ای در آن نیست و در کتب معتبر علماء نیز ذکر شده است.

ماهیت زیارت عاشورا چیست؟

بسمه تعالی; ضمن بیان ظلم هایی که بر اهل بیت(علیهم السلام) گذشته، ابراز لعن و نفرین بر ظالمین آن هاست و از طرفی ارسال سلام و تجدید پیمان با خاندان اهل بیت(علیهم السلام) می باشد، بر خواندن این زیارت مداومت کنید که آثار عجیبی دارد.

زیارت عاشورا را چگونه باید خواند؟

بسمه تعالی: به همان صورتی که در **مفاتیح الجنان**، مرحوم شیخ عباس قمی(رحمه الله) ذکر شده است.

در فرازی از زیارت عاشورا می خوانیم: «و لعن الله بنی امیه قاطبة؛ و

خدا همه‌ی افراد بنی امیه را لعنت کند»، سؤال این است که بعضی از بنی امیه شیعه بودند و بعضی مانند معاویه بن یزید (معروف به معاویه صغیر) خود را از خلافت خلع کرده و اظهار پشیمانی می نمود و بعضی مانند عمر بن عبدالعزیز (هشتمین خلیفه‌ی اموی) نسبت به آل محمد (صلی الله علیه و آله) محبت فراوانی کرد و بخشی از حق آن ها را ادا نمود و... پس چرا همه‌ی بنی امیه مورد لعن قرار گرفته اند؟

بسمه تعالی؛ مراد از بنی امیه در زیارت شریفه‌ی عاشورا کسانی هستند که در غصب خلافت و ظلم به اهل بیت (علیهم السلام) به هر شکلی نقش داشتند. **والله العالم.**

زیارت عاشورا دارای صد لعن و سلام است و لکن گاهی انسان

نمی تواند صد بار ذکر کند، تکلیف چیست؟

بسمه تعالی؛ می توان به يك بار اکتفا کند و افضل آن است که صد مرتبه ذکر نماید. در هر حال اختصار لعن در زیارت عاشورا به يك بار جایز است، **والله الموفق.**

چرا در ذکر سجده‌ی زیارت عاشورا گفته می شود: «اللهم لك الحمد حمد الشاکرین لك علی مصابهم، الحمد لله علی عظیم رزقینی؛ پروردگارا بر تو سپاس باد، همچون سپاس کسانی که برای مصایب شهیدان کربلا به سپاس و شکر تو پرداخته اند؟

بسمه تعالی؛ قضیه‌ی سیدالشهدا (علیه السلام) موجب نجات بشر و حفظ مذهب برحق تشیع است و از جهتی موجب تنبه و بیداری بسیاری از افراد، به خصوص جوانان است که بتوانند به واسطه‌ی این واقعه یعظیم راه حق را تشخیص دهند و این واقعه موجب سازندگی و نجات است و چه بسیار افرادی که به واسطه‌ی تأمل در قضایای سیدالشهداء (علیه السلام) طریق صحیح را تشخیص داده و نجات یافتند.

آیا در زیارت عاشورا هنگام سجده‌ی آخر دعا «اللهم لك الحمد حمد الشاکرین...» باید رو به کعبه سجده کند؟
بسمه تعالی؛ سجده برای خداست و به هر طرف باشد مانعی ندارد، و لکن به طرف قبله باشد اولی است.

اهمیت به زیارت عاشورا

اهمیت دادن مرحوم میرزا (قدس سره) به زیارت عاشورا

فقیه مقدّس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) گاهی در روزهای زیارتی امام حسین (علیه السلام) به پشت بام می رفتند و زیارت عاشورا را در زیر آسمان می خواندند و به ساحت مقدّس ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) عرض ادب می کردند. ایشان همواره مدافع زیارت عاشورا بودند و جوانان و مؤمنین را به خواندن آن ترغیب می کردند و حتی برای ردّ شبهات، کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق شبهات تدوین کردند و می فرمودند: بسیاری از علما به واسطه‌ی مداومت بر زیارت عاشورا به درجه و مقام عالی نایل شدند، و مضمون زیارت عاشورا دفاع از حریم ولایت، معرفی غاصبان و به افتضاح کشیدن دستگاه بنی امیّه و بنی العباس است و روشنگر ظلم هایی است که بر خاندان نبوّت (علیهم السلام) گذشته، آن را در هر حال فراموش نکنید.

مرحوم میرزا (قدس سره) ضمن دفاع از این زیارت، در استفتائات مختلف می فرمودند: «به اینان که در خصوص زیارت عاشورا تشکیک می کنند، توجّه نکنید. اینان از لذّت عبادت به دور هستند و طعم شیرین عبادت را نچشیده اند؛ دستگاه سیّدالشهداء (امام حسین (علیه السلام)) سفینه‌ی نجات است. متوسّلین و عزاداران واقعی سیّدالشهداء در آخرت در بهترین مکان ها منزل خواهند کرد. ان شاء الله تعالی، خدا توفیق دهد که ما هم عزادار واقعی آن امام شهید (علیه السلام) محسوب شویم.» و جمله‌ی معروف مرحوم میرزا (قدس سره) که در درس خود فرمودند: «ای کاش من روضه خوان ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) بودم»، یاد ایشان همیشه در ذهن ها زنده است که این پیرمرد ولا چگونه به این خاندان عشق مورزید و میدان دار دفع شبهات و دفاع از حریم ولایت بود.

عاشورا، عاشورا

میرزای تبریزی (قدس سره) و زیارت عاشورا

فاضل محترم، حجّت الاسلام شیخ غلامرضا توکلی می گوید: روزی خانمی از تهران تماس گرفته و اصرار می کرد که با مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) صحبت نماید، به ایشان گفتم که میرزا (قدس سره) مکالمه‌ی تلفنی فعلاً ندارند، اگر مطلبی دارید بفرمائید که به آقا برسانم. آن خانم گفت: جهت گرفتاری که داشتیم به مسجد جمکران زیاد می رفتم تا چهل شب به آنجا رفتم ولی مشکلم حل نشد، تا اینکه شبی در عالم خواب دیدم که حضرت ولی عصر (علیه السلام) در مکانی حضور دارند. (بدون آنکه مشاهده شود) در عالم خواب برای دیدن حضرت (علیه السلام) به آن مکان رفتم ولی کثرت جمعیت اجازه نداد به حضرت (علیه السلام) برسم، ولی دیدم که مردم به دور يك روحانی پیرمردی حلقه زده و مسایلی را با او مطرح می کنند به من گفتند، مشکل خود را با این آقا در میان بگذار. من به محضر آن روحانی رفتم، ولی قبل از آنکه مسئله ام را مطرح کنم و از ایشان راهنمایی بطلبم، اسم او را سؤال نمودم، گفتند: میرزا جواد تبریزی است، من مشکل خود را به ایشان گفتم. ایشان جوابی را که دادند و دستوری را که فرمودند، بعد از بلند شدن از خواب فراموش نمودم، بعد از بیداری خیلی ناراحت شدم. از بعضی از روحانیون تهران سؤال کردم، شما شخصی به نام جواد تبریزی می شناسید، گفتند: ایشان از مراجع تقلید در قم می باشند، شماره‌ی دفتر ایشان را پیدا نمودم و الان می خواهم قضیه را به ایشان برسانید و بگوئید: شما چه می فرمایید؟ شیخ توکلی می گوید: خدمت آقا آدمم و مطلب را به ایشان رساندم، مرحوم میرزا (قدس سره) بدون آنکه عکس العملی نشان دهد در حالی که اشک در چشمان مبارکشان حلقه زد، فرمودند: به آن خانم بگوئید: زیارت عاشورا بخواند، ان شاء الله مشکلمش حل خواهد شد و حل مشاکل به واسطه‌ی زیارت عاشورا امریست مبرّم و محکم که در سیره‌ی عاشقان اهل بیت (علیهم السلام) به وضوح قابل رؤیت است. شیخ عبدالجواد حائری مازندرانی می گوید: شخصی خدمت خلد مکان شیخ زین العابدین مازندرانی (رحمه الله) آمده، از بی بضاعتی خویش شکایت نمود، شیخ به او گفت: به حرم حضرت اباعبدالله (علیه السلام) رفته و زیارت عاشورا بخوان، رزق و روزیت خواهد رسید، اگر نرسید برگرد اینجا! وی رفت و برنگشت، بعداً که او را دیدم، او گفت: در حرم مشغول خواندن زیارت عاشورا بودم که شخصی آمد و مقدار وجهی به من داد که باعث توسعه در زندگیم شد.^{۱۱۷}

زیارت عاشورا پلی به سوی استجاب دعا

مرحوم میرزا(قدس سره) و دفاع از زیارت عاشورا

يك روز در شورای استفتاء، بحث شد که هر از چند گاه عده ای شروع به سم پاشی در بین متدینین می کنند و متأسفانه بعضی از معممین می گویند: فلان خبر ثابت نیست و درست بودن آن معلوم نمی باشد؛ از جمله عده ای در خصوص زیارات و ادعیه می گویند: فلان سند ضعیف است و ادعا می کنند زیارت عاشورا به شکل موجود در مفاتیح الجنان، تحریف شده است. از مرحوم میرزا(قدس سره)سؤال شد: آیا می شود پشت سر این گونه اشخاص نماز خواند؟

فقیه مقدّس، میرزا جواد تبریزی(قدس سره) ابتدا فرمودند: اینان مگر نمی دانند که برخی از ادعیه و زیارات با چه زحمت و جهادی به ما رسیده است! ما همیشه در زمان تقیه زندگی کرده ایم، شیعیان در طول تاریخ در فشار بوده اند و ادعیه و زیارات سینه به سینه به ما نقل شده است و مضامین اکثر آن ها در روایات موجود می باشد. اگر به بعضی نسخ خطی مراجعه کنید، پی می برید که آن ها مجبور بودند بعضی از فقرات ادعیه را حذف یا محو کنند تا بتوانند به دیگران برسانند. زیارت عاشورای مشهور، ثابت است و تزویری در آن نیست و آنچه از نظر اختلاف بین نسخ وجود دارد، به آن تزویر گفته نمی شود. نسخه ای که از نظر سند و متن ثابت است و زمان آن به شیخ طوسی(قدس سره)برمی گردد و شامل تمام فقرات زیارت می باشد را، مشاهده کردم و جای شکی در آن نیست و همچنین عمل علمای بزرگ و مجرب بودن زیارت در اثبات آن کافی می باشد^{۱۱۸}، اما در مورد اقتداء به این گونه افراد، همانگونه که قبلاً اشاره شد جایز نیست. و خلاصه کلام اینکه: به تشکیکات افراد توجه نکنید؛ زیرا منشأ آن، دوری آن سیه دلان از معنویت و لذّت نبردن از عبادت است. زیارت عاشورا پلی است به سوی استجاب دعا و ارتباط معنوی با پروردگار متعال و برائت جستن از اعداء اهل بیت(علیهم السلام)، خداوند به همه توفیق دهد که این زیارت مبارك را قرائت نمایند و به واسطه‌ی توسل و خواندن این زیارت، حاجت همه برآورده شده و گره کار آنان برطرف شود؛ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.**»

۱۱۸- اما در مورد اقتداء به این گونه افراد، همانگونه که قبلاً اشاره شد جایز نیست.

سؤالی در خصوص فرازی از زیارت ناحیه‌ی مقدّسه

چگونه ممکن است اهل بیت(علیهم السلام) با این خصوصیات موجود در زیارت ناحیه از خیام حرم (در حالی که موهای خود را پریشان کرده بودند و...)، خارج شده و به طرف مقتل حرکت کرده باشند؟

بسمه تعالی؛ اول اینکه، «خرجن» که در زیارت ناحیه آمده، مستلزم آن نیست که عیالات اهل بیت(علیهم السلام) مخالفت تکلیف شرعی را عمداً مرتکب شده باشند.

دوم اینکه، اهل بیت(علیهم السلام) به خاطر شدت مصیبت و دیدن سر بریده یامام حسین(علیه السلام) در زیر حجاب، موهای خود را پریشان کردند و بر سر و صورت زدند و در همان حال به سوی قتلگاه حرکت کردند.

سوم اینکه، اگر خروج اهل بیت(علیهم السلام) از خیام با آن حالت گیسوان پریشان کرده، در حالی که حجاب نداشته بودند واقع می‌شد، دشمنان آن را ماده‌ی تاریخ می‌کردند و این واقعه را نقل کرده و بهانه قرار می‌دادند و می‌گفتند: ببینید خاندان اهل بیت(علیهم السلام) این گونه عمل کردند، بلکه آنان در حالی که زیر حجاب، موها را پریشان کرده بودند خارج شدند.

چهارم اینکه، این گونه تعبیر در این زیارت مقدّسه، حاکی از عظمت ظلمی است که در حق اهل بیت(علیهم السلام) انجام شد و حاصل ما وقع، در زیارت ناحیه‌ی مقدّسه نقل شده است.

پنجم اینکه، خروج زنان در اطراف خیام، هنگامی واقع شد که اسب بی صاحب سیدالشهداء(علیه السلام) کنار خیام آمد و با دیدن اسب خونی، عیالات حضرت(علیه السلام) در خیام و اطراف آن شروع به شیون کردند که این پریشانی و زدن به صورت در اطراف خیام صورت گرفت و این عمل از دید دیگران پنهان بود؛ زیرا سیدالشهداء(علیه السلام)، خیام حرم را طوری قرار داده بود که حرم اهل بیت(علیهم السلام) در معرض دید نباشد.

ششم اینکه، در مقتل، بدین نحو نقل شده است: هنگامی که خواهران و دختران اهل بیت(علیهم السلام) اسب بی صاحب امام(علیه السلام) را دیدند، فریاد، شیون و زاری برآوردند و ام کلثوم دست بر سر نهاد، فریاد زد: و امحمّده واجدّه و... و فریاد زد، این حسین است که بر زمین افتاده، سرش از قفا بریده شده و عمامه و ردایش به یغما رفته است... و همچنین آمده است: دختران رسول(صلی الله علیه وآله) از حریم خیمه‌ها بیرون آمدند و گریستند و در فراق حامیان و عزیزان خود شیون کردند، آن گاه است: «**خرجن من الخدور ناشرات الشعور علی الخدود لاطمات و...**»^{۱۱۹} که نشر شعر (در حالی که در زیر حجاب انجام داده بودند) کردند و بر سر و صورت می‌زدند و به اطراف قتلگاه حرکت کردند.

احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و علوم آل محمد (صلی الله علیه وآله)

میرزای تبریزی (قدس سره) و احترام فراوان به کتب روایی و فقهی

فقیه سعید، میرزای تبریزی (قدس سره) در جابه جایی کتاب ها و کتابی را که زیر دستی خود قرار می دادند، بسیار دقت می کردند و گاهی می شد که برای برداشتن کتاب جهت زیر دستی، چندین کتاب را بر می داشتند و دوباره بر زمین می گذاشتند تا یکی از آن ها را انتخاب کنند. به کتب روایی و فقهی احترام بسیار خاصی می گذاشتند و آن ها را با احترام ویژه ای جابه جا می کردند. ایشان همیشه می گفتند: «این ها احادیث شریف اهل بیت (علیهم السلام) و علوم و معارف اهل بیت (علیهم السلام) هستند، در حمل و جابه جایی آن دقت شود».

هیچ گاه مشاهده نشد که مرحوم میرزا (قدس سره) کتابی را بدون رساندن به سطح زمین، آن را بر روی زمین بگذارد. آن قدر خم می شدند تا کتاب بر روی زمین یا روی میز قرار گیرد و این حرکت میرزا (قدس سره) درسی بود برای اشخاصی که به محضر ایشان می رسیدند. فرزند ایشان می گوید: من هیچ گاه ندیدم مرحوم والد (قدس سره) پای خود را در هنگام مطالعه دراز کند و همیشه چهارزانو می نشستند. در حالی که کتب دور و برشان را احاطه کرده بود، مشغول مطالعه می شدند.

در هنگام درس، خودشان کتب روایی و فقهی را حمل می کردند و می فرمودند: «حمل این کتب امان دست هایم از آتش جهنم است؛ زیرا این ها همه معارف اهل بیت (علیهم السلام) و فقه آل محمد (صلی الله علیه وآله) هستند.»

توسّل به امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب(علیه السلام)

میرزای تبریزی(قدس سره) و رکن یمانی

حجّت الاسلام والمسلمین شیخ رضا انصاری می گوید: خدمت فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) بودیم، بنا به مناسبتی ذکری از فضای داخل مسجد الحرام به میان آمد، ایشان(رحمه الله) فرمودند: مسجد الحرام جای بسیار با معنویتی است. انسان در آن مکان شریف احساس خوبی دارد. آن گاه قطرات اشک از چشمان مبارکشان سرازیر شد و فرمودند: این خانه‌ی با عظمت، مقام های مهمی را داراست؛ لکن آنچه قابل توجّه است و دعا در آن برگشت ندارد، رکن یمانیست، رکن یمانی یکی از باب های بهشت است و معصومین(علیهم السلام) از این درب وارد بهشت می شوند، محلی که به احترام مولانا امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب(علیه السلام) شکاف خورد و فاطمه بنت اسد(علیها السلام) برای وضع حمل از آن مکان داخل کعبه شد تا نور الهی را به دنیا آورد.

در اینکه حضرت امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب(علیه السلام) ولید کعبه است، بین شیعه و سنّی هیچ گونه اختلاف نظری وجود ندارد، چرا که حاکم نیشابوری در مستدرک، ج ۳، ص ۴۸۳ می گوید: «وقد تواترت الأخبار أن فاطمة بنت اسد ولدت أمير المؤمنين علي بن أبي طالب كرم الله وجهه في

جوف الكعبة» برای تأکید کلام حاکم در این

مجال به مصادر بعضی از کتب فریقین اشاره می کنیم:

مصادر كتب اعلام اهل سنّت:

- ۱- مروج الذهب، ابی الحسن مسعودی هذلی، ج ۲، ص ۲
- ۲- تذکرة الخواص، سبط ابن جوزی حنفی، ص ۷
- ۳- الفصول المهمة، ابن صباغ مالکی، ص ۱۴
- ۴- السیرة النبویة، نور الدین علی حلبی شافعی، ج ۱، ص ۱۵۰
- ۵- شرح الشفاء، شیخ علی قاری حنفی، ج ۱، ص ۱۵۱
- ۶- مطالب السؤل، ابی سالم محمد بن طلحه شافعی، ص ۱۱
- ۷- نور الابصار، سید محمد مؤمن شبلنجی، ص ۷۶

مصادر كتب اعلام شیعه:

- ۱- الارشاد، شیخ مفید، م ۴۱۳، ص ۳
- ۲- خصائص الائمة، سیّد رضی، م ۴۰۶، ج ۴، ص ۱۸۱
- ۳- شرح قصیده‌ی بانیه حمیری، سید مرتضی، م ۴۳۶، ص ۵۱
- ۴- کنز الفوائد، شیخ ابوالفتح کراجکی، م ۴۴۹، ص ۱۵۱
- ۵- الامالی، شیخ طوسی، م ۴۶۰، ص ۸۰

۶- اعلام الوری، شیخ طبرسی، م ۵۴۸، ص ۹۳

۷- المناقب، ابن شهر آشوب، م ۵۸۸، ج ۱، ص ۳۵۹

در این که این فضیلت صرفاً مختص به مولای متقیان است، در نزد شیعه يك امر مسلم است؛ چرا که بزرگانی از علماء شیعه بر این مطلب تصریح دارند از جمله:

۱- شیخ مفید، در کتاب ارشاد، ص ۳ می گوید: «لم یولد قبله ولا بعده مولود فی بیت الله سواه، اکراماً من الله جل و جلاله».

۲- سید مرتضی در کتاب شرح قصیده بانیه حمیری، ص ۵۱ می گوید: «لا نظیر له فی هذه الفضیلة».

۳- مرحوم طبرسی در کتاب اعلام الوری، ص ۹۳ می گوید: «لم یولد قط فی بیت الله تعالی مولود سواه لا قبله ولا بعده».

۴- علامه مجلسی در کتاب بحار، ج ۳۵، ص ۱۷ می گوید: «ولم یولد قبله ولا بعده مولود فی بیت الله سواه».

۵- اربلی در کتاب کشف الغمه، ص ۱۹.

۶- علامه حلی در کتاب کشف الیقین، ص ۵ می گوید: «ونصّ علی أنّه لم یولد أحد سواه فیها لا قبله ولا بعده».

اگرچه عده ای از مغرضین عامه برای کم رنگ جلوه دادن این کرامت الهی برای سید الاوصیاء دست به وضع و جعل حدیث زده و گفته اند: حضرت علی(علیه السلام) تنها ولید کعبه نیست، زیرا حکیم بن حزام نیز در کعبه متولد شده! حاکم در مستدرک، ج ۳، ص ۴۸۲ می گوید: «قال ابن المنذر: حکیم بن حزام بن خویلد بن أسد یکنی أبا خالد مات سنة أربع و خمسين وهو ابن مائة و عشرين سنة، ولد قبل الفیل بثلاث عشرة سنة ومات بالمدينة، و... ولد حکیم بن حزام فی جوف الكعبة دخلت امه الكعبة فمخضت فیها فولدت فی البيت و... ولم یولد قبله ولا بعده فی الكعبة احد». در این قسمت از روایت که حکیم را تنها مولود کعبه فرض کرده، حاکم می گوید: قبول این کلام سخت است چرا که میلاد امیرالمؤمنین(علیه السلام) در کعبه به حدّ تواتر است، ثانیاً حاکم در انتهای حدیث می گوید: «هذا حدیث صحیح الاسناد ولم یخرجاه» اگر این حدیث صحیح می بود، پس چرا بخاری و مسلم در صحاح خود ذکر نکرده اند.

ثالثاً: با غمض عین از تواتر کلام علماء شیعه در انحصار ولادت امیرمؤمنان در کعبه و اغماض از اشکالاتی که خود حاکم در روایت مذکور مطرح کرده است، قرآن کریم در این باره تلویحات و تلمیحاتی دارد.

۱- خداوند متعال در سوره‌ی حج آیه‌ی ۲۴ می‌فرماید: (وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً وَطَهَّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) بنا به تصریح این آیه شریفه، بیت الله الحرام باید از هرگونه رجس و پلیدی منزّه باشد، و از آن جا که کفار جزء نجاست عشر می‌باشند، چگونه می‌توان تصور کرد که خداوند راضی به تولد مشرکی در خانه‌ی ای باشد که به فرموده‌ی امام صادق نظر به آن عبادت محسوب می‌شود. (ان النظر اليها عبادة. کافی، ج ۴، ص ۲۳۹)

۲- بر فرض قبول کنیم که حکیم بن حزام هم در جوف کعبه متولد شده باشد، اما اشکال دیگری که مطرح است و آن آیه شریفه ۲۲ سوره‌ی مریم است که می‌فرماید: «فحملته فانتبذت به مكانا قصياً» آن زمان که لحظه وضع حمل فرا رسید، خداوند به مریم فرمود: از بیت المقدس خارج شو! بنابر مفاد بعضی از اخبار مأثوره حضرت مریم به کربلا و مقتل ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) آمده و آن جا وضع حمل نمودند. «عن ابا حمزة الثمالي عن علي بن الحسين (عليه السلام) في قوله: فحملته فانتبذت به مكانا قصياً. قال: خرجت من دمشق حتى اتت كربلا فوضعت في موضع قبر الحسين (عليه السلام) ثم رجعت من ليبتها».^{۱۲۰}

با در نظر گرفتن مقام و منزلت حضرت عیسی که جزء انبیاء اولوالعزم و صاحب شریعت و کتاب و معجزات و... می‌باشد چگونه خداوند سبحان راضی نشد که محل وضع او بیت المقدس باشد، اما راضی باشد که شخص مشرک از والدینی مشرک در کعبه که اشرف بقاع است، متولد گردد. خلاصه‌ی کلام: گفتار آن عده از وضاعین حدیث و متابیین آن‌ها در اینکه حکیم بن حزام هم مولود کعبه باشد مخالفت صریح با کتاب و سنت دارد و در نتیجه شرف تولد در خانه خدا منحصرأ متعلق به امیرالمؤمنین، حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) می‌باشد.

این مکان به برکت مولانا امیرالمؤمنین (علیه السلام) محل استجابت دعای شیعیان مخلص درگاه ولایت است، مجرب می‌باشد و در این مکان دعا رد نمی‌شود. آنگاه فرمودند: هرکس برای برآورده شدن حاجت خود در مقابل رکن (اگر هم می‌تواند دست خود را بر رکن بگذارد) ۱۰۰ مرتبه «سوره حمد» را قرائت کند، حاجتش برآورده خواهد شد و این کار مجرب است. آن گاه مرحوم میرزا (قدس سره) فرمود: من چندین حاجت داشتم که در کنار رکن یمانی آن‌ها را از خدا طلب کردم و به لطف و عنایت خداوند حاجت هایم برآورده شد. آن گاه میرزای تبریزی (قدس سره) شروع به اشک ریختن کردند و فرمودند: خوش به حال آنان که توفیق یافتند در آن مکان مقدّس با پروردگار خود راز و نیاز کنند. مکانی که به برکت امیرالمؤمنین (علیه السلام) (علی بن ابیطالب (علیه السلام)) محل قضای حاجات شیعیان است. دست خود را بر رکن یمانی گذارید و هر آنچه می‌خواهید، از خدا بخواهید؛ حتماً به شما اعطاء خواهد شد؛ انشاءالله تعالی و در آن مکان مرا فراموش نکنید که احتیاج به دعای شما دارم.

فضیلت حدیث کساء

مرحوم میرزا (قدس سره) و عقیده به حدیث کساء

روزی یکی از شاگردان فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) خبر داد که بعضی افراد در خصوص «حدیث کساء» به نحو موجود در «مفاتیح الجنان» ایجاد اشکال کرده و مفاتیحی ارائه نموده اند که بدون حدیث کساء می باشد. فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) سخت ناراحت شده و فرمودند: حدیث کسای مشهور و معروف بین علماء و مؤمنین، همین حدیث کسای موجود در «مفاتیح الجنان» است و بسیار مجرب می باشد. حدیث کساء، توسّل به مقام شامخ ائمه است و مضامین آن بسیار عالی می باشد و بسیاری از افراد جهت حل مشکل، آن را تجربه کرده و نتیجه گرفته اند. اصولاً توسّل به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله)، صدیقه‌ی طاهره (علیها السلام) و ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) و واسطه‌ی قرار دادن آن‌ها در پیشگاه خداوند متعال برای برآورده شدن حاجات از مسلمات و مرتکبات در اذهان عموم مؤمنین، علماء و اصحاب ائمه (علیهم السلام) بوده و جای هیچ شک و شبهه‌ای در آن نیست و اگر در موردی مانند این موارد که از مسلمات بین مؤمنین است، روایات چندانی در جهت تقویت وجود ندارد و علت عدم ورود احادیث از ائمه معصومین (علیهم السلام) در مورد صحه گذاشتن بر آن قضیه، چیزی نیست جز، رسوخ آن در اذهان مردم؛ این خود دلیل کافی و شافی در صحت ادعیه‌ی مذکور است و شهرت این اوراد مقتضی عدم نیاز مبرم به سند است. اصحاب ائمه (علیهم السلام) عمده‌ی اهتمامشان بر این بود که در فروع، جهات مختلف را مورد سؤال قرار داده و روایات آن را ضبط و نقل نمایند و در اصول و مسایل اعتقادی و آنچه که به مقام و منزلت معصومین (علیهم السلام) مربوط می شود، به جهت وضوح و مسلم بودن به سؤال و نقل معدود اکتفا می کردند. مسئله‌ی توسّل به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) امری نیست که کسی بتواند در آن تشکیک نماید، هر چند بعضی‌ها که نمی دانند یا نمی خواهند بدانند، از جهاتی در صدد ایجاد شبهه در اذهان مردم؛ به خصوص ضعفای مؤمنین هستند، اما تلاش اینان بی ثمر بوده و به نتیجه‌ای نخواهد رسید. مگر نه اینکه خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است: (وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)^{۱۲۱}؛ یعنی برای رسیدن به خداوند و تقرّب به درگاه او وسیله بجوئید. چه وسیله و واسطه‌ای مهم تر و اساسی تر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) می باشد! توسّل به آن ذوات مقدّسه، نه تنها در میان مؤمنین این امت و علماء و اصحاب ائمه (علیهم السلام) امری رایج بوده، بلکه در میان امت‌های انبیاء سابق هم مورد توجه بوده است؛ چنانچه از روایاتی که در توبه‌ی حضرت آدم در ذیل آیه‌ی شریفه:

(فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ) ۱۲۲ وارد شده و غیر از این مورد، از روایات متعدّد در مورد انبیاء به دست می آید که آنان با توسل والتجا به چهارده نور مقدّس و شفیع قرار دادن آن ها در پیشگاه خداوند متعال به جهت عظمت و مقامی که برای آن حضرات در نتیجه‌ی عبودیت و نهایت تذلل و بندگی شان در درگاه خداوند ثابت است، طلب مغفرت و رحمت می نمودند. خواندن دعای توسل یا حدیث کساء و امثال آن از مصادیق: (ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ) ۱۲۳ و موجب نجات و خلاصی از ناگواری ها و دشواری ها و ایجاد زمینه‌ی برخورداری از برکات و مواهب می باشد. همان طور که شفاعت آن ها در آخرت موجب نجات و رهایی از عذاب آخرت است و مؤمنین به شفاعت آن بزرگواران امید دارند و خداوند متعال هم شفاعت آن ها را می پذیرد، بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی: (لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ) ۱۲۴ اگر بنا باشد که خداوند متعال به شفاعت کسی در روز قیامت اذن بدهد، در مرتبه‌ی اول پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و اهل بیت طاهرینش (علیهم السلام)

می باشند و رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) و ائمه(علیهم السلام) قدر متیقن از مؤذنین در شفاعت می باشند، همان طور که قبول ولایت آن بزرگواران، تأسی به آن ها در مقام عمل، تنها راه رسیدن به سعادت و رستگاری می باشد و هدایت تنها در این راه است که: (أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا نَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ) ۱۲۵.

یکی از مصادیق (وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ) ۱۲۶ دعاست که حدیث کساء را شامل می شود. این حدیث شریف را بخوانید که نتایج آن را بزرگان از مؤمنین دیده اند و ان شاء الله به عنایت امام زمان(علیه السلام) مشکلات حل می شود. نگران نباشید. از خدا بخواهید که لذت عبادت را به شما عنایت نماید و بعد از چشیدن حلاوت عبادت، معنویتی در خود احساس می کنید که لذت آن از هر چیزی بالاتر خواهد بود.

۱۲۲- سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۷ .

۱۲۳- سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۵ .

۱۲۴- سوره‌ی سباء، آیه‌ی ۲۳ .

۱۲۵- سوره‌ی یونس، آیه‌ی ۳۵ .

۱۲۶- سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۵ .

حفظ مقام و کرامت اهل بیت(علیهم السلام) از اهم واجبات

میرزای تبریزی(قدس سره) و حریم اهل بیت(علیهم السلام)

متأسفانه خبر رسید که در یکی از دانشگاه های کشور در روز شهادت امام سجاد(علیه السلام) سخنرانی ای به پا شده که همراه با کف و سوت بود. روز بعد، این خبر به فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) رسید که جلسه ای در فلان دانشگاه تشکیل شده و فلان شخص سخنرانی کرده و متأسفانه جلسه بدون توجّه به شهادت حضرت امام سجاد(علیه السلام)، همراه با سوت و کف بوده است. مرحوم میرزا(قدس سره) با شنیدن این خبر بسیار ناراحت شده و درس خود را تعطیل کردند و تنفّر خود را از برگزار کننده و شرکت کننده و سخنران ابراز کردند و... و به تبع اقدام مرحوم میرزا(قدس سره)، دیگر دروس حوزه نیز تعطیل شد و بعد از گذشت چند روز، یکی از مسئولین به حضور مرحوم میرزا(قدس سره) رسید و گفت: «آقا! با این اقدامتان روی ما را سفید کردید. واقعاً اقدام شما ما را سرفراز کرد. خدا به شما جزای خیر عطا فرماید.» مرحوم میرزا(قدس سره) فرمود: من به خاطر خدا و برای ابراز ارادت به خاندان اهل بیت(علیهم السلام) و تذکر به آن هایی که توجّه ندارند و حرمت اهل بیت(علیهم السلام) را حفظ نمی کنند، اقدام کردم و اجرش را ان شاء الله آن بزرگواران خواهند داد. انسان موظف است که در صورت مشاهده ی هر عمل خلاف شرعی اقدام کند و وظیفه ی شرعی خود را انجام دهد و مسایل خلاف شرع را به مردم ابلاغ کند تا خدای ناکرده فکر نکنند در مسایل، به خصوص مسایلی که بازگشت آن متوجّه دین است، مسامحه وجود دارد. این گونه مسائل از هر کس صادر شد باید تذکر داد و حقیقت را برای عوام از مردم روشن نمود و حفظ مقام و کرامت اهل بیت(علیهم السلام) از اهم واجبات است و هرکس سهل انگاری کند، مسئول است و فردای قیامت باید جوابگو باشد.

آیا کسی از امام زمان (علیه السلام) سؤال کرده که

از این طلاب راضی است؟

میرزای تبریزی (قدس سره) و عشق به ولی عصر (علیه السلام)

فرزند مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره)، این مرد ولایی می گوید: يك روز با مرحوم میرزا (قدس سره) نشستیم بودیم که در مورد تصرفات بعضی طلاب صحبت به میان آمد. فقیه مقدّس (قدس سره) می فرمود: چرا بعضی طلاب طوری عمل می کنند که از شأن طلبگی خارج است و قلب امام زمان (علیه السلام) را به درد می آورند. آن گاه از خاطرات نجف اشرف نقل کردند که: چگونه طلاب با عشق و علاقه فقط جهت خدمت رسانی به دین و ملت، درس می خواندند و با خلوص تمام در مقابل تمام مشکلات آن زمان ایستادگی می کردند و علاوه بر اهمیت دادن به درس، برای تهذیب نفس، عاقبت به خیری و کسب رضایت امام زمان (علیه السلام) تلاش می کردند. فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: از آقا سؤال کردم: «آقا! به نظر شما آقا امام زمان (علیه السلام) از این طلاب رضایت دارد؟ آیا کسی از آن وجود نازنین در عالم خواب یا مکاشفه سؤال کرده است و واقعاً نظر ایشان در مورد طلاب فعلی چیست؟» مرحوم میرزا (قدس سره) کمی به فکر فرو رفتند و فرمودند: «فرزندم! امام زمان (علیه السلام) رؤوف است و در همه‌ی لحظات به یاد سربازانش است. در این مورد از امام زمان (علیه السلام) سؤال شده است». آن گاه اشک در چشمان مرحوم میرزا (قدس سره) حلقه زد و دست خود را بر سینه زدند، آهی کشیدند و اشک بر گونه‌ی مبارکشان جاری شد و فرمودند: هنگامی که از مولا و مقتدای ما آقا امام زمان (علیه السلام) سؤال شد: آیا از این طلاب راضی هستید؟ ایشان فرمودند: «اگر راضی نشوم، چه کنم.»

مرحوم میرزا (قدس سره) با بیان این جمله شروع به گریه کردند و چهره‌ی مبارکشان قرمز شد، از مرحوم میرزا (قدس سره) سؤال کردم: «این جمله‌ی مبارک امام (علیه السلام) که فرمود اگر راضی نشوم چه کنم، یعنی چه؟» ایشان فرمودند: «فرزندم! آن طلبه‌ای که مشکل دارد و بعضی کارهایش حساب شده نیست، وقتی که به جایی برای تبلیغ می رود و مردم را راهنمایی می کند و در جهت نشر معارف تلاش می نماید، هرچند بعضی تصرفات را دارد، اما همان تبلیغ جزئی هم مدّ نظر امام زمان (علیه السلام) می باشد و از این رو می فرماید: «اگر راضی نشوم، چه کنم.» و آن گاه مرحوم میرزا (قدس سره) شروع به زمزمه با امام عصر (قدس سره) کردند. مرحوم میرزا (قدس سره) نمونه‌ی بارزی از عاشقان امام عصر (علیه السلام) بود و با تمام وجود عرض ادب می کرد، آن مرحوم امام زمان (علیه السلام) را همیشه مورد خطاب قرار می داد و از او مدد می جست.

توسل به اهل بیت(علیهم السلام)

میرزای تبریزی(قدس سره) و توسل در دوران تحصیل در نجف

یکی از مواردی که در نجف اشرف در مورد فقیه مقدّس، مرحوم میرزای تبریزی(قدس سره) محسوس بود و تمام فضلاء نجف آن را به کرات مشاهده کردند و به آن شهادت می دهند، توسل آن مرحوم(قدس سره) به امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب(علیه السلام) و زیارت کربلا در شب جمعه بود. ایشان هر روز به حرم مطهر امیرالمؤمنین(علیه السلام) مشرف می شدند و با اخلاص و تواضع در کنار ضریح می ایستادند و با اشکی که در چشمشان حلقه می زد، آن امام همام(علیه السلام) را زیارت می کردند و بارها مشاهده شد که قبل یا بعد از درس، جهت موفقیت و مددجویی به کنار ضریح مبارک امام(علیه السلام) می رفت و با کمال خشوع و خضوع ادعیه وارده را زمزمه می کرد و در هنگام زیارت، واقعاً از خود بی خود می شد و با تمام خلوص با آن امام(علیه السلام) گفتگو می کرد.

ایشان بارها به طلاب، به خصوص طلاب جوان می فرمودند: از توسل به ائمه(علیهم السلام) غافل نباشید. اگر حضرات معصومین(علیهم السلام) اراده کنند به اذن خداوند متعال همه مشکلات و معضلات حل می شود، به آن بزرگواران توسل کنید و از آنان بخواهید که شما را در کارهای خیر، تحصیل علم و دانش کمک نماید که اگر معصومین(علیهم السلام) شما را یاری کردند موفقیتان حتمی است، موفقیت در گرو توسل و تهجد است، چنانکه این عمل از اعمال شاخصه میرزای تبریزی(قدس سره) بود که حتی در دوران جوانی نیمه شب وضو می ساخت و با تمام تواضع و فروتنی راز و نیاز می کرد. در ابتدای جوانی، که معمولاً جوانان در آن سنین به استراحت می پردازند، میرزا(قدس سره) خواب شیرین را رها می کرد و با پروردگار خود حلقه وصل ایجاد می کرد و در مقابل پروردگار متعال زانو می زد.

این از باب ادای وظیفه و امر به معروف بود

مرحوم میرزا(قدس سره) و ادای وظیفه در قبال مذهب

حجت الاسلام والمسلمین، شیخ علی دهنین می گوید: من خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) بودم که به ایشان خبر دادند یکی از علمای بزرگ یمن که زیدی مذهب است می خواهد خدمتتان برسد، مرحوم میرزا(قدس سره) فرمود: مانعی ندارد. بعد از ورود آن شخص و احوال پرسی، کنار مرحوم میرزا(قدس سره) نشست و بعد از گذشت چند لحظه مرحوم میرزا(قدس سره) پرسید: تو حدیث اثنی عشر را می دانی یا خوانده ای؟ عالم زیدی گفت: خیر آقا! مرحوم میرزا(قدس سره) با آن لبخند ملیحانه تمام حدیث را خوانده، معنا کردند و گفتند: «زید از این ها که نام بردم نیست، زید، بنده ای از بندگان خدا بوده مانند سایر مردم، و منزلت و مرتبه اش به آن ائمه ای اثنی عشر(علیهم السلام) که از سوی خدا منصوب شده اند، نمی رسد.

آیا سزاوار است، آن که از سوی خدا به واسطه ی معصوم قبلی(علیه السلام) تعیین شده را رها کرده و به يك بنده ی صالح خدا تمسك کرد؟ شما با چه منطقی، امام معصوم(علیه السلام) را رها کرده و به زید تمسك می کنید؟ به نظر شما، که عالم دین هستی وقت آن نرسیده که بیشتر تعمق کرده و کمی به قبل برگردید و ببینید امامانی که قبل از زید به آن ها عقیده داشتید چه گفته اند و وقایع پیش آمده نهایتش به کجا انجامید؟»

شیخ علی دهنین می گوید: این عالم زیدی با تمام وجود به حرف های میرزا(قدس سره) گوش فرا داده و سر تکان می داد و نشان می داد که سخت تحت تأثیر قرار گرفته است و بعد از آنکه عالم زیدی از مجلس میرزای تبریزی(قدس سره) خارج شد، میرزا(قدس سره) به من گفت: «این حرف هایی را که زدم نه به عنوان آن بود که در موقعیت مرجعیت قرار دارم، بلکه این يك تکلیف است، من به تکلیف عمل کردم. از باب امر به معروف، تکلیف من این بود که با این شخص مجامله نکنم و حقیقت را بیان نمایم تا بلکه به واسطه ی عنایت ولی عصر(علیه السلام) ضمن عمل به تکلیف شرعی، تأثیری در او بگذارد؛ زیرا او عالم زیدی هاست و حرفش نفوذ دارد.»

شیخ علی دهنین می گوید: من بلافاصله از میرزا(قدس سره) خداحافظی کردم و به سوی عالم زیدی حرکت کردم، به او که رسیدم، دیدم عالم زیدی سخت تحت تأثیر قرار گرفته است، آن عالم به من گفت: این عالم خیلی بر من تأثیر گذاشت، من با عده ی زیادی مجالست کرده ام، اما ندیدم کسی این گونه صحبت کند؛ حرف هایش منطقی و دلنشین بود.

لفظ امام مختص به امام معصوم (علیه السلام) است

مرحوم میرزا (قدس سره) و احترام به القاب ائمه (علیهم السلام)

فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) قبل از رحلت، بسیاری از اموری که مربوط به بعد از رحلتشان بود، خود سر و سامان داده به طوری که بسیاری از موارد بعد از رحلت آن عالم ربانی منظم شده بود و از آنجا که این فقیه مقدّس (قدس سره) خود می دانستند که آخرین روزهای عمر شریفشان را می گذرانند، سعی می کردند در هر فرصت ممکن، کاری که مربوط به بعد از ارتحالشان می باشد، منقح نمایند. به فرزندان خود گفته بودند: اگر می خواهید مورد عنایت اهل بیت (علیهم السلام) در آخرت باشید، کاری را که من راضی نیستم، انجام ندهید؛ از جمله من راضی نیستم کلمه‌ی امام را قبل از نامم، بر روی کتاب هایم بنویسید. کلمه‌ی امام، برای ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) وضع شده و اذعان با استماع این کلمه، به یکی از امامان معصوم (علیهم السلام) تبادر می یابد؛ از این رو من راضی نیستم نامم با کلمه‌ی امام شروع شود، من خادم اهل بیت (علیهم السلام) بوده و شب و روز تلاش کردم تا رضایت آن ها را جلب کنم. مرحوم میرزا (قدس سره) در زمان حیاتشان به عناوین اصلاً اهمیت نمی دادند و راضی نبودند کسی نام ایشان را با القاب، در محضرشان به کار ببرد حتی بارها شده بود که وقتی منبری نام ایشان را می برد، اعتراض می کردند و حتی گاهی دستان خود را به نشانه‌ی ناراحتی بالا می آوردند؛ مرحوم میرزا (قدس سره) فقط می خواست به دین خدمت کند و به مسایل حاشیه اصلاً اعتنا نمی کرد و تلاش می کرد که یادگاری از خود بر جای بگذارد که موفق شدند ضمن تربیت طلاب فاضل، متدین و مفید آثار بسیار گران بها از خود بر جای بگذارد که حوزه امروزه بدان افتخار می کند.

سلام مرا به عبد صالح خدا برسان

اعتقاد مرحوم میرزا(قدس سره) به ابولؤلؤ

فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید: عده ای از دوستان از خارج کشور آمده بودند و مشتاق بودند قبر ابولؤلؤ را در کاشان زیارت کنند و بسیار بر این مسئله تأکید می کردند، فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید: قراری گذاشتیم که بعد از ظهر به طرف کاشان حرکت کنیم. خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) رسیدیم. ایشان در حالی که از بیماری رنج می بردند، خدمتشان عرض کردم: آقا می خواهم به زیارت قبر ابولؤلؤ در کاشان بروم. ایشان تا این اسم را شنیدند، صورتشان پر از شور شد، گفتند: برو فرزندانم و سلام مرا به آن عبد صالح خدا برسان. خداوند از شما قبول کند ما را از دعا فراموش نکنید. سخنان را مرحوم میرزا(قدس سره) با صدای لرزان، در حالی که اشک چشمان مبارکشان را فرا گرفته بود، فرمودند: بروید و سلام مرا به آن عبد صالح خدا برسانید، بعدها مرتب از مرحوم میرزا(قدس سره) سؤال می شد: آقا شما معتقد هستید که قبر ابولؤلؤ در کاشان است، ایشان می فرمودند: شما می دانید که در رابطه با ثبوت موضوعات خارجی حدودی وجود دارد، و در همه و یا بیشتر آن ها باید بینه اقامه می گردد، ولی در پاره ای از امور، مجرد شهرت کافی است، و نیازی به اقامه بینه و یا چیز دیگری ندارد، و صرف شهرت کافی می باشد، مثل آنکه کسی زمینی را بخرد و پس از آن به وی گفته شود که این زمین وقف بوده است. از امام(علیه السلام) از حکم این مسئله پرسیدند؟ حضرت در جواب فرمود: اگر بین مردم مشهور باشد که این زمین وقف است خرید آن جایز نیست و آن را باید پس دهد، از این قبیل است حدود منی و مشعر، (که با شهرت ثابت می شود) و همچنین مقابر، ممکن است کسی دویست سال پیش در جایی دفن شده باشد، و الان کسی نباشد که خود محل دفن وی را در این مکان دیده باشد، ولی در بین مردم مشهور باشد که در این مکان دفن شده است، این شهرت کافی است و روایات زیارت قبر مؤمن فراوان است، مراجعه کنید^{۱۲۷} و زیارت نمایید تا اجر ببرید که خداوند به شما توفیق دنیا و آخرت را بدهد.

۱۲۷- در باب فضیلت زیارت قبر مؤمن روایات زیادی از معصومین(علیهم السلام) وارد شده که من باب نمونه به آن اشاره می شود. قال الرضا(علیه السلام): «من زار قبر مؤمن فقراء عنده: انا انزلناه سبع مرات، غفر الله له، ولصاحب القبر: امام رضا(علیه السلام) فرمودند: هرکس قبر مؤمنی را زیارت کند و هفت مرتبه سوره قدر را بخواند خداوند متعال او صاحب قبر را مورد رحمت و مغفرت خویش قرار می دهد». (بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۶۹) امام جواد(علیه السلام) فرمود: «من زار قبر اخیه المؤمن فجلس عند قبره واستقبل القبلة ووضع یده علی القبر فقرأ «انا انزلناه فی لیلة القدر» سبع مرات أمن من الفزع الاکبر».

در روایتی دیگر محمد بن اسماعیل بن بزیع از امام صادق(علیه السلام) نقل کرده: هرکه قبر برادر مؤمنش را زیارت کند در حالی که دست بر قبر گذاشته و هفت مرتبه سوره قدر را بخواند، از فزع اکبر (هول و هراس روز قیامت) ایمن خواهد بود.

(وسائل، ج ۲، ص ۸۸۱، ح ۳۴۷۵)

زیارت ابولؤلؤ شجاع الدین

سفارش مرحوم میرزا(قدس سره) به زیارت ابولؤلؤ

فاضل محترم حجّت الاسلام جناب آقای شیخ زاده می گوید: در کتابی که در حالات و زندگی شجاع الدین ابولؤلؤ نوشته بود، خواندم که فرزند مرحوم میرزای تبریزی(قدس سره) نقل کردند: من با عده ای از دوستان قصد زیارت شجاع الدین ابولؤلؤ را در کاشان داشتیم. خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) رسیدم و به ایشان گفتم: بابا من می خواهم به زیارت ابولؤلؤ بروم. ایشان(قدس سره) فرمودند: برو فرزندم و از طرف من سلام به آن عبد صالح برسان. بعد از خواندن این مقطع از کتاب تحت تأثیر قرار گرفتم و در نظرم بود که شخصاً در این مورد از مرحوم میرزا(قدس سره) سؤال کنم. بعد از درس خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) رسیدم و گفتم: آیا حضرت عالی به فرزندتان فرمودید: برو ابولؤلؤ را در کاشان زیارت کن و سلام مرا به آن عبد صالح برسان؟

ایشان(قدس سره) تبسمی کرده و گفتند: آنچه فرزندم نقل کرده است درست است و این قبه و مکان با شهرتی که در بین مردم دارد، دلالت بر مدفن این شخص صالح می کند و همین شهرت کافی است در اثبات اینکه قبر ابولؤلؤ در شهر کاشان می باشد و روایات دال بر ثواب زیارت مؤمن زیاد است، به این زیارت مراجعه کنید، خداوند از همه قبول کند.

نهم ربیع الاول، عیدی مبارک

نظر مرحوم میرزا(قدس سره) در خصوص نهم ربیع و ابولؤلؤ

فاضل محترم، سید محمود غریفی می گوید: به دنبال آن بودم که در خصوص شجاع الدین ابولؤلؤ، در کتاب «صراط النجاة» و «انوار الالهية» جستجو کنم، در نهایت به يك استفتاء دست یافتم. آن را در يك برگه ثبت کردم. شب هنگام مرحوم میرزا(قدس سره) را در عالم خواب دیدم. خطاب به من فرمود: «سید محمود! نزد فرزندم برو. من نظر صریح و روشنی در خصوص نهم ربیع الاول دارم. آن را بگیر و برای محبین منعکس کن.» سید محمود می گوید: صبح نزد فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) رفتم و گفتم: «آقا در مورد ابولؤلؤ مطلب و نظر جدیدی دارند؟» فرزند میرزا گفت: ایشان در ایام بیماری هنگامی که فهمیدند فرزندشان قصد زیارت ابولؤلؤ در کاشان را دارند، گفتند: به آن عبد صالح سلام برسان [و این حرف میرزا(قدس سره) خود دال بر اعتقاد قوی و قلبی ایشان به آن وجود نازنین بود] و مورد دیگر اینکه آقا استفتائی دارند در مورد نهم ربیع الاول که آن استفتاء، در کتب استفتائی ایشان منتشر نشده است. همچنین ایشان معتقد بودند که این روز را باید گرامی داشت [به هر طریق ممکن] ولو اینکه به بهانه‌ی تتویج امام زمان(علیه السلام) باشد. سید محمود می گوید: این دو مطلب بسیار جذاب بود؛ مطلب اولی را یادداشت کرده و دومی که به صورت مکتوب بود را، از فرزند میرزا(قدس سره) دریافت کردم.

سازندگی انسان ها

میرزای تیریزی (قدس سره) و نقش ایشان در سازندگی

فاضل محترم حجت الاسلام سید احمد فاطمی می گوید:

يك روز بعد از نماز صبح هنوز آفتاب طلوع نكرده بود، جهت تهیه نان به نانوايي رفتم، شاطر جلو آمد و با احترام خاصی به من گفت: سید جان بفرما. تعجب کردم، در قم و این گونه برخورد برابم سؤال انگیز شد و به مرور زمان با این نانوا دوست شدم، يك روز به او گفتم: چه شده است خیلی به طلاب احترام می گذاری؟ نانوا گفت: يك آقا انسانیت را به من یاد داد، مرا راهنمایی کرد و تحوّل عظیم در زندگیم ایجاد کرد. گفتم: چطور مگر آن آقا کیست و چه کار کرده است؟

نانوا گفت: چند روزی مشاهده می کردم يك آخوند صبح ها به نانوايي می آید و بسیار نورانی و با تواضع در صف نانوايي می ایستاد و عجیب این آخوند در دلم جای گرفت، آن قدر این مرد دلنشین بود که می رفتم جلو می گفتم: آقا چند تا نان می خواهید؟ سر مبارك را بالا می آورد و ضمن لبخند ملیحانه ای می گفت: من صف می ایستم تا نوبتم برسد و به واسطه‌ی حرکات این مرد الهی کم کم به خود آمدم. بعد از نماز صبح به نانوايي می آمد و سفارش فقرا را می کرد، گاهی پول می داد و می گفت: از فقرا پول نگیر. کلام و حرکاتش انسان ساز بود. با مشاهده‌ی این مرد الهی از خودم خجالت می کشیدم و همیشه به خودم تذکر می دادم و می گفتم: برای آنکه خدا به تو توفیق دهد طلبه که برای خرید نان می آید به او احترام بگذار، به خصوص به سادات. فروتنی و منش این شیخ تحوّل عظیم در من ایجاد کرد. کم کم کلماتش در من اثر کرد، نماز خوان شدم، تمام کارهای سابق خود را کنار گذاشتم، او واقعاً معلم به تمام معنا بود.

من مانند سایر مردم هستم

مرحوم میرزا (قدس سره) و ساده زیستی

در زمان بمباران کشور عزیزمان ایران توسط صدام ملعون و هدف قرار گرفتن شهر علم و اجتهاد، قم مقدّسه، میرزای تبریزی (قدس سره) از قم خارج نشدند و در روزهای بمباران در شهر باقی ماندند. مسئولین شهر بعد از اطلاع یافتن از ماندن مرحوم میرزا (قدس سره) در قم و خارج نشدن از شهر، توسط یکی از مسئولین محترم کشور سنگر انفرادی ای برای بیت مرحوم میرزا (قدس سره) فرستادند تا ضمن قرار دادن آن در منزلشان، در مواقع ضروری از آن استفاده شود. مرحوم میرزا (قدس سره) فرمودند: «از مسئولین تشکر کنید و بگویید حال من مانند سایر مردم است. من نمی توانم قبول کنم! [در حالی که همه‌ی مردم جهت در امان ماندن از خطر سرپناهی ندارند] اگر این امکان برای همه‌ی مردم مهیا شد، ان شاءالله برای ما هم خیر می شود. فعلاً از قبول سنگر انفرادی معذوریم.» مرحوم میرزا (قدس سره) در این موارد بسیار حساس بودند و می گفتند: «اگر برای مردم امکانات حاصل شد، من هم قبول می کنم.» این خبر حاکی از روح بلند آن فقیه راحل است که همیشه می خواست مانند مردم عادی زندگی کند و تا آخرین لحظات عمر خود، مانند يك طلبه‌ی عادی زندگی کرد. اگر به زندگی شخصی او نظر می شد هیچ تفاوتی در دوران طلبگی و دوران پرفراز و نشیب مرجعیتش احساس نمی شد. ایشان با صرفه جویی و در کمال زهد زندگی می کرد و از تشریفات به دور بود و سعی می کرد مانند طلبه ای که از زندگی عادی برخوردار است، زندگی کند.

تواضع، فروتنی و قضای حوایج مردم

میرزای تبریزی (قدس سره) و قضاء حوایج

این واقعه را یکی از شاگردان مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) نقل می کند که از ابتدای واقعه تا انتهای ماجرا، حضور داشته و از نتایج مطلوب آن مطلع بوده است. ایشان می گوید: برای شخصی اختلاف خانوادگی پیش آمد و طبق گفته‌ی طرفین، خیلی ها واسطه شدند تا بتوانند مشکل را حل کنند، ولی مشکل حل نشد. میرزای تبریزی (قدس سره) از این اختلاف مطلع شدند.

یک روز ظهر که هوا بسیار گرم بود، ایشان از خانه خارج شدند. اهل خانه با تعجب سؤال کردند در این گرما کجا تشریف می برید؟ مرحوم میرزا (قدس سره) فرمودند: «جهت ادای وظیفه می روم!» فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) گفتند: «آقا! هوا گرم است، شما را می رسانم.» ایشان فرمود: «لازم نیست، من پیاده می روم.» کاملاً مشخص بود که مرحوم میرزا (قدس سره) می خواستند خود به تنهایی کار را انجام دهند تا کسی مطلع نشود؛ از این رو پای پیاده به طرف مقصد خود حرکت کردند. مرحوم میرزا (قدس سره) به درب خانه‌ی مورد نظر رسیده و بعد از در زدن، صاحب خانه در را باز می کند با دیدن میرزا (قدس سره) (در آن گرمای روز) سخت متحیر می شود. می گویند: «آقا! شما چرا این وقت روز زحمت کشیدید؛ امری باشد!»

مرحوم میرزا (قدس سره) ضمن لبخندی می گویند: «آمده ام زحمت دهم و خواهشی دارم، آمده ام که اگر مرا قابل بدانید جهت رفع مشکل موجود اقدامی نمایم؛ ان شاء الله مورد قبول شما باشد. در نهایت طرفین با مشاهده‌ی این بزرگواری و حرکت پدران‌هی مرحوم میرزا (قدس سره) به حل مسئله راضی می شوند و این مشکل به واسطه‌ی بزرگواری، تواضع و فروتنی مرحوم میرزا (قدس سره) حل می شود.^{۱۲۸}

این حرکت مرحوم میرزا (قدس سره) تأثیر عجیبی بر نفوس طرفین گذاشت به طوری که آنان می گفتند: ما هیچ گاه بزرگواری آقا را فراموش نمی کنیم. او پدري مهربان و دلسوز بود، خدا رحمتش کند. در آن گرمای ظهر پیاده و به صورتی آمده بودند که کسی از مطلب مطلع نشود و این سرّ باقی بماند؛ ایشان با آن لبخند ملیحانه مشکل لا ینحلی که سال ها خانواده ای را رنج می داد با يك حرکت حساب شده و معنوی حل کرده و با این کار رضایت و خشنودی خدا و خلق خدا را برای خود خریدار شدند، ایشان شخصیتی بی نظیر بود، یادش گرامی باد.

۱۲۸- اساس سیر و سلوک مرحوم میرزا (قدس سره) مبتنی بر آیات و روایات بود، در مورد قضاء حاجت مؤمن احادیث فراوانی از ائمه اطهار (علیهم السلام) بیان شده است، امام صادق (علیه السلام) فرمود: «قضاء حاجة المؤمن خیر من عتق الف رقبة وخیر من حملان الف فرس فی سبیل الله». (الکافی، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۳) و در حدیث دیگری حضرت فرمود: قضاء حاجت مؤمن در نزد خداوند سبحان ارزشمندتر از بیست حجی است که در هر حج صد هزار بار انفاق کند. (الکافی، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۴)

باید برای خدا حرکت کرد

اخلاص میرزای تبریزی (قدس سره)

فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) در هر حرکتی، فقط خدا را مدّ نظر داشتند و بارها می فرمودند: من قلم را که به دست می گیرم برای خدا می نویسم و امر را به خود خدای متعال وا می گذارم. من هیچ گاه قلم بر کاغذ نگذاشتم، مگر رضایت خدا مدّ نظر بود و از آن نمونه می توان به موضع گیری مرحوم میرزا (قدس سره) در جواب بعضی استفتائات اشاره کرد که هرچند ممکن بود ضرر دنیوی برایشان داشته باشد، لکن صریح جواب می دادند؛ برای خدا قلم را بر روی کاغذ به حرکت در می آوردند و آنچه را که رضایت ایزد منّان و اهل بیت (علیهم السلام) بود، مکتوب می کردند. در شورای استفتاء می فرمودند: من وظیفه دارم آنچه را که به واسطه‌ی کسب علم بدان رسیده‌ام، بیان کنم و ان شاء الله پروردگار و اهل بیت (علیهم السلام) عنایت خواهند کرد و من فقط طالب رضایت خداوند متعال و اهل بیت (علیهم السلام) هستم. ایشان وقتی بر کرسی درس یا در منزل مشغول مطالعه بودند و یا در شورای استفتاء به سر می بردند و یا در حال حلّ مشکل مردم بودند، اصلاً به اینکه چه خواهد شد، توجّهی نداشتند و فقط می فرمود: باید گام را برای خدا برداشت و کاری کرد که قلب امام زمان (علیه السلام) شاد باشد. ایشان به معنای واقعی تارك دنیا بودند و تا توان داشتند خالصانه کار می کردند و مصداق بارز مخلصین درگاه خداوند بودند.

کمال اخلاقی

میرزای تیریزی (قدس سره) و کمال اخلاق

فاضل محترم حجّت الاسلام هدایتی می گوید: با توجه به نسبتی که با مرحوم میرزا (قدس سره) پیدا کرده بودیم هر از چند گاهی سری به متعلقه می زدیم. بیت مرحوم میرزا (قدس سره) دو طبقه بود، زنگ طبقه‌ی محل سکنا‌ی متعلقه خود را به صدا درآوردم خبری نشد، سپس زنگ طبقه‌ی ای را که مرحوم میرزا (قدس سره) در آن زندگی می کرد به صدا در آوردم، صدای میرزا (قدس سره) به گوشم رسید که فرمودند: شما چه کسی هستید؟ به ایشان توضیح دادم که من فلانی هستم. فرمود: يك لحظه، ایشان اف اف را گذاشتند. بعد از چند لحظه، مشاهده کردم که مرحوم میرزا (قدس سره) از طبقه‌ی فوقانی که محل سکونت ایشان بود پایین آمد و درب را باز کرد و گفت: فرزندم تمام ساکنین بیرون تشریف برده اند و کسی نیست، بسیار از مرحوم میرزا (قدس سره) خجالت کشیدم که موجب شدم، ایشان مجبور شوند از طبقه‌ی دوم به درب خانه بیایند. بعد از خداحافظی يك لحظه به فکر فرو رفتم که چقدر مرحوم میرزا (قدس سره) با کمال و دقیق است، ایشان ممکن بود که با گوشی اف اف بگویند کسی خانه نیست و خداحافظی کنند، ولی آن قدر با اخلاق و متواضعانه^{۱۲۹} برخورد کردند که درسی بسیار مهم به من دادند. بله مردان خدا در افعال خود این گونه هستند که هر حرکتشان درسی است برای سایرین. خدا رحمتش کند که معلّمی به تمام معنا بود.

۱۲۹- تواضع و فروتنی از جمله صفات کمالیه‌ی ای است که موجب می شود شخص در اوج ابهت و عظمت، در مقابل حق و حقیقت کرنش نماید و در واقع با این تواضع خویش، مسببات صعود و ترقی را فراهم می آورد، زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «... من تواضع لله، رفعه الله، ومن تکبر علی الله خفضه الله و...» (دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۵). در روایتی دیگر پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: «طوبی لمن تواضع فی غیر منقصة... طوبی لمن ذل نفسه». (الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۳۶) و چه زیبا مناوی در فیض القدر، ج ۴، ص ۳۶۵ به شرح و بسط این روایت پرداخته است. مرحوم میرزا (قدس سره) با توجه به اینکه بر مسند مرجعیت تکیه زده بودند، ولی این مقام منبع، مانع از تواضع ایشان نشد.

استفاده از وسایل متعارف

استفاده‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) از وسایل متعارف

فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) با احتیاطی که داشتند، در استفاده از وسایل بسیار دقت می‌کردند، روش زندگی ایشان به نحوی بود که هر کس مشاهده می‌کرد، تحت تأثیر قرار می‌گرفت. وضعیت زندگیشان به نحوی بود که زمان مرجعیتشان با زمان قبل از آن فرقی نکرد و با همان حالت ساده زندگی می‌کردند.

فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می‌گوید: «ما یحتاج آقا معمولاً به عنوان سوغات و هدایا تأمین می‌شد و یا توسط سفری که من داشتم یا افرادی که از خارج به دیدار ایشان می‌آمدند، تأمین می‌گردید. زندگی ایشان به گونه‌ای بود که حتی برای درس (قبل از عارض شدن بیماری) مانند سایر طلاب، از خانه تا مسجد اعظم پیاده حرکت می‌کردند و حاضر نمی‌شدند کسی پشت سر ایشان راه برود تا خدای ناکرده احساس شود، ایشان برای خود حاشیه درست کرده است. تمام زحمات را متحمّل می‌شد تا طلاب با دیدن ایشان دلگرم باشند و احساس کنند پدري دارند که همانند آن‌ها زندگی می‌کند، (اما اواخر عمر به دلیل بیماری، ایشان مجبور شدند با ماشین به درس تشریف ببرند؛ زیرا به سرعت سرما می‌خوردند و سرما خوردن برایشان بسیار خطرناک بود) و حتی حاضر نبودند با ماشینی که عده‌ای از مقلّدین شان در خارج از کشور تهیه کرده بودند، به جلسه‌ی درس حاضر شوند؛ بلکه با ماشین قدیمی خود رفته و گاهی اگر طلبه‌ای را در راه می‌دیدند، سوار می‌کردند و با خود به جلسه‌ی درس می‌آوردند یا از جلسه‌ی درس به جایی که در مسیر خود قرار داشت، می‌رساندند. با تمام وجود ابراز محبّت می‌کردند و بارها در کلاس درس، طلاب را «عزیزم» خطاب می‌کردند. ایشان خیمه‌ای بودند برای کلّ طلاب؛ به طوری که با رحلت ایشان خلأ وجودی اش نمایان شد و طلاب فاضلی که از محضر ایشان استفاده می‌بردند، ضربه‌ی بزرگی را احساس کردند. بارها این جمله از زبان شاگردان ایشان شنیده می‌شود که واقعاً حوزه یتیم شد. ایشان فقیهی بودند که هر آنچه از ایشان سؤال می‌شد، فوراً جواب می‌دادند و این حالت میرزا (قدس سره) در کمتر فقیهی مشاهده شده است. چنان مطلب را موشکافی می‌کردند که جای سؤال باقی نمی‌گذاشت. هر جمله‌ای را که می‌فرمودند پر از مطالب مفید، و پر محتوا بود. آن‌گونه شاگردان را آماده می‌کردند که خود شاگرد احساس آرامش نموده و رغبت بیشتری به درس پیدا می‌کرد. یادش گرامی و روحش شاد باد.

برخورد ولایی

صفات والای اخلاقی میرزای تبریزی (قدس سره)

حجت الاسلام والمسلمین مرحوم شیخ غلامعلی سخندان (رحمه الله) نقل می کرد: ابتدا که مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در قم درس را شروع کردند کم کم درس ایشان شلوغ شد و شاگردان با کمبود جا مواجه شدند، بنا شد درس مرحوم میرزا (قدس سره) به مسجد محمدیه منتقل شود و با متولی مسجد محمدیه صحبت شد، ایشان گفتند: مانعی ندارد، اما بعد متوجه شدیم در آن ساعت یکی از بزرگان که آقا زاده‌ی محترمی است درس خود را به مسجد محمدیه منتقل کرد. حجت الاسلام والمسلمین سخندان می گوید، کمی دل گیر شدیم، زیرا متولی به ما قول داده بود آن ساعت مسجد را در اختیار مرحوم میرزا (قدس سره) قرار دهد. لذا تصمیم گرفتیم با متولی مسجد صحبت کنیم که چه شد، درس شخص دیگر در این ساعت شروع شد. تا مرحوم میرزا (قدس سره) مطلع شدند ما می خواهیم پیگیری کنیم جلو ما را گرفته، فرمودند: این شخص بزرگوار است از خانواده‌ی جلیل القدر است، بگذارید ایشان در آن محل درس دهد. او خود عالم و فرزند عالم است. ما جای دیگری را پیدا می کنیم، تقدیر الهی آن بوده که واقع شد. مرحوم میرزا (قدس سره) با آن صفات والای اخلاقی و خالصانه انجام دادن عمل، آن گونه با این مسئله برخورد کرد که درسی به شاگردان خود یاد داد.

ساده زیستی

ساده زیستی فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره)

فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) بسیار ساده زندگی می کردند؛ به طوری که هر کس به اتاق شخصی آن مرحوم وارد می شد، سادگی این زندگی را به وضوح لمس می کرد. ایشان با يك رختخواب ساده و با امکانات بسیار محدود، تعدادی کتاب و امکانات اولیه‌ی ساده، روز و شب خود را می گذراندند. وقتی بعضی از مقلّدين مرحوم میرزا (قدس سره) زندگی ایشان را می دیدند، سعی می کردند برایشان چیزهای فاخر؛ از جمله رختخواب خوب، ملحفه‌ی عالی و وسایل راحتی تهیه کنند، اما وقتی هدایا می رسید، مرحوم میرزا (قدس سره) یا آن را می فروختند و وسایل مورد احتیاج را تهیه می کردند و یا اینکه آن را متبرک کرده و به بعضی اشخاصی که به دیدارشان می آمدند، هدیه می دادند. ایشان به وسایل دنیا اصلاً اعتنا نمی کردند و به وسایل ساده‌ی خود بیشتر علاقه داشتند. فرزند ایشان می گوید: روزی یکی از مقلّدين ایشان در عربستان توسط یکی از مشایخ عربستان يك دست رختخواب و ملحفه و . . . بسیار عالی و با ارزش فرستاد و از او خواست که به آقا (قدس سره) بگوید: شخصی که این وسایل را فرستاده، اصرار کرده که آقا حتماً از آن ها استفاده کنند. فرزند مرحوم میرزا (رحمه الله) می گوید: نزد مرحوم میرزا (قدس سره) رفته، گفتم: «آقا! فلان شخص تقاضا کرده شما از این وسایل؛ از جمله رختخواب استفاده کنید!» مرحوم میرزا (قدس سره) قبول کردند. فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: من رختخواب را پهن کرده و رختخواب قدیمی را جمع کردم و ایشان بر روی آن استراحت کرد؛ ولی فردا که آمدم، دیدم مرحوم میرزا (قدس سره) آن رختخواب جدید را جمع کرده و همان رختخواب و ملحفه‌ی قدیمی خود را پهن نموده است. فرزند میرزا (قدس سره) می گوید: مرحوم والد (قدس سره) تا مرا دیدند، گفتند: «فرزندم! من با این رختخواب جدید خوابم نمی برد. بگذار با همان وسایل ساده و آخوندی خودم زندگی کنم.» ایشان بسیار ساده می زیست و به چیزی که به ایشان می رسید، توجهی نداشت.

این مرد بزرگ تا آخر عمر سعی داشتند که جهت گذران زندگی شخصی از وجوه شرعیّه استفاده نکنند و تمام زندگی ایشان از نظر سادگی واقعاً آموزنده بود و تا آخر عمر مشاهده نشد که مرحوم میرزا (قدس سره) زندگی ساده‌ی خود را تغییر دهد. فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: بعد از رحلت آقا (قدس سره) اتاقتشان را که جمع می کردیم، کل وسایل اتاق شامل مقداری کتاب، لباس شخصی، تشك و لحاف بود، برای بعضی اصلاً باور کردنی نبود که وسایل آقا (قدس سره) فقط همین اشیای محدود باشد.

مرجعی که عده‌ی کثیری در خارج و داخل مقلد او بودند و هرچه را که می‌خواستند، برایشان مهیا می‌شد؛ با ساده زیستی خود، نمونه‌ی بارز تقوا و ایمان بوده و تارك دنیا به معنای واقعی بودند.^{۱۳۰}

۱۳۰- تخلّق به صفت زهد و پارسایی علامت بلوغ عقل و تکامل نفس در مسیر خودسازی است، علاقه به دنیا و جمع آوری مافیها، نشان از عدم ادراك صحیح در حیطه‌ی معرفت شناسی دارد. حضرت امام صادق(علیه السلام) در روایتی بسیار زیبا به بی ارزش بودن متاع دنیا اشاره نموده و فرمود: «خرج النبی(صلی الله علیه وآله) وهو محزون، فاتاه ملك ومعه مفاتیح خزائن الارض، فقال: یا محمد هذه مفاتیح خزائن الارض يقول لك ربك: افتح وخذ منها ما شئت من غیر ان تنقص شیئاً عندی، فقال رسول الله(صلی الله علیه وآله): الدنيا دار من لا دار له، ولها یجمع من لا عقل له، و...» (الكافی، ج ۲، ص ۱۲۹، ح ۸) براساس این روایت جز مجانبین دل به دنیا نمی‌بندند، در این زمان مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) الگوی نمونه در زهد و تخلّق به اوصاف کمالیه بود. روحش شاد که با حرکات و سکنات خویش یادآور ارزش های اخلاقی و انسانی می‌شد.

زهد و پرهیزگاری علما

زهد و تواضع مرحوم میرزا(قدس سره)^{۱۳۱}

حجّت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود مددی می گویند: يك روز صبح در محضر حضرت استاد، میرزا جواد تبریزی(قدس سره) نشسته بودیم و استاد(قدس سره) از میانی منهاج الصالحین سخن می گفتند، در آن اثنا پیرمردی به محل مباحثه وارد شده و در گوشه ای نشست، بعد از چند لحظه مرحوم میرزا(قدس سره) رو به پیرمرد نموده و فرمود: بفرمایید با کسی کاری داشتید؟ گفت: بله، با میرزا جواد تبریزی کار دارم، مرحوم آقا(قدس سره) فرمود: بفرمایید خودم هستم، کارتان چیست؟ پیرمرد يك لحظه مکث کرد و غرق در چهره‌ی مرحوم آقا شد که چگونه امکان دارد مرجعی با آن عظمت، چنین ساده و بی تشریفات زندگی کند؟ آری حقیقت امر چیزی غیر از این نمی تواند باشد، که خداوند متعال به مردان بزرگ آن عظمت را داد، که پشت به دنیا کرده و دنیای فانی را ترك نموده و آخرت را سرای خویش قرار داده اند. مرحوم میرزا(قدس سره) و دیگر مردان خدا، با سرمشق قرار دادن آیات و روایاتی که راه بندگی و تقرّب الی الله را تبیین نموده است، پیشرو در تهذیب نفس و تطهیر باطن بودند، در روایتی

خداوند به حضرت موسی(علیه السلام) می فرماید: اگر خواهان تقرّب الی الله باشی، دارای سه خصلت باش. «الزهد فی الدنيا والورع عن المعاصی والبکاء من خشیتی»؛ ۱- زهد درباره‌ی دنیا ۲- دوری از نافرمانیها و گناهان ۳- گریه از ترس من».

حضرت موسی(علیه السلام) فرمود: بار خدایا! آنکه این سه خصلت را داشته باشد چه اجر و ثوابی عایدش می گردد؟ خدای عزوجل فرمود: «اما الزاهدون فی الدنيا ففی الجنة، واما الورعون عن معاصی فانی أفتش الناس ولا أفتشهم واما البکاوون من خشیتی ففی الرفیع الاعلی لا یشارکهم احد»^{۱۳۲}؛ اما آنانکه درباره‌ی دنیا زهد ورزیدند در بهشت باشند، و اما آن ها که از نافرمانی های من پرهیزند پس من که همه‌ی مردم را بازرسی و تفتیش کنم، آن ها را بازرسی و تفتیش نکنم، و اما آنانکه از ترس من گریه کنند در بلندترین منازلند و احدی در آن مکان با آنان شریک نباشد».

۱۳۱- سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۸۹.

۱۳۲- الکافی، ج ۲، ص ۴۸۲، ح ۶.

ساده زیستی در دنیا

مرحوم میرزا (قدس سره) و پوشش ساده

با توجه به اینکه مرحوم میرزا (قدس سره) مقلدین بسیاری در خارج و داخل کشور داشتند و همه سعی می کردند هدایایی را ارسال کنند، اما با بررسی زندگی فقیه راحل (قدس سره) پی می بریم که ایشان زندگی خود را بعد از مرجعیت تغییر نداده و با همان لباس ساده و زندگی به دور از زرق و برق دنیا و استفاده از وسایل متعارف سپری می کردند و هیچ گاه مشاهده نشد که از اشیای غیر متعارف استفاده نمایند.

فقیه مقدّس، مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) در خارج از کشور مقلدان زیادی داشتند که هر وقت به محضر این مرجع فقیه شرفیاب می شدند، به رسم یادبود هدایایی ذی قیمت از قبیل: عباهای فاخر، قبا، نعلین و... خدمت ایشان اهداء می نمودند. اما مرحوم میرزا با در نظر گرفتن عدم استطاعت عامه‌ی طلاب از خرید چنین متاعی گران، با متانت طبع از استفاده‌ی آن هدایا غمض عین نموده و به دیگران اعطا می کرد^{۱۳۳}. و خود به همان لباس های متعارف طلاب اکتفا

می کردند، چنانکه همیشه از همان اشیای عادی؛ از جمله کفش پلاستیکی سیاه^{۱۳۴} استفاده می کردند، نعلین معمولی به پا نموده و عبا‌ی معمولاً ساده تهیه می کردند و بارها مشاهده می شد که قبا‌ی آقا کهنه و قسمتی از آن پاره است، اما آقا اصلاً اهمیت نمی دادند. وقتی می گفتیم: این قبا کهنه شده، مرحوم میرزا (قدس سره) می خندید و می فرمود: «مسئله ای نیست، می گذرد!» و این خصلت مرحوم میرزا (قدس سره) در قلب طلاب به خصوص طلاب جوان بسیار جای باز کرده بود و هیچ گاه مشاهده نشد، مرحوم میرزا (قدس سره) در خصوص لباس های خود اهمیتی بدهند؛ ولی در مورد نظافت بسیار مراقب بوده

و لباس هایشان همیشه تمیز بود. هر چند گاهی مشاهده می شد که لباس ایشان کهنه است؛ اما در تمیزی آن بسیار دقت نظر داشتند و اصلاً از لباس کهنه پوشیدن لذت می بردند و بارها مشاهده می شد که

۱۳۳- جود و بخشش صفتی است برانده‌ی مردان خدا و عاشقان لقاء الله. این صفت بزرگ منبشانه در وجود مرحوم میرزا (قدس سره) تبلوری خاص یافته بود، با آنکه مریدان هدایایی بسیار ارزشمند و گران بها به ایشان اهداء می نمودند، معذک آن لباس های فاخر را به دیگران هدیه می داد و خود همان عبا و قبا‌ی خویش را بر تن می نمود. این صفت چنان ممدوح است که خداوند چنین شخصی را به لباس بهشت ملبس کرده و سكرات موت را بر وی آسان می گرداند، چنانکه وجود نازنین امام صادق (علیه السلام) فرمود: «من کسا احاه کسوة شتاء او صیف کان حقاً علی الله ان یکسوه من ثياب الجنة وان یهون علیه سكرات الموت وان یوسع علیه فی قبره وان یلقى الملائكة اذا خرج من قبره بالبشری وهو قول الله عزوجل فی کتابه: (وَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا یَوْمَکُمْ الَّذِی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ) (سوره‌ی انبیا، آیه‌ی ۱۰۳)». (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۵، ح ۱) خوشا به حال مردان وارسته ای که با عمل به آیات و روایات سعادت اخروی را برای خویش تضمین می کنند.

۱۳۴. گالش، کفش سیاه پلاستیکی است.

می فرمودند: «من طلبه‌ی معمولی هستم و دوست دارم طلبه باقی بمانم، عناوین دنیا نمی تواند مرا
تغییر دهد».

ملاك رضایت امام زمان(عج) است

مرحوم میرزا(قدس سره) و ساده پوشی

یکی از خصلتهای فقیه مقدس مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) این بود که در پوشیدن لباسهای تمیز بسیار دقت داشتند و لکن این بدان معنی نبود که لباس کهنه به تن نکنند. فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید: يك روز مشاهده کردم عباى مرحوم والد(قدس سره)پاره می باشد، خدمت ایشان عرض کردم: عباى شما مناسب نیست.

ایشان(قدس سره) با تبسمی ملیحانه فرمودند: می دانم و با منظور این عبا را بر دوش نهادم، زیرا بعضی از طلاب با توجه به عدم استطاعت مالی، توانایی خریدن لباسهای نو را ندارند، دوست دارم این گونه افراد وقتی مرا مشاهده می کنند، دلگرم باشند و به این مطلب توجه کنند که ملاک لباس نیست، بلکه آنچه در نزد خدا ارزش دارد، همان تقوی و خدمت به دین است و البته من کسی نیستم، ولی طلاب با چشم محبت به من نظر می کنند و وقتی مشاهده می کنند عباى من سوراخ است در مورد لباسهای خودشان دلشکسته نمی شوند.

امیدوارم خداوند متعال تفضلی نماید که در کارهایم دقت کافی داشته باشیم تا مرضی امام زمان(عج) واقع شود.

فرزندم! طوری زندگی کن که مردم توان آن را دارند

زندگی ساده‌ی مرحوم میرزا(قدس سره)

در طول عمر شریف فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) مشاهده نشد که ایشان چیز غیر متعارفی خریداری کنند یا چیزی را تهیه کنند که فصل آن هنوز نرسیده باشد؛ بلکه هر آنچه تهیه می کردند در سطح قشر متوسط جامعه محسوب می شد. فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید: يك روز در بازار، میوه ای را دیدم که تازه به بازار آمده بود، آن را تهیه کرده و سر سفره‌ی نهار حاضر کردم. ناگهان مرحوم میرزا (قدس سره) ناراحت شد و خطاب به خانواده گفت: «چرا این میوه را خریدید؟ وقت آن نیست، اگر مردم ببینند چه می گویند؟ از حساب متعارف زندگی خارج نشوید و کاری نکنید که مردم احساس کنند ما غیر از آن ها هستیم». آن گاه فرمودند: «این میوه را از سر سفره بردارید!» و ناراحتی خود را ابراز کردند. ایشان همواره تذکّر می دادند که باید طوری عمل کنید که وقتی مردم شما را مشاهده کردند، درس بگیرند. آخر چه طور میوه ای را که هنوز فصل آن نشده و مردم توانایی خرید آن را ندارند، تهیه کرده اید.

مرحوم میرزا(قدس سره) در این جهت بسیار دقیق بودند و علی رغم هدایا و نذوراتی که به ایشان می رسید، سخت در تلاش بودند، به گونه ای زندگی کنند که با مردم عادی تفاوتی نداشته باشند و ساده زیستی مرحوم میرزا (قدس سره)، زبانزد بود و زندگی ایشان تا آخرین لحظات ساده می گذشت و دلیل گویای آن، عدم تغییر زندگی ایشان بعد از مرجعیت است. ایشان آن گونه که قبل از مرجعیت زندگی می کردند به همان شکل نیز ادامه داده و هیچ گونه تغییری در زندگی ساده‌ی خود ایجاد نکردند. قناعت و چشم پوشی از نعمات فانی دنیوی، از جمله صفات مردان خداست که در کمال تفوق، از زخارف این خاکدان گذشته و لباس زهد و قناعت بر تن می کنند تا به گنج سعادت که رهی جز قناعت ندارد، دست یابند.

میرزای تبریزی(قدس سره) از جمله بندگان لایق و شایسته درگاه الهی است که با تخلّق به اوصاف کریمانه، هم خود به مقامات والای معنوی تصاعد نمود و هم به دیگران درس راه و رسم مردانهوار زیستن را آموخت.

مزد نیمه شب را از دست ندهیم

تهجد و عبادت نیمه شب میرزای تبریزی (قدس سره)

فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) در طول اقامت در قم، قبل از اذان صبح از منزل به قصد انجام نافله‌ی شب به سمت حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) حرکت می‌کردند و در کنار مرقد مطهر حضرت به عبادت و شب زنده‌داری می‌پرداختند. ایشان با معنویت کامل مقابل ضریح حضرت (علیها السلام) می‌نشستند و بعد از خواندن زیارت، شروع به اقامه‌ی نماز شب می‌کردند. اشخاصی که در دل شب در اطراف حرم تردد داشتند، بارها مشاهده کردند که مرحوم میرزا (قدس سره) به تنهایی به حرم مطهر مشرف می‌شوند و مانند يك شخص عادی با تواضع و فروتنی کامل، گاهی در حالی که عباى خود را به سر کشیده تا شناخته نشوند، وارد حرم می‌شدند و در ایوان طلای صحن کوچک، در مقابل ضریح به عبادت و شب زنده‌داری مشغول می‌شدند. مرحوم میرزا (قدس سره) همیشه دوست داشتند که طلّاب در دل شب بیدار شوند و از آن فضای معنوی استفاده کنند. ایشان می‌فرمودند: طلبه باید همّت داشته باشد و خواب را رها کرده، در نیمه شب خود را به معبود وصل کند که مرزدها در نیمه شب تقسیم می‌شود. نیمه شب‌ها وقتی مشاهده می‌کردند که يك طلبه‌ی جوان سحرخیز است و مشغول عبادت می‌باشد، بسیار خوشحال می‌شدند و می‌گفتند: ما در ابتدای طلبگی بسیار سعی می‌کردیم که مزد نیمه شب را از دست ندهیم.^{۱۳۵}

-
- ۱۳۵- آثار و برکات تهجد و شب زنده‌داری بسیار است که در این مجال به گوشه‌ای از آثار آن اشاره می‌شود:
- ۱- قال الصادق (علیه السلام): «کذب من زعم انه یصلی صلاة اللیل وهو یجوع، ان صلاة اللیل تضمن رزق النهار؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: دروغ می‌گوید کسی که گمان می‌کند نماز شب می‌خواند در حالی که گرسنه است، همانا نماز شب ضامن رزق و روزی است.»
 - ۲- قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «من صلی باللیل حسن وجهه بالنهار؛ پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: هرکس که نماز شب بخواند، صورتش در روز نورانی می‌شود.» (المحاسن، ج ۱، ص ۵۳)
 - ۳- قال الصادق (علیه السلام): «ان الرجل لیذنب الذنب فیحرم صلاة اللیل؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر مردی گناهی کرد، آن گناه باعث از دست دادن نماز شب می‌شود.» (المحاسن، ج ۱، ص ۱۱۵)
 - ۴- قال الصادق (علیه السلام): «شرف المؤمن صلاة اللیل وعز المؤمن کفه عن الناس؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: شرف مؤمن در نماز شب است و عزتش در گرو بی‌نیازی از مردم.» (ثواب الاعمال، ص ۴۱)
 - ۵- قال الصادق (علیه السلام): «ان کان الله عزوجل قد قال: المال والبنون زينة الحياة الدنيا. ان الثمان رکعات التي یصلیها العبد آخر اللیل زينة الآخرة؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا خداوند عزوجل فرمود: مال و اولاد زینت دنیا است، و زینت آخرت همان هشت رکعت نمازی است که بنده‌ی خدا در آخر شب می‌خواند.» (ثواب الاعمال، ص ۴۱)

یاد خداوند متعال

زمزمه‌ی میرزا(قدس سره) در لحظات تنهایی

میرزای تبریزی(قدس سره) از هر لحظه برای ذکر و ارتباط با پروردگار استفاده می کردند و دائم الذکر بودند. مجالس ایشان خالی از صحبت در مورد دیگران بود. ایشان راضی نمی شدند کسی کلام دیگری را در مجلس بیاورد. آن فقیه راحل اگر می شنیدند بعضی افراد به ایشان افترا و دروغ می بندند، خیلی راحت از آن می گذشتند و واکنشی نشان نمی دادند. ایشان توکل عجیبی داشتند. هر جا که مشکلی رخ می داد، متوسل می شدند و بارها می فرمودند: خود امام زمان(علیه السلام)حافظ حوزه است، او عنایت دارد. هر جا که لازم بود نصیحت بکنند، با توکل به خدا صریحاً مورد آن را بیان می کردند و در مورد اینکه ممکن است شخص ناراحت شده یا عکس العمل نشان دهد، می فرمودند: این امر موجب نمی شود انسان به وظیفه‌ی خود عمل نکند، وقتی که سوار ماشین می شدند به ذکر و تلاوت قرآن مشغول می شدند و هیچ گاه وقت خود را به صحبت در موارد دنیا نمی گذراندند. ایشان ابتدا که سوار ماشین می شدند، قرآن تلاوت می کردند و بعد از فراغت از قرآن، مشغول ذکر می شدند، حتی در ترددی که بین شهر داشتند، از وقت خود جهت ارتباط

معنوی و کسب اجر و ثواب بهره می بردند و دیده نشد مرحوم میرزا(قدس سره) در وقتی که تردد می کند، بی ذکر باشد. گاهی هم به اطرافیان تذکر می دادند که خدا را یاد کرده و متوسل شوید. اگر از ذکر فارغ می شدند، قضایایی را ذکر می کردند که باعث تنبّه انسان می شد. در کنار مرحوم میرزا(قدس سره)بودن خود يك درس بود. همه‌ی حرکات و سکنات مرحوم میرزا(قدس سره) نشان دادن راه بود، کسی که می خواست خود را بیابد و معنویت را لمس کند کافی بود لحظاتی در کنار آن فقیه راحل(قدس سره) باشد و همین امر موجب شده بود طلاب جوان شیفته‌ی آن مرجع شوند و آرزو می کردند ولو يك لحظه، در کنار آن استاد واقعی سجایای اخلاقی و کرامات انسانی بنشینند و از معنویات او استفاده کرده و نظاره گر صورت نورانی اش باشند.

خداوند متعال در توصیف علماء راستین فرموده است: (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ)^{۱۳۶} عالم به معنای واقعی کسی است که در مسیر تهذیب و تزکیه نفس، به مقاتله با اعوان شیطان پردازد. (فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا)^{۱۳۷}آنکه هدفش چیزی جز رضای خدا و اهل بیت(علیهم السلام) نیست، خطوات

شیطان برایش ضعیف جلوه می کند، الطاف و عنایات خدا و اولیاء گرامش شامل حال او خواهد بود. تا

۱۳۶- سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۲۹ .

۱۳۷- سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۶ .

در اثر این مجاهدت ها به مقامات والای معنوی دست می یابند و این وعدهی الهی است که برای مجاهدان فی سبیل الله در قرآن مجید فرموده است: (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا)^{۱۳۸}. عمار از این منزلت علماء از صادق آل محمد (صلی الله علیه وآله) سؤال کرد: «ما منزلتہم انبیاءہم؟ قال (علیہ السلام): لا ولكنہم علماء کمنزلة ذی القرنین فی علمہ وکمنزلة صاحب موسی وکمنزلة صاحب سلیمان» (بصائر الدرجات، ص ۳۸۶) چنین اشخاص بزرگواری که سیره و سلوکشان درس خودسازی و تکامل معنوی است و می توان با نظر افکندن در اطوار حیاتشان منہج کمال را یافت که جز با زدودن گرد و غبار حب اغیار از نھان خانہی دل، رہی به سوی منزل جانان نباشد.

عبادت خداوند متعال

میرزا(قدس سره) و زمزمه های سحر

آیت الله العظمی تبریزی(قدس سره) با وجود کثرت اشتغال علمی، وقت خاصی را برای عبادت و راز و نیاز با خدا اختصاص داده بودند. حرکت نیمه شب ایشان علاوه بر رسیدگی به وضع محرومین، یک کار عبادی بود و همان وقت به حرم مطهر مشرف می شدند و نماز شب می خواندند و دعا می کردند؛ بعد از آن جا به مسجد امام حسن عسکری(علیه السلام) می رفتند و نماز صبح را اقامه می نمودند؛ سپس نائی تهیه می کردند و برای صرف صبحانه به منزل بر می گشتند. ایشان وقتی جایی می رفتند بدون زمزمه و مناجات نمی رفتند. یا قرآن و دعا می خواندند یا با امام زمان(علیه السلام) نجوا می کردند. فرزند فقید سعید می گوید: طلبه ای با من تماس گرفت و گفت: صبح که آیت الله العظمی تبریزی(قدس سره) قدم می زدند، من چند بار به ایشان نزدیک شدم تا ببینم چه می گویند. دیدم با امام زمان(علیه السلام) نجوا می کنند؛ همیشه می گفتند: «همان طور که علامه امینی کنار مرقد امیرمؤمنان(علیه السلام) می نشست و با امام زمان(علیه السلام) صحبت می کرد و خود را در آن ساحت مقدس، عبدی فرض می کرد، من هم همین طور هستم».

از دیگر خصوصیات آن فقید سعید تلاوت قرآن تا آخر عمر بود^{۱۳۹}. همیشه با دعا و مناجات و توسل به اهل بیت(علیهم السلام) مأنوس بودند.

اوقات خاصی بالای پشت بام می رفتند و زیارت عاشورا را می خواندند. درس، بحث و مرجعیت هیچ گاه ایشان را از عبادت، توسل و راز و نیاز دور نکرد.

۱۳۹- سر منشأ انس با قرآن، چیزی جز طهارت باطن و فطرت طاهر نیست، آنکه دل به نجوا و حیاتی قرآن سپرده، جان و دلش را از لوث حب دنیا و ما فیها پیراسته است. در این زمان که خصم طوفان عدوات در افکار جوانان به پا داشته و با توسل به نیرنگ های مختلف درصدد تضعیف وجهه ای ایمان و بندگی به ساحت قدس ربوبی هستند، با کمال وقاحت و شناعت در آمریکا عده ای از خاسران دنیا و عقبی قرآن عظیم الشان را با سخره گی پاره پاره نمودند، گمراهانی که مصداق آیه شریفه اند که فرمود: (فَادْفَقَهُمُ اللَّهُ الْخُزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابِ الْأَخْرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ)(سوره ی زمر، آیه ۲۶) این بیچارگان که در ضلالت مبین به سر می برند، با اقدام به چنین گستاخی بزرگ، لعنت ابدی را به جان خریدند، روح مردان خدا شاد باد که در مقابل فتنه های دشمن با درایت و کیاست از مبانی بر حق شیعه دفاع می نمودند، روح میرزای تبریزی(قدس سره) اکنون در عالم برزخ سخت اندوهناک است که چرا این گمراهان چنین جسارتی به آخرین کتاب آسمانی نمودند. روحش شاد باد که با مواضع شجاعانه، نقشه های پلید شیطان صفتان را خنثی می نمود.

ارتباط معنوی

سحرخیزی مرحوم میرزا (قدس سره)

برادر مرحوم میرزا (قدس سره)، آقای حاج کریم رهبر سعادت می گوید: میرزا (قدس سره) از همان دوران جوانی از تدین و التزام خاصی برخوردار بود. جوان پانزده ساله ای که معمولاً خواب نیمه شب برای او عزیز است و سخت است کسی در آن سن جوانی بتواند خواب خوش نیمه شب را ترک کند؛ اما مرحوم میرزا (قدس سره) در آخر شب از رختخواب خود بر می خاستند و با آنکه ایشان دانش آموزی بیش نبود ضمن ادای فریضه صبح، بقیه خانواده را بیدار می کرد که بعدها در دوران طلبگی نماز شب هم به آن اضافه شد و آن چنان در پیشگاه ایزد منان، شکسته و با تواضع مناجات می کرد که انسان با نظر به این صحنه تحت تأثیر قرار می گرفت. مرحوم میرزا (قدس سره) از همان سن جوانی با جوانان هم سن خود کاملاً متفاوت بود و برای همه محسوس بود که این جوان، آینده درخشانی دارد؛ زیرا ارتباط قوی معنوی داشت و هیچ چیز نمی توانست او را از معنویت دور کند. ایشان به معنویات بسیار مقید بود و در هر حال از هر فرصت ممکن برای عباداتی، چون ذکر و نماز استفاده می کرد. در ایام ماه مبارک رمضان مشاهده نشد که مرحوم میرزا (قدس سره) قبل از ادای نماز مغرب افطار کند. ابتدا با خضوع و خشوع کامل وضو ساخته و نماز خود را به جا می آورد و ضمن زمزمه دعای افطار و خواندن سوره «قدر» افطار خود را با خرما شروع می کرد و همین حرکت ها و خلوص بود که علاقه پدر به فرزند را افزون می کرد به طوری که بارها پدر مرحوم میرزا (قدس سره) می گفت: «میرزا جواد چیز دیگری است!» و این جوان آن گونه رفتار می کرد که گویی معلم خانواده شده بود. خصوصیات والای اخلاقی، کمال سرشار و معرفت خاص، از او فرزندی محبوب ساخته بود.^{۱۴۰}

۱۴۰- صاحبان فیض ازلی و سالکان طریق بندگی، در گوشه مأوایی خویش در آن زمان که نفس اماره چون دیو در خواب غفلت آرمیده است، سر به آستان قدس ربوبی سائیده و لسان در مدح و ثنای باری تعالی عاشقانه تغزل می کند، سحرخیزی و شب زنده داری از جمله اوصاف زبینه مؤمنان است که تاریکی و سکوت شب، را به نجوای با محبوب چون سپیده دمان منور، از انوار جمال حضرت حق می کنند.

اولیاء خدا، همواره دیگران را به سحرخیزی و نجوا با حضرت حق در دل شب تشویق و ترغیب می نمودند که در آن زمان درهای رحمت الهی گشوده شده و خوان جود و بخشش خداوند متعال بیش از دیگر اوقات گسترده تر است.

اهرب من الفتيا هربك من الأسد

احتیاط مرحوم میرزا(قدس سره) در فتوی

مرحوم میرزای تبریزی(قدس سره) در احاطه‌ی بر فقه، اصول و رجال عجیب بود و حضور ذهن بالا، تلاش و کوشش فراوان در دوران تحصیل موجب شده بود که ایشان(قدس سره) بدون مراجعه حتی به روایات بحث اشاره می کردند، اتفاق می افتاد به واسطه‌ی آن تسلط و ملکه ای که مرحوم میرزا(قدس سره) داشتند گاهی به قول مشهور ایراد وارد می کردند و لکن به خاطر احتیاط که در همه‌ی موارد داشتند می فرمودند: ما به قول مشهور واسطه‌ی استدلالی که عرض شد اشکال وارد کردیم، ولی فتوی دادن که واجب نیست، لذا ما در این مسئله احتیاط می کنیم.

«خذ بالاحتیاط فی جمیع ما تجد إلیه سبیلا واهرب من الفتیا هربك من الأسد ولا تجعل رقبتك

للناس جسراً».^{۱۴۱}

میرزای تبریزی(قدس سره) با آن علم سرشار و آن تلاش شبانه روزی و آن تسلط بالا در فتوی بسیار محتاط بودند و در مقابل مشهور اگر به نتیجه غیر از آن می رسیدند، نهایتاً احتیاط می کردند و خلاف مشهور فتوی نمی دادند.

شریعت مقدّس اسلام برای احتیاط و توقف عند الشبهات جایگاه والایی قایل شده، و روایات مأثوره حاکی از لزوم اهتمام به احتیاط در ایقان تکالیف است. بر این اساس علماء گرام در کتب خویش ابوابی به نام «باب حکم التوقف والاحتیاط و...» در نظر گرفته اند، تا عظمت این مطلب را متذکّر شوند. امام صادق(علیه السلام)حقیقت امر را در سه جمله بیان نمودند. «انما الامور ثلاثة: امر بین رشده فیتبع، و امر بین غیه فیجتنب، و امر مشکل یرد حکمه الی الله عزوجل، و الی رسوله(صلی الله علیه وآله)»^{۱۴۲} از آنچه درستی اش واضح است پیروی کن و از آنچه نادرستیش روشن است، اجتناب کن و آنچه را مجمل است به خدا و رسولش واگذار و در روایاتی دیگر فرمود: توقف در شبهات، بهتر از افتادن در مهالك است.^{۱۴۳}

با در نظر گرفتن محتوای این احادیث، فتوی دادن کار بسیار سخت و مسئولیت آوری است که فقط عالمان مهذب، سزاوار چنین امرند، و لکن بزرگانی چون مرحوم میرزا(قدس سره) با آن علم سرشارشان راضی نمی شدند بر خلاف قول مشهور فتوی دهند که این نشان از بزرگواری و متابعت از احادیث ائمه‌ی اطهار(علیهم السلام) است .

۱۴۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۶، ح ۱۷ .

۱۴۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۲۲ .

۱۴۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۲۲ .

فعالاً مبلغی غیر از وجوه ندارم

مرحوم میرزا(قدس سره) و احتیاط در مصرف وجوه

فقیه مقدّس، میرزای تبریزی(قدس سره) در طول مرجعیّت خود سعی می کردند که برای زندگی شخصی خود از غیر وجوه شرعیّه مصرف کنند و تا آنجا که امکان داشت از وجوه استفاده نمی کردند بعضی از مؤمنین قسمتی از مخارج زندگی شخصی ایشان را تأمین می کردند و گاهی اوقات که ایشان مبلغ غیر وجوه نداشتند برای مخارج زندگی خود کمی صبر می کردند و یا وسایل و هدایای گرانبهایی را که برایشان رسیده بود، فروخته و صرف امور شخصی می کردند. فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید، یادم نمی رود که اوایل مرجعیّت، متعلقه‌ی فقیه مقدّس، میرزای تبریزی(قدس سره) می گفت: عبايم^{۱۴۴} بر اثر کهنگی رنگ قرمزی به خود گرفته بود، به طوری که برایم سخت بود آن را به سر کنم. به مرحوم میرزا(قدس سره) گفتم که عباي جدیدی تهیه کنید، ایشان فرمودند: «ان شاء الله بعداً، فعلاً پولی غیر وجوه ندارم. کمی صبر کنید!» فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید: در مجلسی که عده‌ای از مقلّدین و مریدان مرحوم میرزا(قدس سره) جمع بودند، بحث مصرف وجوهات مطرح شد و در خصوص احتیاط میرزا(قدس سره) صحبت به میان

آمد که من مسئله‌ی عباي متعلقه‌ی مرحوم(قدس سره) را مطرح کردم و گفتم: آقا معمولاً برای زندگی خود از وجوهات استفاده نمی کنند و اگر مورد مصرف شخصی باشد، صبر می کنند تا غیر از وجوه به ایشان برسد. حاضرین از مسئله‌ی عباي متعلقه‌ی میرزا(قدس سره) سخت تحت تأثیر قرار گرفتند و بعضی مایحتاج عیال مرحوم میرزا(قدس سره) را خود متکفل شدند که تأمین نمایند. اگر کسی به زندگی مرحوم میرزا(قدس سره) نظر می کرد پی می برد که میرزا(قدس سره) زندگی ای بسیار ساده و متعارف دارد و همواره از وسایل معمولی استفاده می نماید و اگر کسی می خواست چیزی را برایشان تهیه کند، سخت قبول می کردند. او در تمام مراحل زندگی بسیار ساده و زاهدانه زندگی کرد و هیچ گاه مشاهده نشد چیزی غیر متعارف در زندگی ایشان داخل شود.

احتیاط در وجوه شرعیّه

میرزا(قدس سره) و تحیّر در صرف اموال

گاهی اوقات مشاهده می شد که مرحوم میرزا(قدس سره) علی رغم اموالی که برایشان می رسید، در خرید بعضی از وسایل مورد نیاز متحیّر می ماند و وقتی خانواده از او سؤال می کردند، ایشان می گفت: «نمی توانم از سهم امام(علیه السلام) خرج کنم. دعا کنید، هدیه ای بیاید تا بتوانم مشکل را حل کنم.»

ایشان حاضر نبود همه‌ی مایحتاج خود را از وجوه تأمین کند؛ از این رو گاهی در تأمین بعضی احتیاجات صبر می کردند تا اموال غیروجوه به ایشان برسد. هرگاه هدایایی برای ایشان می رسید، بسیار خوشحال می شدند و آن را صرف امور مورد نیاز منزل می کردند. بعضی از مقلّدین از احتیاط آقا خبر داشتند، بنابراین شهریه ای را برای ایشان از خارج کشور اختصاص داده بودند که غیر وجوه بود تا مرحوم میرزا(قدس سره) در امور زندگی خود مصرف کند و بارها مشاهده شد که مرحوم میرزا(قدس سره) برای خرید چیزی چندین روز صبر می کردند تا هدایایی به ایشان برسد که با پول آن بتوانند مایحتاج خود و خانواده را تأمین کنند.

احتیاط در مصرف از وجوهات

مرحوم میرزا(قدس سره) و دقت در صرف اموال

آقای محسن فاضلی داماد ارشد فقیه مقدّس میرزا جواد تبریزی(قدس سره)می گوید: در زمان حکومت رژیم بعث عراق، اوضاع حاکم بر عراق بسیار نابسامان بود، رژیم منفور درصدد بهانه جویی بود تا بتواند طلبّ ایرانی را مورد آزار و اذیت قرار دهد، تا اینکه این رژیم خصمانه تصمیم گرفت، فضلاء و طلبّ ایرانی را به هر طریق ممکن دستگیر کرده و به ایران بازگرداند، مرحوم میرزا(قدس سره) در چنین شرایطی دائماً در حال بررسی اوضاع بودند. بر همین اساس نیاز ضروری به رادیو پیدا کردند تا از این راه بتوانند از اوضاع و دگرگونی هایی که رخ می دهد اطلاع یابند. از همین رو، روزی مرا (محسن فاضلی) صدا زده و گفتند: اگر می توانی رادیویی برایم فراهم کن، چون مبالغی که در نزد من می باشد، وجوهات است و من نمی توانم از وجوهات برای خود رادیو تهیه کنم، صرف وجوه موارد خاص خود را دارد.

مرحوم میرزا(قدس سره) آن گونه در مسایل و به خصوص امور شرعی دقت می نمودند که هر کس در جریان امور زندگی ایشان قرار می گرفت، شیفتهی کمالات آن مرحوم(قدس سره) می شد و حقیقت را در رخسارهی آن آیت عظمای دید که چگونه چون يك طلبه با زندگی ساده و به دور از تجملات دنیوی به حبل متین اهل بیت(علیهم السلام) چنگ زده و با توکل در حال تحصیل و تدریس است.

اهتمام به محتاجین

میرزای تبریزی (قدس سره) و اهتمام به فقرا و مساکین

معروف بود که فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) قبل از اذان صبح از منزل خود خارج می شدند و به طرف حرم مطهر بی بی حضرت معصومه (علیها السلام) جهت تهجد و شب زنده داری حرکت می کردند و در راه به فقرایی که شب ها اطراف حرم بیتوته می کردند توجه داشتند و احتیاج عده ای را که احراز می کردند مستحق شرعی هستند، برآورده می کردند. برای مرحوم میرزا (قدس سره) سبب فقر مهم بود و آنان را مورد تقفد و دلجویی قرار می دادند و با آن ها بسیار مانوس بودند؛ البته مرحوم میرزا (قدس سره) افراد فقیر مستحق را به خوبی تشخیص می داد و به آنان که واقعاً مستحق بودند، کمک می کرد و حتی به بعضی از فقرا می گفتند تشریف بیاورید دفتر و در آنجا سفارش آن ها را می کردند، حتی گاهی می فرمودند: به در فلان خانه بروید، ببیند مشکلاتشان چیست.

يك روز مرحوم میرزا (قدس سره) به دفتر آمدند و خطاب به یکی از اعضای دفتر فرمودند: «هوا سرد شده، چند پتو تهیه کنید و بین بعضی فقرای اطراف حرم تقسیم کنید!» که این کار توسط اعضای دفتر صورت گرفت. بعد از رحلت معظم له، بعضی از این فقرا با همان محموله ای خاص خود در ختم شرکت می کردند و این امر نشان می داد، این ها با مرحوم میرزا (قدس سره) [در زمان حیاتش] مانوس بودند و مرحوم میرزا (قدس سره) به آنان کمک می کرد. یکی از خصوصیات میرزا (قدس سره) این بود که اگر شخصی را احراز می کردند واقعاً محتاج است، در کمک به او کوتاهی نمی کردند و یا دیگران را سفارش می کردند که بررسی کنید، ببینید اگر واقعاً نیازمند است، کوتاهی نکنید.

تلاش برای رفع حاجت برادر مؤمن

میرزای تبریزی (قدس سره) و کمک به فقرا

مرحوم میرزا (قدس سره) علاوه بر رسیدگی نیمه شب بر فقرا اطراف حرم، خود در فکر آن بود که به طریقی بتواند خدمتی به آنان نماید و از هر راه ممکن خودشان شخصاً اقدام می کردند و بارها آن فقیه فقید در داخل و خارج حرم، اگر فردی را نیمه شب می دیدند که در گوشه ای ایستاده یا هراسان است سؤال می کردند چه شده، نیازی داری؟! یکی از رانندگان خود تعریف می کرد که من کارم این بود که مسافران را به خارج از شهر قم در اطراف و اکناف می رساندم و شب ها بر می گشتم يك شب مسافرت طول کشید و دو ساعت به اذان صبح مانده بود، به قم رسیدم. گفتم اگر بروم خانه بچه هایم بیدار می شوند، پس بهتر است به حرم رفته نماز بخوانم و نانی تهیه کنم و به خانه باز گردم وارد حرم شدم، لحظه ای در صحن حرم در گوشه ای نشستم تا خستگی را از تن خارج کنم. مشاهده کردم شیخی نورانی از درب زیر ساعت وارد حرم شد و به سوی حوض حرم حرکت کرد يك لحظه متوجه من شد، به طرف من آمد و گفت: جوان به چیزی احتیاج داری؟ درمانده که نیستی، اگر چیزی احتیاج داری بگو؟ آن قدر این مرد نورانی با محبت سخن می گفت که سخت بر دلم نشست! بلند شده، گفتم: آقا ممنون. خیر آمدم زیارت و نماز بخوانم. مرحوم میرزا (قدس سره) خنده ملیحانه ای کرد و سر مبارك را پایین انداخت و رفت. این راننده می گوید: صریح بگویم، کار این مرد در آن نیمه شب انقلابی عجیب در وجودم ایجاد کرد. در واقع این سربازان امام زمان (علیه السلام) هستند که با روش، طریق و منش خود انسان سازی می کنند و به دیگران یاد می دهند که چگونه باید زندگی کنند. آن گونه این شیخ به دل من نشست که چهره ی نورانی او را فراموش نمی کنم، فقدان او ضایعه ی عظیمی است که از یاد نمی رود.^{۱۴۵}

۱۴۵- قضاء حاجت و ادخال سرور در قلب مؤمن در آئین ارزشمند اسلام، دارای منزلت ویژه ای است که حضرات معصومین (علیهم السلام) فرمودند: به هر طریقی که می توانید گره از مشکل مؤمنان بگشایید، حتی اگر شده با يك تبسم و لبخند به روی آنان که غرق در مشکلند، قال الصادق (علیه السلام): «تبسم الرجل في وجه اخيه حسنة». (الكافی، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۲) وقتی لبخندی بر روی مؤمن چنین پاداشی دارد، به طریق اولی رفع معضل او اجر و ثوابی غیر قابل تصوّر دارد قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «من سر مؤمناً فقد سرنی ومن سرنی فقد سر الله» (الكافی، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۱) مکتب نورانی اسلام در مورد قضاء حاجت بسیار سفارش نموده و فرموده است: همین که برای رفع حاجت مؤمنی تلاش می کنید خود اجر و ثوابی جدا از قضاء حاجت دارد. هر گامی که در این مسیر برداشته شود، مأجور بوده و دارای ثوابی است. قال ابی عبدالله (علیه السلام): «مشی الرجل في حاجة اخيه المؤمن يكتب له عشر حسنات و يمحا عنه عشر سيئات، ويرفع له عشر درجات، قال: ولا اعلمه الا قال: ويعدل عشر رقاب و افضل من اعتكاف شهر في المسجد الحرام» (الكافی، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱) مرحوم میرزا (قدس سره) با تأسی به این قبیل از روایات برای خود کوله باری از اجر ثواب برای آخرت خویش تهیه دید و به ما هم درس انسان دوستی و محبت به هم کیشان و تلاش در رفع حاجت مؤمنان می داد، روحش شاد و خاطرش همیشه جاوید باد.

توجه به محتاجین

میرزای تبریزی (قدس سره) و توجه به فقرا و مساکین

فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) گاهی در سطح شهر قدم می زدند؛ به خصوص قبل از اذان صبح و ضمن خروج از منزل جهت زیارت حرم و تهجد در نیمه شب به بعضی از فقرا سر می زدند. فقرای قم آقا را به خاطر همان حرکت شبانگاهی و توجه به آنان می شناختند. ایشان برای فقرا پدری مهربان و رؤوف بودند.

آقازاده‌ی مرحوم (قدس سره) می گوید: در جریان مراسم ختم و بزرگداشت مرحوم میرزا (قدس سره) بعضی از فقرا با آن کوله باری که همراه داشتند شرکت می کردند و برایم سؤال شده بود که این ها چه اُلفتی با آقا داشتند که بعداً معلوم شد بعضی از آن ها مورد عنایت مرحوم میرزا (قدس سره) بودند و آقا به آنان در نیمه شب کمک می کرده است. مرحوم میرزا (قدس سره) در مورد احتیاج اشخاص حساس بودند به طوری که به چند نانوایی اطراف حرم، سفارش کرده بودند: اگر شخص بینوایی مراجعه کرد، از دادن نان مضایقه نکنید و مبلغی را به نانوای می دادند تا نان به فقرا بدهد. اگر کسی به ایشان (قدس سره) خبر می داد که فلان جا محتاجی است، کوتاهی نمی کرد. ایشان علاقه‌ی خاصی به فقرا داشت و همواره سفارش می کرد که با آنان خوب برخورد کنید و خود اهل تشخیص بود؛ یعنی می دانست که کدام فقیر در کلامش صادق است.

از این رو با تشخیص خود اقدام به کمک کردن می نمود.^{۱۴۶}

۱۴۶- (تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى) (سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱) این منشور جاوید و حی سرمد، کلام نورانی است که سعادت و سیادت دنیا و عقبی در آن خلاصه شده است. این کلام عالی‌ترین مرتبه از تبلور افکار بشر امروزی است که در سایه سار انسان دوستی و همگرایی رو به بحث حقوق انسانی آورده و به ظاهر درصد رفع مشکلات و حوائج هموعان خود شده اند در حالی که دین جهان شمول اسلام بر این اصل ثابت چهارده قرن پیش از این تأکید نموده و فرموده است: در احسان و نیکوکاری در شاهراه تقوا و ورع معین یکدیگر باشید تا درهای رحمت الهی بر شما گشوده شود، حس کمال جویی و مهرورزی در طنین آدمی به ودیعت نهاده شده تا در مسیر صعب العبور دنیا به یکدیگر یاری رسانند، و این خصیصه چه زیبا در وجود مرحوم میرزا تجلی یافته و زیباتر از آن انعکاس این حس تعاون بر برّ و تقوای اوست که با کمک و ملاحظت به محرومان جامعه، این خصلت الهی را به دیگران می آموخت .

امانتداری

مرحوم میرزا (قدس سره) و امانتداری از سهم مبارک امام (علیه السلام)

فرزند فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) می گوید: در سفری که به خارج از کشور داشتم، پدر یکی از تجّار بزرگ، وفات کرده بود و می خواستند ثلث ارث را تقدیم مرجع کنند و بعد از محاسبه، مبلغ سنگینی شد و آن تاجر از من خواهش کرد که به مرحوم میرزا (قدس سره) بگویم، اجازه دهد این مبلغ را سرمایه گذاری کنم و درآمد حاصله توسط خود مرحوم میرزا (قدس سره) صرف حوزه شود. فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: بعد از بازگشت از سفر خدمت مرحوم میرزا (قدس سره) عرض کردم که این تاجر این گونه می گوید!؟ چون ظهر بود و میرزا (قدس سره) خسته بودند، جوابی ندادند؛ بعد از ظهر همان روز، مرحوم میرزا (قدس سره) مرا صدا زده و گفتند: «فرزندم! به آن تاجر بگو من به این پول احتیاج ندارم. و از طرفی هم نمی توانم سرمایه گذاری را قبول کنم. زیرا این پول متعلق به حضرت ولیّ عصر (علیه السلام) می باشد و من فقط واسطه هستم و نمی توانم رضایت امام (علیه السلام) را جهت سرمایه گذاری احراز کنم. من چند صباحی مهمان هستم و خداوند این توفیق را به من داده که در فتره ای از زمان به عنوان خادم حضرت ولیّ عصر (علیه السلام) انجام وظیفه کنم، من هر آنچه رضایت اوست انجام می دهم و این اموال متعلق به ولیّ عصر (علیه السلام) است، او ضامن حوزه و احتیاجات آن است و نیازی به سرمایه گذاری نیست. شما به آنان خبر بده که اگر پولی برسد، خرج شهریه ی طلبّ می شود، و الاً من جهت سرمایه گذاری به این مبلغ نیازی ندارم.» در نهایت مرحوم میرزا (قدس سره) پیشنهاد سرمایه گذاری را قبول نکردند. وقتی به آن تاجر خبر داده شد که مرحوم میرزا (قدس سره) قبول نکردند، سخت تحت تأثیر قرار گرفت و از این برخورد بسیار شیفته ی میرزا (قدس سره) شد و گفت: «هرچه میرزا (قدس سره) بگوید، همان است.» مرحوم میرزا (قدس سره) همواره می فرمود: «ما در اخذ وجوه و صرف آن، فقط يك واسطه هستیم، باید دقت کامل شود و در هر کاری که انجام می دهیم؛ باید ابتدا رضایت امام عصر (علیه السلام) را احراز کنیم و طوری عمل کنیم که خدای ناکرده، قلب امام زمان (علیه السلام) به درد نیاید. این حوزه صاحب دارد و صاحبش ضامن بقای دین و حوزه است و خود آن حضرت (علیه السلام) تأمین کننده ی ما یحتاج آن است، تاکنون حوزه به برکت و عنایت او در نمانده است، خدا توفیق دهد مبالغه به گونه ای مصرف شود که رضایت او در میان باشد که رضای او رضای خداست.

دقت و نظارت بر امور مالی

احتیاطات مرحوم میرزا (قدس سره) در وجوه شرعیه

مرحوم میرزا در اخذ وجوه بسیار دقت داشتند؛ به طوری که سهم امام (علیه السلام) و سادات را از هم جدا می کردند و هر کدام را در يك صندوق خاص می گذاشتند که هنگام شهریه، سهم امام (علیه السلام) برای طلابی اختصاص داده می شد که سیّد نبودند و سهم سادات را به سادات می دادند و در موارد غیر نقدی؛ اعم از چک و امثال آن، ضمن یادداشت بر روی آن، در هنگام فرارسیدن موعد، طبق یادداشت عمل می شد. ایشان در خصوص وجوه بسیار محتاط بود. خود بر همه‌ی اموال نظارت داشته، حتی در مصرف وجوه بسیار دقت داشتند و اجازه نمی دادند برای هر چیزی که مورد نیاز است از وجوه مصرف شود. گاهی اعضای دفتر مجبور بودند صبر کنند تا پول غیر وجوه برسد تا در مورد مقرر مصرف شود و علاوه بر آن در مصارف منزل هم بارها مشاهده شده که می فرمودند: من گاهی در مصارف ما یحتاج خانه متحیر می مانم. تا آنکه بعضی هدایای خود را به وجه نقد تبدیل کرده و آن را صرف امور زندگی می کردند. بارها مشاهده شد مرحوم میرزا (قدس سره) به چیزی احتیاج داشتند، اما برای خرید آن اقدام نمی کردند، بعدها معلوم می شد که منتظر هستند تا پول غیر وجوه به ایشان برسد.

من در مورد وجوه با کسی معامله نمی کنم

مرحوم میرزا(قدس سره) و دقت در وجوه شرعیّه

فرزند مرحوم میرزای تبریزی(قدس سره) می گوید: يك روز آقای به دفتر آمد و اصرار کرد آقا را ببیند و می گفت: من مسئله‌ی مهمی دارم که آقا خودشان باید جواب دهند. فرزند آقا می گوید: خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) رفتم و گفتم: «آقای آمده و می گوید با شما کار دارد و اصرار دارند با شما صحبت کنند.» آقا فرمودند: «بگو بیاید!»

فرزند میرزا می گوید: من از اتاق خارج شده و مشغول پاسخگویی به مراجعین دفتر شدم. ناگهان یکی از کارمندان دفتر مرا صدا زدند که آقا با شما کار دارد و عصبانی است. فرزند آقا می گوید: خود را سریع به اتاق آقا رساندم و گفتم: «بفرمایید!»، آقا فرمودند: «من با اموال امام زمان(علیه السلام) معامله نمی کنم. این آقا می خواهد در خصوص وجوه با من معامله کند. من کسی نیستم که هرچه بخواهند مصرف کنند، اجازه دهم. من به این گونه پول ها نیاز ندارم. ضامن حوزه، حضرت ولی عصر(علیه السلام) می باشد.» این آقا را به طریقی جواب کنید؛ فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید: دیدم آقا خیلی ناراحت است، چیزی نگفتم و از اتاق خارج شدم. عصر خدمت ایشان رفتم و گفتم: «آقا! چرا این قدر ناراحت بودید؟!» آن گاه مرحوم میرزا(قدس سره) خطاب به من گفت: «فرزندم! من این مرجعیت را نمی خواستم، تکلیف شد، قبول کردم و هر کاری که انجام می دهم، باید رضایت امام زمان(علیه السلام) را احراز کنم. آن شخص می خواست در مورد اموال امام زمان(علیه السلام) با من معامله کند و قسمتی را خود بردارد و بر طبق نظر خودش مصرف کند، من به این گونه مصارفی که اشخاص می کنند، اعتقاد ندارم. آن ها با خیال راحت مصرف می کنند، اما حساب و کتابش به گردن من می افتد. از این رو آن مبلغ را قبول نکردم [مبلغ قابل توجهی بود]. فرزندم! امام زمان(علیه السلام) ضامن است و به برکت دعای او احتیاجات حوزه تأمین خواهد شد.» فرزند میرزا می گوید: چند روزی نگذشت که مبلغ قابل توجهی رسید، آن گاه آقا فرمودند: «دیدم فرزندم! خود امام(علیه السلام) عنایت دارد و اوست که ناظر است و سربازان خود را یاری می دهد.»

دستگردان وجوه شرعیه

مرحوم میرزا(قدس سره) و احتیاط در دستگردان وجوه شرعیه

مرحوم میرزا(قدس سره) در دستگردان کردن وجوه شرعی برای افراد، بسیار مشکل می گرفتند و معمولاً قبول نمی کردند و می فرمودند: اشخاصی که دستگردانی می کنند، خود راحت شده و من مبتلا می شوم در حالی که من باید بعداً جوابگو باشم؛ و از این رو بسیار احتیاط می کردند و می گفتند: من این مسئولیت را به گردن نمی گیرم. زیرا نمی دانم افرادی که وجوه را دستگردان کرده اند با آن چه کار می کنند؟ ایشان بارها می فرمودند: آنان که اموال خود را دستگردان می کنند و ذمه‌ی خود را پاك می کنند، موظف هستند طبق دستگردان وجوه مذکور را بپردازند و فکر نکنند که با دستگردان کردن، کار تمام شده است. هنگامی برائت ذمه برایشان حاصل می شود که در پرداخت وجوه اهمال نکنند و اگر من دستگردان کنم، فکر می کنند مالشان با همین کار حلال شد، بعداً هر کاری می خواهند انجام می دهند. لذا تا جایی که امکان دارد باید وجوه شرعیه را پرداخت کنند و اگر واقعاً توانایی ندارند، کسانی را دستگردان می کنیم که بعداً دین خود را اداء کنند.

شهریه‌ی طلاب حوزه

میرزای تبریزی (قدس سره) و مصرف شهریه

یکی از مواردی که فقیه مقدّس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در حوزه بنیان نهاد و سپس برخی از مراجع دیگر حفظهم الله آن را اجرا کردند، مسئله‌ی انحصار تقسیم شهریه بین طلابی بود که فقط مشغول درس حوزوی بودند، به همین سبب مقرر شد شهریه‌ی عده‌ی بسیاری از طلاب شاغل حذف شود. در آن زمان حذف شهریه‌ی تمام طلاب شاغل بسیار مشکل بود؛ به طوری که بارها به مرحوم میرزا (قدس سره) گفته شد: آقا! این کار بسیار مشکل و دشمن ساز است. ایشان می فرمود: این اموال متعلّق به ولی عصر (علیه السلام) است و من اجازه ندارم آن ها را در هر مورد و کاری مصرف کنم، رضایت دیگران شرط نیست، رضایت امام زمان (علیه السلام) شرط است و من نمی توانم قبول کنم که شاغلین با توجّه به اینکه حقوق کافی دارند، بتوانند از شهریه‌ی حوزه هم استفاده نمایند. مرحوم میرزا (قدس سره) با قاطعیت فرمودند: شهریه‌ی ما فقط به افراد محض در درس تعلق می گیرد.

فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: بعد از قطع شهریه، بعضی افراد به مرحوم میرزا (قدس سره) جسارت کردند؛ ولی ایشان هیچ گونه عکس العملی نشان نداده و تمام آن شماتت ها را تحمل کردند و می فرمودند: گاهی ممکن است انسان در عمل به تکلیف، با موانعی مواجه شود؛ اما من می خواهم به آنچه که مورد رضایت امام زمان (علیه السلام) است، عمل کنم و به نظر من این اموال باید در حوزه و برای افرادی که فعلاً، فقط مشغول درس حوزه هستند، مصرف شود. حتی يك عمامه به سر با جسارت به آن فقید راحل (قدس سره) در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار، مقاله ای تحت عنوان «قطع و وصل» چاپ کرد که مرحوم میرزا (قدس سره) بعد از اطلاع یافتن از این نوشته، با کمال تواضع فرمودند: «من به تکلیف خود عمل کرده ام و اجرش را هم ان شاءالله دریافت خواهم کرد. مهم نیست، هرچه می خواهند بگویند، مهم رضایت صاحب الامر، امام زمان (علیه السلام) است.»

صبر و استقامت و پایداری

رفتار مرحوم میرزا(قدس سره) نسبت به افتراءات و اکاذیب

یکی از خصوصیات بارز فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) صبر^{۴۷} و تحمل بود، هیچ گاه مشاهده نشد در مقابل افتراءات و اکاذیبی که به شخص ایشان نسبت داده می شد، واکنش نامعقولی نشان دهد. مرحوم میرزا(قدس سره) با کمال خونسردی از آن افترا می گذشتند و تحمل می کردند. برای نمونه می توان به افتراءاتی که بعضی روزنامه ها منتشر می کردند؛ از جمله می توان به روزنامه‌ی «جمهوری» با درج مقاله ای توسط شخصی طلبه با عنوان «قطع و وصل» و همچنین مقاله ای در همان روزنامه از شخصی مجهول الهویه با عنوان

«دست های نامرئی» و بعضی مقالات دیگر و همچنین بعضی شب نامه ها اشاره کرد، اما مرحوم میرزا(قدس سره) با دیدن این مطالب، بسیار خونسرد از آن می گذشتند و اصلاً اهمیت نداده و می گفتند: «زمان، خود قضاوت خواهد کرد.» مرحوم میرزا(قدس سره) بعد از آن سخنرانی آتشی‌نی که در «مسجد اعظم» در دفاع از شخصیت حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) ایراد کردند، اتباع سیه دل بیروتی جهت مسموم کردن حوزه و تخریب وجهی مرحوم میرزا(قدس سره) مسئله را به روزنامه ها کشیدند و... مرحوم میرزا(قدس سره) می فرمودند: «مهم نیست و این افتراءات موجب نمی شود که دست از دفاع از عقاید شیعه و به افتضاح کشیدن منحرفین بردارم.» اگر شبهه ای مربوط به مذهب مطرح می شد، مرحوم میرزا(قدس سره) سریعاً عکس العمل نشان می دادند و در مقابل آن می ایستادند و حاضر نبودند کوتاه بیایند.

در مسایل اعتقادی با کسی مجامله نداشتند، و هر آنچه را که صلاح می دیدند، عمل می کردند، درس، قلم و جلسه‌ی خود را وقف دفاع از مبانی حقّی اهل بیت(علیهم السلام) قرار داده بودند و اصلاً به آنکه بعضی ممکن است با افتراء و اکاذیب جوّ حوزه را بر علیه ایشان تخریب کنند توجه نمی کردند، فقط می خواستند ادای وظیفه کنند و در این مسیر استوار و محکم بوده و از هیچ چیزی هراس نداشتند. همین امر موجب شد که ایشان در دل ولایتین، محبین و مخلصین درگاه ولایت جای مخصوصی داشته باشد.

۱۴۷- صبر و استقامت از جمله خصایص پسندیده ای است که خداوند متعال در قرآن مجید از صبر و مشقات آن بیش از ۲۵ مرتبه یاد کرده، و همواره انسان را به صبر و بردباری ترغیب کرده و می فرماید: در شادای ایام صبر پیشه کنید که از متقین خواهید بود. (وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ). (سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۷۷)

و این خصیصه در وجود این حکیم فرزانه، چه زیبا تبلور یافته بود که در مقابل هجمه کید و نیرنگ اعداء نه تنها رو به افول ننهاد؛ بلکه در آماج فتنه ها، روز به روز بر شعاع کمال و جلالش افزوده گشته و چشمان اغیار را به خود خیره می ساخت. و این مصون ماندن از تیر حقد و کین خصم، جزء وعده هایی است که خداوند متعال به بندگان مخلصش داده و فرموده است: (وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ). (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۲۰)

پند و نصیحت

مرحوم میرزا (قدس سره) و نصیحت به دیگران

حجّت الاسلام والمسلمین ابراهیم رضائیان می گوید: ما در مدرسه‌ی مرجع فرزانه، مرحوم بروجردی (قدس سره) نشسته بودیم؛ و با عده‌ای از جمله: شیخ نصرالله خلخالی (قدس سره) و فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) مشغول صحبت بودیم و از امور مختلف نقل قول می شد. ناگهان شخصی در حالی که انگشتی طلا به دست داشت، از مقابل ما عبور کرد.

لحظه‌ای در کنار ما مکث کرد، مرحوم نصرالله خلخالی (قدس سره) از او سؤال کرد: «اهل کجا هستی؟» شخص گفت: «من تاجرم و از بغداد می آیم.» حاج آقا رضائیان می گوید: انگشت در دستش جلوه‌ی بسیاری داشت، آن زمان هیچ مردی از انگشت طلا استفاده نمی کرد و برای جمع ما عجیب بود، چگونه شخصی با این انگشت می خواهد به زیارت برود. آن گاه میرزا (قدس سره) رو به آن شخص کرد و گفت: «آقای محترم! شما چگونه می خواهی با این انگشت طلا به حرم مطهر و زیارت مولانا امیرالمؤمنین (علیه السلام) بروی؟ زیارت آدابی دارد که باید به دقت آن را به جای آورد. به دست کردن انگشت طلا برای مرد حرام است و زیارت باید طوری باشد که ضمن قبولی اعمال، مورد رضای خدا و اهل بیت (علیهم السلام) قرار گیرد. زیارت امر مستحب است، ولی ترک

طلا بر مرد واجب است، چگونه فرمان خدا را نادیده گرفته و می خواهی عمل مستحبی را انجام دهی.» در هر حال، مرحوم میرزا (قدس سره) او را نصیحت کردند. این جانب و شیخ نصرالله خلخالی جرأت نداشتیم این گونه صریح و با این مقدمه مطلب را بیان کنیم. کلام مرحوم میرزا (قدس سره) آن چنان در دل شخص جای گرفت که ضمن آنکه سر خود را پایین انداخت، در حال فکر کردن خداحافظی کرد. بعد از آنکه شخص رفت، به مرحوم میرزا (قدس سره) گفتیم: «ما شاء الله، شما خیلی خوب نصیحت کردید.» مرحوم میرزا (قدس سره) گفتند: «باید تذکر داد و گفت. شاید واقعاً حکم را نمی دانند، خدا هدایتشان کند.» در هر حال ما این لباس را به تن کردیم که دین را به مردم بفهمانیم.

ان شاء الله موجب شویم تحوّل در آن ها ایجاد شود و نباید ترس داشته باشیم. مردم عوام جاهل هستند، اگر ما آنان را آگاه نکنیم، فردای قیامت مسئول خواهیم بود.^{۱۴۸}

۱۴۸- به دست کردن انگشت طلا، برای مردان حرام بوده و موجب بطلان افعال عبادی خواهد شد و به این نکته علمای اسلام تأکید بسیار نموده و حتی در کتب فقهی، حدیثی خود ابوابی به نام «فیما یحرم الصلاة فیه من اللباس» تدوین کرده اند و با استناد به روایاتی حرمت پوشیدن طلا را اثبات کرده اند. از جمله: علامه حلی در کتاب تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۱۹۷ می نویسد: «تبطل الصلاة في خاتم ذهب» و این کلام علامه حلی برگرفته از حدیث رضوی است که علی بن بابویه در فقه الرضا، ص ۱۵۷ چنین نقل می کند: «.. ولا تصل في جلد الميتة علی کل حال ولا في خاتم ذهب» اما اینکه علت حرمت پوشیدن طلا برای چیست؟ مانند بسیاری از احکام شرعی، تعبیدی می باشد ولی در بعضی از روایات به حکمت حرمت آن اشاره شده، چنانکه

زیارت قبور گذشتگان

مرحوم میرزا(قدس سره) و زیارت قبور

از اعمالی که مرحوم میرزا(قدس سره) بر آن مراقبت می کرد و هر هفته به انجام آن مقید بود، زیارت قبور بود، ایشان می فرمود: اموات به حسنات احتیاج دارند و سر زدن به قبرستان و یاران اموات که دستشان از دنیا کوتاه است، علاوه بر تأثیر در وجود شخص، شاد کردن روح آن خفتگان را در پی دارد و یاد کردن آن ها و خواندن قرآن یا فاتحه روحشان را شاد می کند و تأثیر بسیار زیادی بر خود شخص زائر دارد. ایشان(قدس سره) همیشه مقید در رفتن به قبرستان (جهت زیارت اهل قبور) بودند؛ چه آن زمان که در نجف بودند، هر روز به وادی السلام نجف تشریف می بردند و چه آن زمان که در قم بودند به قبرستان شیخان، قبرستان علی بن جعفر(علیه السلام)، قبرستان نو، ابوحسین و وادی السلام جهت قرائت فاتحه و زیارت اهل قبور تشریف می بردند و می گفتند: به زیارت اموات بروید که درس و عبرتی است و انسان را از گناه دور می کند. ما نیاز داریم تا با رفتن به زیارت اهل قبور درس و عبرتی بگیریم و بتوانیم حب دنیا را از دل خود خارج کنیم و متوجه شویم که عاقبت امر ما همین يك متر و نیم جاست که باید پاسخگوی همه‌ی اعمال خود باشیم.^{۱۴۹}

زیارت قبور گامی به سوی سازندگی

میرزای تبریزی(قدس سره) و تقید به زیارت قبور

سلیمان کوفی در کتاب «مناقب الامام امیرالمؤمنین(علیه السلام)، ج ۱، ص ۳۵۱» می نویسد: پیامبر گرامی اسلام در ضمن نصیحتی به امیرمؤمنان(علیه السلام) فرمود: «یا علی انی احب لك مثل ما احب لنفسی و... لا تلبس خاتم الذهب، فانها زینتک فی الآخرة...» مرحوم میرزا(قدس سره) با درایت و بزرگواری شخص مذکور را متنبه کرد که دچار اشتباه بزرگی شده ای که زینت آخرت را در این سرای فانی، خاک آلود می کنی.

۱۴۹- استحباب زیارت قبور، اجماعی است عند الفریقین، قال علامه فی تذکره، ج ۲، ص ۱۲۸: يستحب للرجال زیارة مقابر المؤمنین اجماعاً، لان النبی (صلی الله علیه وآله) قال: کنت نهیتکم عن زیارة القبور، فزوروا تذکرکم الموت، وحتى ابن حزم در المحلی، ج ۵، ص ۱۶۰ مسأله ۶۰۰ می گوید: «ونستحب زیارة القبور، وهو فرض ولو مرة، ولا بأس بان یزور المسلم قبر حمیمة المشرك، الرجال والنساء سواء» توجه به قبر و قیامت مسأله بسیار مهمی است که خداوند متعال در قرآن مجید ۸ مرتبه از واژه‌ی قبر و مشتقات آن یاد کرده و درصدد آن بوده که ذهن مردم را به این مسأله معطوف دارد که (تُمْ أَمَاتَهُ فَأَقْبِرْهُ) (سوره‌ی عبس، آیه‌ی ۲۱) آدمی چون بمیرد، در قبر خواهد آرمید، پس باید مهبای پاسخ گویی نسبت به اعمال و افعالش باشد همان طور که مرحوم میرزا(قدس سره) بارها با قول و عمل خود، متذکر این مطلب می شدند که: (أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ) (سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷) زیارت قبور علاوه بر آنکه باعث یادآوری عاقبت امر و مکافات عمل می شود، فرجی است برای اموات که با قرائت آیاتی از قرآن و ادعیه وارده، عذاب از آنان برداشته می شود چنانکه در الکافی، ج ۳، ص ۲۲۹، ح ۹ از امام رضا(علیه السلام) نقل شده: «من اتی قبر اخیه ثم وضع یدیه علی القبر وقرأ انا انزلناه فی لیلة القدر سبع مرات أمن یوم الفزع الاکبر».

یکی از مواردی که فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) به آن اهمیّت می دادند و همواره به اطرافیان گوشزد می کردند، زیارت قبور بود. ایشان چه ایّامی که در نجف اشرف و چه ایّامی که در قم بودند، مقبّد به زیارت قبور بودند و آن را برای سازندگی شخص، به خصوص طلاب، کارساز می دانستند. ایشان در نجف اشرف مکرراً به وادی السلام می رفتند و همچنین در قم بارها مشاهده شد که مرحوم میرزا (قدس سره) در قبرستان های مختلف شهر، مقبره‌ی قم نو، ابوحسین، وادی السلام، علی بن جعفر (علیه السلام)، شیخان، و... مشغول فاتحه خواندن هستند و همواره با عمل خود به دیگران درس می دادند و مردم به خصوص طلاب جوان با دیدن این منظره، سخت تحت تأثیر قرار می گرفتند. مرحوم میرزا (قدس سره) زیارت قبور را جهت سازندگی، نیل به مرتبه‌ی کمال، دوری از گناه، ایجاد سکینه در انسان و زندگی همراه با معنویت مؤثر می دانستند و همواره با زمزمه‌ی خود در کنار قبور می فرمودند: «سرانجام جایمان همین

جاست و ما را در يك متر و نیم طول و نیم متر عرض می خوابانند. آیا ارزش دارد که انسان آخرت خود را به دنیا بفروشد!» و می فرمودند: تا دیر نشده، باید در دنیا برای آخرت خود تلاش کرد و معنویت کسب نمود، خود را بسازید که فردا دیر است. خود را چیزی حساب نکنید، بنده‌ی مطیع باشید و با عشق و علاقه در جهت نیل به معنویت گام بردارید. بهترین وسیله، توسّل است؛ توسّل به اهل بیت (علیهم السلام) که «سفینه‌ی نجات» می باشند. اگر آن ها نظری کنند و بخواهند، خداوند متعال توفیق خواهد داد و امید است خداوند رحمان به همه‌ی ما توفیق دهد تا با معرفت، از این دنیا برویم و برای آخرت خود چیزی ذخیره کنیم تا ضمن آنکه حسرت نخوریم، ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) نیز منجی ما باشند، ان شاء الله تعالی.»^{۱۰۰}

توجه به اموات

۱۰۰- مسأله‌ی مرگ و مردن از مسأله‌ی است که به هیچ وجه قابل انکار نیست. با این وجود خداوند سبحان در قرآن مجید هشت مرتبه با عبارت مختلف می فرماید: (كُلُّ نَفْسٍ دَائِقَةٌ الْمَوْتِ) (سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۸۵) (اینکه خداوند بر این مسأله‌ی بدیهی و مسلم چنین تأکید کرده و می فرماید: (وَوَفَّيْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ) (سوره‌ی زمر، آیه‌ی ۷۰) به خاطر این است که انسان موجودی فراموش کار و ناسپاس است. به همین جهت خداوند با ذکر این آیات نهایت لطف و رحمت خویش را متجلی ساخته و حضرات معصوم (علیهم السلام) نیز با بیان ثواب و فواید زیارت قبور انسان را به سمت و سوی حقیقت و واقع گرایی سوق می دهند. در همین راستا مولای متقیان فرمود: «زوروا موتاكم فانهم يفرحون بزيارتكم وليطلب احدكم حاجته عند قبر ابیه وعند قبر امه بما يدعو لهما». (الكافی، ج ۳، ص ۲۳۰) و مرحوم میرزا (قدس سره) نیز با تأسی به کلمات وحیانی و نورانی به زیارت قبور رفته و با این کار به ما درس عاقبت اندیشی می داد و می فرمود: به یاد آن لحظه‌ی ای باشید که (وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ) (سوره‌ی ق، آیه‌ی ۲۱) این سائق و شهید تمام اعمال و افعال ما را ثبت می کنند و در کتابی می نویسند و در محشر کبری به ما می گویند: بخوان کتابت را. (وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْمَنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخِرَ لَهُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا * أَقْرَأُ كِتَابِكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا) (سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱۴) و ایشان می فرمودند: بهترین راه برای یاد آخرت، زیارت قبور است.

تأکید مرحوم میرزا (قدس سره) بر خواندن یاسین برای اموات

فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) همیشه برای زیارت اموات به قبرستان های واقع در شهر مقدّس قم می رفتند و زمانی که نجف اشرف بودند، با اموات وادی السلام انس خاصی داشتند، ایشان اواخر عمر به خاطر ضعف شدید با فرزند خود و بعضی افراد جهت زیارت اهل قبور به قبرستان تشریف می بردند.

فاضل محترم حجّت الاسلام شیخ غلامحسین فشارکی می گوید: در یکی از روزها، که توفیق یافتم در کنار آقا به زیارت قبور بروم، مشاهده کردم که مرحوم میرزا (قدس سره) سوره ی «یاسین» می خواندند و در همان زیارت اهل قبور رو به فرزند خود (حاج صادق تبریزی) کردند و گفتند: «فرزندم! بعد از من برایم سوره ی «یاسین» بخوانید.» آن گاه از جیب خود مبلغی را خارج کرده و به قرآن خوان قبرستان دادند و گفتند: «چند سوره ی «یاسین» برای اموات، علماء و اشخاص مدفون در این مکان به خصوص دوستان و عزیزانی که با من رفیق یا همدرس بودند، بخوان.» در طول حیات ایشان بارها شنیده شد که می فرمودند: «اموات به دعا و خیرات نیاز دارند. مرا در قبر فراموش نکنید، مرا یاد کنید و برایم سوره ی «یاسین»^{۱۵۱} بخوانید.»

مرحوم میرزا (قدس سره) در تمام لحظات عمر پربارشان به یاد مرگ بودند و بارها می فرمودند: کاری نکنید که در قبر پشیمان شوید، برای خود اعمال خیر و حسنات ذخیره کنید که فردا دیر است.

۱۵۱- سوره ی یاسین دارای جایگاه ویژه ای است که در روایات از آن به عنوان قلب قرآن یاد شده که حتی عامه نیز به مقام رفیع این سوره ی مکی بر دیگر سوره اعتراف داشته و احمد در مسند، ج ۵، ص ۲۶ آورده: «ویس قلب القرآن لا یقرؤها رجل یرید الله تبارک وتعالی والدار الآخرة الا غفر له واقروها علی موتاکم» و شیخ صدوق در ثواب الاعمال، ص ۱۱۱ می فرماید: «عن ابی عبد(علیه السلام) قال: ان لكل شیء قلباً وان قلب القرآن یس ومن قرأها قبل ان ینام... من المحفوظین والمرزوقین...» بدین جهت قرائت این سوره ی شریفه بر سر قبور ثواب زیادی برای قاری، سامع و اموات دارد. چنانکه امام صادق (علیه السلام) در ضمن بر شمردن آثار و برکات این سوره می فرماید: کسی که این سوره را بخواند خداوند هزار ملک را محافظ او قرار خواهد داد و اگر در آن روز بمیرد، سی هزار ملک در تشییع او حاضر شده و طلب استغفار می کنند، وقتی در قبر گذاشته می شود، قبر وی وسیع گشته و از فشار قبر ایمن می گردد «و... ان مات فی یومه ادخله الله الجنة وحضر غسله ثلاثون الف کلهم یستغفرون له ویشیعونه الی قبره بالاستغفار له فاذا دخل فی لحدہ کانوا فی جوف قبره یعبدون الله وثواب عبادتهم له وفسخ له فی قبره مدبصره وأومن من ضغطة القبر ولم یزل له فی قبره نور ساطع الی عنان السماء...» (ثواب الاعمال، ص ۱۱۱) بر همین اساس مرحوم میرزا (قدس سره) دائماً تأکید داشتند که بعد از رحلتشان بر سر مزار مطهر ایشان سوره ی یاسین قرائت شود. روحش شاد و یادش گرامی باد که در حیات پربار خود مقدمات سفر ابدی خویش را فراهم می نمود و به دیگران تذکر می داد.

مهیا شدن برای لقاء یار

مرحوم میرزا (قدس سره) و زیارت آخر ایشان بر قبور

فاضل محترم حجّت الاسلام غلامحسین فشارکی و دو فرزند فقیه مقدّس راحل، دکتر کاظم تبریزی و حاج صادق تبریزی می گویند: توفیق یافتیم تا در معیت فقیه راحل، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) به قبرستان «ابوحسین» قم نو مشرف شویم. بعد از ورود به قبرستان ابوحسین، مرحوم میرزا (قدس سره) شروع به صحبت کردن با بعضی از اموات بقعه های مختلف نمودند. ایشان بر سر قبر بعضی از بزرگان حاضر می شد و همان گونه که زمزمه می کرد، اشک می ریخت. ایشان بر سر قبر مرحوم آیت الله میرزا کاظم تبریزی (قدس سره) حاضر شد و با چشم های گریان فرمود: ای مرحوم میرزا کاظم (قدس سره)! در دنیا مظلوم بودی؛ اما الان در بهترین جا به سر میبری.» و آن گاه قدم زد و بر سر قبر مرحوم آیت الله العظمی کوی (قدس سره) حاضر شدند و ضمن اشک ریختن فرمودند: «مرد بسیار پاک و مقدّسی بود. ما در تبریز پای منبر این عالم بزرگوار حاضر می شدیم و استفاده می کردیم و او منبر عالی ای داشت.» آن گاه مرحوم میرزا (قدس سره) همان طور که برای همه فاتحه می خواندند، بر سر قبور علمای تبریز مدفون در آن بقعه حاضر شدند و فاتحه خواندند و یادی از دوستان دیرینهی خود؛ همچون آیت الله اهری (قدس سره) و آیت الله شیخ رضا توحیدی (قدس سره) به میان آوردند. سپس قدم برداشتند و بر سر قبر شیخ علی عبایی تبریزی (رحمه الله) که از دوستان و وعاظ تهران بودند، حاضر شده و آن گاه شروع به زمزمه کردند و ضمن گریهی شدید فرمودند: «مرحوم عبایی! کجایی! رفیق خوبی بودی. خدا تو را رحمت کند ان شاء الله تعالی.»

ایشان بر سر تك تك قبور علماء حاضر شدند و ضمن فاتحه خوانی، با آنان صحبت می کردند و بعد از اینکه وارد حیاط قبرستان شدند، بر سر قبر حاج یعقوب ایپکچی (رحمه الله)، یار دیرین و دوست صمیمی خود حاضر شدند و ضمن ریختن اشک فراوان کلماتی می گفتند که به دلیل شدت گریه، حرف های مرحوم میرزا (قدس سره) مفهوم نبود. ایشان می فرمود: «این دوست من حاج یعقوب کسی بود که تذکره ی کربلا را برای من گرفت و من به واسطه ی لطف صاحب این قبر، موفق به رفتن به نجف شدم و درس خود را در آن سرزمین مقدّس، در جوار حرم ملکوتی حضرت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) ادامه دادم. صاحب این قبر (حاج یعقوب) عاشق امام حسین (علیه السلام) بود. با اینکه وضع مالی او خوب بود، می گفت: هیچ چیز در عالم لذتتش به اندازه ی حاضر شدن در شب جمعه زیر قبه ی امام حسین (علیه السلام) نیست.» آن گاه مرحوم میرزا (قدس سره) از سر قبر مرحوم ایپکچی (رحمه الله) بلند شدند و به سمت آخر قبرستان که محل دفن عده ای از علمای بزرگ تبریز بود، حرکت کردند؛ ایشان به گونه ای با اهل قبور درد دل می کردند که گویا خودشان را جهت ملاقات آنان مهیا می کند و

آن گاه مرحوم میرزا(قدس سره) در قبرستان نو بر سر قبر مرحوم آیت الله شیخ محمد علی توحیدی(قدس سره) حاضر شدند و ضمن اشک ریختن فرمودند: «ایشان جای مناسبی دفن نشده است! مرحوم، شخص جلیل القدری بود، خدا رحمتش کند.» این زیارت قبور آخرین زیارت ایشان بود و مرحوم میرزا(قدس سره) بعد از يك ماه به ایزد منان پیوستند، ایشان قبل از رحلت تمام کارهای خود را منظم کرده و احساس می کردند که کم وقت هجرانشان فرا می رسد. ایشان به نحوی کارهای خود را مرتب کرده بودند، به طوری که ورثه‌ی آن مرحوم(قدس سره) هر کاری را که می خواستند انجام دهند مشاهده می کردند که مرحوم میرزا(قدس سره) فکر آنجا را هم کرده و در آن خصوص ارشاد نموده است.

زیارت اموات

اموات وادی السلام و یاد کردن مرحوم میرزا (قدس سره)

فاضل محترم سید محمود غریفی بحرانی می گوید: مدتی ساکن قم بودم، اما بعد از سقوط نظام منفور عراق، در نجف اشرف مستقر شدم. يك شب مشتاق زیارت وادی السلام نجف شدم و شب هنگام به سوی آن قبرستان روان شدم. داخل وادی السلام در کنار ایوان نشسته بودم. در حالی که آرامش عجیبی احساس می کردم، صدای زوزه‌ی باد شب و سکوت قبرستان مرا متوجه صدایی کرد. هرچه به دور و بر نظر کردم چیزی مشاهده نکردم، اما به این نتیجه رسیدم که همه‌ی اموات است؛ زیرا شنیده بودم که در وادی السلام نجف گاهی صدای اموات شنیده می شود. دقت کردم که ببینم در چه موردی گفتگو می کنند. دیدم که از مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) یاد می کنند. بسیار متعجب شدم. میرزا کجا، نجف کجا! و این واقعه ذهن مرا مشغول کرد و منتظر بودم که به ایران سفر کنم و قضیه را با خود میرزا (قدس سره) مطرح نمایم.

فاضل محترم سید محمود غریفی می گوید: به ایران آمدم و موضوع را به آقازاده‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) در میان گذاشتم و از ایشان جواب آقا (قدس سره) را خواستم. ایشان مرا نزد آقا (قدس سره) بردند و من واقعه را برای مرحوم میرزا (قدس سره) تعریف کردم. اشک در چشم ایشان حلقه زد و فرمود: «یا وادی السلام! یا وادی السلام!» و در حالی که اشک از چشمان مبارکشان سرازیر شد، فرمودند: «تا زمانی که نجف بودم، هر روز به وادی السلام مشرف می شدم و برای اهل قبور فاتحه و قرآن می خواندم و آن ها هنوز مرا یاد می کنند.»^{۱۰۲}

۱۰۲- وادی السلام جنت دنیاست که ارواح مؤمنین و مؤمنات به آنجا می روند، «ان ارواح المؤمنین تأوی فی مدة البرزخ الی جنة الدنيا و...» (الفصول، ج ۱، ص ۹۴) شاید اشکال شود که ارواح چگونه به وادی السلام می روند؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ما من مؤمن یموت فی شرق الارض وغربها الا وحشر الله روحه الی وادی السلام». (بحار، ج ۹۷، ص ۲۳۴) در اینجا این سؤال مطرح می شود که وادی السلام مگر چه ویژگی داشته که به این مقام والا نایل آمده، در روایات اسلامی به گوشه ای از فضایل این قبرستان در پشت کوفه قرار دارد اشاره شده از جمله: ۱- میعادگاه پیامبر اسلام و حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است: «قال رسول الله (صلی الله علیه وآله) یا علی (علیه السلام): انت اخی ومیعاد ما بینی وبینک وادی السلام». (الکافی، ج ۳، ص ۱۳۲) ۲- مأمن و جنت ارواح مؤمنه است که روایتش ذکر شد. ۳- امام زمان (علیه السلام) از وادی السلام عبور کرده و به مسجد سهله می رود. «قال امیرالمؤمنین (علیه السلام) فی صفة القائم (علیه السلام) کاننی به قد عبر من وادی السلام الی مسجد السهله». (دلایل الامامة، ص ۴۵۸) ۴- محل عبور پیامبر در شب معراج بوده: «لقد صلی من مسجد الکوفة رسول الله (صلی الله علیه وآله) حیث انطلق به جبرئیل علی البراق، فلما انتهى به الی وادی السلام وهو ظهر الکوفة». (بحار، ج ۱۸، ص ۳۸۴) و دیگر دلایل که باعث تمایز وادی السلام نسبت به سایر بقاع شده است، بر همین اساس مرحوم میرزا (قدس سره) علاقه‌ی وافری به وادی السلام داشت و تا زمانی که در نجف اشرف بود به زیارت قبور وادی السلام می رفتند.

غیبت ممنوع

ممانعت میرزا(قدس سره) از صحبت کردن بر علیه دیگران

در محضر مبارک فقیه مقدّس، مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) هیچ گاه مشاهده نشد که ایشان اجازه دهد از کسی صحبت شود که آن شخص در آن مجلس حضور نداشت و اگر مسایل مهمی خدمتشان مطرح می شد، مسئله بدون نام مطرح می گردید و ایشان جواب می دادند، البته از جهتی مرحوم میرزا(قدس سره) ذکر نام کسانی که در مسایل اعتقادی شبهه وارد می کردند را می پرسیدند و در مقابل آن ها موضع می گرفتند.

بسیار اتفاق می افتاد که از محضر این مرجع خبیر، درباره ی اشخاصی سؤال می شد که احیاناً دارای عقاید منحرف و اعتقادی باطل دارند؟ ایشان در جواب با صراحت و بدون در نظر گرفتن مصالح دنیوی، می فرمودند: از چنین اشخاص گمراهی باید دوری جست و از مراوده و مجادله جداً پرهیز نمود.

در حوزه معروف بود که ایشان به سرعت جلوی شبهات را می گیرند و قلمشان برای جواب آماده است و بسیاری از کسانی که در حوزه انحراف عقایدی داشتند، از ترس مرحوم میرزا (قدس سره) نمی توانستند آرای مسموم خود را در حوزه مطرح کنند؛ زیرا

می دانستند که میرزا (قدس سره) مقابل آنان خواهد ایستاد. مرحوم میرزا (قدس سره) صریح جواب می دادند و از چیزی باک نداشتند و می فرمودند: «باید نوشت و گفت تا افراد عوام گول نخورند، ما وظیفه داریم هر طور شده آن ها را آگاهی دهیم؛ به خصوص در مسایل اعتقادی که امروز نسبت به آن هجمه شده است.» و متأسفانه بعد از رحلت آن فقیه فرزانه، خلأ وجود ایشان احساس می شود و بعضی افراد از فقدان مردی که چون سدی سدید در مقابل شبهات می ایستاد، سوء استفاده کرده و با تمام توان افکار غلط خود را مطرح می کنند^{۱۰۳} و چه محسوس است فقدان آن عالم فرزانه ای که شجاعانه در مقابل انحرافات ایستادگی می کرد؛ سرباز همیشه مسلح خاندان اهل بیت(علیهم السلام) که هر لحظه آماده ی دفاع از حریم ولایت بود ولی در غیر این موارد اجازه نمی داد نام اشخاص دیگر در مجلسشان برده شود و در مورد آنان صحبتی به میان آید. ایشان در طول عمر پر برکت خود بر همگان که در اطراف او بودند، با عمل یاد داد که کاری به کسی نداشته باشند و فقط به فکر خود باشند که با درس گرفتن از لغزش های دیگران خود را بسازند و غیبت را پرتگاه خطرناکی می دانستند که می تواند انسان را از مسیر اصلی منحرف کند و توفیق را از انسان بگیرد به خصوص طلبه که می خواهد مراتب کمال را درک کند.

لذا با عمل به همگان یاد می داد که غیبت و صحبت از دیگران در مقابل من ممنوع است.^{۱۵۴}

۱۵۴- غیبت و تهمت از آفات بسیار بزرگی است که متأسفانه اکثراً به آن مبتلا می باشند. به همین جهت مرحوم میرزا (قدس سره) نه تنها با زبان، بلکه با سیره و سلوک عالمانه‌ی خود درس پرهیز و اجتناب از این گناه را می دادند که چون آتش خرمین دین و ایمان را به یغما برده و خاکستر می کند. «قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): الغيبة اسرع في دين الرجل المسلم من الاكله في جوفه». (الكافی، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۲۷۴۶) شخصی که غیبت می کند بنا به فرموده‌ی امام صادق (علیه السلام) مصداق شخصی است که خداوند می فرماید: «ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة في الدين آمنوا لهم عذاب اليم». (نور، آیه ۱۹؛ الكافی، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۲۷۴۷) مدلول این آیه شریفه و حدیث عظیمه دلالتی روشن بر این دارد که غیبت جز گناهان کبیره محسوب می شود. زیرا ملاک در تشخیص گناه از کبیره و صغیره، بنابر روایات وعده‌ی عذاب و عقوب الهی است. و این آیه تصریح می کند کسانی که خواهان اشاعه‌ی فحشاء و گناه باشند مورد لعن الهی قرار خواهند گرفت و آنکه از درگاه رحمت بی پایان خداوند محروم گشت، مسلماً جایی جز قعر جهنم برایش نخواهد بود.

ضلال

موقف مرحوم میرزا (قدس سره) در مقابل علی شریعتی

یکی از مواردی که فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) بدان حساس بود و سخت اشخاص را در این مورد نصیحت می کردند، انتشار افکار و کتب علی شریعتی بود. اگر شخصی به خصوص طلبه ای جوان خدمت آقا می رسید، ایشان در ضمن نصایحی می فرمود: چگونه شخصی جرأت می کند آن گونه به علمای بزرگ جسارت کند و حرف های بی محتوا و منحرف بزند.

هرگاه استفتایی در این خصوص خدمتشان می رسید، می فرمود: «خواندن کتب شریعتی باید ترك شود» و معتقد بودند که افکار امثال شریعتی امتدادی است از خطوط ضد سنت و مذهب بر حق تشیع، و توطئه ای برای جدا کردن جوانان عزیز از روحانیت اصیل و متدین. شخصی از ایشان در مورد افکار شریعتی سؤال کرده بود؟ ایشان فرمودند: افکارش باطل است و شما دین خود را از این گونه افراد نگیرید، بلکه افکار مذهبی و اعتقادی را باید از علمای بزرگی که عمر شریف خود را در دفاع از کیان تشیع و نشر علوم آل محمد (علیهم السلام) صرف نمودند، بگیرید. کلام روشنفکران عاقبت خوشی ندارد و آن ها با شعار روشنفکری می خواهند دین را با تفسیر غلط

خود بیان نمایند ولی موفق نشده و نخواهند شد. همچنین از مرحوم میرزا (قدس سره) در خصوص خواندن کتب علی شریعتی سؤال شد؟ ایشان فرمودند: «خواندن کتب این شخص ترك شود، مگر آنکه شخص بخواهد با خواندن آن ها افکار شریعتی را دریابد تا آن ها را رد کند.

مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) با برگزاری مراسم بزرگداشت برای چنین اشخاصی سخت مخالف بودند و می فرمودند: صرف از بیت المال برای این گونه افراد جایز نیست، شخصی که گاندی آتش پرست را به علامه ای مجلسی، این شخصیت بارز و مفخر تشیع ترجیح می دهد، آیا می تواند جایگاهی در نزد مؤمنین داشته باشد؟! و می فرمودند: معرفی این گونه افرادی که به اصطلاح امروز روشنفکر می باشند، جهت تغییر دین و انحراف آن به برداشت های غلط خودشان است، ولی آن ها از مسئله غافلند و هیچ گاه به آن نرسیده و آن را درك نخواهند کرد که صاحب این مذهب حضرت ولی عصر (علیه السلام) می باشد و خود حافظ و نگهبان آن است و کسی نمی تواند دین را به تفسیر غلط خود، تغییر دهد. در طول تاریخ، افرادی سعی کرده اند با ترویج افکار باطل، موجب خدشه در صفوف مؤمنین و آسیب رساندن فکری به حوزه و دور کردن مردم از صفوف علمای اعلام شوند، اما

نتوانسته اند و حتی ذره ای موفق نشده اند، امروز این مذهب بر حق با عنایت و توجّه حضرت ولیّ عصر (علیه السلام) از دسیسه و القای شبهات دور مانده و خواهد ماند، ان شاء الله تعالی.^{۱۰۰}

۱۰۰- کسانی که به اصطلاح روشنفکرند و درصدد تغییر دین هستند و می خواهند دین را از حالت سنتی و قدیمی خود خارج و به اصطلاح مدرنیته کنند، از دو حال خارج نیستند یا بر اساس هوا و هوس سخن می گویند و در پی کسب پست و مقامی می باشند، یا اصلاً با دین و تدین مخالفت دارند، تفسیر صحیح دین، کاری نیست که هرکس از عهدهی آن برآید، کسی می تواند دین و شریعت را بر وجه صحیح تبیین کند که سالیان متمادی در آثار و اخبار غوص نموده و با تحقیق و تدقیق در آیات و روایات به ژرفای آن پی برده باشد. بر همین اساس در روایات بی شماری حضرات معصوم (علیهم السلام) مردم را از تفسیر به رای منع کرده و به آنان فرجام بد آن را تذکر داده و فرمودند: هر که تفسیر به رای نماید، اگر چه مطابق با واقع باشد، مخطی محسوب می شود. «عن النبی (صلی الله علیه وآله) قال: من فسر القرآن برأیه فاصاب الحق فقد اخطأ» (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۰۵) و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در روایتی دیگر فرمود: کسی که بدون علم قرآن را تفسیر کند، جایگاهش آتش جهنم است. «من قال فی القرآن برأیه او بغير علم، فلیتبوأ مقعده فی النار» (مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۳۷). با در نظر گرفتن روایات مذکور می توان به عمق فاجعه تفسیر به رای و روشنفکری کاذب پی برد، از همین رو استاد الفقهاء والمجتهدین میرزا جواد تبریزی (قدس سره) سخت با این گروه مخالف بود و در مقابل افکار پوچ آنان می ایستاد.

کتاب ضلال، حکم قرآن بر سر نیزه را دارد

مرحوم میرزا (قدس سره) در مواجهه کتاب ضلال

یک روز یکی از طلاب خدمت فقیه مقدّس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) رسید و گفت: من تعدادی کتاب از تألیفات فلان شخص (منحرف و دارای مطالب شاذ و مخالف مسلمات مذهب) دارم و بعد از فتوای شما در مورد کتب او که فرمودید: این ها کتاب ضلال است، تصمیم گرفته ام آن ها را از کتابخانه‌ی خود خارج کنم. آیا لازم است که اسماء جلاله را از آن خارج کنم و بعد آن را معدوم سازم؟ مرحوم میرزا (قدس سره) فرمودند: «لازم نیست! کتاب ها را به همین صورتی که هستند در سطل آشغال بینداز.» این طلبه بسیار متعجب شد؛ زیرا این کتب حاوی اسماء جلاله بود و از این رو از ایشان سؤال کرد به همان شکل آن ها را در سطل آشغال بیندازم؟! مرحوم میرزا (قدس سره) فرمودند: کتاب ها را در سطل آشغال بینداز و نگران نباش، این کتب، حکم قرآنی دارد که در جنگ صفین بر سر نیزه بالا برده شد. لشکر معاویه آن گاه که خود را در مقابل لشکر حق در محاصره دیدند، تصمیم گرفتند با ظاهرسازی، قرآن را بر سر نیزه ببرند تا احساسات موحدین را تحریک کنند؛ ولی حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمود: قرآن ناطق من هستم. قرآن را با تیر هدف قرار دهید که قرآن بدون ما معنا ندارد و این قرآن بر سر نیزه اوراقی بیش نیست.»^{۱۰۶} این حرف مرحوم میرزا (قدس سره) واقعاً

۱۰۶- مرحوم میرزا (قدس سره) این پیر دلسوخته‌ی اهل بیت (علیهم السلام) برای اثبات کلام خویش در انعدام کتب چنین اشخاصی بدون محو اسماء جلاله به قضیه جنگ صفین و قرآن بر نیزه کردن تمسک جست تا در این راستا شمه‌ای از مظلومیت مولای متقیان را تذکر دهد که چگونه وقتی آتش جنگ بین سپاه امام (علیه السلام) و شامیان شعلهور گشت و در شب لیلة الهربیر، لشکر امیر المؤمنین (علیه السلام) ضربه‌های کاری و نهایی را بر سپاهیان شام وارد ساختند، معاویه قصد فرار داشت، به دستور عمر و عاص قرآن بر سر نیزه زدند تا کوفیان را از پیشروی باز دارند که با این حیل، جان سالم به در بردند. کوفیان سست عنصر چون چنین دیدند از ادامه‌ی نبرد منصرف شدند و تلاش اول مظلوم تاریخ هم مثمر ثمر واقع نشد، و این درد بزرگ و جانکاهی است که در اوراق تاریخ برای همیشه ثبت شد که چگونه امیرمؤمنان مجبور به قبول حکمیت شدند، حضرت در نامه‌ای به معاویه مرقوم فرمود: «... ثم انک قد دعوتنی الی حکم القرآن، ولقد علمت انک لست من اهل القرآن ولا حکمه ترید، والله المستعان». (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۱۱۸) این نامه تاریخی امام همام (علیه السلام) اوج مظلومیت و غربت حضرت را بیان می‌کند، او که خود قرآن ناطق و مفسر آن است، چگونه باید به خواسته‌ی کسی تن در دهد که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) او و پدر و برادرش را لعن فرموده است: «اللهم العن الراكب والقائد والسائق» (الغدیر، ج ۱۰، ص ۱۶۸) و در روایتی دیگر حکم به قتل او داده و فرمود: «اذا رأیتم معاویة علی منبری فاقتلوه» (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۱۷۶) و نهایتاً فرمود: «... معاویة فی النار» (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۲۵۸) در حالی که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در شأن و مقام حضرت فرمود: «من کنت مولاة فهذا - فعلی - مولاة. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه والعن من انکره و...» (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۸۹ و ج ۶، ص ۱۶۸ و ج ۱۲، ص ۸۸) این چه ظلم و تعدی است که معاویه مرتکب شده که بعد از گذشت ده ها قرن هنوز ندای مظلومیت وصی بر حق رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به گوش جان می‌رسد.

اطرافیان را تحت تأثیر قرار داد و این طلبه بسیار خوشحال شد که مشکل او حل گردید. با تشکر از
میرزا(قدس سره)خارج شد در حالی که زمزمه می کرد: مرحوم میرزا(قدس سره)نوری است از ولای اهل
بیت(علیهم السلام)، خدا چه نعمتی را نصیب ما کرده و ما خبر نداریم.

چگونه باید باشیم تا امام زمان (علیه السلام) از ما راضی باشد

نصایح میرزای تبریزی (قدس سره) به طلاب

معمولاً طلاب جوانی که خدمت فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) می رسیدند، این سؤال را می پرسیدند که: «آقا! بفرمایید چه کار کنیم که کارهایمان مرضی ولی عصر (علیه السلام) باشد؟» مرحوم میرزا (قدس سره) قبل از هر چیزی به ظاهر طلاب نظر می کردند. اگر می دیدند که لباس آن ها مناسب طلبگی نیست یا موهایشان بلند است و یا فقط ته ریش دارند، با کمال محبت ابتدا به مشکل ظاهری آن ها پرداخته و می فرمودند: «اول شکل ظاهر را باید درست کرد. شما موظف هستید در جامعه طوری حرکت کنید که هیئت شما با سایر جوانان متفاوت باشد. موها باید کوتاه، ریش معمولی و لباس مناسب شأن باشد». آن گاه می فرمودند: اولاً طلبه باید به تکلیف خود که شامل حلال و حرام الهی است دقت کامل داشته باشد و با مسایل سرسری برخورد نکند که این قدم اول سازندگی است.

در ثانی هر کاری را که می خواهد انجام دهد، برای خدا باشد؛ یعنی با توکل به ایزد مَن کار را برای رضای خدا انجام دهد و جز خدای متعال چیز دیگری را مدّ نظر نداشته باشد. اگر کار خالصانه برای خدا انجام گرفت، نتیجه خواهد داد و خدا در مقابل آن اخلاصی که در عمل صورت می گیرد، درجه داده و شخص را به مرتبه ای والا خواهد رساند. نکته‌ی دیگر اینکه ولای به اهل بیت (علیهم السلام) باید همواره مدّ نظر باشد و با اخلاص کامل به ساحت مقدّس آنان عرض ادب کرده و کاری کند که رضایت آن ها در آن کار باشد و با زبان و عمل خود محبت خویش را به آنان ابراز کرده و در مقابل شبهات بایستد و از مظلومیت آنان دفاع کرده و حامی واقعی مذهب باشد.

نکته‌ی دیگری که مرحوم میرزا (قدس سره) به طلاب جوان تذکر می دادند، درس خواندن آنان بود که طلبه باید تمام وقت خود را جهت درس خواندن صرف کرده تا بتواند به دین خدمت کند. اگر طلبه درس نخواند و شب و روز خود را به مسایل دیگر بگذراند، نه تنها خدمت به دین نخواهد کرد؛ بلکه ضربه هم خواهد زد.

مورد دیگری را که مرحوم میرزا (قدس سره) به آن توصیه می کردند، توجّه به معنویات در کنار درس بود. ایشان می فرمود: زمانی که ما در مدرسه‌ی فیضیه بودیم، نیمه شب (جهت نماز شب) مسجد مدرسه مملوّ از طلبه می شد به طوری که اگر يك نفر غریبه وارد می شد، از کثرت حضور طلاب، تصور می کرد که وقت نماز صبح است، طلاب به شب زنده داری و تهجد بسیار مقید بودند.

طلبه باید در جهت معنویت و خودسازی گام بردارد و از توسّل به اهل بیت (علیهم السلام) دریغ نکند. مرحوم میرزا (قدس سره) معتقد بود که نیمه شب وقت مزد گرفتن است؛ از این رو خودشان نیمه شب ها با

خدای خود راز و نیاز می کردند و با معبود، پیوند قلبی خاصی داشتند که حرکت نیمه شب ایشان و تهجد در حرم مطهر و مسجد امام حسن عسکری(علیه السلام) زبازد طلاب بود.

نکته‌ی دیگری که ایشان بدان بسیار اصرار داشتند، این بود که می فرمودند: طلبه علاوه بر آنکه باید زرنگ باشد، باید با تواضع و افتادگی حرکت کند؛ خود را کسی حساب نکرده و با خلوص کامل به درس و بحث خود مشغول شود. اگر خود را کسی فرض کرد، به جایی نخواهد رسید.

یکی دیگر از نکاتی که مرحوم میرزا (قدس سره) به طلاب جوان توصیه می کرد، مشغول شدن به کتب سنتی حوزه و خارج نشدن از چهار چوب آن کتب بود. ایشان با روش های نوین حوزوی سخت مخالف بودند و می گفتند: طلبه باید مانند قدیم، همان روش را در پیش بگیرد که آن کتب انسان را «ملا» می کند. ایشان با تغییر کتب حوزه موافق نبودند و معتقد بودند طلاب ضمن خواندن دروس قدیم باید آزاد باشند تا هر کس نسبت به استعداد و توانایی خود درس بخواند و با بردن دروس به مدارس سخت مخالف بودند، ایشان تا در قید حیات بودند بارها مخالفت خود را با این روش اعلام کردند و معتقد بودند طلاب باید بر طبق استعداد خود سر درس حاضر شوند تا بتوانند استفاده‌ی کامل را ببرند.

آن ها باید به درس های مختلف سر بزنند تا اگر درسی را که مفید و مطابق با استعداد خود تشخیص دادند در آن شرکت کنند.

نصایح

میرزای تبریزی (قدس سره) و سفارش به طلاب

طلاب به خصوص طلاب جوان همواره سؤال می کردند: چه عاملی باعث شد که مرحوم میرزا (قدس سره) به این درجه‌ی رفیع از علم و معرفت نائل آمد، و توانستند با تربیت هزاران طلبه‌ی متدین و فاضل، تحوّل عظیمی در حوزه ایجاد نمایند؟ برای رسیدن به مقامات والای معنوی و درک حقیقت عبودیت و بندگی، انسان باید در مسیر خودسازی چند ویژگی خاص را سرلوحه‌ی هدف و آرمان خویش قرار بدهد؛ از جمله آن سحرخیزی و تهجد می باشد. یکی از خصایل مرحوم میرزا (قدس سره) سحرخیزی ایشان بود. این مرد بزرگ، دو ساعت قبل از اذان صبح بیدار می شدند و در نیمه شب برای عبادت و ارتباط با پروردگار و شب زنده داری و تهجد به حرم مطهر مشرف می شدند و آن زمان را جهت ارتباط معنوی با پروردگار، مناجات و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) اختصاص داده بودند. هرکس ایشان را نیمه شب در حرم مطهر یا مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) مشاهده می کرد، درس ها می گرفت. ایشان همواره می فرمودند: «به طلبه ها بگویید سحرخیز باشند که روزی ها در آن ساعات تقسیم می شود». یکی دیگر از خصوصیات مرحوم میرزا (قدس سره) این بود که واقعاً مانند يك جوان به درس و بحث اهمیت داده و اجازه نمی دادند که خستگی ناشی از کهولت سن لحظه ای از وقتشان را ضایع کند. در طول شبانه روز و تا آخرین لحظات عمر با جدّیت درس و بحث داشتند و همواره می فرمودند: «از درس خواندن مأیوس نشوید و در امر تحصیل از خدا کمک بخواهید و اهل بیت (علیهم السلام) را واسطه قرار دهید.» جدّیت مرحوم میرزا (قدس سره) موجب شده بود که صدها طلبه‌ی فاضل و مؤمن را از خوان گسترده‌ی علم و خرد خویش مستفیض کرده و طلاب حوزه را سال ها اشباع نمایند.

توکل مرحوم میرزا (قدس سره) در شئون مختلف زندگی، زبانزد بود و همیشه اهل بیت (علیهم السلام) را در کارها واسطه قرار می دادند و به طلاب نصیحت می کردند که به حیل متین اهل بیت چنگ بزنید. اگر اهل بیت (علیهم السلام) عنایت کنند، امور حل می شود. ایشان می فرمود: آنان وسیله‌ی نجات ما در دنیا و آخرت هستند، وسیله ای که خدا فرموده: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»، همین اهل بیت (علیهم السلام) هستند؛ بنابراین شما برای موفقیت با خضوع و خشوع با آنان درد دل و به آنان توسل کنید.

فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: من در طول عمر فقیه مقدّس (قدس سره) ندیدم، ایشان حتی يك روزنامه بخواند و اگر به او می گفتند: حاج آقا! شما چگونه اخبار دنیا را می شنوید و از مسایل روز و مشکلات مردم و ظلمی که بر آن ها می گذرد، آگاه می شوید، می فرمود: «من به واسطه‌ی

رادیویی که دارم، خبردار می شوم». مرحوم میرزا (قدس سره) همان طور که در حال مطالعه بودند به رادیو گوش می دادند و از اخبار داخل و خارج اطلاع یافته و حاضر نبودند وقت خود را برای مطالعه‌ی روزنامه صرف نمایند و می گفتند: «نمی خواهم دیدگانم برای غیر از علوم آل محمد(صلی الله علیه وآله) صرف شود.»

یکی دیگر از مواردی که مرحوم میرزا (قدس سره) به آن اهمیت می دادند، نظم در کارها و وقت بود؛ به طوری که خانواده‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) می گفتند: ما از نظم آقا می توانستیم ساعت خود را تنظیم کنیم، ایشان برنامه‌ی شبانه روزی مشخصی داشتند که به واسطه‌ی این برنامه ریزی می توانستند از وقت خود به نحو احسن و اکمل استفاده نمایند.

یکی دیگر از خصوصیات مرحوم میرزا (قدس سره) تواضع و فروتنی بسیار بود. ایشان خود را بیش از يك طلبه حساب نمی کردند و می فرمودند: «من يك طلبه هستم و همیشه يك طلبه خواهم ماند و من هیچ گاه فکر نکرده و نمی کنم که مرجع هستم؛ لذت طلبگی از همه‌ی لذت‌ها بالاتر است. من يك طلبه هستم و تا آخر عمر به شکل يك طلبه زندگی خواهم کرد.» ایشان اصلاً راضی نبودند کسی به عنوان مرجع از ایشان یاد کند حتی بارها در مجالس روضه، وقتی منبری نام ایشان را ذکر می کرد، ناراحت می شدند و می گفتند: منبر جای ذکر اهل بیت(علیهم السلام) است و می فرمودند: «اگر مرجعیت وظیفه‌ی الهی نبود، هیچ گاه آن را قبول نمی کردم و مانند سایر طلاب تمام وقت را مشغول تحصیل و تدریس بودم؛ ولی مرجعیت به عنوان يك وظیفه‌ی الهی بر دوش من قرار گرفت و امیدوارم خداوند به من توفیق دهد که به بهترین وجه به وظیفه‌ی خود عمل کنم.»

يك طلبه بايد براي رضای خدا حرکت کند

مرحوم میرزا(قدس سره) و لحاظ رضای پروردگار

فقيه اهل بيت، ميرزای تبریزی(قدس سره) در کارهای خود فقط رضایت خدا را مدّ نظر داشتند و می فرمودند: هر کاری می کنم فقط به جهت رضا و حبّ خدا و اهل بيت(عليهم السلام) است. بارها می فرمودند: من وقتی قلم را به دست می گیرم برای خدا می نویسم و امر را به خود خدای متعال وا می گذارم. از آن نمونه می توان به موضع گیری مرحوم میرزا(قدس سره) در جواب بعضی استفتائات اشاره کرد؛ ایشان شجاعانه در ردّ آن ها می کوشید و در مقابل انحرافات عقایدی ایستادگی می کردند، در شورای استفتاء می فرمودند: من وظیفه دارم که آنچه به واسطه‌ی تحصیل بدان رسیده ام، بیان کنم و ان شاءالله خداوند تبارك و تعالی و اهل بيت(عليهم السلام) عنایت خواهند کرد. من فقط طالب رضایت خداوند متعال و اهل بيت(عليهم السلام) هستم که رضایت آن ها رضایت خداست. ایشان وقتی بر کرسی درس یا در منزل مشغول مطالعه یا در شورای استفتاء و یا در حال حلّ مشکل مردم بودند هیچ توجّهی به اینکه چه خواهد شد، نداشتند و فقط می فرمودند: باید گام را برای خدا برداشت و کاری کرد که قلب امام زمان(علیه السلام) شاد باشد. ایشان تارك دنیا به معنای واقعی بودند و تا آخرین توان، خالصانه در مقابل انحرافات ایستادگی می کردند و تا آخرین نفس در مقابل مشککین و منحرفین ایستادگی نمودند و اجازه ندادند حوزه به واسطه‌ی القائنات آنان لوٹ شود ولی بعد از فقدان ایشان خلأ وجودیشان به وضوح نمایان است.

تهذیب نفس

میرزای تبریزی (قدس سره) و استفاده از فرصت ها برای خودسازی

یکی از ویژگی های فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره)، استفاده از موقعیت ها جهت خودسازی بود. ایشان علی رغم زهد و تقوایی که داشتند، همواره در حال تهذیب و تزکیه بودند و مرجعیت را صرفاً يك امتحان تلقی می نمودند. در مورد استفاده از فرصت ها جهت سازندگی، می توان به تهجّد، توسل های نیمه شب در حرم مطهر و مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام)، زیارت اهل قبور و راز و نیازهای طولانی ایشان اشاره کرد. این مرد ولایی با الگو قرار دادن خصایص حضرات معصوم (علیهم السلام) در طول حیات پر بارشان دائماً در حال خودسازی بوده و طلب جوان را اگر اهل هدایت می دیدند، نصیحت کرده و می فرمودند: «انسان باید همیشه به یاد مرگ باشد. خدای ناکرده غفلت نکند و تا فرصت هست باید جبران مافات کرده و برای خود توشه ای ذخیره نماید. يك طلبه ی جوان باید در همان دوران جوانی خود را به کمال برساند و طینت خود را با معنویات عجین کند و طوری خود را بسازد که هوای نفس نتواند بر او غلبه کرده و به گمراهی بکشد. اگر شخص جوان در مسیر تهذیب نفس و تزکیه تلاش کند خداوند متعال او را موفق خواهد کرد و به واسطه ی این عنایت الهی توفیق کسب می نماید و به مرتبه ی عالی می رسد.»

حفظ زی طلبگی

میرزای تبریزی (قدس سره) و نصایحی به طلاب

مرحوم میرزا (قدس سره) همواره دوست داشتند که طلبه، زی طلبگی خود را در هر حال حفظ کند و نظر مبارکشان این بود که طلبه باید طوری رفتار کند و به گونه ای گام بردارد و شکل ظاهریش به صورتی باشد که مردم با دیدن او به یاد خدا بیفتند. مرحوم میرزا (قدس سره) به بلند بودن موی طلبه حساس بودند و با دیدن این منظره سخت ناراحت می شدند. اگر طلبه ای مویش بلند بود و ته ریش داشت یا لباس تنگ به تن می کرد و یا پیراهن خود را داخل شلوار می کرد و یا لباس هایی به تن می کرد که رنگ های مناسب نداشت، ایشان از او می پرسیدند: «شما طلبه هستید؟ اگر امام زمان (علیه السلام) شما را با این وضع ببیند چه جوابی خواهید داشت؟» ایشان به طلبه هایی که زیر عمامه موی بلند داشتند یا جلوی موی خود را به حالت زلف از عمامه بیرون می گذاشتند، حساس بودند و سخت از آنان ناراحت می شدند و دوستانه تذکر می دادند و با تمام وجود سعی می کردند که فرد را متنبه کنند و گاهی می فرمودند: «با این کاری که تو کردی، من از امام زمان (علیه السلام) خجالت می کشم! فرزندم! دل امام زمان (علیه السلام) را به درد نیاور، مگر نمی خواهید به دین خدمت کنید و امام زمان (علیه السلام) به شما عنایت کند؟ تو می خواهی تبلیغ دین کنی و کار رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را انجام دهی و مردم را هدایت کنی. سعی کن از هر لحاظ الگو باشی.»^{۱۵۷}

۱۵۷- نصیحت مؤمن در مکتب اسلام از جایگاه رفیعی برخوردار می باشد، زیرا اساس دین اسلام، برادری و اخوت است. پس اقتضا می کند که نصیحت؛ یعنی خیرخواهی برادر مؤمن هم دارای جایگاه والایی باشد، در روایات زیادی که حضرات معصوم (علیهم السلام) سفارش به نصیحت و خیرخواهی نموده اند: «قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): لينصح الرجل منكم اخاه كنصيحته لنفسه». (الكافی، ج ۲، ص ۲۰۸) و در روایتی دیگر امام صادق (علیه السلام) به نقل از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود: «ان اعظم الناس منزلة عند الله تعالى يوم القيامة، أمشاهم في ارضه بالنصيحة لخلقه» (الكافی، ج ۲، ص ۲۰۸) فقیه فقید، مرحوم میرزا (قدس سره) با تواضع مثال زدنی با رفتاری خدابسنده، آنگونه زیستند که تمام حرکات و سکناتشان برای دیگران مملو از درس خودسازی و نصیحت دلسوزانه‌ی پدری بود.

اهتمام به درس

جدیت مرحوم میرزا(قدس سره) در شروع طلبگی

آقای حاج کریم رهبر سعادت، برادر مرحوم مقدّس، میرزا جواد تبریزی(قدس سره) می گوید: مرحوم میرزا(قدس سره) همراه با دونفر دیگر از همکلاسی هایش قصد کردند که مدرسه‌ی جدید خود را ترك کرده و به درس طلبگی روی آورند. اولی موفق نشد درس طلبگی را ادامه دهد و بعد از چند روز به مدرسه بازگشت و همچنین شخص دیگر نیز بعد از چند روز به مدرسه بازگشت، اما مرحوم میرزا(قدس سره) مدرسه‌ی جدید را ترك کرده و با جدیت شروع به خواندن درس طلبگی کرد. لازم به تذکر است که مرحوم میرزا(قدس سره) از ضریب هوشی عجیبی برخوردار بود و در مدرسه‌ی جدید، ثلث اول در تمام منطقه‌ی آذربایجان نفر اول شناخته شده بود. بعد از گذشت چند روز مدیر مدرسه فردی را به دنبال پدر مرحوم میرزا(قدس سره) فرستاد که چرا فرزندت به مدرسه نمی آید. پدر مرحوم میرزا(قدس سره) در جواب گفته بود که وی راضی به بازگشت نمی شود و می خواهد عالم دین شود و در نهایت خود مدیر مدرسه تصمیم می گیرد به نزد مرحوم میرزا(قدس سره) برود و با او صحبت کند.

حاج کریم رهبر سعادت می گوید: مدیر مدرسه با مقداری هدایا به حجره‌ی مرحوم میرزا(قدس سره) در «طالبیه‌ی» تبریز می رود و او را نصیحت می کند که: پسر! تو در آینده می توانی شخص مفیدی واقع شوی و رتبه‌ی علمی بالایی کسب کنی و

هرچه مدیر اصرار کرد و گفت ما برای شما مزایای خاصی قرار خواهیم داد و شما را به هر نحو کمک خواهیم کرد، مرحوم میرزا(قدس سره) در ضمن احترام به مدیر مدرسه می گفت: «من می خواهم در این لباس خدمت کنم.» و «من می خواهم طلبه شوم و به دین خدمت کنم. این راهی است که انتخاب کرده و تا آخر ان شاء الله طی خواهم کرد.»

سرانجام میرزا(قدس سره) توانست با همان نیت پاک به اهداف الهی خود نایل شود و در پرتو علم و دانش سرشار، تقوی و پاک دامنی خویش، شاگردان خوبی را تربیت کرده و آثار علمی بسیار مفیدی به جای گذارد و در قرن خود تحوّلی در حوزه ایجاد نماید. ایشان استوانه های حوزه را تقویت کرد که از آن جمله می توان به تربیت صدها شاگرد فاضل و متدین اشاره کرد که اکنون در حال تدریس دروس عالی حوزه می باشند.

مَثَلِ خستگی ناپذیر

میرزای تبریزی (قدس سره) و استفاده از تعطیلات درسی

فاضل محترم حجّت الاسلام سیّد محمد صادق طباطبایی شیرازی می نویسد: مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) از نوادر فقاہت در دوران کنونی بودند و در وصیّت نامه شان فرمودند: من چهل سال است که معنای تعطیلات را نفهمیده ام. آیا حوزه نجف و قم در زمان ایشان تعطیلات نداشته است؟! مسلماً حوزه در زمان ایشان در اعیاد و وفیات مختلفی تعطیل بوده است، ولی خود آن بزرگوار در ایام تعطیلات به سایر کارهای علمی مشغول بودند و یادمان نرود که علاوه بر تحصیل از جمله فضیلتی نجف اشرف که تبلیغ می رفتند آن بزرگوار بود که سالیانی در مناطق (بشیر)، (تسعین)، (طوز خرماتو) مشغول تبلیغ بودند (بعضی از تحولات ایجاد شده در آن مناطق به برکت زحمات این استاد فرزانه است) وقتی عدد چهل را از عدد سالیان عمر نازنین آن عزیز سفر کرده کسر کنیم، خواهیم فهمید که منظورشان چهل سالگی به بعد بود که یعنی از چهل سالگی تا پایان عمر معنی تعطیلی را نفهمیدند و این به خاطر همان اشتغالات علمی معظم له بوده است.

فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: مرحوم میرزا (قدس سره) دائماً در دفتر و منزل مشغول بودند و در رابطه با اینکه می گویند تعطیلات را احساس نکردند، می توان به تلاش در تدوین موسوعه‌ی رجالی ایشان (قدس سره) اشاره کرد که در روزهای تعطیل آن را می نوشتند و بیش از ۲۰ سال مشغول آن بودند. تمام تقریرات درس خود را در ایام تعطیل و قبل از درس ثبت می کردند و دهها دفتر به جای مانده به قلم ایشان، گویای این مطلب است، موسوعه‌ی صراط النجاة که ۱۲ جلد آن به چاپ رسیده است، نشان از حرکت بی وقفه علمی ایشان (قدس سره) دارد. ایشان در تمام شبانه روز به جز وقتی را که برای استراحت و تهجد و کارهای شخصی قرار داده بودند، بقیه‌ی وقت را، کتاب به دست یا قلم به دست مشغول بودند و می فرمودند: در قبر استراحت خواهم کرد تا فرصت هست باید در نشر علوم و معارف اهل بیت (علیهم السلام) تلاش کرد.

لباس يك طلبه

میرزای تبریزی (قدس سره) و زی طلبگی

از جمله مواردی که مرحوم میرزا (قدس سره) نسبت به آن حساس بودند و بسیار دوست داشتند که طلبان آن را مراعات نمایند و خود ایشان همواره در آن خصوص طلبان را نصیحت می نمودند، نوع لباس پوشیدن طلبان بود. ایشان بارها می فرمودند: قبل از معمم شدن، طلبه باید طوری لباس به تن کند که با عوام متفاوت باشد و شلوار ساده و پیراهن بلند با رنگ مناسب انتخاب کند. بارها دیده شد که مرحوم میرزا (قدس سره) در حال نصیحت طلبان جوان در مورد وضع ظاهرشان هستند و اگر مشاهده می کردند طلبه ای ملتزم است و حسن ظاهر را حفظ کرده، او را تشویق می نمودند. ایشان می فرمودند: مردم به طلبه با دید دیگری نظر می کنند، بنابراین لباس او باید ساده بوده و در حین حال با لباس سایر افراد تفاوت داشته باشد. ایشان اگر طلبه ای می دیدند که لباس نامناسب انتخاب کرده، سخت ناراحت می شدند ایشان همیشه دوست داشتند که طلبه با انتخاب لباس ساده برای سایرین الگو باشند.^{۱۰۸}

نظم در درس و استفاده از اوقات

مرحوم میرزا (قدس سره) و نظم در درس

حجّت الاسلام والمسلمین سیّد مرتضی موسوی می گوید:

مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) در التزام به درس بسیار عجیب بودند و خداوند متعال هم به ایشان عنایت خاصی کرده بود. طی ۱۵ سالی که خدمت ایشان در درس حاضر می شدم، هیچگاه مشاهده نکردم که درس مرحوم میرزا (قدس سره) تعطیل شود. فقط يك روز آن هم وقتی اعلام شد که درس ایشان تعطیل است بسیار تعجب کردیم با عده ای از دوستان به طرف بیت ایشان (قدس سره) حرکت کردیم و حال آقا (قدس سره) را جویا

شدیم. آقا (قدس سره) با حالتی مریض از ما استقبال کردند و بعد معلوم شد که سرما خورده و تب دارند. از

۱۰۸- لباس به عنوان ساتر و زینت دهنده اشخاص در دین مبین اسلام از جایگاه والایی برخوردار می باشد و شریعت مقدسه حتی بر رنگ، شکل، جنس لباس شخص نظر دارد. چنانکه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: لباس سفید بپوشید چونکه اطهر و اطیب است. «البسوا البیاض فانه اطیب و اطهر» (الکافی، ج ۶، ص ۴۴۵) و در روایتی دیگر امام صادق (علیه السلام) کسی را که لباس سفید پوشیده بود تشبیه به انبیاء نموده و فرمود: «لقد تشبهت بالانبياء...» (الکافی، ج ۶، ص ۴۴۵) و از آنجا که طلبان، علماء آینده اند، و علماء وارثان انبیاء هستند «العلماء ورثة الانبياء» (الکافی، ج ۱، ص ۳۲) پس شایسته است که طلبان با الگوگیری از سیره و روش آن بزرگواران در مسیر تهذیب نفس و تزکیه، نمایندگان خوبی باشند، به همین جهت مرحوم میرزا (قدس سره) با دیدن طلبی که ظاهری آراسته و ساده دارند، بسیار خرسند می شدند و به آنان که زی طلبگی را رعایت نمی کردند، تذکر می دادند.

جمله خصایص منحصر به فرد ایشان(قدس سره)منظم بودن دروس در طول بیماری چهار ساله‌ی ایشان بود به طوری که در طول دوران علاج دروس این مرجع راحل برقرار بود و سیر درمان موجب تعطیل شدن درس ایشان نشد و این عدم تعطیلی درس لطفی از الطاف حجة بن الحسن العسکری(علیه السلام) بود. ایشان(قدس سره) تا آخرین روزهای ایام تحصیلی، با شور و شوق علوم آل محمد(صلی الله علیه وآله) را بازگو می کردند تا اینکه در ایام تعطیلی حوزه بیماری ایشان به طوری شدت یافت که بعد از ۲۵ روز به لقاء الله پیوستند. مرحوم میرزا(قدس سره)آن چنان در قلب شاگردانشان جای دارند که در هر مجلسی شاگردان جمع می شوند یاد آن معلم بزرگ نُقل مجلس آنان می گردد.

مرحوم میرزای تبریزی(قدس سره) نگهبان خوبی برای دفاع از مبانی بر حق تشیع و ناقل علوم آل محمد(صلی الله علیه وآله)بود و امروز حوزه به شاگردان آن فقیه مقدس افتخار می کند، واقعاً تحوّل علمی حوزه مرهون مجاهدتهای آن عالم وارسته است. خداوند به علوّ درجه‌ی ایشان بیفزاید، امین یا رب العالمین.^{۱۰۹}

اهتمام به درس

جدّیت مرحوم میرزا(قدس سره) در امر تدریس

فاضل محترم شیخ اسماعیل گلدارای بحرانی می گوید: من روزی صبح از خواب بیدار شدم و مشاهده کردم که تمام خانه را برف در بر گرفته. مردد بودم که به درس بروم یا خیر، هوا سرد و برف به شدت می بارید و با زحمت توانستم خود را مهیّا کنم، از خانه خارج شده و از کنار حرم مطهر به طرف محل درس حرکت می کردم. از شدت بارش برف و سرما، خیابان خلوت بود، ناگهان مشاهده کردم يك طلبه ای که عبای خود را بالای سر کشیده و برف تمام عبایش را پوشانده است، در حال حرکت است، نزدیک که شدم دیدم مرحوم میرزا(قدس سره) است که کتاب وسایل الشیعه در دست دارد، پاهایم سست شد، لحظه ای در صورت آن مرجع نورانی خیره شدم گفتم: خدایا این نایب امام(علیه السلام) با این کهولت سن دارد با این جدّیت به درس می رود و ما که جوان هستیم، مردد بودیم! این حرکت میرزا(قدس سره) مرا بسیار تحت تأثیر قرار داد و هرگاه یاد آن صحنه می افتم به فکر فرو می روم این عمل میرزا(قدس سره)موجب شد که تغییر کلی در درس خواندنم بدهم. خدا رحمتش کند

۱۰۹- یکی از عوامل بسیار مهم در موفقیت، نظم در کارهاست. کسی در برنامه ریزی که مبتنی بر نظم و انسجام باشد، در مسیر نیل به به آرمانش گام بردارد، موفقیتش حتمی است چرا که در نظم حجت است و آنکه حجت و دلیلی داشته به طور قطع به خواسته اش خواهد رسید که امام صادق(علیه السلام) در روایتی فرمود: «... للكلام نظم وفي نظم حجة» (کمال الدین، ص ۱۴) و مرحوم میرزا(قدس سره) که اسوه‌ی نظم و انتظام در کارها بود، سخت به منظم بودن در امور پابند بوده و تا آخرین روزهای حیات پربرکتشان بر اساس همان نظم در امور، درس و بحث خویش را ادامه می دادند و این عمل مرحوم میرزا(قدس سره) خود درس بزرگی است برای کسانی که خواهان صعود به قله کمال می باشند.

که تمام حرکاتش درس بود. ایشان اولین درس ولاء و حبّ اهل بیت(علیهم السلام) را به ما یاد داد و در قلوب ما تحوّلی عظیم ایجاد کرد و سپس چگونگی درس خواندن و جدّیت در تحصیل را، عملاً نشانمان داد. یادش گرامی باد.

اغتموا الفرص فانها تمر مرّ السحاب^{۱۶۰}

میرزای تبریزی (قدس سره) و استفاده از اوقات

فرزند فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) می گوید: مرحوم میرزا (قدس سره) تمام اوقات خود را صرف درس، بحث و عبادت می کرد. هیچ وقت مشاهده نکردیم که ایشان وقت خود را صرف امر دیگری کنند و غیر از استراحتی که داشتند، وقت خود را به چیز دیگر اختصاص نمی دادند؛ حتی وقتی به روستاهای اطراف می رفتند، مشغول نوشتن می شدند که اکثر کتاب «موسوعه‌ی رجالی» مرحوم میرزا (قدس سره) ثمره‌ی کارهای علمی ای بود که هنگام استراحت در خارج از شهر قم انجام می دادند. ایشان حتی روزنامه نمی خواندند، فقط برای آگاهی از اوضاع در همان حال که مطالعه می کردند، اخبار را نیز مشاهده یا گوش می کردند و همواره نصیحت می کردند و قنتان را تلف نکنید که قابل جبران نیست. معروف بود که مرحوم میرزا (قدس سره) چه آن زمان که در نجف و چه آن زمان که در قم بودند، اهل جلسات به صورت شب نشینی (گعده) نبودند و همواره وقت شناس بوده و با تمام وجود از وقت خود استفاده می کردند. ایشان در طول روز مشغول بودند و می فرمودند: تا وقت هست باید خدمت کرد و استراحت من در قبر است. لذا اگر ایشان را در طول روز مشاهده می کردید یا مشغول مطالعه بودند، یا نوشتن استفتاء و یا بحث های خارج خود را می نوشتند.

شجاعت و استقامت

مرحوم میرزا(قدس سره) و شجاعت در همه امور

مرحوم تبریزی(قدس سره) از هیچ چیز نمی ترسیدند. حتی زمانی که قم بمباران شد درس ایشان تعطیل نشد. آقا روی منبر در حال تدریس بودند که چهار راه بازار را موشك زدند، طلبه ها بلند شدند که بروند. ایشان گفتند: بنشینید! هنوز درس تمام نشده؛ سپس درس را ادامه دادند. درباره مسایلی که در جامعه رخ می داد با شجاعت، حقیقت را به مردم می گفتند و همه می دانستند ایشان از سر دلسوزی و اصلاح جامعه سخن می گویند؛ چون با اخلاص سخن می گفتند، از بیان حق ابایی نداشتند. فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید: گاهی خدمت شان عرض می کردم: اگر ممکن است فلان مطلب را نگویند! ایشان می فرمودند: «وظیفه‌ی ماست که به مردم و طلبه ها بگوییم» در حالی که ممکن بود این حرف ها ضرر دنیوی برایشان داشته باشد و عده ای آزرده شوند، ولی چون کار ایشان به خاطر خدا بود، مسئولین هم از آن استقبال می کردند و می دانستند که آن بزرگوار فرد دلسوزی هستند و تضعیف نظام را جایز نمی دانند. در دوران جنگ تحمیلی اعتقاد ایشان این بود که هدف رژیم بعث، از بین بردن تشیع است و استکبار و استعمار می خواهند به واسطه‌ی صدام تشیع را از بین ببرند. لذا شرکت در جنگ را وظیفه می دانستند و برای تفقد از خانواده های شهدا، در مراسم تشییع و مجالس بزرگداشت شهداء شرکت می کردند و این را وظیفه‌ی خود می دانستند.

از دیگر ویژگی های بارز این فقیه فقید، ولای سرشار و عشق وافر ایشان به خاندان عصمت و طهارت بود به طوری که در مجالس روضه بسیار بی تابی می کردند، از این رو به ایشان می گفتم: شما در مجلس روضه خیلی بی تابی می کنید! می گفتند: «این ها برای خودم و قبر و قیامت است، اما جوانان و طلبه ها باید بدانند که ولایشان به اهل بیت(علیهم السلام) در چه حدی باشد»؛ ایشان همیشه طلاب را ارشاد عملی می کردند. مثلاً خودشان خرید می کردند. می خواستند بگویند: ای طلبه اگر به جایی رسیدی خود را از مردم جدا نکن تا مردم حس کنند مثل خودشان زندگی می کنی. بارها طلبه ها به من می گفتند: چرا می گذاری آقا خودشان خرید کنند، یا چرا تاکسی و اتوبوس سوار می شوند؟! من به ایشان می گفتم: آقا من از طرف طلبه ها تحت فشارم، می فرمودند: «می خواهم مردم و جوانان ببینند». لذا می دیدیم این گونه حرکات، تأثیر مثبتی بین مردم داشت.

آیت الله العظمی تبریزی(قدس سره) تا آخر عمر، خودشان را طلبه می دانستند. من يك بار هم ندیدم که ایشان احساس کنند مرجع هستند. من برخی درخواست ها را از ایشان داشتم، می گفتند: «من يك طلبه هستم و دوست دارم مردم مرا به عنوان يك طلبه ببینند». واقعاً شب و روز مثل يك طلبه‌ی جوان تلاش می کردند و می گفتند: «وظیفه‌ی من این است که ادای تکلیف کنم. ما به دنیا نیامده ایم که وقت

خود را تلف کنیم. دوست دارم مردم به ما طوری نگاه کنند که مرضی امام زمان(علیه السلام) باشد» لذا مثل يك طلبه زندگی می کردند. علماء و بزرگان حوزه شاهد بودند که زندگی (آیت الله العظمی تبریزی(قدس سره)) از روزی که يك طلبه بودند و هیچ چیز نداشتند با روزی که مرجع شدند و پول های فراوان به ایشان رسید، تغییری نکرد.

نفس مطمئنہ

مرحوم میرزا(قدس سره) و تلاش و کوشش بی وقفه

یکی از ویژگی های فقیه مقدّس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) پرکاری ایشان بود. معظم له تا آخر عمر پربرکت خود در حال تلاش و کوشش بود. ایشان از صبح تا ظهر و از عصر تا غروب مشغول بودند و شب، هم قبل از خواب مقداری مطالعه می کردند. بعضی از مهمانانی که به حضور ایشان می رسیدند با خنده می گفتند: «آقا! ما به دیدار شما آمده ایم، اما شما دائماً مشغول جواب استفتاء و بحث هستید!» مرحوم میرزا(قدس سره) می فرمودند: من يك طلبه بیش نیستم و طلبه هم وظیفه اش این است که عمر خود را صرف درس و بحث کند. همان طور که مشغول بودند به مسایل دیگر مراجعین نیز پاسخ می دادند و از هر لحظه ای استفاده ی کامل می کردند.

روزی یکی از شاگردان مرحوم میرزا(قدس سره) خطاب به ایشان گفتند: «نمی شود که این قدر به خود فشار آورید! بدن شما نیاز به استراحت دارد.» مرحوم میرزا(قدس سره) ضمن لبخند فرمودند: «استراحت من در آخرت است. دنیا جای استراحت نیست، من در قبر استراحت خواهم کرد. من يك طلبه هستم و يك طلبه باید تا آخرین لحظه از آنچه که به دست آورده، برای خدمت به دین استفاده کند. معلوم نیست این فرصت ها دیگر برای من حاصل شود، می خواهم اثری از خود به جای بگذارم» تا راهگشای دیگران در مسیر عبودیت و بندگی خداوند متعال باشد و همچنین گواهی بر تلاش و کوشش در جهت احیاء امر ولایت و امامت باشد.

امام عصر (علیه السلام) ناظر بر اعمال

و ننگه دار حوزه

میرزای تبریزی (قدس سره) و عنایت حضرت ولی عصر (علیه السلام)

فرزند فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) می گوید: پرداخت شهریه از طرف مرحوم میرزا (قدس سره) عمومی شد و کلیه‌ی طلاب را در بر گرفت. يك شب من خدمت ایشان در «فردو»^{۱۶۱} بیتوته کردم. نیمه شب تشنه بودم، برخاستم، که آب بنوشم، در این حال مشاهده کردم که مرحوم میرزا (قدس سره) در حیاط منزل قدم می زنند. سلام کرده و از کنار ایشان عبور کردم. ناگهان مرحوم میرزا (قدس سره) گفت: «چند روز به شهریه باقی مانده است؟» گفتم: «دو روز». ایشان فرمودند: «ظاهراً به نظر می آید شهریه فلان مبلغ نقص دارد.» به میرزا (قدس سره) گفتم: «آقا! فعلاً قرض بگیریم؟» ناگهان مرحوم میرزا (قدس سره) فرمودند: «من با خدای خودم عهد کرده ام از کسی قرض نگیرم. اگر پول رسید، شهریه می دهیم و اگر خدای ناکرده نرسید، می گویم که این ماه نرسیده است و ما که نجف بودیم گاهی به بعضی مراجع پول نمی رسید و آن ها اعلام

می کردند این ماه پول نرسیده است و شهریه نمی دادند». فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: گفتم هر چه آقا بفرمایند. آن گاه مرحوم میرزا فرمود: «آقا امام زمان (علیه السلام) عنایت دارد و ان شاء الله به برکت وجود ایشان همه چیز حل خواهد شد».

فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: دو روز به پرداخت شهریه مانده بود و فلان مبلغ کم داشتیم. صبح پنجشنبه حدود ساعت ۹، جوانی به دفتر مراجعه کرد و گفت: با آقا کار دارم و آقا آن وقت ها در اتاق دفتر قدیمی خود می نشستند و مشغول مطالعه می شدند. ایشان را خدمت آقا (قدس سره) بردم؛ او رو به آقا (قدس سره) کرد و گفت: «آقا! يك مسئله دارم. در تهران از عدّه ای سؤال کردم، فلان کس که بسیار شخص موثق و معروفی است، فرمود که به قم نزد میرزا (قدس سره) برو، کلید حل مسئله‌ی تو نزد ایشان است. الان خدمت رسیدم.» آقا فرمودند: «مسئله را مطرح کن!» بعد از مطرح کردن مسئله، آقا (قدس سره) فوراً آن را جواب دادند. آن گاه جوان رو به آقا (قدس سره) کرد و گفت: ظاهراً این مبلغ هم که بنا بود جای دیگر برود، باید به حضرت تعالی برسد. يك چك که تأمین کننده‌ی شهریه‌ی آن ماه بود را داد، خدا حافظی کرده و رفت. آقا (قدس سره) رو به من کردند و گفتند: «فرزندم! ده میلیون هم اضافه حواله شده و این نیست مگر به عنایت مولا بقیه الله الأعظم (علیه السلام) که همیشه حامی و حافظ حوزه و علما است.» علی رغم اینکه مرحوم میرزا (قدس سره) مصمّم بودند که اگر يك ماه مبلغ شهریه

۱۶۱. روستایی است در اطراف قم که از طرف جاده‌ی کاشان حدود ۶۰ کیلومتر با قم فاصله دارد.

کافی نبود اعلام شود که این ماه پوّل نرسیده است ولی تا آخر عمر نیاز پیدا نکردند و شهریه‌ی ایشان به عنایت امام زمان (علیه السلام) تا آخر عمر ادامه داشت.

بحث علمی

مرحوم میرزا(قدس سره) و حلقه‌ی علمی

رسم بود که طلاب در طالبیه‌ی تبریز در ساعات مختلف روز گرد هم می‌آمدند و به بحث‌های علمی مختلف می‌پرداختند. از جمله کسانی که جلسه‌ی بحث علمی داشت، فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) بود و جلسه‌ی مرحوم میرزا(قدس سره) از هر جهت ممتاز بود. حلقه‌های مختلفی در طالبیه برگزار می‌شد؛ ولی حلقه‌ی بحث ایشان از نظر کیفیت و کمیت با حلقه‌ی دیگران تفاوت‌های بسیاری داشت. از کلمه به کلمه‌ی سخنان مرحوم میرزا(قدس سره) در آن سن جوانی استفاده‌ها می‌شد. حاج کریم رهبر سعادت، برادر مرحوم میرزا(قدس سره) (با توجه به اینکه خود بارها در آن جمع حاضر شده بودند) می‌گوید: «طلاب با شوق خاصی اطراف ایشان گرد می‌آمدند و با کمال اشتیاق سؤال و جواب می‌کردند. مرحوم میرزا در آن سن جوانی که بیش از بیست سال نداشت با آن بیان شیوا و تسلط کافی همه را مبهوت خود می‌کرد و مرحوم میرزا(قدس سره) واقعاً زحمت می‌کشید و به دنبال علم بود و با کمال تواضع در همان اوایل جوانی دوست داشت آن را به دیگران منتقل سازد. ایشان کم‌کم در طالبیه‌ی تبریز زبانزد شد و همه‌ی طلبه‌ها به ایشان احترام خاصی می‌گذاشتند و از آن اوایل طلبگی، طلاب، آینده‌ی درخشانی را برای ایشان پیش‌بینی می‌کردند. سلوک و روش میرزا(قدس سره) برای دیگران درس و الگویی به تمام معنا بود، افراد بسیاری از روش و سلوک ایشان استفاده‌ها می‌کردند و برکت وجود ایشان فراموش‌نشده‌ی است، حتی روش درس ایشان برای دیگران الگو شد و به قول استاد بزرگوار حجّت الاسلام والمسلمین محمد تقی شهیدی پور، مرحوم میرزا(قدس سره) با حضورشان در حوزه‌ی علمیه‌ی قم، طریقه‌ی تحصیل، پیشرفت و راه‌های موفقیت‌آمیز را به فضلاء نشان دادند.

تربیت طلاب و نسل جوان

مرحوم میرزا(قدس سره) و اهتمام به تربیت طلاب

از دیگر خصوصیات مرحوم آیت الله العظمی تبریزی(قدس سره)اهتمام به تربیت طلبه ها و نسل جوان با بهترین روش بود. روش نصیحتی که ایشان داشتند، روش خاصی بود. مثلاً وقتی کسانی که به ملاقاتشان می آمدند و از نظر ظاهری مشکل داشتند، ایشان با بهترین روش به آن ها تذکر می دادند. حضرت آیت الله تبریزی(قدس سره) به رعایت زیّ طلبگی بسیار حساس بودند؛ بسیار دوست داشتند که زیّ طلبگی رعایت شود چنانچه در مواردی که لازم بود، تذکر می دادند. علاوه بر این به قیافه‌ی ظاهری طلاب نیز حساس بودند و اگر کسی ظاهر مناسبی نداشت می گفتند: «آیا با این وضع می توانی، جوانی را که ظاهر مناسبی ندارد، نصیحت کنی؟»

علمای بزرگ و طلاب متدین روش شان این بود که ظاهرشان طوری باشد که مردم با دیدن آن ها یاد خدا بیفتند و حرکات و سکناتشان مورد رضایت امام زمان(علیه السلام) باشد.

نگرانی از اُفت علمی طلاب

نگرانی مرحوم میرزا (قدس سره) از وضعیت طلاب

یکی از نگرانی های آیت الله العظمی تبریزی (قدس سره) افت علمی طلاب بود. نظر ایشان این بود که طلاب، زیاد به درس اهمیت بدهند. به همین خاطر اگر طلبه ای از لحاظ علمی ضعیف بود، برایش مسایلی را مطرح می کردند که طلبه متنبّه شود و احساس وظیفه کند. مثلاً می گفتند: پسرم اگر امام زمان (علیه السلام) تو را با این وضعیت ببیند، چه می گوید؟ آیا تو می توانی به عنوان نماینده ای امام زمان (علیه السلام)، جامعه را هدایت کنی؟ این صحبت ها به دل می نشست و تأثیر می گذاشت. برای تشویق، از طلبه ها سؤال می کردند، اگر طلبه ای ضعف درسی داشت، او را نصیحت می کردند و می گفتند: «ما وقتی درس می خواندیم، هیچ چیز نداشتیم. گاهی در طول روز چیزی برای خوردن نداشتیم. خدا توفیقی داد و روزها گذشت. شما که از نعمت امنیّت و امکانات لازم برخوردار هستید، قدر این نعمت را بدانید و خوب درس بخوانید. الان حوزه به طلاب فاضل و متدین نیاز دارد».

طلبه باید از همان ابتدا با جدیت درس بخواند

حاضر جوابی مرحوم میرزا(قدس سره) در سنین جوانی

بعد از آنکه فقیه مقدّس، میرزای تبریزی(قدس سره) در نجف اشرف مستقر شدند، شروع به درس دادن سطوح کردند و در همان زمان مورد توجّه آیت الله العظمی خویی(قدس سره) قرار گرفتند. مرحوم میرزا(قدس سره) می گفتند: يك روز از درس می آمدم، مرحوم آقای خویی(قدس سره) در راه مرا دید و گفت: میرزا! يك سؤال می کنم و فردا جواب مرا بده. مرحوم میرزا(قدس سره) فرمود: بفرمایید سؤال کنید! (البته سؤال مرحوم خویی(قدس سره) به این دلیل بود که می خواستند مرحوم میرزا(قدس سره) را جهت دعوت به شورای استفتاء محک بزینند) سیّد خویی از میرزا(قدس سره) سؤال کردند که فرق بین تعلّق دین بر عهدهی میت و وصیت میت به ثلث اموال او چیست؟

مرحوم میرزا(قدس سره) گفت: «آقا! لازم نیست جواب را فردا بدهم. همین الان جواب مهبّاست.» و فرقیان این است که تعلّق دین بر میت از باب کلی در معین است، اما تعلّق وصیت به ثلث از باب اشاعه است، با شنیدن این جواب مرحوم خوئی(رحمه الله) با خوشحالی مرحوم میرزا(قدس سره) را مورد تشویق قرار دادند و این حاضر جوابی میرزا(قدس سره) حاکی از تسلّط و اطلاع علمی مرحوم میرزا(قدس سره) است.

شیوه‌ی تدریس

شیوه‌ی تدریس میرزای تبریزی (قدس سره)

مرحوم میرزا (قدس سره) اگر احساس می‌کردند شاگردی مستعد است، برایش وقت می‌گذاشتند و به اشکالاتش گوش فرا داده و پدرا نه پاسخگو بودند و به برکت و عنایت استاد به شاگرد، امروز افتخار سگان داری حوزه، به دست شاگردان آن فقید راحل است.

مرحوم میرزا (قدس سره) روش درسشان مجتهدپرور بود و هرکس در حلقه‌ی درس ایشان حاضر می‌شد طی يك سال درسی، مطالب فراوانی کسب می‌کرد و موفق می‌شد با دست پر، محفل درس را ترك کند. طریقه‌ی تدریس مرحوم میرزا (قدس سره) به نحوی بود که شاگرد را مجبور به تلاش می‌کرد. اهمیّت به شاگرد از ممیزات درس ایشان بود.

حجّت الاسلام والمسلمین حسین شوپایی می‌گوید: از امتیازات فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) در جهت علمی، شیوه‌ی تدریس ایشان بود. بنای ایشان در درس بر این بود که به مطالب اصلی و اساسی بحث، اهمیّت داده شود؛ یعنی نکات مهم و کلیدی بحث عنوان شده و تعمیق لازم در آن صورت بگیرد و نکات فرعی و جانبی به فهم شاگرد و تلاش او سپرده شود. از این رو درس‌های استاد در فقه و اصول جامع تعمیق و اختصار بود. از يك طرف از تفصیل و اطناب خالی بود و از طرف دیگر عمیق بود؛ زیرا مطالب اصلی و کلیدی را به شاگرد تلقین می‌کرد و با تسلّطی که خود ایشان در مباحث داشتند، مطالب ارائه شده در درس از قوّت و استحکام بالایی برخوردار بود. مرحوم میرزا (قدس سره) اساساً معتقد بودند، برای اینکه شاگرد در درس پرورش یافته و قوه‌ی استنباط و اجتهاد او شکوفا شود، باید نقاط حساس و اساسی مطلب در درس مطرح شود و ذهن شاگرد به مطالب اصلی معطوف گردیده و در حل آن‌ها به کار گرفته شود که اگر بحث عمیق و کلیدی حل شود، بقیه‌ی مطالب خود به خود روشن شده و بر آن‌ها مترتب خواهد گشت؛ از این رو در مقام تدریس هر چند بخشی از اقوال و آرای مختلف در مسئله را معترض می‌شدند، اما همه‌ی تلاششان بر این بود که به اختصار و اجمال از آن عبور کرده و بسط و تفصیل ندهند و تمام آراء، وجوه و انحاء متعدد آن را مطرح نکنند، به جهت اینکه ذکر وجوه و اقوال متعدد با تفصیل و بسط کامل، هر چند شاگرد را با این اقوال و مستندات آن آشنا می‌کند و از نظر کمّی اطلاعات او را بیشتر می‌نماید، اما القاء همه‌ی این‌ها در مقام تدریس، باعث می‌شود تا ذهن شاگرد با توجّه به این اقوال، به کار گرفته شده و موجب خستگی شود. در نتیجه از تحلیل و موشکافی کامل مطلب در نقاط حساس و اساسی باز بماند. این در حالی است که اگر با طرح بخشی از اقوال مهم و وجوه آن، نقاط اساسی و کلیدی بحث به شاگرد نشان داده شده و ذهن شاگرد در حل آن به کار گرفته شود، قوه‌ی استنباط او پرورش پیدا کرده و شکوفا می‌گردد و بر حل

مطلب قدرت پیدا می‌کند. وقتی شاگرد مطلب را به خوبی حل کرده و با دست یافتن بر کلید مسئله، قدرت نقض و گشودن گره‌ها را پیدا کرد، خود می‌تواند بقیه‌ی اقوال و وجوه را بررسی کرده و از عهده‌ی جواب مناسب برای آن برآید و این خصوصیت ویژه‌ای بود که در درس مرحوم میرزا (قدس سره) وجود داشت.

از طرفی دیگر ارتباط مسایل فقهی با همدیگر و تأثیر ادله‌ی وارده در ابواب مختلف، در کشف حکم شرع در ابواب دیگر، اقتضاء می‌کند که فقیه در استنباط حکم هر باب، از مدارک و منابع مربوط به ابواب دیگر نیز مطلع باشد و این جز با احاطه بر کل فقه و زوایای مختلف ابواب حاصل نمی‌گردد و از این رو، احاطه‌ی گسترده‌تر بر ابواب فقه در توانمندی و استحکام استنباط حکم در هر باب تأثیر بسزایی دارد. از امتیازات مرحوم میرزا (قدس سره) این بود که بر کل ابواب فقه احاطه داشت و در بررسی مسایل و استنباط احکام از ادله و منابع وارده در ابواب دیگر غافل نبود و در مواقع متعدّد به این ارتباط اشاره می‌فرمود و شاگردان را از آن مطلع می‌ساخت. در اصول نیز این جهت اهمّیت دارد و ارتباط مسایل با همدیگر از نکات قابل توجّه می‌باشد. رعایت این مسئله و نیز تطبیق مسایل اصول بر فروع فقه و کاربردی کردن آن، از امتیازات و ویژگی‌های درس اصول استاد بود و شاگرد در این درس، جایگاه استفاده از این قواعد و تطبیق آن بر فروع را در قالب نمونه‌های متعدّد، تمرین و ممارست می‌کرد.

منابع درسی مرحوم میرزا (قدس سره)

مرحوم میرزا (قدس سره) در ابواب عبادات نوعاً کتاب‌هایی مانند: «مدارک»، «حدائق»، «جواهر»، «مصباح الفقیه»، «مستمسک» و «مستند» (تقریرات درس مرحوم سید خویی (رحمه الله)) را مورد توجّه قرار می‌دادند و با نظارت بر کلمات این بزرگان، مطالب را مطرح نموده، بررسی و تحقیق می‌کردند. البته به «تعلیقه‌ی» مرحوم بروجردی (رحمه الله) بر «عروه» نیز توجّه خاصی داشتند و در موارد متعدّد به حواشی ایشان اشاره می‌کردند. در غیر عبادات نیز بخشی از این کتاب‌ها (در صورت موجود بودن) مورد استفاده قرار می‌گرفت و بعضی دیگر را از منابع دیگر جایگزین می‌کردند. به طور مثال در بحث مکاسب محور کلام، بحث و مطالب مرحوم شیخ انصاری (رحمه الله) در مکاسب بود و به تناسب، حواشی اعلام بر مکاسب، مورد طرح و نقض قرار می‌گرفت.

در اصول، غیر از «کفایة الأصول» [که محور تدریس بود؛ یعنی مطالب مطرح شده در اصول به ترتیب «کفایة» پیش می‌رفت، ابتدا نظرات مرحوم آخوند (قدس سره) به خوبی تبیین می‌شد و آن‌گاه اقوال دیگر مطرح شده و مورد نقض و ابرام قرار می‌گرفت] نوعاً مطالب محقق نائینی (قدس سره) و مرحوم سید خویی (قدس سره) و در بعضی از موارد، نظرات محقق عراقی (قدس سره) و محقق

اصفهان (قدس سره) نیز مطرح و نقد می گردید و همچنین نظرات اعلام دیگر چنانچه بحث اقتضاء می کرد، بررسی می شد.

شاگرد پروری مرحوم میرزا (قدس سره):

همچنان که در قسمت شیوهی تدریس گذشت، فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در طرح مسایل در درس، شیوهی خاصی داشت که بر اساس آن، بین تعمیق و اختصار جمع بندی می شد. به کارگیری این شیوه در مقام تدریس، داشتن روحیهی تواضع، میدان دادن به شاگرد جهت طرح اشکال و رفع ابهاماتی که برای او حاصل می شود، برخورد پدرا نه و با محبت در تفهیم مطالب به شاگردان، اهتمام به مورد سؤال و جواب و اعتقاد به اینکه بسیاری از مطالب علمی در سایهی همین سؤال و جواب ها و ردّ و بدل شدن مطالب برای شاگرد روشن می شود، تعیین وقت خاص جهت این امر [که این مورد از ابتدای ورود مرحوم استاد (قدس سره) به قم و شروع به تدریس، هر روز بعد از ساعت ۱۰ صبح تا ظهر به عنوان يك برنامهی ثابت و مستمر در منزل ایشان انجام می شد] و مجموعهی این امور ویژگی ممتازی بود که درس ایشان را جولانگاه تحقیق، تعمیق و پرورش محقق و مجتهد قرار داد و در این بستر مناسب، فضلاء و محققین بسیاری پرورش یافته اند که با استفاده از این اندوختهی ارزشمند و میراث گرانقدر، خود به تدریس علوم آل محمد (صلی الله علیه وآله) اشتغال دارند و طلاب بسیاری را از سرمایهی علمی خود بهره مند می سازند. بدین سان چراغ پر فروغی که حضرت استاد (قدس سره) برافروخت، همچنان در حوزه های علمیهی شیعه در سراسر کشور، به خصوص در حوزهی علمیهی قم درخشش و نور افشانی دارد، «رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَحْمَةٌ وَسِعَتْ وَحَشْرَهُ اللَّهُ مَعَ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

جدیت در تحصیل در همان ابتدای طلبگی

مرحوم میرزا(قدس سره) و جدیت در تحصیل

آقای حاج میر علی اکبر فردوس از خیرین و متدینین تبریز بود، ایشان از زمانی که فقیه مقدّس، میرزای تبریزی(قدس سره) در طالبیه‌ی تبریز مشغول به تحصیل بودند با مرحوم میرزا(قدس سره) آشنایی داشتند، ایشان وکیل و امین مرحوم میرزا(قدس سره)در تبریز بودند. ایشان میان جمعی می فرمودند: وقتی مرحوم میرزا(قدس سره)در طالبیه‌ی تبریز حرکت می کرد، به وضوح مشاهده می شد که طلاب به او توجه کرده و با اشاره به یکدیگر می گویند: این شخص بسیار فاضل است و در تحصیل بسیار موفق می باشد. مرحوم میرزا(قدس سره) اوقات خود را صرف درس و بحث می کرد و عاشق کسب علم بود؛ او هم صمیمانه می ایستاد و به اشکالات طلاب جواب می داد و يك سؤال که از ایشان می شد در جواب فروع دیگری را هم مطرح می کردند و سؤال کننده را از علم خود سیراب می کردند.

جدیت در تحصیل

در طالبیهی تبریز، مرحوم میرزا(قدس سره) به فضل و علم معروف بود

حجت الاسلام والمسلمین شیخ ابراهیم رضایی می گوید: فقیه مقدّس، میرزای تبریزی (قدس سره) در طالبیهی تبریز به فضل و علم معروف بود و افراد بسیاری به ایشان علاقه داشتند و از کمالات ایشان استفاده می کردند. گاهی اوقات در حیاط مدرسهی طالبیهی تبریز حلقه‌ی بحث تشکیل می شد و طلاب با هم بحث می کردند. یکی از حلقه های بحث مربوط به فقیه مقدّس میرزای تبریزی (قدس سره) بود، ایشان با مرحوم علامه شیخ محمد تقی جعفری (قدس سره) بحث می کردند و این بحث چنان پربار بود که حدود ۵۰ الی ۶۰ طلبه اطراف مرحوم میرزا (قدس سره) حلقه می زدند و از وجود ایشان استفاده می کردند. مرحوم میرزا (قدس سره) واقعاً زحمت کشیده بودند و در آن دوران جوانی می درخشیدند و در هر فرصتی به مطالعه و درس مشغول می شدند که تمام این افتخارات مرحوم میرزا (قدس سره) نتایج آن همه شب زنده داری و زحمات شبانه روزی است و امروزه حوزه‌ی علمیه‌ی قم از برکات زحمات آن مرجع شایسته دارای فضایی است که افتخار حوزه می باشند و آثار قوی و مجتهدپروری که به قلم مبارک ایشان نگاشته شده، افتخاری دیگر برای حوزه می باشد که مورد استفاده فضلی محترم است. طلاب جوان باید از زندگی این فقیه راحل درس بگیرند و جهت نیل به درجات و کسب مقامات عالی، ایشان را الگو قرار دهند. تمام مراحل زندگی مرحوم میرزا(قدس سره) درس است و این مراحل چهار گانه ای که شامل تحصیل در تبریز، دوران تحصیل در قم، دوران سکونت در حوزه‌ی نجف و سپس بازگشت به قم مقدسه می باشد بسیار پربار بوده و مرحوم میرزا(قدس سره) توانسته در هر جا يك اثر بسیار مؤثر بر جای بگذارد و امروز حوزه های علمیه در سراسر دنیا به برکت تلاش های شبانه روزی آن مرجع راحل و وجود شاگردان عالم و فاضل مرحوم میرزا(قدس سره) منتعم هستند.

خودسازی و نیل به کمال انسانی

در نظر میرزای تبریزی (قدس سره)

یکی از سؤالاتی که معمولاً نسل جوان (به خصوص طلاب جوان) از فقیه مقدس، آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می پرسیدند، این بود که چه کنیم که در کارها موفق گردیم و در نهایت از زندگی خود کمال استفاده را بنماییم؟ و حرکات و سکنات ما مورد رضای پروردگار و اهل بیت (علیهم السلام) باشد؟

انسان موجودی کمال جو است که برای رسیدن به این کمال همه امکانات در اختیار او قرار گرفته است. (وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ)^{۱۶۲}; «و آنچه در آسمان ها و زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخت».

بی شك در اختیار گرفتن همه امکانات بدان جهت است که انسان مراتب کمال را به صورت صعودی طی کند و بیش از پیش به موفقیت هایی چه در ابعاد مادی و چه معنوی دست یابد.

برای رسیدن به اهداف و خواسته های مورد نظر و چشیدن طعم شیرین موفقیت، شرایط و عواملی لازم است تا در سایه به کار بستن آنها، بهتر بتوان به آن اهداف دست یافت.

از مجموع استفتائات و نصایح به جا مانده از آن فقیه مقدس راحل، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) جهت کسب مراتب کمال موارد زیر استفاده می شود:

۱- اولین مرحله، اهمیت به تکالیف شرعی است، انسان ابتدا باید به واجبات خود اهمیت خاصی دهد، وظایف خود را به نحو احسن ادا نماید و در انجام آنها سهل انگاری نکند و این اولین گام جهت کسب معنویت و توفیق است.

۲- پرهیز از گناه: انسان طالب کمال باید در فعل و کلام خود تقوای الهی را مد نظر بگیرد و به خاطر مکاسب دنیا، خلاف نگوید. گاهی انسان به خود می باوراند که مسئله ای نیست بعداً جبران می کنم و (نعوذ بالله) دروغ می گوید، حال آنکه همین کار، او را از کسب توفیق محروم کرده و به عقب می راند. شیطان در کمین انسان است و سعی می کند برای کارهای خلاف، توجیهی را به فرد، القا کند، تا او را به سوی انجام کار خلاف بکشد. انسان نباید مکاسب و لذات دنیا را مقدم بر اطاعت پروردگار بنماید؛ بلکه باید فرامین الهی را خالصانه انجام دهد و از گناه بپرهیزد.

۳- محبت واقعی به اهل بیت (علیهم السلام): خداوند متعال می فرماید: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^{۱۶۳} و مصداق بارز این آیهی شریفه اهل بیت (علیهم السلام)

هستند و آنها کشتی نجات می باشند و هرکس به حبل متین آنان چنگ بزند، سعادت دنیا و آخرت را

۱۶۲- سورهی جائیه، آیهی ۱۳.

۱۶۳- مائده، آیهی ۳۵.

کسب خواهد کرد. اگر يك جوان (به خصوص طلبه‌ی جوان) بخواهد توفیق الهی شامل حالش شود باید به خاندان اهل بیت(علیهم السلام) محبت واقعی داشته باشد و در مقابل شبهاتی که بعضی منحرفین به عوام از مؤمنین القا می کنند، بایستند و ارادت و اخلاص خود را ثابت نمایند و برای سایرین در محبت و مودت به خاندان اهل بیت(علیهم السلام) الگویی نمونه باشد.

۴- دوری از ظلم به دیگران: انسان باید از کارهایی که ظلم بر دیگران محسوب می شود بپرهیزد، که این عمل در توفیقات و نیل انسان به کمال نقش اساسی دارد. خداوند درهای رحمت را بر انسانی که به دیگران ظلم می کند می بندد، و توفیق را از او می گیرد. ظلم مراتبی دارد که گاهی با القای شیطان، به نظر شخصی این طور می آید که این کار، گناهی نیست و اثری نمی گذارد، حال آنکه همان کار اثر وضعی دارد و انسان را به فنا می کشد، اگر شخصی بخواهد کسب توفیق کند باید ظلم را ترك کند و در يك کلام کاری به کسی نداشته باشد و سعی کند خود را بسازد. اگر در حالات بزرگان دین نظر شود مشاهده می گردد که این خصوصیت از موارد بارز اخلاقی آنها بوده است.

۵- شخص طالب کمال اگر طلبه است و می خواهد در تحصیل موفق شود، باید ابتدا تمام همش درس و بحث باشد و در کنار آن از تقوای الهی غافل نباشد. طلبه اول باید خوب درس بخواند تا بتواند مؤثر باشد، سکان هدایت جامعه به دست طلاب است اگر آنها در فراگیری علوم کوتاهی کنند، علاوه بر آنکه مسئول خواهند بود، نمی توانند خدمات دینی مؤثری داشته باشند. اگر يك طلبه در درس، مجد باشد و تقوای الهی داشته باشد به طور یقین به درجه ای والا خواهد رسید و توفیق خواهد یافت که به دین خدمت کند.

خوب درس خواندن و مراعات تقوای الهی، نوری است به سوی سعادت دنیا و آخرت.

۶- یکی از مواردی که می تواند در جهت تهذیب و تزکیه‌ی نفس نقش اساسی داشته باشد، همنشین خوب است، به خصوص طلاب جوان که می خواهند مُبلَّغ دین، احکام الهی و معارف اهل بیت(علیهم السلام) باشند. انسان بر اثر نشست و برخاست با افراد ناشایست به مرور زمان حالات معنوی خود را از دست خواهد داد و نورانیتش به تدریج زایل خواهد شد. خدای ناکرده وقتی متوجه می شود که دیگر دیر شده است، از این رو باید از همان ابتدای دوران تحصیل، افرادی که در درس و بحث و تدین معروف هستند را مورد مشورت خود قرار دهد. اگر خود شخص، اهلیت تشخیص را ندارد از بزرگان كمك بطلبد و سعی کند با هم سن و سالان خود بحث و رفت و آمد داشته باشد. انسان به دوستانی نیاز دارد که بتواند علاوه بر آنکه آنها را مورد مشورت قرار می دهد، از آنان استفاده‌ی علمی نموده و اوقات فراغت خود را با آنان بگذراند. البته باید دقت کند که خدای ناکرده وقت خود را به پای چیزهای بیهوده مصرف نکرده و از کارهایی که قلب انسان را سیاه می کند، بپرهیزد. زیاد خندیدن حکم نمک زیاد در غذا را دارد، طلبه باید با متانت حرف های سنجیده بزند و هر آنچه که به ذهنش می آید، بیان نکند؛ بلکه

باید قبل از نطق، در مورد تأثیرات آن فکر کند و با آگاهی حرف بزند. اگر در جوانی مراقب کردار و اعمال باشد و تقوای الهی را پیشه کند، سعادت او تضمین است.

۷- رمز موفقیت يك انسان، استفاده از فرصت ها است. يك جوان، به خصوص يك طلبه اگر بخواهد در آینده موفق شود، باید از تمام لحظاتی که فرا روی خویش دارد استفاده‌ی کامل نماید. همانگونه که ائمه ما(علیهم السلام) فرموده اند: «**فاغتنموا الفرص فانها تمرّ مر السحاب**؛ فرصت ها را مغتنم شمارید که همچون ابر عبور می کند»، «**الفرصة تمر مر السحاب فانتهزوا فرص الخير**؛ فرصت ها همچون عبور ابرها می گذرد بنابراین فرصت های نيك را غنیمت شمارید»، «**اضاعة الفرصة غصه، فان لكل شيء مده واصلا و...**؛ از دست دادن فرصت غم انگیز است...».

۸- ارتباط معنوی: اگر شخصی بخواهد در کار خود موفق باشد، ابتدا باید بر کیفیت تکالیف شرعی خود بیفزاید و آن گاه از دعا و ذکر غافل نشود. سعی کند ادعیه‌ی معروف را زمزمه کند و از اذکار، از جمله صلوات و استغفار، باز نماند. بعضی از اعمال مستحبی مثل نماز شب نقش اساسی در کمال معنوی دارد ولی باید همراه نشاط باشد و به تدریج انجام گیرد. انسان اگر از کم و به تدریج شروع کرد، بر عمل استمرار پیدا خواهد کرد، ولیکن عجله در انجام اعمال مستحبی و کثرت آن، ممکن است بعضی را خسته کند و چه بسا انسان دیگر توفیق انجام نوافل و ادعیه و... را نیابد. هر جوانی اگر اعمال مستحبی را به تدریج انجام دهد، بر آن عادت خواهد کرد و نورانیت خاصی کسب خواهد نمود. بعضی از جوانان و طلاب در انجام مستحبات افراط می کنند، تجربه ثابت کرده که آنها در استمرار کار موفق نمی شوند، زود خسته شده و آن را ترك می کنند.

۹- از دیگر مواردی که در پیشبرد انسان به سوی فتح قله سعادت و کمال در دنیا و عقبی از اهمیت به سزایی برخوردار است، مسئله‌ی توکل است. اگر عمل، خالصانه و همراه با توکل انجام گیرد سرانجام، رضایت ایزدمان را به دنبال خواهد داشت. انسان مؤمن و متدین، ضمن آنکه کار را خالصانه و برای خدا انجام می دهد، مزد و پاداشش را هم باید از خدا بخواهد و پروردگار متعال به او عنایت خواهد کرد. توکل، خود بهترین زمینه است برای انسان در مسیر کسب معنویت و ارتقای درجه.

۱۰- دوری از غرور و متخلق شدن به صفات حمیده ای مثل تواضع و فروتنی، انسان باید در تمام مراحل زندگی از غرور و کبر دوری کند و از خداوند متعال و اهل بیت(علیهم السلام) بخواهد که توفیقش دهند تا هیچ گاه فریب شیطان را نخورد، و با تواضع، فروتنی و ساده زیستی مرضی امام زمان(علیه السلام) خواهد بود. جوانان، به خصوص طلاب با خواندن و یاد گرفتن چند اصطلاح نباید مغرور شوند؛ بلکه از خدا بخواهند که لحظه ای آنان را به خود وا مگذارد و در دل زمزمه کند که: «**الهی لا تکنی الی نفسی طرفة عین ابداء**».

سفارشات‌ی به طلاب در امر تحصیل

برگرفته از سیر زندگی میرزای تبریزی (قدس سره)

طلاب به خصوص طلاب جوان همواره سؤال می‌کنند: انجام چه کارهایی سبب ترقی انسان به درجات رفیع علمی و معنوی و کسب موفقیت و خدمت به دین را فراهم می‌آورد؟ پاسخ این پرسش را از سیر زندگی فقیه مقدس راحل میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می‌توان داد:

یکی از خصایل مرحوم میرزا (قدس سره) سحرخیزی بود، ایشان دو ساعت قبل از اذان صبح بیدار می‌شدند و به تهجد و عبادت می‌پرداختند و می‌فرمودند: «به طلبه‌ها بگویید سحرخیز باشند که روزی‌ها در آن ساعات تقسیم می‌شود». نیمه شب به حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) مشرف می‌شدند و آن زمان را جهت ارتباط معنوی با پروردگار، مناجات و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) اختصاص داده بودند. این حرکت نیمه شب و تهجد ایشان (قدس سره) در حرم مطهر یا مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام)^{۱۶۴} خود درسی بزرگ برای دیگران در

مسیر عبودیت و نهایت بندگی در ساحت قدسی پروردگار سبحان بود. یکی دیگر از خصوصیات مرحوم میرزا (قدس سره) این بود که واقعاً مانند یک جوان به درس و بحث اهمیت می‌دادند و اجازه نمی‌دادند که لحظه‌ای از وقتشان فوت شود. در طول شبانه روز و تا آخرین لحظات عمر با جدیت درس و بحث داشتند و همواره می‌فرمودند: «از درس خواندن مأیوس نشوید و در امر تحصیل از خدا کمک بخواهید و اهل بیت (علیهم السلام) را واسطه قرار دهید.» و می‌فرمودند تا جوان هستید بنیه‌ی علمی خود را قوی کنید و نگذارید عمر که سرمایه‌ی گران بها می‌باشد تلف شود.

توکل مرحوم میرزا (قدس سره) در امور به خداوند متعال، زبانزد بود و همیشه اهل بیت (علیهم السلام) را در کارها واسطه قرار می‌دادند و به طلاب نصیحت می‌کردند که به حبل متین اهل بیت (علیهم السلام) چنگ بزنید. اگر اهل بیت (علیهم السلام) عنایت کنند، امور حل می‌شود. می‌فرمود: آنان وسیله نجات ما در دنیا و آخرت هستند، وسیله‌ای که خدا ما را به چنگ زدن به حبل متین آنها سفارش نموده و فرمود: «وابتغوا الیه الوسیله» که مصداق بارز (وسیله)، اهل بیت (علیهم السلام) هستند.

یکی دیگر از مواردی که مرحوم میرزا (قدس سره) به آن اهمیت می‌داد، نظم در کارها و وقت بود؛ به طوری که خانواده مرحوم میرزا (قدس سره) می‌گفتند: ما از نظم آقا می‌توانستیم ساعت خود را تنظیم کنیم، برنامه شبانه روزی مشخصی داشتند که به واسطه این برنامه ریزی از وقت خود به نحو احسن و اکمل استفاده می‌نمودند.

۱۶۴- مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) واقع در چهار راه بازار (قم)، در قرن سوم هجری به امر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) توسط وکیل و نماینده آن حضرت، احمد بن اسحاق قمی (رحمه الله) بنا شد.

یکی دیگر از خصوصیات مرحوم میرزا(قدس سره) تواضع و فروتنی بسیار بود. ایشان خود را بیش از يك طلبه حساب نمی کردند و می فرمودند: «من يك طلبه هستم و همیشه يك طلبه خواهم ماند و من هیچ گاه فکر نکرده و نمی کنم که مرجع هستم؛ لذت طلبگی از همه لذت ها بالاتر است.» ایشان اصلاً راضی نبودند کسی به عنوان مرجع از ایشان یاد کند حتی بارها و بارها در مجالس روضه وقتی منبری نام ایشان را ذکر می کرد، ناراحت می شدند و می گفتند که منبر جای ذکر اهل بیت(علیهم السلام) است و می فرمودند: «اگر مرجعیت وظیفه الهی نبود، هیچ گاه آن را قبول نمی کردم و مانند سایر طلاب تمام وقت را مشغول تحصیل و تدریس بودم؛ ولیکن مرجعیت به عنوان يك وظیفه الهی بر دوش من قرار گرفت و من مجبورم ادای تکلیف نمایم و امیدوارم خداوند به من توفیق دهد که به بهترین وجه به وظیفه خود عمل نمایم.»

خصوصیات يك طلبه‌ی خوب

از نظر میرزای تبریزی (قدس سره)

چگونه باید باشیم تا امام زمان (علیه السلام) از ما راضی باشد

معمولاً طلاب جوانی که خدمت فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) می رسیدند، این سؤال را می پرسیدند که: «آقا! بفرمایید چه کار کنیم که کارهایمان مرضی ولی عصر (عج) باشد؟» مرحوم میرزا (قدس سره) قبل از هر چیزی به ظاهر طلاب نظر می کرد. اگر می دید که لباس آنها مناسب طلبگی نیست یا موهایشان بلند است و یا فقط ته ریش دارند، با کمال محبت ابتدا به مشکل ظاهری آنها می پرداختند و می فرمودند: «اول شکل ظاهر را باید درست کرد. شما موظف هستید در جامعه طوری حرکت کنید که شکل شما با سایر جوانان متفاوت باشد. موها باید کوتاه، ریش معمولی و لباس مناسب شأن باشد». آن گاه می فرمودند:

اولاً: طلبه باید به تکالیف خود که احکام حلال و حرام است دقت کامل داشته باشد، و با مسائل، سرسری برخورد نکند که این قدم اول جهت سازندگی و کسب رضایت امام روحی له الفداء است. ثانیاً: هر کاری را که می خواهد انجام دهد، برای خدا باشد؛ یعنی با توکل به ایزد منان کار را برای رضای خدا انجام دهد و جز خدای متعال چیز دیگری را مد نظر نداشته باشد. اگر کار خالصانه برای خدا انجام گرفت، نتیجه خواهد داد و خدا در مقابل آن اخلاصی که در عمل صورت می گیرد، درجه داده و شخص را به مرتبه ای والا خواهد رساند.

ثالثاً: ولای به اهل بیت (علیهم السلام) باید همواره مد نظر باشد و با اخلاص کامل به ساحت مقدس آنان عرض ادب کرده و کاری کند که رضایت آنها در آن کار باشد و با زبان و عمل خود محبت خویش را به آنان ابراز کرده و در مقابل شبهات بایستد و از مظلومیت آنان دفاع کرده و حامی واقعی مذهب باشد و کمترین قدم همان شرکت در مجالس عزا و روضه است.

رابعاً: يك نکته که مرحوم میرزا (قدس سره) به طلاب جوان تأکید می کردند، درس خواندن بود که طلبه باید تمام وقت خود را در جهت درس صرف کند و سعی کند تا جوان است بنیه‌ی علمی خود را تقویت کند، که اگر انسان فاضلی شد می تواند به دین خدمت کند. طلبه بی سواد نه تنها مفید نخواهد بود بلکه خدای ناکرده ممکن است ضربه به دین بزند.

خامساً: مورد دیگری که مرحوم میرزا (قدس سره) به آن توصیه می کردند، توجه به معنویات در کنار درس بود و ایشان می فرمود: زمانی که ما فیضیه بودیم، نیمه شب (جهت نماز شب) مدرس فیضیه مملو از طلبه می شد به طوری که اگر يك نفر غریبه وارد مدرسه می شد، از کثرت حضور طلاب در مدرسه، تصور می کرد که وقت نماز صبح است، طلاب به شب زنده داری و تهجد بسیار مقید بودند.

طلبه باید در جهت معنویت و خودسازی گام بردارد و از توسل به اهل بیت (علیهم السلام) دریغ نکند. مرحوم میرزا (قدس سره) معتقد بودند که نیمه شب وقت مزد گرفتن است؛ از این رو خودشان نیمه شب ها با خدای خود راز و نیاز می کردند^{۱۶۵}. حرکت نیمه شب ایشان و تهجد در

.....^{۱۶۶}.....

حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) و مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) برای طلاب جوان درس بود.

ساده‌تر: نکته دیگری که ایشان بدان بسیار اصرار داشتند، این بود که می فرمودند: طلبه علاوه بر آنکه باید هوشیار و زیرک باشد، باید با تواضع و افتادگی حرکت کند؛ خود را کسی حساب نکرده و با خلوص کامل به درس و بحث خود مشغول شود. اگر خود را کسی فرض کرد، به جایی نخواهد رسید بلکه باید کاری کند که همواره عنایات الهی شامل حالش شود و خود مرحوم میرزا (قدس سره) تا آخر عمر می فرمودند: «من يك طلبه بیش نیستم» این کارها ان شاء الله رضایت امام عصر (علیه السلام) را به دنبال خواهد داشت.



© نشد که مرحوم میرزا (قدس سره) قبل از ادای نماز مغرب افطار کند. ابتدا با خضوع و خشوع کامل وضو ساخته و نماز خود را به جا می آورد و ضمن زمزمه‌ی دعای افطار و خواندن سوره‌ی «انا انزلنا» افطار خود را با خرما شروع می کرد و همین حرکت ها و خلوص بود که علاقه‌ی پدر به فرزند را افزون می کرد به طوری که بارها و بارها پدر مرحوم میرزا (قدس سره) می گفت: «میرزا جواد چیز دیگری است!» و این جوان آن گونه رفتار می کرد که گویی معلم خانواده شده بود. خصوصیات والای اخلاقی، کمال سرشار و معرفت خاص، از او فرزندی محبوب ساخته بود.

فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) در طول اقامت ۳۴ ساله در قم نیمه شب، قبل از اذان صبح از منزل خارج می شدند و برای انجام نافله‌ی شب به حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) مشرف می شدند و در کنار مرقد مطهر حضرت به عبادت و شب زنده داری می پرداختند. ایشان با معنویت کامل مقابل ضریح حضرت (علیها السلام) می نشستند و بعد از خواندن زیارت، شروع به خواندن نماز شب می کردند. اشخاصی که در دل شب در اطراف حرم تردد داشتند، بارها و بارها مشاهده کردند که مرحوم میرزا (قدس سره) به تنهایی به حرم مطهر مشرف می شوند و مانند يك شخص عادی با تواضع و فروتنی کامل گاهی در حالی که عباى خود را به سر کشیده تا شناخته نشود وارد حرم می شدند و در ایوان طلای صحن کوچک، در مقابل ضریح به عبادت و شب زنده داری مشغول می شدند. مرحوم میرزا (قدس سره) همیشه دوست داشتند که طلاب در دل شب بیدار شوند و از آن فضای معنوی استفاده کنند. ایشان می فرمودند: طلبه باید همت داشته باشد و خواب را رها کرده و در نیمه شب خود را به معبود وصل کند که مرزدها در نیمه شب تقسیم می شود. نیمه شب ها وقتی مشاهده می کردند که يك طلبه‌ی جوان سحرخیز است و مشغول عبادت می باشد بسیار خوشحال می شدند و می گفتند که ما در ابتدای طلبگی بسیار سعی می کردیم که مزد نیمه شب را از دست ندهیم.

نصایحی به طلاب در ضمن جواب سؤالاتشان

از میرزای تبریزی (قدس سره)

يك طلبه‌ی نمونه چه خصوصیتی دارد؟

يك طلبه باید به گونه ای رفتار نماید که برای سایرین الگو باشد، به طوری که شکل ظاهر، رفتار و گفتار او حاکی از نورانیتش باشد و مردم دین را در چهره و کارهای او ببینند. يك طلبه ابتدا باید در درس و بحث جدیت داشته باشد و تمام وقت خود را صرف تحصیل علم نماید و برای خدا درس بخواند و همواره در فکر رسیدن به طرق رهایی از کمند شیطان نسبت به خود و جامعه باشد تا لیاقت کسب توفیقات الهی را پیدا کند^{۱۶۷}. يك طلبه‌ی خوب، می تواند تأثیر بسزایی در جامعه گذاشته و تحولی عظیم ایجاد نماید. بی اعتنایی نسبت به دنیا، دوری از گناه، حسن ظاهر، جدیت در درس، خیر خواهی برای دیگران و پیش قدم بودن در کارهای خیر از ویژگی های يك طلبه‌ی نورانی است. طلبه باید از همان جوانی در درس و تهذیب نفس جدی باشد و وسوسه‌ی شیطان را از خود دور کند؛ زیرا شیطان چنین القا می کند که تو هنوز جوان هستی، وقت زیاد است، عجله نکن و... غفلت در دوران جوانی خطری است که ممکن است انسان را نابود سازد و گاهی جبران آن مشکل خواهد بود. هوشیار باشید که عمر به سرعت می گذرد.

طلبه ای هستم که در حال خواندن مقدمات می باشم، این بنده‌ی حقیر را نصیحتی بفرمایید؟

بسمه تعالی؛ جوانی و اوقات گرانبه‌ای آن را مغتنم بشمارید. در مسیر تحصیل، ضمن تلاش برای کسب کمالات اخلاقی، در کسب علم نیز جدیت داشته باشید^{۱۶۸}. به دنبال استادی بروید که از نظر

۱۶۷- امیرمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرمودند: «لا ینفع اجتهاد بغیر توفیق؛ کوششی که با توفیق همراه نباشد سودی ندارد». (غررالحکم، شماره ۴۰۰۲)؛ «لا قائد خیر من التوفیق؛ راهنمایی بهتر از توفیق وجود ندارد»؛ (بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۴، ح ۳۴)

قرآن کریم از قول حضرت شعیب (علیه السلام) می فرماید: (وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ)؛ «توفیق من جز به خدا نیست». (هود، آیه ۸۸) امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز در پاسخ به نامه ای به معاویه (علیه لعنة الله) فرمودند: «وما توفیقی الا بالله؛ توفیق من جز به خدا نیست». (نهج البلاغه، نامه ۲۸).

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «من سال الله التوفیق ولم یجتهد فقد استهزء بنفسه؛ کسی که از خداوند توفیق را مسئلت نماید، ولی کوشش نکند، خود را به تمسخر گرفته است». (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۶، حدیث ۱۱).

۱۶۸- امیرمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) همگان را به تلاش فرا می خوانند و می فرمایند: «فعلیکم بالجد؛ بر شما باد تلاش و کوشش» چرا که «لا یدرک الحق الا بالجد؛ حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی آید». (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ امیرمؤمنین (علیه السلام) خطاب به امام مجتبی (علیه السلام) می فرماید: «فاسع فی کدحک؛ نهایت کوشش را در زندگی داشته باش». (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ «من طلب شینا ناله او بعضه؛ آن کس که در تلاش و طلب چیزی باشد، یا به همه آن و یا لا اقل

علمی و اخلاقی شاخص باشد، تا هم از علم او استفاده کنید و هم در عمل از او درس بگیرید. از حضور در مجالسی که انسان را از یاد خدا غافل می کند، اجتناب کنید. قصدتان در تحصیلات این باشد که در آینده به دین و مذهب خدمت کنید. توجه داشته باشید که شیطان هر لحظه، در کمین است و با وسوسه های گوناگون سعی می کند که شما را از جادهی صواب منحرف سازد. در کنار درس، تقوای الهی را

مراعات کرده و با توسل به اهل بیت (علیهم السلام) ضمن دور کردن شیطان، قلب امام زمان (علیه السلام) را شاد نمایید. ان شاء الله تعالی.

طلبه‌ی جوانی هستم، من را نصیحتی بفرمایید؟

بسمه تعالی؛ در تحصیل علوم دینیهِ کوشا باشید، انسان بدون زحمت و مشقت به جایی نمی رسد. سرآمد و پایان فضیلت ها دانش است و دانایی سرآمد همه‌ی خوبی هاست^{۱۶۹}. با جدیت درس

..... ۱۷۰

به قسمتی از آن دست خواهد یافت». (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۶)؛ امیرمؤمنین (علیه السلام) از تلاش و فعالیت مورچه سخن می گوید: «انظروا الی النملة فی صغر جنتها... کیف دبت علی ارضها وصبت علی رزقها تنقل الحبة الی حجرها وتعدھا فی مستقرها، تجمع فی حرھا لبردها وفی وردها لصدرها؛ به مورچه و کوچکی جثه آن بنگرید... که چگونه روی زمین راه می رود و برای به دست آوردن روزی خود تلاش می کند؛ دانه ها را به لانه خود منتقل می سازد و در جایگاه مخصوص نگه می دارد، در فصل گرما برای زمستان تلاش کرده، و به هنگام درون رفتن، بیرون آمدن را فراموش نمی کند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵)؛ امیرمؤمنین (علیه السلام) فرزندش امام مجتبی (علیه السلام) را به تلاش در جهاد فرا می خواند که «وجاهد فی الله حق جهاده ولا تأخذک فی الله لومة لائم؛ در راه خدا تا سر حد توان تلاش کن و هرگز سرزنش سرزنش گران تو را، از تلاش در راه خدا باز ندارد». (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

۱۶۹- خداوند متعال می فرماید: (قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ). (زمر، آیه ۹) بگو: «آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟ تنها خردمندان متذکر می شوند». (قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا). (طه، آیه ۱۱۴) بگو: «پروردگارا! علم مرا افزون کن».

پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجْرِ وَ مَنْ تَعَلَّمَ وَ هُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ؛ هر که در جوانی بیاموزد، همانند نقش روی سنگ است (که از بین نمی رود و فراموش نمی شود)، و هر که در پیری یاد گیرد، مانند نوشتن بر سطح آب است». و همچنین فرمود: «مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى ذُلِّ التَّعَلُّمِ سَاعَةً بَقِيَ فِي ذُلِّ الْجَهْلِ أَبَدًا؛ هر که بر فروتنی یادگیری، ساعتی صبر نکند، در ذلت نادانی ماندگار می شود».

◌

© بِالطَّاعَةِ وَ الطَّاعَةِ بِالْعِلْمِ وَ الْعِلْمِ بِالْتَّعَلُّمِ؛ نجات فقط با طاعت به دست می آید و طاعت در گرو علم است و علم در گرو یادگیری». امیر المؤمنین (علیه السلام): «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُمْ اللَّهُ بِهِ؛ به فرزندان خود، از علوم ما آن بخشی که خدا برایشان نفع بخشد یاد دهید». «الْأَمَامُ عَلَى بَنِي الْحَسَنِ، زَيْنُ الْعَابِدِينَ (علیه السلام): لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ يَسْفِكُ الْمُهْجَ وَ خَوْضِ النَّجِّجِ؛ امام سجاد (علیه السلام) فرمود: چنانچه مردم منافع و فضایل تحصیل علوم را می دانستند هر آینه آن را تحصیل

بخوانید و در امور خود، رضای خدا را در نظر بگیرید و تابع هوای نفس نباشید.

طلبه اگر بخواهد مورد عنایت پروردگار قرار گیرد، باید روشی متفاوت از سایر مردم داشته باشد و در حرکات خود دقت کافی را مبذول دارد. اگر طلبه اشتباه کند، به اسم دین تمام می شود بنابراین باید دقت کرد تا اشتباهی رخ ندهد که قلب امام زمان (علیه السلام) به درد آید. در کارها رضایت اهل بیت (علیهم السلام) را مد نظر داشته باشد و طوری رفتار کند که قلب امام زمان (علیه السلام) را شاد کند. طلبه ضمن عمل به مسائل شرعی و رعایت تقوای الهی، باید در ابتدای امر به درس خواندن اهمیت دهد تا بتواند در جامعه فردی مفید واقع شود و از تقوای الهی و تهذیب نفس غافل نباشید، **وَفَقِّمُوا اللَّهَ لِمَرْضَاتِهِ**.

می کردند گرچه با ریخته شدن و یا فرو رفتن زیر آب ها در گرداب های خطرناک باشد». (اصول کافی: ج ۱، ص ۳۵، بحار الأنوار: ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۱۰۹)

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله): «الْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَالْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ؛ دانایی، سرآمد همه خوبیهاست و نادانی سرآمد همه بدیها». (بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۷۵، ح ۹) امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام): «رَأْسُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ، غَايَةُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ؛ سرآمد فضیلتها، دانش است؛ نقطه پایان فضیلتها دانش است». (غررالحکم، ۶۳۷۹، ۵۲۳۴)

◌

© أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ مَذْهَبُهُ وَ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّنْذِيرَ وَ انْتَفَعَ بِهِ وَ اسْلَمَ الْقُلُوبَ مَا طَهَّرَ مِنَ الشُّبُهَاتِ؛ به راستی، بیناترین دیده ها آن است که در خیر نفوذ نماید، و شنواترین گوشها آن است که تنذرات [دیگران] را بشنود و از آن بهره مند شود و سالم ترین دلها آن است که از شك و شبهه پاک باشد». (تحف العقول، ص ۴۰۸، شماره ۱۷) امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «طلب العلم فريضة على كل مسلم؛ جستجو و طلب علم بر هر مسلمان واجب است» (بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۲).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمود: «اطلبوا العلم من المهد الى اللحد؛ در همه عمر، از گهواره تا گور، در جستجو و طلب علم باشید». (نهج الفصاحة، ص ۶۴) پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: «اطلبوا العلم ولو بالصين؛ یعنی علم را جستجو و تحصیل کنید و به دست آورید ولو در چین». (بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۸۰) «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» (نساء، آیه ۱۰۰)؛ و هرکس از خانه خود به سوی خدا و پیامبرش برای هجرت خارج شود و در راه بمیرد، اجرش با خداست». وارد شده است: «لو علمتم ما في طلب العلم لطلبتموه ولو بسفك المهج وخوض اللجج؛ اگر می دانستید در نتیجه طلب و تحصیل علم به چه سعادت هایی می رسید، به دنبال آن می رفتید ولو به اینکه خون شما در این راه ریخته شود و یا مستلزم این باشد که به دریاها وارد شوید و اقیانوس ها بپیمائید» (بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۷۷). از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) روایت شده است که: «الحكمة ضالة المؤمن يأخذها أينما وجدها (یا به این تعبیر): كلمة الحكمة ضالة المؤمن فحيث وجدها فهو احق بها؛ حکمت گمشده مؤمن است، و هر کس که چیزی کم کرده است، آن را در هر نقطه که پیدا کند معطل نمی شود و بر می دارد» (بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۹). امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«الحكمة ضالة المؤمن فاطلبوها ولو عند المشرك تكونوا احق بها واهله؛ حکمت گمشده مؤمن است؛ پس او را بجویید و بیابید، هرچند نزد يك نفر مشرك باشد، شما که مؤمن هستید، به آن علم و حکمت سزاوارترید و شایسته آن می باشید». از همان حضرت نقل شده است: «الحكمة ضالة المؤمن فخذ الحكمة ولو من اهل النفاق؛ حکمت گمشده مؤمن است: آن را بگیر ولو از اهل انفاق». (نهج البلاغه، حکمت ۸۰).

صفات يك طلبه‌ی خوب چیست، نصیحت فرمایید؟

دوران جوانی يك طلبه، نقشی اساسی در آینده‌ی او دارد. اگر

طلبه خود را در آن دوران ساخت و از وقت خود به بهترین وجه استفاده نمود^{۱۷۲}، آینده‌ی درخشانی خواهد داشت. کسب معنویت، تقرب به خدا و تهذیب نفس مراحل است که اگر طلبه‌ی جوان در همان ابتدای طلبگی در کنار خوب درس خواندن به آن اهمیت دهد، موفقیت او حتمی است. برای خدا درس بخواند و امور را به

پروردگار واگذار نماید، ان شاء الله نورانیتی کسب خواهد کرد که سعادت دنیا و آخرت را به دنبال خواهد داشت.

فرصت را مغتنم شمارید که جوانی زود گذر است، موفق باشید.

به حول و قوه‌ی الهی می‌خواهم تحصیل خود را در حوزه شروع کنم، چه کتبی را جهت تحصیل پیشنهاد

می‌فرمایید؟

فرزند عزیزم! ضمن آرزوی موفقیت برای شما در درس خواندن، دروس سنتی حوزه را بخوانید و از زمزمه‌ای که گاهی در حوزه، در مورد تغییر کتب شنیده می‌شود، دوری کنید. علمای بزرگ با خواندن همین کتب سنتی حوزه به درجات عالی علمی رسیدند و کتب دروس سنتی حوزه معروف می‌باشند. شما به حول و قوه‌ی الهی، ابتدا از کتاب «جامع المقدمات» شروع کنید، که خود دارای بخش‌ها و کتاب‌های مختلفی است و با دقت کامل آنها را نزد استاد مجرب و متدین بخوانید و در کنار آن از تهذیب نفس غافل نباشید. کار شما فعلاً، علاوه بر تهذیب نفس، با جدیت درس خواندن باشد و برای انتخاب کتب، با اساتید معروف سنتی حوزه مشورت کنید و اگر می‌خواهید در آینده به دین

۱۷۲- امیرالمؤمنین(علیه السلام) می‌فرماید: «الفرصة تمر مر السحاب فانتبهوا فرص الخیر؛ فرصت‌ها همچون عبور ابرها می‌گذرد، بنابراین فرصت‌های نیک را غنیمت بشمارید». (نهج البلاغه، حکمت ۲۱)؛ امیرالمؤمنین(علیه السلام) می‌فرماید: «إضاعة الفرصة غصة؛ از دست دادن فرصت غم‌انگیز است». (نهج البلاغه، حکم ۱۱۸)؛ امیرالمؤمنین(علیه السلام) می‌فرماید: «فان لكل شیء مدة واجلا؛ هر چیزی وقت مشخصی دارد و سرآمدی معین». (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰)؛ امیرالمؤمنین(علیه السلام) می‌فرماید: «كل معالج یسال الانظار وكل مؤجل یتعل بالتسویف؛ آنان که وقتشان پایان یافته خواستار مهلتند و آنان که مهلت دارند کوتاهی مورزند». (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۵)؛ امیرالمؤمنین(علیه السلام) می‌فرمودند: «فلیعمل العامل منكم فی ایام مهله قبل ارهاق اجله وفي فراغه قبل اوان شغله وفي متنفسه قبل ان یؤخذ بكظمه؛ هرکس از شما که اهل علم است باید عمل کند در روزگاری که مهلت دارد پیش از آنکه مرگ فرا رسد و در ایام فراغتش پیش از آنکه گرفتار شود و در ایام رهایی‌اش پیش از آنکه گلوگاه او [به وسیله مرگ] گرفته شود». (نهج البلاغه، خطبه ۸۶)؛ امیرالمؤمنین(علیه السلام) می‌فرمودند: «بادروا بالاعمال عمرا ناکسا او مرضا حابسا او موتا خالسا؛ به سوی اعمال نیکو بشتابید پیش از آنکه عمرتان پایان پذیرد یا بیماری مانع شود و یا تیر مرگ شما را هدف قرار دهد». (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰).

خدمت نماید به درس خود اهمیت دهید و ابتدا بنیهای علمی خود را تقویت کرده و از تهذیب نفس غافل نشوید که درس، بدون تقوا ثمره ای ندارد. دوستی خوب و متدین، و استادی مجرب، باتقوا و فاضل برای خود انتخاب کنید. موفق باشید.

با جدیت درس می خوانم و امید دارم سرانجام موفق شوم، نصیحتی بفرمایید؟

کسب علم فقط به واسطه‌ی خواندن و نوشتن نیست؛ بلکه نوری است که خدا در دل بنده ای مخلص قرار می دهد. انسان باید ضمن مراعات تقوای الهی^{۱۳۳} زحمت بکشد؛ شب و روز تلاش نمایید و خوب درس بخواند و رشته ای را انتخاب کند که به وسیله آن به مؤمنین خدمت کند، و اگر شخص، ضمن عمل به تکالیف شرعی خوب درس بخواند خداوند به او توفیق خواهد داد. شما ضمن تلاش، از تهذیب نفس غافل نباشید. چه افراد بسیاری که خوب درس خواندند ولی از ارتباط معنوی غافل بودند و نتوانستند به دین خدمت کنند، اگر می خواهید خدمتی داشته باشید باید علاوه بر تحصیل، جهاد با نفس، ارتباط معنوی با خدا و توکل به او در تمام لحظات در نظرتان باشد.

طلبه ای هستم که همواره دوست داشته ام سرباز مخلص امام زمان(علیه السلام) باشم، نصیحتی بفرمایید؟

بسمه تعالی؛ به تکالیف الهی توجه داشته و بسیار به یاد قیامت و روز حساب باشید! کاری کنید که امام زمان(علیه السلام) از شما راضی باشد. اگر با جدیت درس بخوانید و تکالیف الهی را همراه با تهذیب نفس مد نظر بگیرید، ان شاء الله قلب امام زمان(علیه السلام) را شاد خواهید کرد. و در راه تحصیل، با توکل به خداوند متعال و توسل به ائمه‌ی اطهار(علیهم السلام) بکوشید تا خوب درس بخوانید و در تحصیل عجله نکنید، تا کتابی را تمام نکرده و نفهمیده اید کتاب دیگری را شروع نکنید. سعی کنید بعد از تمام کردن يك کتاب، آن را درس دهید. در استفاده از جوانی و سرمایه‌ی عمر، کمال مراقبت را

۱۳۳- امیرمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) می فرماید: «فمن اخذ بالتقوی غربت عنه الشدائد بعد دنوها واحولت له الامور بعد مرارتها وانفرجت عنه الامواج بعد تراکمها واسهلت له الصعاب بعد انصابها وهطلت علیه الکرامة بعد قحوظها وتحديت علیه الرحمة بعد نفورها وتفجرت علیه النعم بعد نضوبها ووبلت علیه البركة بعد ارذاذها؛ پس کسی که تقوا را انتخاب کند، سختیها بعد از نزدیک شدنشان، از او دور گردند، وکارها پس از تلخیها برای او شیرین و امواج مشکلات پس از متراکم شدن برطرف خواهند شد و مشکلات پس از آنکه او را وامانده کرد آسان می شود و مجد و بزرگی از دست رفته [چون قطرات باران] بر او فرو می بارند، رحمت بازداشته [حق] به او باز می گردد، و نعمت های الهی پس از فرو نشستن، برای او به جوشش می آیند و برکت تقلیل یافته برای او فزونی گیرد». (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸)؛ امیرمؤمنین(علیه السلام) می فرمود: «نساله المعافاة فی الادیان کما نساله المعافاة فی الابدان؛ از او سلامت در دین را خواهانیم آن گونه که تندرستی را از او درخواست داریم». (نهج البلاغه، خطبه ۹۹)؛ امیرمؤمنین(علیه السلام) می فرماید: «فان تقوی الله مفتاح سداد و ذخیره معاد وعتق من کل ملکه ونجاة من کل هلكة؛ همانا ترس از خدا کلید هر در بسته، و ذخیره رستخیز و عامل آزادی از هر گونه بردگی و نجات از هر گونه هلاکت است». (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰).

رضای خدا و اهل بیت (علیهم السلام) را در نظر داشته باشد، کم کم در خود نورانیتی حس خواهد کرد که او را در جهت آینده‌ی درخشان سوق می‌دهد. شما سعی کنید تمام وقت خود را فعلاً صرف درس خواندن، مراعات تقوای الهی و انجام تکالیف شرعی بنمایید تا ان شاء الله در آینده، فردی مثمر ثمر بوده و خدماتی ارزنده در تقویت ارکان شریعت داشته باشید.

می‌خواهم طلبه شوم نصیحت بفرمایید در چه سنی درس طلبگی را شروع نمایم؟

برای طلبه شدن مقدماتی نیاز است که باید ابتدا آن را به دست آورید. اولین گام این است که شروع درس طلبگی برای رضای خدا باشد. امر را به خدا واگذارند^{۱۷۶} تا نتیجه‌ی خوبی (ان شاء الله) بگیرید. ابتدا چند سالی از دبیرستان را بخوانید تا با معلومات کافی وارد حوزه شوید. تهذیب نفس، درس خواندن برای خدا و جدیت در تحصیل، معنویاتی هستند که قبل از شروع درس باید آنها را به مرور زمان عملی کنید و اگر در جوانی حرکت جدی داشته باشید ان شاء الله موفق خواهید شد. قدر جوانی را بدانید و با توکل به خدا درس را شروع کنید، در درس خواندن عجله نکنید و با اساتیدی که از نظر تقوا و درس معروف هستند مشورت نمایید. اگر شما برای خدا و خدمت به دین و با جدیت درس را شروع کردید کم کم نورانیتی احساس خواهید کرد که موجب می‌شود از درس خواندن لذت ببرید.

می‌خواهم طلبه شوم ولی پدرم با طلبه شدنم موافق نیست، چه نصیحتی می‌کنید؟

فرزندم! متأسفانه بعضی از جوانان متدین و مخلص، با این مشکل مواجه می‌شوند، ولی شما با اخلاق، کردار و رفتار خود می‌توانید کاری کنید که والدین در خصوص طلبه شدن شما رضایت دهند.

دوست داشت آن را به دیگران منتقل سازد. ایشان کم کم در مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز زبانزد شد و همه‌ی طلبه‌ها به ایشان احترام خاصی می‌گذاشتند و از آن اوایل طلبگی، طلاب، آینده‌ی درخشانی را برای او پیش بینی می‌کردند. سلوک و روش میرزا (قدس سره) برای دیگران درس و الگویی به تمام معنا بود و افراد بسیاری از روش و سلوک بهره می‌بردند.

۱۷۶- فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) در هر حرکتی، فقط خدا را مد نظر داشتند و بارها می‌فرمودند: من قلم را که به دست می‌گیرم برای خدا می‌نویسم و امر را به خود خدای متعال وا می‌گذارم. من هیچ گاه قلم بر کاغذ نگذاشتم، مگر رضایت خدا مد نظر بود و از آن نمونه می‌توان به موضع‌گیری مرحوم میرزا (قدس سره) در جواب بعضی استفتائات اشاره کرد که هرچند ممکن بود ضرر دنیوی برایشان داشته باشد لیکن صریح جواب می‌دادند؛ برای خدا قلم را بر روی کاغذ به حرکت در می‌آوردند و آنچه را که رضایت ایزد منان و اهل بیت (علیهم السلام) بود، مکتوب می‌کردند. در شورای استفتاء می‌فرمودند: من وظیفه دارم که آنچه به واسطه‌ی کسب علم بدان رسیده‌ام، بیان کنم و ان شاء الله خود خدا و اهل بیت (علیهم السلام) عنایت خواهند کرد و من فقط طالب رضایت خداوند متعال و اهل بیت (علیهم السلام) هستم. ایشان (رحمه الله) وقتی بر کرسی درس یا در منزل مشغول مطالعه بودند و یا در شورای استفتاء به سر می‌بردند و یا در حال حلّ مشکل مردم بودند، اصلاً به اینکه چه خواهد شد، توجهی نداشتند و فقط می‌فرمود: باید گام را برای خدا برداشت و کاری کرد که قلب امام زمان (علیه السلام) شاد باشد. ایشان به معنای واقعی تارک دنیا بودند و تا توان داشتند خالصانه کار می‌کردند. در کارهای خود فقط و فقط خدا را مد نظر داشتند و می‌فرمودند: هر کاری کنم به جهت رضا و حب خدا و اهل بیت (علیهم السلام) است.

اولین مرحله جهت کسب رضایت آنها، صبر و تحمل شما است. من هم وقتی طلبه شدم این مشکل را داشتم، اما بعداً والدینم از طلبه شدن من بسیار خوشحال بودند.

در هر حال اگر می بینید که واقعاً استعداد کافی دارید و در آینده ان شاء الله شخص مفیدی خواهید بود، درس را شروع کنید و با والدین خود طوری برخورد کنید که خدای ناکرده حس نکنند به آنان بی اعتنا هستید، ان شاء الله در نهایت، با حسن برخورد شما، رضایت خواهند داد. با تواضع و فروتنی، به خدا توکل کرده و به اهل بیت (علیهم السلام) متوسل شوید، از آنان (علیهم السلام) بخواهید که خداوند عنایت نماید تا قلب والدینتان نسبت به شما رؤف گردد، ان شاء الله تعالی.

ولاء يك طلبه چگونه باید باشد؟

بسمه تعالی؛ يك طلبه هنگامی موفقیت کسب خواهد کرد که علاوه بر نظم و جدیت در درس^{۱۷۷} و

تهذیب نفس، محب واقعی اهل

.....
.....
.....^{۱۷۸}

۱۷۷- حجت الاسلام والمسلمین سید مرتضی موسوی می گوید: مرحوم میرزا تبریزی (قدس سره) در التزام به درس بسیار عجیب بود و خداوند متعال هم به ایشان عنایت خاص داده بود طی ۱۵ سالی که خدمت ایشان در درس حاضر می شدم هیچگاه مشاهده نکردم که درس مرحوم میرزا (قدس سره) تعطیل شود فقط يك روز آن هم وقتی اعلام شد که درس ایشان تعطیل است بسیار تعجب کردیم با عده ای از دوستان به طرف بیت ایشان (قدس سره) حرکت کردیم و حال آقا (قدس سره) را جویا شدیم آقا (قدس سره) با آن حالت خود، از ما استقبال کرد و معلوم شد که سرما خورده و تب دارند. يك نکته جالب که یقیناً به عنایت ولی عصر (علیه السلام) اتفاق افتاد، منظم بودن دروس مرحوم میرزا (قدس سره) در طول بیماری چهار ساله ایشان بود، به طوری که در طول دوران علاج دروس ایشان برقرار بود و سیر درمان موجب تعطیل شدن درس ایشان نشد، ایشان (قدس سره) تا آخرین ایام درس، درس دادند و ایام تعطیلی حوزه بیماری ایشان شدت یافت و بعد از ۲۵ روز از شدت بیماری به لقاء الله پیوستند.

◌

© سؤال شد: استاد! چرا تأخیر کردید؟ فرمود: «امروز ساعت اشتباه بود؛ از این رو نتوانستم سر وقت در سر جلسه حاضر شوم.» به جز ایام بیماری مرحوم میرزا (قدس سره) هیچ گاه مشاهده نشد درس ایشان تعطیل شود. با عشق همچون شمع می سوختند تا طلابی مفید و فاضل تربیت نمایند، که به لطف پروردگار در این کار موفق شدند و امروز شاگردان آن عالم فرزانه، سکان دار سطوح عالی حوزه می باشند.

حجت الاسلام والمسلمین شیخ رضا انصاری می گوید: روزی خادم «حسینیهای ارک» نیامد و درب های حسینییه بسته ماند، از این رو بیشتر طلابی که در بیرون تجمع نموده بودند با ناامید شدن از آمدن خادم و باز شدن درب حسینییه به تدریج متفرق گردیدند. در این میان مرحوم میرزا (قدس سره) از راه رسید و پس از آگاه شدن از بسته بودن درب به جای آنکه تعطیلی درس را اعلان بنمایند، به باقیماندهی شاگردان فرمودند: امروز درس را در زیر زمین مدرسه «منتدی جبل عامل»، که در نزدیکی «حسینیهای ارک» قرار داشت می خوانیم. همگی در خدمت استاد (قدس سره) به «منتدی جبل عامل» رفته و ایشان درس را همچون دیگر روزها بیان فرمودند. همچنین روزی دیگر در دروان جنگ هنگام درس استاد در حسینیهای ارک، آژیرهای خطر به صدا درآمد که نشان از حملهی هوایی دشمن کافر بود. در این هنگام در میان ترس و وحشت، ناگاه صدای انفجار به گوش رسید به طوری

بیت(علیهم السلام)باشد، فقط حب ظاهری نباشد، بلکه با کردار و رفتار خود محبت را برساند. و ابراز محبت و مودت به اهل بیت(علیهم السلام) به اشکال مختلف می تواند باشد که عمده‌ی آن، حفظ شعائر و خطابه و تبیین مظلومیت آنان(علیهم السلام) بر مردم است. قرآن کریم می فرماید «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»، و طلبه اگر می خواهد موفق شود احتیاج به وسیله دارد و بهترین وسیله، اهل بیت(علیهم السلام) هستند، اگر زندگی بزرگان را بررسی کنید، خواهید دید که رمز موفقیت آنان علاوه بر جدیت در درس و تهذیب نفس، محبت واقعی و توکل و توسل به خاندان اهل بیت(علیهم السلام) بوده است.

محبت و عرض ارادت به اهل بیت(علیهم السلام) باید چگونه باشد؟

بسمه تعالی؛ محبت و عرض ارادت به اهل بیت(علیهم السلام) باید واقعی باشد. انسان ابتدا باید زندگی خود را به نحوی تنظیم نماید که از دستورات آن بزرگواران(علیهم السلام) سرمشق گرفته و نسبت به مصائب اهل بیت(علیهم السلام)خالصانه ابراز احساسات کند و در مجالس آنان شرکت نماید و در حفظ شعائر کوشا باشد و در مقابل شبهات ایستادگی نماید و در همه امور به آنان(علیهم السلام) توسل کند که آنها طریق نجات هستند^{۱۷۹}.

..... ۱۸۰

که تمام حسینیه را لرزاند و خاک از سقف بر روی طلاب فرو ریخت. پس از آرام شدن وضع بار دیگر مرحوم استاد(قدس سره) پس از اطمینان از سلامت طلاب درس را طبق روال معمول ادامه دادند و با کمال آرامش می فرمودند: گوش دهید.

شیخ اسماعیل گلدارای بحرانی می گوید: من صبح از خواب بیدار شدم مشاهده کردم

که تمام خانه را برف در بر گرفته. مردد بودم که به درس بروم یا خیر، برف به شدت می بارید و با زحمت توانستم خود را مهیا کنم و از خانه خارج شده و از کنار حرم مطهر به طرف محل درس حرکت می کردم. از شدت برف و سرما خیابان خلوت بود ناگهان مشاهده کردم يك طلبه عباى خود را بالای سر کشیده و در حالی که برف تمام عبا فرا گرفته حرکت می کند. نزدیک که شدم دیدم مرحوم میرزا(قدس سره) است، کتاب وسایل الشیعه در دست دارد به طرف مسجد اعظم می رود (محل درس میرزا(قدس سره)) پاهایم سست شد و لحظه ای در صورت آن مرجع نورانی خیره شدم گفتم خدایا این نایب امام با این سن دارد با این جدیت به درس می رود و ما که جوان هستیم مردد بودیم.

◊

© شجاعانه مطرح و رد می کردند و با تمام قدرت در مقابل تشکیکات ایستادگی می نمودند، بارها مشاهده شد که می گفتند: «قلم و کاغذ بیاورید تا به وظیفه‌ی خود عمل کنم!» و فقط به خاطر حبّ و اخلاص به اهل بیت(علیهم السلام)بدون هیچ ملاحظه‌ای می نوشتند، دفاع می کردند و آتش فتنه را خاموش می کردند و دائماً می فرمودند: ما موظفیم که در عصر غیبت به هر شکل ممکن از مبانی حقّه دفاع کنیم و اجازه ندهیم عده‌ای با القای شبهات عوام از مؤمنین را فریب دهند و من تا زنده هستم اجازه نمی دهم عده‌ای جاهل، عوام از مؤمنین را فریب دهند. اگر کسی کوتاهی کند فردای قیامت مسئول است و در آخرت حسرت خواهد خورد. وقتی به نام مبارک ائمه (علیهم السلام) می رسیدند، اخلاص و محبت فوق العاده‌ای به مقام شامخ اهل بیت (علیهم السلام) ابراز می کردند. در هر مجلسی که ذکر اهل بیت (علیهم السلام) به میان می آمد، چشمانشان پر از اشک می شد و با اخلاص عرض ادب می کردند. اگر کسی در محضر ایشان می گفت، «امام علی (علیه السلام)»، ناراحت می شدند و می گفتند:

يك طلبه در مجلس روضه چگونه بايد حاضر شود؟

بسمه تعالی; شرکت در مجالس روضه حفظ شعائر است و بايد به آن اهميت خاص داد و يك طلبه بايد ارادت خود به اهل بيت (عليهم السلام) را نشان دهد، به طرق مختلف مانند گريه كردن و سینه زدن، هرچند به كبودی منجر شود، صدمه زدن در عزای اهل بيت (عليهم السلام) تا به حد جنایت نرسد، مانعی ندارد.^{۱۸۱}

..... ۱۸۲
.....
..... ۱۸۳
.....

«مثل سنی ها صحبت نکنید! بگوئید: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)» در هنگام درس وقتی به روایتی می رسیدند که ذکری از اهل بیت (عليهم السلام) می شد، صدا در گلو مبارکشان قطع می گردید، بغض می کردند و اشک در چشمانشان حلقه می زد، به طوری که شاگردان مرحوم میرزا (قدس سره) تحت تأثیر قرار می گرفتند. گاهی طلاب را نصیحت می کردند و طریقه‌ی عرض ادب را عملاً به فضلا و طلاب یاد می دادند و این برخورد آن قدر جذاب بود که تأثیر عملی بر شاگردان می گذاشت. ایشان دوست داشتند طلاب در مقابل نام اهل بیت (عليهم السلام) با تواضع و فروتنی کامل، بهترین الفاظ و القاب را به کار ببرند و با عرض ادب و اخلاص، ارادت خود را به آن خاندان ابراز دارند و در مقابل آن بزرگواران خود را هیچ حساب نکنند و درصدد آن باشند که همواره از مقام شامخ اهل بیت (عليهم السلام) دفاع کنند و به مردم یاد دهند که شأن و منزلت اهل بیت (عليهم السلام) به حدی است که رضای خدا تحقق نمی یابد مگر به رضایت آنان.

◌

© فردای قیامت روسفید خواهید بود. حضرت امام حسین (علیه السلام) تمام هستی خود را در راه خدا فدا نمود و با اهدای خون خود، فرزندان و... شیعه را بیمه کرد. به دوستانتان سلام برسانید و بگوئید این حرکتی که می کنید، مأجورید و این عزاداری و ابراز اخلاص به درگاه اهل بیت (عليهم السلام) بهترین ذخیره‌ی الهی در قیامت است. مرا هم دعا کنید، من هم برای شما دعا می کنم.» آن گاه مرحوم میرزا (قدس سره) در حالی که صورتشان قرمز شده بود و اشک در چشم مبارکشان حلقه زده بود فرمودند: «خوشا به حال این جوانان! خوشا به حال این جوانان!»

◌

© و از فضایل آنان بگو.» از این رو در زمان حیات مرحوم میرزا (قدس سره) هنگامی که مجلس عزا در محضر ایشان بر پا می شد، خطبا می دانستند ایشان (قدس سره) راضی نیست نامشان در منبر برده شود.

معروف بود که وقتی فقیه اهل بیت، میرزای تبریزی (قدس سره) در مجلس روضه حاضر می شدند به شدت گریه می کردند؛ به طوری که تأثیر عجیبی بر حاضرین در آن مجلس می گذاشت و طلاب، به خصوص طلاب جوان غرق در چهره‌ی نورانی این فقیه می شدند که چگونه در مصائب اهل بیت (عليهم السلام) همچون ابر بهاری اشک می ریزند. مرحوم میرزا (قدس سره) همیشه به فرزند خود می فرمودند: به منبری ها بگوئید بیشتر روضه بخوانند. ایشان عاشق روضه‌ی اهل بیت (عليهم السلام) بودند و با کمال تواضع با آن دستمال سیاهی که وصیت کرده بود در قبر همراهشان دفن شود، اشک های خود را پاك می کردند و با آن حالت ملکوتی، فانی در حب اهل بیت (عليهم السلام) می شدند و در مظلومیت آنان به شدت اشک می ریختند و علاوه بر آنکه خود گریه شدید می کردند توجه داشتند که حاضرین هم حالت بکاء به خود بگیرند و اگر مشاهده می کردند کسی بی تفاوت نشسته است یا خود تذکر می دادند یا به دیگران اشاره می کردند که تذکر دهید.

از فرزند فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) سؤال شد که بهترین لحظه‌ی زندگی آقا (قدس سره) چه و کجا بوده است؟ فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: لحظه‌ی ای که آقا (قدس سره) در مجلس عزای اهل بیت (عليهم السلام) نشسته و در حال گوش دادن به روضه باشند و حلاوت معنویت آن لحظه‌ی ای است که منبری متعرض به مصیبت می شود، و لحظه‌ی بسیار پر معنویت

يك طلبه چگونه باید عزاداری کند؟

بسمه تعالی؛ هر عملی عنوان جزع بر او منطبق شود مستحب است و لطمه زدن در عزاداری

اهل بیت(علیهم السلام) اگر به حد جنایت نرسد مانعی ندارد^{۱۸۴}.

.....
.....
.....^{۱۸۵}

و آرامش دهنده است و مورد دیگر که حلاوت معنوی بر مرحوم میرزا(قدس سره)

داشت آن لحظه ای بود که ایشان در حال مطالعه یا درس دادن بودند. مرحوم میرزا(قدس سره) در مجلس عزا واقعاً بی تاب می شد و بارها و بارها به اطرافیان می فرمودند: به منبری بگوئید زیاد مصیبت بخواند و خود مرحوم میرزا(قدس سره) مانند ابر بهاری اشک می ریخت و با دستمال سیاهی که مختص پاک کردن اشک هایشان بود، صورت نورانی خود را پاک می کردند؛ به خصوص در مجلس بی بی حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)، حضرت سیدالشهداء(علیه السلام) و حضرت ابوالفضل العباس(علیه السلام) بی تاب می شدند و آن گونه ابراز ارادت می کرد که هر بیننده ای را شیفته می نمود، از این رو آن مرحوم(قدس سره) می فرمودند: بهترین لحظات من آن وقتی است که منبری مشغول به مصیبت می شود.

۱۸۴- یکی از شاگردان مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید:

○

© میرزا(قدس سره) دیدند من مرتب سؤال می کنم، دست مرا گرفت و گفت: «شیخنا! بس است، هر گامی برای امام حسین(علیه السلام) بردارید اجر و ثواب دارد و کسی به خاطر امام حسین(علیه السلام) مؤاخذه نمی شود. حفظ شعائر سید الشهداء(علیه السلام) مصداق بارز «مَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَبَاتَهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» است و حقانیت تشیع موقوف بر واقعه کربلا است. امام حسین(علیه السلام) هر چه داشت در راه خدا فدا نمود، شما هم تا آنجا که می توانید مجالس و دسته عزاداری را با شکوه برگزار کنید که ان شاء الله عزادار امام حسین(علیه السلام) محشور شوید.»

فرزند فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) می گوید: نیمه شب چهارشنبه شبی در کنار قبر مرحوم میرزا(قدس سره) در حال قرائت قرآن بودم. ناگهان جوانی حدود ۲۳ ساله را مشاهده کردم که بر سر قبر مرحوم میرزا(قدس سره) بسیار بی تابی می کند، بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم من که خود فرزند میرزا(قدس سره) بودم تعجب کردم که این جوان از آقا چه دیده که آن قدر ابراز احساسات می کند. بدون آنکه متوجه شود من فرزند میرزا(قدس سره) هستم از او پرسیدم: آقا شما با مرحوم میرزا(قدس سره) چه نسبتی دارید که آن قدر بی تابی می کنید؟ او به چشمان من خیره شد در حالی که خنده ی ملیحانه بر لب داشت گفت: این آقا که الان موفق به زیارت قبرش شدم چگونه مودت و محبت به اهل بیت(علیهم السلام) را به من یاد داد، او با آن گریه ها و خروج پای برهنه در آن گرمای سوزان و عرض ادب به ساحت اهل بیت(علیه السلام) به خصوص فاطمه زهرا(علیها السلام) به من یاد داد که چگونه محب اهل بیت(علیه السلام) باشم و تا آخر عمر این نعمت الهی را فراموش نمی کنم و امروز لذت محبت اهل بیت(علیه السلام) را به واسطه ی این مرد الهی دارم. ما جوانان نمی دانستیم چگونه به این خاندان ابراز محبت کنیم تا آنکه با خروج پای برهنه در آن گرمای

سوزان این پیرمرد(رحمه الله) تحولی عظیم در ما ایجاد شد. من شغل آزاد دارم و از اصفهان به نیت زیارت بی بی، حضرت معصومه(علیها السلام) و زیارت این قبر شریف آمده ام و آن قدر به صاحب این قبر (مرحوم میرزا(قدس سره)) علاقه دارم که امروز آمده ام تا با صاحب آن، درد دل کنم، او شخصیت بسیار بزرگی بود و چگونگی دوستی و محبت اهل بیت(علیه السلام) مروهون اقدام این پیر فاطمی است. خداوند به ما توفیق دهد که در آن دنیا شامل دعای او باشیم ان شاء الله تعالی.

یکی از سؤال هایی که همواره از فقیه مقدس، میرزای تبریزی(قدس سره) پرسیده می شد و به صورت شبهه درآمد در خصوص وقایعی است که اهل منبر ضمن مصائب اهل بیت(علیه السلام) نقل می کنند و به اصطلاح با طرح آن مقاتل، گریه از مردم می گیرند. مرحوم میرزا(قدس سره) در حالی که اشک می ریختند در جواب فرمودند: مصائب اهل بیت(علیه السلام) از آنچه

طلبه ای هستم که همواره از اینجانب در خصوص عزاداری سؤال می شود نصیحت بفرمایید عزاداری باید

چگونه باشد؟

بسمه تعالی: در عزاداری، از اعمالی که عنوان حرامی بر آن منطبق می شود، باید پرهیز کرد و عزاداری را به صورت دسته های سینه زنی و مراسم رایج، که سال هاست با حضور بزرگان انجام گرفته، برپا کنید. بدانید که این مراسم ها، مذهب بر حق تشیع را زنده نگاه داشته است و شما باید در حزن اهل بیت (علیهم السلام) محزون شده و عزاداری کنید و کاری نداشته باشید که بعضی مخالفین چه می گویند. با عزاداری، مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) را زنده نگاه دارید و با تمام وجود از مظلومیت آنها دفاع نمایید و از کلمات بزرگانی که همواره مدافع شعائر بوده و این شعائر به واسطه‌ی آنها تقویت شده، الگو بگیرید و با شرکت در مجالس و دسته های عزاداری به وظیفه‌ی خود عمل کنید که فردای قیامت اجر و ثواب نصیب شما خواهد شد (ان شاء الله).

يك طلبه در عزاداری چگونه باید عمل کند؟

عزاداری، طلبه و غیر طلبه ندارد؛ همه موظف اند که شعائر الهی را به هر نحو ممکن حفظ کنند، البته هرکس نسبت به توانایی خود. شرکت در عزاداری، اولین مرحله‌ی حفظ شعائر الهی است و همه باید سعی کنند که ایام سوگواری، با شکوه تمام برگزار شود. حضور طلاب در جلسات و عظ و خطابه و در جمع مؤمنین باید ملموس باشد و آنها باید در دسته جات سینه زنی، زنجیر زنی و مراسم مختلف که تقویت شعائر را به دنبال دارد، شرکت کنند. در مجلس روضه، اشک بریزند و حالت حزن به خود بگیرند. یادآوری و زنده نگاه داشتن ظلم هایی که بر اهل بیت (علیهم السلام) گذشتند، ضامن بقای تشیع است، هرچه در توان دارید از این شعار دفاع کنید که سعادت اخروی را کسب خواهید کرد.

در ایام وفیات ائمه (علیهم السلام) لباس سیاه به تن کردن لازم است؟

بسمه تعالی: لباس سیاه به تن کردن و ابراز احساسات از قبیل گریه کردن و سینه زدن و... در ایام وفیات ائمه (علیهم السلام) اعلام حزن است و داخل در جزع می باشد و اجر و ثواب دارد و واقعه

که ثبت شده عظیم تر است به خصوص مصیبت سیدالشهداء امام حسین (علیه السلام). اگر خطیب مطلبی را نقل کرد که موجب گریه شد و آنان را به واقعه‌ی کربلا نزدیک کرد مانعی ندارد. خطباء گاهی در مصائب خود نقل حال می کنند و این امر مردم را منقلب می کند طبیعی است وقتی علی اکبر (علیه السلام) به میدان می رود وصف حالی بر سید الشهداء (علیه السلام) وجود داد و همچنین وقتی علی اصغر بر دستان سید الشهداء ذبح می شود عرض حال دارد و خروج سید الشهداء (علیه السلام) به میدان وداع آخر و ملاقات با زینب (علیها السلام) در آخرین لحظات خود يك مناظر بسیار دردناکی است که خطیب آن را به شکل گفتگو به شکل مصیبت می خواند.

مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) به خصوص واقعه کربلا باید زنده نگاه داشته شود و تکلیف بر همه است به خصوص طلبه، که پاسدار یاد و خاطره‌ی آل محمد(صلی الله علیه وآله) می باشد^{۱۸۶}.

۱۸۷
.....
۱۸۸
.....
۱۸۹
.....

◉

© حاضر می شدند و خطاب به منبری می فرمودند: «زیاد روضه بخوان!» و به گونه ای اشک می ریختند که اطرافیان تحت تأثیر قرار می گرفتند. ایشان می فرمود: «بهترین لحظات زندگی من حضور در مجلس عزا و روضه‌ی اهل بیت(علیهم السلام) است» از این رو ایشان به هر مناسبتی مجلس عزا به پا می کردند. محرم که فرا می رسید، فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) ضمن برگزاری مراسم عزاداری، جامه‌ی سیاه بر تن می کردند و هیئت عزا به خود می گرفتند، به نحوی که با نگاه به مرحوم میرزا (قدس سره) می توانستیم متوجه ایام حزن شویم. ایشان محرم را با غم و اندوه شروع می کردند و وقت روضه خوانی مانند باران اشک می ریختند و به منبری ها می گفتند: «زیاد روضه بخوانید!» مرحوم میرزا(قدس سره) در مجلس عزا و در هنگام روضه از خود بی خود می شدند و با شدت شروع به گریه می کردند؛ به طوری که اطرافیان خود را تحت تأثیر قرار می دادند و هر کسی ایشان را با این هیئت می دید، عاشقانه می سوخت، می فرمودند: «این اشک ها برای قبر و قیامت است، می خواهم اسم جزء عزاداران اهل بیت(علیهم السلام) و سیدالشهداء (امام حسین(علیه السلام)) ثبت شود.»

◉

© و نمی توانستند آرام بنشینند. مرحوم میرزا(قدس سره) بارها و بارها در مواطن مختلف به ثواب گریه بر سید الشهداء(علیه السلام) اشاره می کردند و می فرمودند: انسان در طول زندگی همواره لغزش دارد و شیطان در کمین است و ممکن است اشتباه هم بکند، باید از شر شیطان به درگاه اهل بیت(علیهم السلام) پناه ببرد و یکی از راه های نجات از شر شیطان گریه در مصائب اهل بیت(علیهم السلام) و کمک خواستن از آنهاست.

روزی فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) خطاب به والد (قدس سره) خود گفتند: «آقا! چرا در روضه این قدر بی تاب می کنید، با وضعیتی که دارید، (چهار سال آخر عمر مرحوم میرزا(قدس سره) که به بیماری گذشت) به شما فشار می آید!» مرحوم میرزا (قدس سره) فرمودند: «فرزندم! گریه‌ی من ان شاء الله اگر مورد قبول واقع شود عرض ادب به ساحت مقدس اهل بیت(علیهم السلام) است. من از این گریه دو چیز را دنبال می کنم: یکی به خاطر قبر و قیامت، که ثواب این اشک ها برای روزی که «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» ذخیره شود، گریه در مصائب اهل بیت(علیهم السلام) حلال مشکلات است و علاوه بر تأثیر دنیوی ذخیره ای برای آخرت است. اگر کسی با معرفت به عظمت مصائب اهل بیت(علیهم السلام) اشک بریزد از بهشتیان است.

◉

© محشور نخواهد شد. ما تا فرصت داریم باید در دنیا برای خود ذخیره فراهم کنیم.»

فقیه مقدس، میرزای تبریزی(قدس سره) مقید بودند که دستمال سیاهی را که مخصوص گریه بر اهل بیت(علیهم السلام) بود، در روضه ها با خود حمل کنند و به ندرت این کار را فراموش می کردند. گاهی اتفاق می افتاد که مرحوم میرزا(قدس سره) بدون برنامه ریزی قبلی در مجلس روضه شرکت می کردند و به همین سبب دستمال همراهشان نبود، ولیکن ایشان در مجالسی که خبر داشتند روضه برگزار خواهد شد، دو دستمال حمل می کردند: یکی سیاه که مخصوص گریه بر مصائب اهل بیت(علیهم السلام) بود و اشک های خود را با آن پارچه‌ی مخصوص سیاه پاک می کردند و دیگری دستمال سفیدی بود که مخصوص پاک کردن بینی و دهان مبارکشان بود. ایشان مقید بودند که اشک خود را با آن دستمال سیاه پاک کنند و همیشه می فرمودند: «من این

يك طلبه به چه اندازه در شبهات حسینی بحث کند؟

بسمه تعالی؛ هر کاری که در سوگ سید الشهداء (علیه السلام) انجام گیرد و در عنوان جزع داخل شود مستحب است و لطمه زدن اگر به حدّ جنایت نرسد مانعی ندارد و یکی از بهترین ذخیره ها برای قبر و قیامت همین شعائر حسینی است^{۱۹۲}.

دستمال ها را برای قبرم می خواهم و وصیت کرده ام که دستمال ها را در قبر من جای دهند تا امانی باشد برای قبر و قیامت». به حمد الله فرزندان مرحوم میرزا (قدس سره) موفق شدند که دو دستمال سیاه را یکی در دست مبارک و دیگری را بر روی سینه‌ی ایشان جای دهند.

◌

© اطرافیان به خصوص اعضای شورای استفتاء به وضوح مشاهده می کردند که مرحوم میرزا (قدس سره) اختیار یکی از چشمان خود را از دست داده است. برای علاج چشم مرحوم میرزا (قدس سره) به پزشکان مختلف مراجعه شد و بعد از بررسی و معاینه، نظر دکترها این بود که چشم هیچ عیبی ندارد، ولیکن به آن فشار آمده و زیاد خسته شده است؛ از جمله دکتر تلاشان که ایشان بعد از معاینه و بررسی کامل چشم مرحوم میرزا (قدس سره) گفتند: چشم سالم است؛ اما بسیار خسته شده و به آن فشار آمده است. ولیکن نگران نباشید، بگویید آقا کمی استراحت کنند و از چشم خود کار نکنند.

◌

© مرحوم میرزا (قدس سره) سخت ناراحت می شدند و تذکر می دادند و یا به من اشاره می کردند به فلانی بگو این طور در مجلس روضه ننشیند لااقل جلوی صورت خود را به حالت بکاء بگیرد. ایشان در روضه واقعاً از خود بی خود می شدند و مانند باران اشک می ریختند و می گفتند به منبری ها بگویید روضه زیاد بخوانند.

فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) دو دستمال سیاه داشتند که ایام عزا و روضه با خود حمل می کردند و هنگام ذکر مصیبت، اشک هایشان را با آن خشک می کردند و همواره از دستمال ها مواظبت کرده و بعد از فراغت از مجالس، در جای خاص قرار می دادند و بارها و بارها به فرزندان خود می گفتند: «اگر من از دنیا رفتم، این دستمال ها را در کفن من قرار دهید.» بعد از رحلت ایشان، فرزندان قیل از کفن کردن، هر چه جستجو کردند، دستمال ها را پیدا نکردند تا آنکه نوبت به کفن کردن مرحوم میرزا (قدس سره) رسید. همین که کفن را باز کردند، ناگهان مشاهده شد دستمال ها در کفن است و معلوم شد که مرحوم میرزا (قدس سره) قبل از رفتن به بیمارستان (که آخرین بستری ایشان بود و در همان بیمارستان از دنیا رفتند) دستمال ها را در کفن خود قرار داده اند. یکی از دستمال ها را در دست راست مرحوم میرزا (قدس سره) و دیگری را بر سینه‌ی مبارکشان قرار دادند و دستمالی که مرحوم میرزا (قدس سره) سال ها اشک هایشان را با آن پاک می کردند، و بارها و بارها می گفتند اگر چیزی داشته باشم که در آخرت به درد من بخورد، همین دو دستمال است که سال ها به عشق اهل بیت (علیهم السلام) اشک ریخته ام، همراه ایشان به خاک سپرده شد تا به گفته‌ی مرحوم میرزا (قدس سره)، این دستمال ها شاهد و فریادری در قبر و قیامت باشند؛ زیرا که ایشان سال های متمادی با این دستمال چشمان پر اشک خود در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) را پاک می کردند و معتقد بودند که

این دستمال ها دادرس ایشان خواهند بود و بدین وسیله پیامی به همه دادند که باید در دنیا تا می توان بر مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) ابراز احساسات کرد تا این عرض ارادت ها فریادری باشد در قبر و قیامت.

◌

به حمد الله خدا توفیق می دهد در ایام تبلیغ به مناطق مختلف می رویم و به تبلیغ دین می پردازیم، چه نصیحتی

به خطبا می فرمایید؟

بسمه تعالی: يك خطیب باید تمام توان خود را صرف نشر معارف و فضائل و مظلومیت اهل

بیت(علیهم السلام) کند و مردم را با مسائل شرعی آشنا نماید و از مسائلی که مربوط به دین نیست

ببرهیزد^{۱۹۴}.

© تا آخر عمر قبول نکردند و می فرمودند: تا کربلا نروم سفر عمره را قبول نمی کنم و همواره در حسرت سفر به کربلا می سوختند و تا اسم کربلا به زبان کسی جاری می شد اشک می ریختند و اگر شخصی می گفت: می خواهم به کربلا سفر نمایم، فقیه مقدس متحول شده و با چشمانی اشکبار می گفتند: خوشا به حالت که موفق می شوی افضل اعمال را انجام دهی. سرانجام به دلیل عدم امنیت، سفر مرحوم میرزا(قدس سره) به کربلا صورت نگرفت.

به مرحوم میرزای تبریزی(قدس سره) می گفتند: آقا بعضی از مراسم عزاداری در این زمان صلاح نیست لطفاً در این زمینه نظرتان را صریح و شفاف بیان کنید اما ایشان(قدس سره) تا آخر عمرشان حاضر نشدند در بعضی از قضایا که احتمال داشت از آن، در جهت تضعیف شعائر استفاده شود دخالت کنند و بارها و بارها می فرمودند: «من در دستگاه امام حسین(علیه السلام) دخالت نمی کنم. خوشا به حال آنان که مورد عنایت حضرت امام حسین(علیه السلام) قرار می گیرند که آخرتشان تضمین است.» و حتی اصرار می کردند که هم اکنون که در عراق کشتار است، چرا فتوا نمی دهید که مردم به زیارت نروند و از جان خود مواظبت کنند؟! مرحوم میرزا(قدس سره) بارها و بارها می فرمود: «من کسی نیستم که نظر دهم. با توجه به اینکه من خود را خادم سالار شهیدان(علیه السلام) می دانم و در عشق زیارت حضرت(علیه السلام) می سوزم چگونه مانع شوم مردم به آن فیض نائل شوند ولو جان انسان در این راه از دست برود. هرکس در راه زیارت سید الشهداء(علیه السلام) از دنیا برود شهید است و در آخرت از اجر بالایی برخوردار خواهد بود؛ زیرا که او در راه زیارت سیدالشهداء(علیه السلام) از دنیا رفته، همان راهی که افضل اعمال می باشد.»

فقیه مقدس، میرزای تبریزی(قدس سره) در حفظ شعائر سالار شهیدان، امام حسین(علیه السلام)

سخت تلاش می کردند و همواره مقابل شبهات ایستادگی کرده و با افراد شبهه افکن با صراحت و شجاعت مقابله می نمودند. بعد از سقوط حکومت عراق و کشتار مردم مظلوم شیعه توسط «وهابیون» در داخل عراق، همواره از مرحوم میرزا(قدس سره) در خصوص سفر به کربلا و بعضی عزاداری ها سؤال می شد (آنان که این سؤال ها را می کردند، انتظار داشتند مرحوم میرزا(قدس سره) سفر به کربلا با آن وضعیت موجود و انجام بعضی مراسم را تحریم کنند). مرحوم میرزا(قدس سره) با کمال اخلاص و فروتنی در جواب سؤال کنندگان می فرمود: «من در دستگاه سیدالشهداء - امام حسین(علیه السلام) - دخالت نمی کنم، دخالت در این امور جرأت می خواهد که من آن جرأت را ندارم. هر گفتاری، فردا در نزد پروردگار جواب می خواهد و من توان جوابگویی را ندارم. من خود عاشق حسینم و حاضریم همه ی هستی خود را در راه او فدا کنم و معتقدم که هر کاری که بکنند، باز هم مردم در جهت زیارت و ارادت به سالار شهیدان کوتاهی نخواهند کرد؛ بلکه شوق و علاقه ی آنان هر روز از روز دیگر بیشتر و بیشتر خواهد شد. هرکس در این مسائل خودش تکلیف خود را تشخیص می دهد، چه اشکال دارد انسان در راه زیارت سیدالشهداء - امام حسین(علیه السلام) - جان خود را فدا کند! مگر ما از خاندان اهل بیت(علیهم السلام) برتریم؟! آنان در راه خدا از همه ی هستی خود گذشتند. خداوند این جوانان مخلص را حفظ کند که این گونه با اخلاص، ارادت خود به اهل بیت(علیهم السلام) را نشان می دهند. من برای همه ی آن عزیزانی که در راه احیای شعائر حسینی تلاش می کنند، دعا می کنم.»

يك طلبه برای آنکه همیشه یاد مرگ باشد و مغرور نشود چه کاری انجام دهد؟

بسمه تعالی؛ یکی از مؤثرترین مورد، زیارت قبور است. انسان با زیارت قبور یاد مرگ می افتد

و سعی می کند از گناه دور باشد^{۱۹۶}.

.....
.....
.....^{۱۹۶}

۱۹۴- حجت الاسلام والمسلمین شیخ سعید سواری می گوید: علاقه خاص بین مرحوم میرزا(قدس سره) و من ایجاد شده بود و سالها با ذوق و شوق در درس مرحوم میرزا(قدس سره) شرکت می کردم و استفاده فراوان می کردم، و گاهی وقت ها بعد از درس خدمت ایشان می رسیدم و اشکالات خود را مطرح می کردم و آن قدر شیفته این مرد الهی بودم که تصمیم گرفتم يك روز بعد از درس از ایشان طلب دعا کنم و بگویم: آقا من به شما خیلی علاقه دارم يك روز بعد از درس خدمتشان رسیدم و ضمن طلب دعا گفتم: آقا من به شما خیلی علاقه دارم. ایشان لبخندی زد و گفت: شیخنا من هم تو را دوست دارم، خدا تو را موفق کند. قبل از رفتن به تبلیغ تصمیم گرفتم خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) برسم تا مرا نصیحت کند، خدمت ایشان رسیدم و گفتم: آقا من در حال سفر به تبلیغ هستم چه می فرمایید؟ استاد بزرگوار(قدس سره) دست مرا گرفت و با حالتی بسیار معنوی که حاکی از ولای سرشار مرحوم میرزا(قدس سره) بود گفت: شیخنا تمام توان خود را در جهت نشر معارف، فضائل و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) به کار ببر و فقط در این موارد مردم را ارشاد نما و ضمن تذکر نکات اخلاقی از طرح مطالب دیگر خودداری کن و با طرح اخلاق و کردار و معارف اهل بیت(علیهم السلام) ضمن راهنمایی مردم از مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) به آنان بگو.

حجة الاسلام والمسلمین اعتمادیان می گوید: من همراه با حجة الاسلام والمسلمین کازرونی خدمت مرحوم میرزا(قدس سره) رسیدم و بعد از طرح بعضی مسائل آقای کازرونی خطاب به مرحوم میرزا(قدس سره) و اشاره به من گفت: این شیخ اهل منبر است و مرحوم میرزا(قدس سره) تا این جمله را شنیدند فرمودند: اینان اصل هستند و ما فرع، این کلام مرحوم میرزا(قدس سره) سخت در من اثر کرد و روحیه خوبی به من داد و این جمله برایم

بسیار تازه بود و از کسی این جمله زیبا را نشنیده بودم. این مرجع با آن علم سرشار و جایگاه خاص و محبوبیت فراوان آن گونه با تواضع برخورد می کند که هر کسی در کنار او قرار می گرفت معنویت را حس می کرد و آنگونه در مقابل اهل منبر برخورد می کرد که ضمن اعطاء روحیه مضاعف بر خادمین منبر حسینی، منبری خود را مأجور می دید و از اینکه يك مرجع با آن معنویت بالا آنگونه او را مورد خطاب قرار می داد به خود می بالید. این پیر مرد الهی تمام حرکاتش حساب شده و هدف دار بود و کاری را که انجام می داد از آن نتیجه ای را دنبال می کرد که تأثیر خود را می گذاشت.

○

© داریم تا با رفتن به زیارت اهل قبور درس و عبرتی بگیریم و بتوانیم حب دنیا را از دل خود خارج کنیم و متوجه شویم که عاقبت امر ما همین يك متر و نیم جا است که باید پاسخگوی همه اعمال خود باشیم. این عمل مرجع روشن ضمیر، باعث احیاء قلوب و یادآوری احوال قبر و قیامت بود و مردم و به خصوص طلاب با مشاهده این رفتار بزرگ منشانه، از غفلت و هواخواهی خویش شرمنده گشته و سخت تحت تأثیر قرار می گرفتند. مرحوم میرزا (قدس سره) زیارت قبور را جهت سازندگی، نیل به مرتبه‌ی کمال، دوری از گناه، ایجاد سکینه در انسان و زندگی همراه با معنویت مؤثر می دانستند و همواره با زمزمه‌ی خود در کنار قبور می فرمودند: «سرانجام جایمان همین جاست و ما را در يك متر و نیم طول و نیم متر عرض می خوابانند. آیا ارزش دارد که انسان آخرت خود را به دنیا بفروشد!» و می فرمودند: تا دیر نشده، باید در دنیا برای آخرت خود تلاش کرد و معنویت کسب نمود، خود را بسازید که فردا دیر است. خود را چیزی حساب نکنید، بنده ی مطیع باشید و با عشق و جان در جهت نیل به معنویت گام بردارید. بهترین وسیله، توسل است؛ توسل به اهل بیت(علیهم السلام) که «سفینه‌ی نجات» می باشند و اگر آنها نظری کنند و بخواهند، خداوند متعال توفیق خواهد داد و امید است خداوند متعال به همه‌ی ما توفیق دهد تا با معرفت، از

مشاهده می شود بعضی از طلاب به شکل نامناسب مطالعه می کنند و به تعبیری احترام کتابی را که در حال

مطالعه آن هستند ندارند حضرت عالی چه نصیحتی می فرمایید؟

بسمه تعالی؛ کتبی که در اختیار یک طلبه است، فقه آل محمد و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است

باید با احترام خاص به مطالعه آنها بپردازید^{۱۹۷}.

۱۹۸

.....

این دنیا برویم و بر آخرت خود چیزی ذخیره کنیم تا ضمن آنکه حسرت نخوریم، ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز منجی ما باشند، ان شاء الله تعالی.»

فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) همیشه برای زیارت اموات به قبرستان های واقع در شهر مقدس قم می رفتند و زمانی که نجف اشرف بودند، با اموات وادی السلام انس خاصی داشتند، ایشان اواخر عمر به خاطر ضعف شدید با فرزند خود و بعضی افراد جهت زیارت اهل قبور به قبرستان تشریف می بردند.

فاضل محترم حجت الاسلام شیخ غلامحسین فشارکی می گوید: در یکی از روزهایی که توفیق یافتم در کنار آقا به زیارت قبور بروم، مشاهده کردم که مرحوم میرزا (قدس سره) سوره «یاسین» می خواند و در همان زیارت اهل قبور رو به فرزند خود (حاج صادق تبریزی) کرد و گفتند: «فرزندم! بعد از من برایم سوره «یاسین» بخوانید.» آن گاه مبلغی و به قرآن خوان قبرستان دادند و گفتند: «چند سوره «یاسین» برای اموات، علما و اشخاص مدفون در این مکان به خصوص دوستان و عزیزانی که با من رفیق یا همدرس بودند، بخوان.» در طول حیات ایشان بارها و بارها شنیده شد که می فرمودند: «اموات به دعا و خیرات نیاز دارند. مرا در قبر فراموش نکنید، مرا یاد کنید، سوره «یاسین» بخوانید.» مرحوم میرزا (قدس سره) در تمام لحظات عمر پربارشان به یاد مرگ بودند و بارها و بارها می فرمودند: کاری نکنید که در قبر پشیمان شوید، برای خود ذخیره جمع کنید که فردا دیر است.

۱۹۷- فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) معمولاً جهت درس، «وسائل الشیعه»، مرحوم شیخ حر عاملی (قدس سره) و کتاب «عروة الوثقی»، مرحوم سید یزدی (قدس سره) را با خود حمل می کردند.

◌

© فاضل محترم، حجت الاسلام شیخ غلامحسین فشارکی می گوید: صبح، قبل از درس مرحوم میرزا (قدس سره) به دفتر آمد، مرحوم میرزا (قدس سره) هنوز به جلسه ای درس تشریف نبرده بودند. با ایشان جهت رفتن به درس همراه شدم، وقتی می خواستند درب اتاق خود را ببندند، مشاهده کردم که در دست مرحوم میرزا کتاب است و به سختی می توانند قفل درب اتاق را ببندند. کتاب ها را از دست مرحوم میرزا (قدس سره) گرفتم و آقا درب را به آهستگی بستند، بعد مرحوم میرزا (قدس سره) به من فرمودند: «کتاب ها را به من برگردانید!» گفتم: «آقا! دست من باشد، سنگین است» مسجد اعظم به شما تحویل خواهم داد.» ناگهان دیدم مرحوم میرزا (قدس سره) فرمود: «کتاب ها را بدهید. این دو کتاب، یکی فقه آل محمد (صلی الله علیه وآله) و دیگری احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است. می خواهم آنها را با دست های خود حمل کنم که دست هایم از آتش جهنم در امان باشند.» آن گاه شروع کردند به اشک ریختن و این حرف آقا سخت در من اثر گذاشت و همیشه این جمله ای مرحوم میرزا (قدس سره) را تکرار می کنم که فرمود، یکی فقه آل محمد (صلی الله علیه وآله) و دیگری احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است.

فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) در جابه جایی کتاب ها و کتابی که زیر دستی خود قرار می دادند، بسیار دقت می کردند و گاهی می شد که برای برداشتن کتاب جهت زیر دستی، چندین کتاب را بر می داشتند و دوباره بر زمین می گذاشتند تا یکی از آنها را انتخاب کنند. به کتب روایی و فقهی احترام بسیار خاصی می گذاشتند و آنها را با احترام ویژه ای جابه جا می کردند. ایشان همیشه می گفتند: «اینها احادیث شریف اهل بیت (علیهم السلام) و علوم و معارف اهل بیت (علیهم السلام) هستند، در حمل و جابه جایی آن دقت شود.»

نمی دانم چه کنم که توجه پروردگار و اهل بیت (علیهم السلام) بر من جلب شود؟

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ مَنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلَّ عَبْدٍ دَعَا فَعَلَيْكُمْ بِالْدُعَاءِ فِي السَّحَرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تَفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ، وَتُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ، وَتُقَضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ»^{۱۹۹}

همانا خداوند عزوجل از میان بندگان مؤمنش آن بنده ای را دوست دارد که بسیار دعا کند، پس بر شما باد دعا در هنگام سحر تا طلوع آفتاب، زیرا آن ساعتی است که درهای آسمان در آن هنگام باز گردد و روزی ها در آن تقسیم گردد و حاجت های بزرگ برآورده شود».

ضمن مراعات مسائل شرعی و انجام تکالیف الهی سعی کنید توسل خود را بیشتر کنید و با دعا و نیایش خصوصاً در نیمه شب خود را به پروردگار یکتا نزدیک کنید و ان شاء الله آن ساعت که درب های آسمان باز است شما جزء کسانی باشید که حاجتتان برآورده گردد از تواضع و فروتنی^{۲۰۰} و

هیچ گاه مشاهده نشد مرحوم میرزا (قدس سره) کتابی را بدون رساندن به سطح زمین بر روی زمین بگذارد. آن قدر خم می شدند تا کتاب بر روی زمین یا روی میز قرار گیرد و این حرکت میرزا (قدس سره) درسی بود برای اشخاصی که به محضر ایشان می رسیدند. فرزند ایشان می گوید: من هیچ گاه ندیدم مرحوم والد (قدس سره) پای خود را در هنگام مطالعه دراز کند و همیشه چهارزانو می نشستند و در حالی که کتب دور و برشان را احاطه کرده بود مشغول مطالعه می شدند. و در هنگام درس، خودشان کتب روایی و فقهی را حمل می کردند و می فرمودند: «حمل این کتب امان دست هایم از آتش جهنم است؛ زیرا اینها همه معارف اهل بیت (علیهم السلام) و فقه آل محمد (صلی الله علیه وآله) هستند».

۱۹۹- الکافی - ج ۲، ص ۴۷۸.

۲۰۰- تواضع و فروتنی مرحوم میرزا (قدس سره) زبانزد بود. ایشان در هر حال خود را بیش از يك طلبه حساب نمی کردند و سعیشان بر این بود که در حرکات و سکنات خود طوری عمل کنند که احساس نشود مرجعیت در زندگی ایشان تأثیری گذاشته است. ایشان می فرمود: «مرجعیت، يك وظیفه ای الهی است و اگر نبود اصلاً زیر بار آن نمی رفتم اما چه کنم که مسئولیت است.» مرحوم میرزا (قدس سره) با کمال تواضع و فروتنی به حل مشکلات می پرداختند و خود را به سان پدري مهربان در قلب ها جای داده بودند و مانند سایر مردم حرکت می کردند. کسی که به نزد ایشان (قدس سره) می رفت احساس غربت نمی کرد؛ بلکه احساس می کرد در نزد پدري مهربان نشسته است و به خصوص برای طلاب غریب، پدري دلسوز و مهربان بودند و سعی می کردند به طلاب عزت دهند و آنان را یاری نمایند.

قناعت در مصرف و عدم استفاده از وجوه، از حسنات بارز مرحوم فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) بود ایشان در اخذ وجوه بسیار دقت می کردند.

یکی از مواردی که فقیه مقدس، مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) به آن بسیار اهمیت می دادند این بود که در زمان حرکت (چه برای قدم زدن، چه برای درس) راضی نمی شدند کسی پشت سرشان قدم بزند و نمی خواستند هنگام راه رفتن در خیابان توجه کسی به او جلب شود. اگر کسی با ایشان حرکت می کرد، مرحوم میرزا (قدس سره) از او خواهش می کردند که به دنبال من حرکت نکنید و دوست داشتند مانند سایر مردم به تنهایی قدم بردارند. این حرکت میرزا (قدس سره) تأثیر عجیبی بر مردم به خصوص طلبه ها می گذاشت که شخصیتی مانند ایشان تنها و با کمال خضوع و خشوع حرکت می کند و هیچ توجهی به عنوان و موقعیت خود ندارد. و هنگامی که نیمه شب از خانه خارج می شدند گاهی اوقات عبا را به سر می کشیدند تا کسی ایشان را نشناسد و مانند يك طلبه ای معمولی در خیابان حرکت می کرد و در حرم مطهر به راز و نیاز مشغول می شد.

ساده زیستی^{۲۰۱} غافل نباشد

مأیوس نباشید توسل کنید به آرزوی خود ان شاء الله خواهید رسید^{۲۰۲}.

.....
.....^{۲۰۳}

.....
.....^{۲۰۴}

۲- فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) بسیار ساده زندگی می کردند؛ به طوری که هر کس به اتاق شخصی مرحوم وارد می شد، سادگی این زندگی را به وضوح لمس می کرد. ایشان با يك رختخواب ساده و با امکانات بسیار محدود، تعدادی کتاب و امکانات اولیه‌ی ساده، روز و شب خود را می گذراندند. وقتی بعضی از مقلدین مرحوم میرزا (قدس سره) زندگی ایشان را می دیدند، سعی می کردند برایشان چیزهای فاخر؛ از جمله رختخواب خوب، ملحفه‌ی عالی و وسایل راحتی تهیه کنند، اما وقتی هدایا می رسید، مرحوم میرزا (قدس سره) با آن را می فروختند و وسایل مورد احتیاج را تهیه می کردند و یا اینکه آن را متبرک کرده و به بعضی اشخاصی که به دیدارشان می آمدند، هدیه می دادند.

○

© می گوید: من رختخواب را پهن کرده و رختخواب قدیمی را جمع کردم و ایشان بر روی آن استراحت کرد؛ ولیکن فردا که آمد، دیدم مرحوم میرزا (قدس سره) آن را جمع کرده و همان رختخواب و ملحفه‌ی قدیمی خود را پهن کرده است. فرزند میرزا (قدس سره) می گوید: مرحوم والد (قدس سره) تا مرا دیدند، گفتند: «فرزندم! من با این رختخواب جدید خوابم نمی برد. بگذار با همان وسایل ساده و آخوندی خودم زندگی کنم.» ایشان بسیار ساده می زیست و به چیزی که به ایشان می رسید توجهی نداشت. ایشان تا آخر عمر سعی داشتند که جهت گذران زندگی شخصی از وجوه استفاده نکنند و تمام زندگی ایشان از نظر سادگی واقعاً آموزنده بود و تا آخر عمر مشاهده نشد که زندگی ساده‌ی خود را تغییر دهد. فرزند مرحوم (قدس سره) می گوید: بعد از رحلت آقا (قدس سره) اتاقتشان را که جمع می کردیم، کل وسایل اتاق شامل مقداری کتاب، لباس شخصی، تشک و لحاف بود، و برای بعضی اصلاً باور کردنی نبود که وسایل آقا (قدس سره) فقط همین اشیای محدود باشد. مرجعی که عده‌ی کثیری در خارج و داخل مقلد او بودند و هرچه را که می خواستند، برایشان مهیا می شد؛ با ساده زیستی خود، نمونه‌ی بارز تقوا و ایمان بوده و تارك دنیا به معنای واقعی بودند.

○

© زندگی ایشان به گونه‌ای بود که حتی برای درس (قبل از عارض شدن بیماری) مانند سایر طلاب پیاده می رفتند، از خانه تا مسجد اعظم پیاده حرکت می کردند و حاضر نمی شدند کسی پشت سر ایشان راه برود تا خدای ناکرده احساس شود ایشان برای خود حاشیه درست کرده است. تمام زحمات را متحمل می شد تا طلاب با دیدن ایشان دلگرم باشند و احساس کنند پدری دارند که همانند آنها زندگی می کند، (اما اواخر عمر به دلیل بیماری، میرزا (قدس سره) مجبور شدند با ماشین به درس تشریف ببرند؛ زیرا مرحوم میرزا (قدس سره) به سرعت سرما می خورد و سرما خوردن برای ایشان بسیار خطرناک بود) و حتی ایشان حاضر نبود با ماشینی که عده‌ای از مقلدین خارج از کشور تهیه کرده بودند، بر سر جلسه‌ی درس حاضر شود؛ بلکه با ماشین قدیمی خود رفته و گاهی اگر طلبه‌ای را در راه می دیدند، سوار می کردند و با خود به جلسه‌ی درس می آوردند یا از جلسه‌ی درس به جایی که در مسیر خود قرار داشت، می رسانند و بسیار پدرا نه و با تمام وجود ابراز محبت می کردند و بارها در کلاس درس، طلاب را «عزیزم» خطاب می کردند. ایشان خیمه‌ای بود برای کل طلاب؛ به طوری که با رحلت ایشان خلاء وجودی اش نمایان شد و طلاب فاضلی که از محضر ایشان استفاده می بردند، ضربه‌ی بزرگی احساس کردند.

فقیه مقدس، مرحوم میرزای تبریزی (قدس سره) مقلدین فراوانی در خارج از کشور داشت، که مقید بودند که اگر به حضور ایشان برسند، هدیه‌ای برای مرحوم میرزا (قدس سره) تهیه کرده و با خود بیاورند و معمولاً هدایا شامل عبا‌های فاخر، قبا، کفش و از

به يك طلبه‌ی جوان نصیحت می‌کنید تا چه اندازه مستحبات را انجام دهد؟

بسمه تعالی: اگر يك طلبه‌ی جوان بخواهد با پرداختن به مستحبات، از درس خود عقب بیفتد، نصیحت می‌کنم که اول به درس همراه با تهذیب نفس اهمیت دهید و اگر مشغول شدن به عبادت مستحبی موجب شود که در درس و بحث عقب بیفتید یا درس کم اهمیت شود، باید ابتدا درس را مقدم کرد. برای يك طلبه ی جوان تقویت بنیه‌ی علمی فعلاً از همه‌ی افعال مقدم است (همراه با تهذیب نفس) و ان شاء الله وقتی مُلا شدید، می‌تواند در کنار درس به مستحبات بپردازد.

با نظر حوزه‌ی علمیه می‌بینیم که طلاب هر کدام يك روش را اتخاذ کرده و در آن مسیر حرکت می‌کنند، نظر

حضرت عالی چیست؟

بسمه تعالی: اگر مرادتان آن است که هرکس بر طبق استعداد

خود تلاش می‌کند این امر طبیعی است، و ما بارها به مسئولین حوزه گفته ایم که طلاب باید در انتخاب استاد مختار باشند و طبق استعداد خود درس بخوانند. نمی‌توان يك طلبه‌ی مستعد و قوی را با طلبه‌ای که در درس کُند پیش می‌رود، در يك کلاس قرار داد، از این رو انتخاب روش تحصیل، به خود طلبه بستگی دارد که بر طبق استعداد خود درس بخواند. اما اگر مراد شما آن است که طلاب با انتخاب کتب مختلف سعی می‌کنند پیش برد درس داشته باشند، نصیحت می‌کنم که طلاب همان روش قدیم حوزه را پیش گیرند و با خواندن کتب سنتی، خود را به کمال علمی برسانند و تا کتاب قبلی را خوب نخوانده اند کتاب دیگری را شروع نکنند و سعی کنند کتابی را که تمام کردند، آن را درس دهند. من خودم آن زمان که رسائل درس می‌گفتم، هر وقت به آن کتاب مراجعه می‌کردم يك مطلب جدید به دست می‌آوردم، علاوه بر این در تحصیل نباید از روش سنتی حوزه خارج شد، علمای بزرگ به واسطه‌ی این کتاب‌ها به مراتب عالی رسیده اند و توانستند خدمات مؤثری داشته باشند. طلاب عزیزم بدانید که زحمت کشیدن^{۲۰۵} و درس خواندن بر طبق روش قدیم حوزه، همراه با تهذیب و توکل الهی، موفقیت به دنبال خواهد داشت^{۲۰۶}.

این قبیل بود؛ اما مرحوم میرزا همیشه سعی می‌کردند از عبا، قبا و کفشی استفاده کنند که چیز غیر متعارفی نباشد و طلاب توان تهیه آن را داشته باشند؛ زیرا همان گونه که می‌دانید،

وسایلی که از خارج برای ایشان ارسال یا آورده می‌شد، از نظر رنگ و شکل متمایز بود، ولیکن مرحوم میرزا (قدس سره) از همان اشیای عادی: از جمله کفش پلاستیکی سیاه (گالش، کفش سیاه پلاستیکی است) استفاده می‌کردند، نعلین معمولی به پا نموده و عبایی معمولاً ساده تهیه می‌کردند و بارها مشاهده می‌شد که قبا‌ی آقا کهنه و قسمتی از آن پاره است، اما آقا اصلاً اهمیت نمی‌دادند. وقتی می‌گفتیم این قبا کهنه شده، مرحوم میرزا (قدس سره) می‌خندید و می‌فرمود: «مسئله‌ای نیست، می‌گذرد!».

◌

© درس فقه «مسجد اعظم» به دفتر تشریف می‌آوردند و درس خاصی برای فضلا داشتند و بعد از آن شورای استفتاء تشکیل می‌شد و این جلسه تا ظهر به طول می‌انجامید و عصر هم در «مسجد ارك» درس اصول برگزار می‌شد و عمده کسانی که در

اینجانب طلبه‌ی جوانی هستم و به خواندن فلسفه علاقه دارم ولی ترس از انحراف دارم، بفرمایید چه مطالبی از فلسفه را بخوانم؟

بسمه تعالی: مباحثی از فلسفه که با عقاید دینی مساسی ندارد، بلامانع است و آن مسائل فلسفی که با عقاید دینی مساسی دارند و متعلم در آن موارد می‌تواند عقاید دینی خود را حفظ کند و به شك و تردید نمی‌افتد، ولو به واسطه‌ی بیان معلم، آن نیز مانعی ندارد، اما موارد دیگری که ممکن است انسان را از جاده‌ی صواب خارج کند و شبهاتی ایجاد نماید که از عهده‌ی آنها بر نیاید را باید ترك کند.

با توجه به اینکه اینجانب طلبه هستم در مناظره های علمی چگونه باید باشم؟

بسمه تعالی: توصیه‌ی اینجانب به شما این است که ابتدا به درس اهمیت داده و از نظر علمی و اخلاقی خود را پرورش دهید و در مجادلات علمی سعی کنید از جاده‌ی انصاف و اعتدال خارج نشوید و همیشه و همه جا استدلال و منطق را پایه‌ی مباحثات و گفت و شنودهای خویش قرار دهید ان شاء الله که موفق باشید. همت کنید تا از بروز اعمالی که موجب تفرقه و اختلاف بین مسلمانان می‌شود جلوگیری کنید و از طرف دیگر از مسلمات مذهب تشیع دفاع کنید و در مقابل آنها کوتاه نیایید که مسئولید، موفق باشید.

طلبه در کنار کتب درسی خود چه کتبی را مطالعه نماید؟

درس مرحوم میرزا (قدس سره) حاضر می‌شدند، افراد فاضل و مستعد حوزه بودند. و بعد از مرجعیت مرحوم میرزا (قدس سره)، به علت کثرت مراجعات، درس دوم فقه ایشان تعطیل شد و در عوض، شورای استفتاء وقت بیشتری گرفت و ایشان بعد از درس فقه مسجد اعظم، برای جواب سؤالات استفتاء در دفتر حاضر می‌شدند. یکی از فعالیت‌های سنگین مرحوم میرزا (قدس سره) همین جلسه استفتاء بود که عده‌ای از فضلا ساعت‌ها با شوق و ذوق در کنار این فقیه مقدس می‌نشستند و ضمن استفاده از ایشان، به استفتائات جواب می‌دادند. جلسه‌ی ایشان به قدری پر محتوا بود که هیچ‌گاه افراد حاضر احساس خستگی نمی‌کردند و به برکت همین جهد مرحوم میرزا (قدس سره)، بزرگ‌ترین موسوعه‌ی استفتائی از آن ایشان است. ایشان بعد از شورای استفتاء، جهت ادای فریضه‌ی نماز و استراحت از دفتر خارج می‌شدند و بقیه‌ی وقت خود را به مطالعه و نوشتن می‌گذراندند و بارها می‌فرمودند: «من مثل يك طلبه‌ی جوان کار می‌کنم و هیچ‌گاه تعطیلی را احساس نکرده‌ام» و هدفشان تربیت طلاب فاضل و لایق بود که به لطف خدا موفق شدند. ایشان تا آخرین لحظات بیماری، حتی سه روز قبل از منتقل شدن به بیمارستان، در شورای استفتاء حاضر شدند و با کمال علاقه و اشتیاق ضمن پاسخگویی به سؤالات مردم، برای رد شبهات، زمان خاصی را اختصاص دادند و به مسائل عقایدی اهمیت خاصی می‌دادند. تمام کسانی که با مرحوم میرزا (قدس سره) ارتباط داشتند، می‌گویند: «هیچ‌گاه مرحوم میرزا (قدس سره) را در حال استراحت ندیدیم. همه‌ی وقتشان یا به نوشتن سپری می‌شد، یا درس و یا استفتاء». ایشان بسیار تلاش می‌کردند که به هدف خود، که همان باقی گذاشتن اثری از خود و تربیت طلاب فاضل بود، دست یابند که در نهایت با تربیت صدها شاگرد فاضل که امروز سکان دار حوزه هستند و نگارش ده‌ها اثر پرارزش در علوم مختلف از جمله: اصول، فقه، عقاید و رجال، از خود یادگارهای با ارزشی بر جای گذاشتند که امروزه منبع مراجعه‌ی فضلالی محترم حوزه‌ی علمیه می‌باشد.

فرزندم! اصل بر آن باشد که به کتب سنتی حوزه اهمیت دهید و آنها را خوب بخوانید، بفهمید و بعد خودتان درس دهید. در مرحله بیعد، کتبی را مطالعه کنید که با درستان ارتباط داشته باشد؛ زیرا فعلاً وظیفه‌ی شما فقط درس خواندن است. و از تهذیب نفس همراه درس خواندن غافل نباشید. در کنار تحصیل تلاش کنید که بعضی از کتب اخلاقی و سیره‌ی اهل بیت(علیهم السلام)، به خصوص اخلاقیات اهل بیت(علیهم السلام) را مطالعه کنید تا با اخلاق حسنه و نیکو بتوانید از فیض منابع بهره مند گردیده و تأثیر خوبی در جامعه داشته باشید. در وقت فراغت، مطالعه‌ی کتبی که در شما اثر مثبت داشته باشد، مانعی ندارد اما از خواندن کتبی که عمر ضایع کردن است، بپرهیزید که عاقبت خوبی ندارد. من مشاهده می‌کنم که بعضی از کتب غیر مرتبط به حوزه، مانند کتب شریعتی را در بین طلاب ترویج می‌کنند که این امر جایز نیست و داخل کردن افکار چنین افرادی به حوزه، خیانت است، مگر آنکه بخواهید مطالعه کنید تا آنها را رد نمایید. در جهت انتخاب کتب و مطالعه‌ی آنها، با اساتید متدین، مجرب و فاضل مشورت کنید.

آیا می‌شود يك طلبه در کنار درس، درس های دانشگاه را هم بخواند؟

بسمه تعالی؛ نصیحت من به شما این است که درس های حوزه را خوب بخوانید و در آن جدیت داشته باشید تا بتوانید به خوبی به دین خدمت کنید. امروز حوزه به طلبه‌ی ملا نیاز دارد و موفقیت شما در گرو آن است که فکر شما متمرکز در دروس حوزه باشد، افرادی پیدا خواهند شد که خدمات دیگر را که دروس دانشگاه آنها را پرورش می‌دهد انجام دهند. اگر مستعد هستید و می‌دانید اگر درس حوزه را با جدیت بخوانید می‌توانید خدمات دینی مفیدی داشته باشید، درس طلبگی را مقدم بر سایر امور بدانید.

جوانی هستم که جهت انتخاب رشته‌ی تحصیل مردد شده‌ام، بفرمایید چه کنم، درس طلبگی را شروع نمایم یا به

دانشگاه بروم؟

بسمه تعالی؛ چنانچه به خود اطمینان دارید که می‌توانید بر مشکلات، غالب شده و در آینده فرد مفیدی خواهید شد، به طوری که بتوانید نیاز حوزه یا مسلمین را برطرف کنید در این صورت به حوزه آمدن بهتر است، در غیر این صورت رشته‌ی مورد نیاز مسلمین را در دانشگاه انتخاب کرده و از آن طریق، وظیفه‌ی خود را انجام دهید.

با توجه به اینکه اینجانب در سن هفده سالگی میباشم نمی دانم که به حوزه بیایم یا به دانشگاه بروم، لطفاً بنده را راهنمایی بفرمایید؟

بسمه تعالی؛ لازم است عده ای از افراد با استعدادی که اطمینان دارند اگر زحمت بکشند، می توانند به مقامات عالی علمی نائل شده و منشأ خدمات دینی گردند، به حوزه های علمیه بیایند و با معارف دینی و احکام شرعیه آشنا شوند تا بتوانند به دین خدمت نمایند، البته اجر اخروی این افراد، با کسانی که به سایر علوم اشتغال دارند قابل قیاس نیست، گرچه اشتغال به علوم دیگری که جامعه به آن احتیاج دارد هم لازم است و اگر به قصد قربت، آن علوم را تعلم کنند، مستحق ثواب و اجر خواهند بود، ان شاء الله تعالی، والله الموفق.

من ابتدا طلبه بودم و سپس طلبگی را رها کردم و اکنون دچار سردرگمی و نگرانی شده ام و می گویم نکند مورد غضب خدا واقع شوم؛ زیرا طلبگی را رها کرده و به تجارت مشغولم. از نظر تجاری در موقعیتی بسیار عالی هستم نصیحتی بفرمایید و مرا از این خود خوری نجات دهید!؟

فرزند عزیزم! شما چه طلبه باشید و چه تاجر متدین، می توانید به دین خدمت کنید. حالا که توفیق تجارت پیدا کردید، تقوای الهی را پیشه‌ی کار خود قرار دهید و با اموال خود حوزه های علمیه و آنچه تحت عنوان شعائر معروف است را پشتیبانی نمایید و از اموال خود در راه تقویت دین انفاق کنید که ذخیره‌ی آخرت است. شما می توانید گام های بزرگی در جهت تقویت دین بردارید به خصوص با توجه به اینکه طلبه بودید، احتیاج و درد دین را خوب می فهمید. تلاش در راه تقویت مذهب و دین، ضامن آخرت شماست؛ به واسطه‌ی مالی که انفاق می کنید بعضی از امور دین انجام می گیرد و این خود ذخیره‌ی الهی خوبی است. خداوند به شما توفیق دهد که بتوانید هرچه بیشتر به امور دینی کمک کنید، برایتان دعا می کنم.

طلبه ای هستم که با مشکلاتی مواجه شده ام به طوری که ادامه‌ی زندگی برایم سخت شده، می توانم ترك تحصیل کنم؟

بسمه تعالی؛ درس طلبگی بدون زحمت و تحمل مشکلات ممکن نیست و کم اتفاق می افتد که يك طلبه بدون فشار زندگی باشد؛ البته عده ای هستند که با داشتن پدر متمکن یا منابع معیشتی، زندگی خوبی دارند، ولی آنچه ما دیدیم اکثراً همراه با مشکل بوده است. تحمل بعضی از فشارهای زندگی، سخت می باشد. چنانچه تحصیل با چنین وضعیتی برای شما حرجی است و احساس می کنید واقعاً قادر به ادامه نیستید، می توانید ترك تحصیل کنید. در هر حال آخوندی، خالی از زحمت نمی باشد، اگر

بتوانید تحمل کنید خداوند عنایت خواهد کرد و این چنین نیست که تا آخر، با این گرفتاری ها و مشکلات مواجه باشید «ومن یتق الله يجعل له مخرجاً ويرزقه من حيث لا يحتسب» و اگر مشکلات را برای خدا تحمل کنید، ان شاء الله فرجی خواهد شد و به امید خدا، به اجر و مقامات اخروی نائل خواهید شد.

بعضی طلاب شب ها می نشینند و روزها تا دیر وقت خواب هستند شما چه می فرمایید؟

بسمه تعالی: طلبه اگر بخواهد در آینده موفق شود باید سحرخیز باشد، همت داشته باشد و به خود عادت دهد که شب ها زود به خواب رود و از صبح زود استفاده ی کامل بنماید. بزرگان اگر به درجه ی عالی رسیدند و موفق شدند، به واسطه ی آن سحرخیزی و استفاده از فرصت ها^{۲۰۷} بوده است «همت بلند دار که مردان روزگار، از همت بلند به جایی رسیده اند» معروف است که روزی ها را در نیمه شب تقسیم می کنند و یک طلبه ی جوان تا توانایی دارد باید این فرصت را از دست ندهد که فردا دیر است. ذهن انسان صبح زود آمادگی فراگیری کامل دارد، نصیحت من به طلاب محترم آن است اگر می خواهند به جایی برسند، تبدیلی را کنار گذاشته و سحرخیز باشند، در نیمه شب، ارتباط معنوی داشته و دروس خود را ابتدای روز قرار دهند، البته طلبه ی جوان باید طوری عمل کند که خستگی زودرس بر او عارض نشود.

۲۰۷- فرزند فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) می گوید: مرحوم میرزا (قدس سره) تمام اوقات خود را صرف درس، بحث و عبادت می کرد. مشاهده نکردیم ایشان وقت خود را صرف امر دیگری کنند و غیر از استراحتی که داشتند، وقت خود را به چیز دیگر اختصاص نمی دادند؛ حتی وقتی به روستاهای اطراف می رفتند، مشغول نوشتن می شدند که اکثر کتاب «موسوعه رجال» مرحوم میرزا (قدس سره) ثمره ی کارهای علمی ای بود که هنگام استراحت در خارج از شهر قم انجام می دادند. ایشان حتی روزنامه نمی خواندند، فقط برای آگاهی از اوضاع در همان حال که مطالعه می کردند، اخبار را نیز مشاهده یا گوش می کردند و همواره نصیحت می کردند (وقتتان را تلف نکنید که قابل جبران نیست). معروف بود که مرحوم میرزا (قدس سره) چه زمانی که در نجف و چه زمانی که در قم بودند، اهل جلسات به صورت شب نشینی (گعده) نبودند و همواره وقت شناس بوده و با تمام وجود از وقت خود استفاده می کردند. ایشان در طول روز مشغول بودند و می فرمودند: تا وقت هست باید خدمت کرد و استراحت من در قبر است لذا اگر ایشان را در طول روز مشاهده می کردید یا مشغول مطالعه بودند یا نوشتن استفتاء و یا بحث های خارج خود را می نوشتند.

فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) سحر خیز بودند و صبح ها جهت تهجد و شب زنده داری به حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) مشرف می شدند و گاهی قبل از باز شدن درب حرم، مشرف می شدند و دقایقی را پشت

درب حرم منتظر می شدند و افراد مختلف وقتی ایشان را پشت درب حرم مشاهده می کردند از فرصت استفاده کرده سؤالات مطرح می کردند. ایشان (قدس سره) با دیدن افراد سحرخیز به خصوص طلاب بسیار خوشحال می شدند و از آنان سؤال می کردند این وقت اینجا چه کار می کنید؟ اگر می دید برای تهجد و شب زنده داری است خیلی خوشحال می شدند و برای او دعا می کردند و آنان را تشویق می کردند و می فرمودند: قدر جوانی را بدانید و سحر خیز باشید و از این ساعات برای برقراری ارتباط معنوی استفاده نمایید و در این تهجد آثاری است که سعادت دنیا و آخرت را به دنبال دارد.

تا چه اندازه شوخی کنم؛ زیرا در مدرسه بعضی از دوستان اصلاً شوخی نمی کنند و نمی خندند و بعضی دانماً در حال خنده و مزاح هستند، من تکلیف خود را نمی دانم؟

فرزندم! شوخی و خنده، حکم نمک در غذا را دارد، انسان باید از شوخی و خنده‌ی زیاد پرهیزد، به خصوص طلبه‌ی جوان که دوران سازندگی خود را می گذراند. شوخی و خنده‌ی زیاد موجب دلمردگی می شود و اگر خدای ناکرده این اتفاق بیفتد خارج شدن از آن حالت، بسیار سخت است. هر کاری می کنید معقول باشد تا نگویند این چه طلبه ای است که وقت خود را صرف مزاح و شوخی می کند و برای چه این فرد، طلبه شده است، خنده‌ی زیاد شخصیت شما را نزد متدینین کمرنگ می کند. با دوستان متدین و مؤمن خود می توانید جملات معقول و موزون رد و بدل کنید اما باید مواظب باشید که دروغ، تهمت، بهتان، افترا و ایذاء کسی در آن نباشد؛ در سخن گفتن و شوخی معقول، تمام جوانب شرعی و اخلاقی را در نظر بگیرید. فرزندم! وظیفه‌ی فعلی شما درس خواندن و توکل به ایزد منان است، کاری کنید که رضایت امام زمان (علیه السلام) در آن باشد. شکل ظاهری و حرکت شما نیز به گونه ای باشد که اگر کسی شما را دید از خُلق و التزام شما لذت ببرد و مصداق «کونوا لنا زیناً» باشید، خداوند به شما توفیق بدهد.

من يك طلبه‌ی مبتدی هستم، تا چه حد در سیاست داخل شوم؟

وظیفه‌ی شما فعلاً درس خواندن و تلاش در جهت کسب دانش است و غیر از درس و تهذیب نفس نباید عمل دیگری را دنبال کنید. اگر می خواهید در آینده موفق باشید، ابتدا باید از نظر علمی پیشرفت کرده و کسب کمال نمایید؛ زیرا بدون علم، داخل شدن در هر کاری، پشیمانی به دنبال دارد. در کاری که هنوز عاقبت آن را نمی دانید، داخل نشوید، باید با آگاهی و توجه کامل در هر کاری وارد شوید تا بعداً پشیمان نگردید، اگر با آگاهی کامل و معرفت کافی داخل کاری شدید ان شاء الله مأجور خواهید بود. در هر کاری فراموش نکنید که فردای قیامت باید جوابگو باشید و اگر می خواهید پشیمان نشوید ابتدا خوب درس بخوانید و در جهت کسب دانش تلاش کنید و خود را به مرتبه‌ی علمی مقبولی برسانید، آن گاه می توانید به جامعه، خدمات ارزنده‌ی ارائه نمایید. و ان شاء الله مأجور خواهید بود.

آیا رفتن به زیارت مقدم است، یا درس خواندن؟

بسمه تعالی؛ طلاب جوان که آینده‌ی حوزه و دین به دست آنهاست، ابتدا باید به درس اهمیت دهند و با جدیت کامل درس بخوانند و اگر در ایام تعطیل فرصتی برای زیارت برای آنان حاصل شد، بروند و ان شاء الله که خداوند بر توفیقات آنان می افزاید. اگر طلبه‌ی جوان بخواهد خدمت دینی داشته باشد باید بُنیه‌ی عملی خود را قوی کرده، بعد به امور دیگر مثل زیارت و مستحبات و... بپردازد. زیارت از

امور مستحب است و از مصادیق حفظ شعائر می باشد و باید به واسطه‌ی رفتن مؤمنین زنده نگاه داشته شود^{۲۰۸}، خداوند به همه‌ی ما توفیق دهد که زائرین واقعی ائمه(علیهم السلام)باشیم.

وقتی بعضی ایام و فیات یا اعیاد ائمه اطهار: مشاهده می شود بعضی دروس حوزه تعطیل و بعضی از دروس

پابرجاست، تکلیف من طلبه‌ی جوان چیست؟

بسمه تعالی؛ فرزندم! باید در فیات ائمه(علیهم السلام) تعطیلی حوزه و اقامه‌ی مجلس عزاداری بر همگان آشکار باشد، و کمترین کاری که يك طلبه‌ی جوان در آن روز می تواند انجام دهد، شرکت در مراسم عزاداری بر خزن بر خاندان اهل بیت(علیهم السلام) است، بنابراین حوزه باید در ایام و فیات یکپارچه تعطیل باشد و از این شعائر الهی دفاع کند تا خدای ناکرده به تدریج کمرنگ نشود. اعیاد اهل بیت(علیهم السلام) روز شادی و فرح است هرچند که اعداء اهل بیت(علیهم السلام) عیدی بر ما نگذاشته اند، اقامه مجلس اعیاد ائمه(علیهم السلام) با مراعات تمام موازین شرعی و به دور از اعمالی که موجب وهن بر

۲۰۸- یکی از تجار اخیری می گوید: قرار بود حدود چهل نفر از زائرین عتبات مقدسه را راهی کشور عراق کنم و همزمان با مهیا شدن، درگیری در عراق شدید شد به طوری که ترسیدم برای زائرین اتفاقی رخ دهد. خدمت فقیه مقدس راحل، آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی(قدس سره)رسیدم و از ایشان سؤال کردم که با تعدادی زائر عاشق می خواهیم به عراق مشرف شویم ولیکن خوف داریم. مرحوم میرزا(قدس سره)گفتند: اگر واقعاً خوف دارید سفر را به تأخیر بیندازید. با توجه به اینکه همه‌ی زائرین مهیا بودند سخت بود آن سفر را به تأخیر بیندازم، از این رو به مرحوم میرزا گفتم: آقا! اگر آنها را به زیارت بردم و خدای ناکرده برای آنان اتفاقی افتاد فردای قیامت مؤاخذه خواهیم شد؟ ناگهان دیدم مرحوم میرزا(قدس سره)آهی از درون، که نشان از عشق سرشار ایشان به زیارت کربلا بود کشیده و گفتند: کسی به خاطر امام حسین(علیه السلام)مؤاخذه نمی شود! این کلام در دل من جای گرفت و قوت قلبی برای سفر شد. میرزا آن قدر با اخلاص و قاطعیت این کلام را بیان کرد که هرگاه یاد آن می افتم بی اختیار اشک چشمانم را فرا می گیرد. این کلام چنان قوتی در وجودم ایجاد کرد که علی رغم آن درگیری ها به زیارت عتبات مقدسه مشرف شدیم و دائم در ذهنم مرور می کردم که کسی به خاطر امام حسین(علیه السلام)فردای قیامت مؤاخذه نمی شود. روحش شاد باد که در هر کلامش دنیایی از معنا نهفته بود. مرحوم میرزا(قدس سره)می گوید: زمانی که ما در اربعین حسینی از نجف با پای پیاده به سمت کربلا حرکت می کردیم، در بین راه مردم با تمام وجود از ما استقبال می کردند و ما را مهمان می کردند. از بسیاری از آنها عذر می خواستم، ولیکن آنان به اصرار و توسل ما را مهمان می کردند و هرکس با امکاناتی که داشت از ما استقبال می کرد. در بین راه، شخصی تا ما را دید، از دور شروع به دویدن کرد و از ما خواست که در منزل آنان مهمان شویم. از او عذر خواستیم، شخصی جلوی ما را گرفت و با تمام وجود گفت: «به حق «ابوالفضل العباس» نمی گذارم بروید!» باید امشب مهمان ما باشید، و هرچه خواستم وی را قانع کنم، قبول نکرد. شروع به گریه کرد و گفت: «مرا از ضیافت زوار امام حسین(علیه السلام)محروم نکنید.» در هر حال، جمعی که باهم بودیم، دیدند که نمی شود به این اصرار جواب منفی داد. به سمت منزل این عاشق حسین بن علی(علیهما السلام)حرکت کردیم. تمام اهل خانه با دیدن ما بلند شدند، يك گوسفند ذبح کردند و شام مفصلی دادند. بعد رختخواب هایی که تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته بود، در اختیار ما قرار دادند. مرحوم میرزا (قدس سره)می فرمود: ببینید مردم چگونه عاشق اباعبدالله الحسین(علیه السلام)هستند. تا اینها هستند، نام و حرکت امام حسین(علیه السلام)زنده خواهد ماند.

مقام آنها(علیهم السلام) باشد (مثل کف زدن) مستحب است و اقامه کننده آن مأجور است و اجر اخروی کسب خواهد کرد ان شاء الله تعالی.

چه کنم که آقا و مولایم امام زمان(علیه السلام) را در خواب ببینم و به محضرشان شرفیاب شوم؟ عزیزم! این توفیق نصیب هر کسی نمی شود و این امر برای بعضی از علمای بزرگ دین محقق شده و می شود که زعامت مردم به دست آنها است و نمونه های آن در حالات بزرگان دین منقول است، بقیه ادعاها، به خصوص مواردی که امروزه در جامعه مطرح می شود، تماماً ادعای باطل است. شما به جای تشرف خدمت امام(علیه السلام)، سعی کنید رضایت آن وجود نازنین را از خود کسب کنید که رضای او رضای خداست. با عمل به تکالیف شرعی، دوری از گناه و انجام عمل صالح، قلب امام زمان(علیه السلام) را شاد نمایید. در راه خدا گام بردارید و آنچه از دستتان برای تقویت تشیع برمی آید، دریغ نکنید و همواره مواظب رفتار و کردار خود باشید. برای موفقیت شما دعا می کنم.

با توجه به اینکه اینجانب طلبه میباشم چگونه به بینش سیاسی دست پیدا کنم؟
بسمه تعالی: بینش سیاسی را می توان از راه تحصیل و تجربه به دست آورد، البته باید آن را نزد اهل خبره، که متدین هستند کسب نمود تا مبدا دین را قربانی سیاست بنماید، والله الهادی الی سواء السبیل.

ما جمعی از بانوان حوزه های علمیه می باشیم که به حمد الله برای جذب بانوان متدین و مؤمن، در جهت خدمت به دین حنیف اسلام و مذهب تشیع تلاش می نماییم، راهنمایی شما می تواند در ارائه هر چه بهتر خدمات ما را یاری نماید!

بانوان محترم! شما باید در مرحله اول، با حجاب، متانت و وقار خود برای سایر بانوان الگو باشید، به طوری که با عمل به تکالیف شرعی بر سایرین تأثیر بگذارید. حالا که توفیق یافتید در حوزه مشغول به تحصیل شوید، در مرحله اول، عمل دقیق به تکالیف شرعی همراه با تهذیب نفس را سرمشق خود قرار دهید، و خدای ناکرده طوری عمل نشود که تکالیف و وظیفه های زن، که در چهارچوب شرع معین شده نادیده گرفته شود. در جهت تربیت فرزندان خود تلاش کنید و آنان را افراد مفیدی برای جامعه بار آورید که مأجور هستید. خوب درس بخوانید و سیره ای اهل بیت(علیهم السلام) را فرا بگیرید تا به بانوان دیگر منتقل کرده و دین را در این جهت یاری نمایید و خدا را به این نعمتی که نصیب شما کرده، شاکر باشید. توفیق همه ی شما را از خداوند متعال خواهانم و امید دارم که بتوانید با

عمل و رفتار خود، در جهت سازندگی مجتمع بانوان گام بردارید، البته درس خواندن نباید شما را از وظیفه‌ی مهم خانه داری و تربیت فرزندان باز نگاه دارد، خداوند شما را توفیق دهد.

يك طلبه چه مقدار ورزش كند؟

بسمه تعالی؛ ورزش سالم، با طلبگی منافاتی ندارد ولی باید ورزشی را انتخاب کند که در شأن يك طلبه باشد. طلبه نباید کارش این شود که هر روز درس و بحث را رها کرده و به دنبال ورزش برود؛ بلکه برای سالم ماندن ورزشی مانند ورزش دو میدانی را در اوقات فراغت انجام دهد. طلبه نباید در ورزش انگشت نما شود؛ بلکه با متانت علاوه بر اهمیت به درس؛ در محیط ورزش الگو شده و مراقب سکنات و حرکات خود باشد.

نصایحی به دانش آموزان، معلمان،

جوانان و مؤمنین و...

يك انسان در مراحل مختلف زندگی چگونه باید برنامه ریزی کند؟

انسان اگر بخواهد به درجه کمال برسد و نهایتاً در هر منصبی که هست خدمت مؤثر و مفیدی داشته باشد ابتدا باید با فراگیری مسائل شرعی و عمل به آنان و دوری از گناه خود را به خدا نزدیک کند در تمام مراحل زندگی توکل داشته باشد و هیچگاه مأیوس نشود، ملجأ خود را پروردگار متعال و اهل بیت(علیهم السلام) بداند، ممکن است انسان در طول زندگی با مشکلات و ناملازمات فراوان مواجه شود، ولی نباید مأیوس گردد بلکه کاری کند که از امتحان الهی موفق خارج شود. در هر حال دنیا، دار امتحان است و خداوند متعال بنابر قضاء و قدر خود انسان را به گونه های مختلف امتحان می کند، خداوند به من و شما توفیق دهد که از امتحان الهی موفق خارج شویم و شیطان نتواند بر ما غلبه کند. آمین یا رب العالمین.

ما جمعی از دانش آموزان آذربایجان هستیم از شما نصیحتی می خواهیم!

فرزندان عزیزم! نصیحت این بنده‌ی ناچیز به شما این است که یادگیری و عمل به تکالیف الهی را سر منشأ کارهای خود قرار دهید و سیره‌ی اهل بیت(علیهم السلام) را از اهل فن بگیرید و در پای منابر افراد معروف، که منبرشان حاوی سیره‌ی اهل بیت(علیهم السلام) و نکات اخلاقی می باشد، شرکت نمایید. سعی کنید از اشخاصی استفاده کنید که گفتار آنها مؤثر است، و وظایف شرعی خود را از فضلی متدین یاد بگیرید و در راه کسب علم با جدیت تلاش کنید. از معنویت غافل نباشید که سعادت شما به آن پیوسته است. دوران جوانی فرصت بسیار خوبی است، سعی کنید به بطالت نگذرد که پشیمانی به بار می آورد.

برنامه‌ی روزانه يك شخص مسلمان و مدعی حب اهل بیت: چگونه باید باشد؟

بسمه تعالی: بر مؤمنین لازم است که در تمام دوران عمر خود، از نوجوانی، جوانی و پیری، زندگی خود را بر طبق موازین و احکام دین مبین اسلام تنظیم نمایند، به نحوی که در هر دوره، برنامه‌ی مناسب با آن را داشته باشند. انسان بر طبق انتخاب حرفه، باید با هدف خاص همراه با مراعات مسائل شرعی، انجام تکالیف الهی، توکل و توسل به اهل بیت(علیهم السلام) با جدیت کار خود را

دنبال کند، به خصوص آنجا که حرفه‌ی انتخاب شده، خدمت به مؤمنین باشد. انسان در هر حال باید برنامه ریزی داشته باشد تا در آخر عمر پشیمان نگردد. ساعاتی را برای عبادت و انجام واجبات در نظر بگیرد و زمانی را به فراگیری معارف الهی و مسائل شرعی اختصاص دهد و از اخلاق حسنه، و تهذیب نفس غافل نباشد. و همین طور زمانی را نیز برای رفع نیاز دنیوی خود قرار داده و آنچه که حلال و ستوده است انجام دهد، **والله الموفق**.

جوانی هستم که در نظر دارم با برنامه ریزی دقیق ان شاء الله آینده ای روشن همراه با معنویت داشته باشم،

نصیحتی بفرمایید؟

فرزندم! خدا را شاکر باش که در سن جوانی به دنبال سعادت دنیا و آخرت هستی. ابتدا سعی کن مسائل شرعی خود را خوب فرا بگیری و همراه با درس خواندن، در جهت تهذیب نفس گام برداری. سعی کن کاری را برای آینده‌ی خود در نظر بگیری که خدمت مؤمنین در آن باشد. در تمام لحظات زندگی، به اهل بیت (علیهم السلام) متوسل باش و با دوستانی هم صحبت شو که شما را به سوی معنویت ارشاد کرده، و خود نیز ملتزم به انجام تکالیف شرعیشان باشند. فرزندم! قدر جوانی خود را بدانید، جوانی زودگذر است، کاری کنید که از این دوره‌ی زندگی نهایت استفاده را ببرید. دقت در تکالیف شرعی، در رأس همه‌ی امور است. موفق باشید.

جوانی هستم که به نصیحت شما احتیاج دارم!

بسمه تعالی; به شما توصیه می‌کنم که قدر جوانی خود را بدانید که نیروی جوانی زودگذر است، و مراقب باشید که عمر و جوانی، در امور بی‌اهمیت تلف نشود. و شما را به رعایت تقوا و تحفظ بر نمازها، به خصوص نماز اول وقت سفارش می‌کنم، امیدوارم که با سعی و تلاش در فراگیری علم و مراعات مسائل شرعی به مراتب عالی‌تر نائل گردید، **والله الموفق**.

با توجه به اینکه جوان هستم مرا نصیحتی بفرمایید؟

بسمه تعالی; سعی کنید که همواره یاد خداوند متعال و قیامت را در دل خود زنده بدارید و از معاشرت با اشخاص و انجام کارهایی که دل را سیاه کرده و مانع از کسب توفیق می‌شوند پرهیزید؛ از مجالس معصیت اجتناب کرده و عمر خود، که گرانبهارترین سرمایه‌ی شماست را تباه نکنید، **والله الموفق**.

اینجانب دانش آموز سال دوم راهنمایی هستم، خواهشمندم من را نصیحت فرمایید تا بتوانم موفق باشم، ان شاء الله تعالی.

بسمه تعالی: سعی کنید با توجه به فرامین پروردگار متعال و توسل به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) در انجام واجبات، دوری از گناهان و توجه به روز حساب، کوشا بوده و ایمان خود را بیمه سازید. با یادگیری علوم و تخصص، به جامعه‌ی مسلمین خدمت نمایید و در جهت عزت اسلام و مسلمین تلاش کنید و از معاشرت با دوستان مشکوک و ناشناخته پرهیز نمایید که شخص، به دوستانش شناخته می شود. خداوند به شما توفیق بیشتر عنایت فرماید، **والله الموفق والمعین.**

یکی از مسائلی که موجب جذب جوانان به گناه است و واقعاً بر جوانان سخت می گذرد، انتشار گناه در جامعه است. وظیفه‌ی ما جوانان که عاشق ولایت و محب اهل بیت (علیهم السلام) هستیم چیست؟ متأسفانه فساد همه جا را فرا گرفته و زندگی را برای مؤمنین سخت کرده است. عزیزانم! بدانید که دنیا دار امتحان است و انتشار فساد و روی آوری بعضی افراد به لذات دنیا، نباید موجب شود که در اراده و ثبات قدم شما خللی وارد گردد، به خصوص شما که خود را محب اهل بیت (علیهم السلام) می دانید و این، مرتبه‌ی کمی نیست که انسان خود را محب آن عزیزان بداند. اگر محب واقعی هستید باید کاری کنید که رضایت آنها را کسب کنید. در صورت امکان امر به معروف و نهی از منکر کنید، نصیحت کنید و آنانی را که غافل اند، آگاه سازید آن هم با روشی که پذیرا باشند. هرچه مشاهده می کنید از آن عبرت بگیرید و معتقدات خود را تقویت کنید. ببینید که چگونه بعضی افراد لذات دنیا را به آخرت ترجیح می دهند و شب و روز خود را فدای اغراض حیوانی می کنند، با دیدن این صورت های تاریک درس بگیرید و خود را از گناه دور کنید. وظیفه‌ی شما در جامعه این است که نصیحت کنید. شیطان در کمین است، همواره از خدا کمک بخواهید و دائماً بگویید: «**الهی لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدأ**». دوری از گناه موجب کسب معنویت می شود. خداوند به همه‌ی جوانان توفیق دهد که با عمل به وظایف شرعی و دوری از گناه، سعادت اخروی را کسب کنند.

چه راهی را انتخاب کنیم تا بتوانیم در آخرت رستگار باشیم؟

بسمه تعالی: شاکر باشید که خدا این توفیق را به شما داده که به دنبال رستگاری هستید. با چنگ زدن به حبل متین اهل بیت (علیهم السلام) و توسل به آنان سعی کنید که رضایت آنها را در هر کاری جلب نمایید که رضایت آن بزرگواران، رضای خداست و از تهذیب نفس غافل نباشید و از تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) الهام بگیرید. خود را متعلق به اخلاق حسنه نموده و تکالیف شرعی خود را با دقت انجام دهید، والله المسدد.

نصیحت بفرمایید مسائل شرعی را تا چه حد یاد بگیریم؟

بر هر مکلفی واجب است مسائل شرعی خود را، که به آن مبتلا است یاد بگیرد و هر مسئله ای را که نمی داند سؤال کرده و یا به رساله عملیه رجوع کند، و سعی کند هر روز مسئله ای جدید یاد بگیرد. از همان سن جوانی باید به فراگیری مسائل شرعی اهتمام ورزیده تا خدای ناکرده بعداً متوجه نشود که اعمالی که انجام داده اشکال داشته و سرانجام به مشقت بیفتد. طلاب باید مسائل شرعی را به خوبی فرا بگیرند و آنها را به درستی به مردم منتقل کنند و در هر فرصت ممکن در مجلس عوام، بعضی مسائل مبتلا به را مطرح کنند.

جوانی دانش آموز هستم که با کمک خداوند متعال مشغول تحصیل و کارهای علمی هستم، نصیحتی بفرمایید!
بسمه تعالی؛ یاد خدا و حساب قیامت را حتی المقدور در اعمال خود در نظر داشته باشید و با توکل به خداوند متعال تحصیل نمایید. کارهای علمی خود را با دقت و نشاط ادامه دهید و سرمایه‌ی عمر، به ویژه جوانی را غنیمت بشمارید که زودگذر است، خداوند به شما توفیق عنایت فرماید.

اینجانب معلم مقطع دبستان هستم، لطفاً من را نصیحت فرمایید!

بسمه تعالی؛ فرزندان مردم در دست شما امانت هستند، در حفظ امانت کوشا باشید. دل های نونهالان، آماده‌ی پذیرش هر گونه تلقینی است، سعی کنید که حقایق فطری دین را با زبان مناسب با سنشان به آنان بیاموزید و آنها را با مهر و عطوفت نسبت به تعالیم الهی آگاهی دهید، تا سخن حق هر چه بیشتر در دل های پاکشان جای گیرد. خداوند به شما توفیق روزافزون عطا فرماید، **والله الموفق.**

متأسفانه چند وقتی است که در خلوت مرتکب گناه می شوم و بعد از گناه، یاد قبر و قیامت مرا سخت رنج می دهد و پشیمانی تمام وجود مرا می گیرد. گاهی آن قدر از خودم بدم می آید که حاضر نیستم صورت خود را در آینه ببینم، راهنمایی کنید چگونه از این بلای خانمان سوز نجات پیدا کنم؟

شیطان همواره در کمین است و انسان باید آن قدر تهذیب نفس داشته باشد که اجازه ندهد شیطان در او رسوخ پیدا کند و او را فریب دهد. توسل کنید و قبل از اینکه پشیمان شوید، شیطان را از خود برهانید؛ زیرا خدای ناکرده اگر سریع به فکر خود نباشید ممکن است نتوانید در آینده از القائنات شیطان رها شوید. تا جوان هستید، فرصت دارید خود را خلاص کنید. اولین گام برای شما این است که يك شخص متدین را راهنمای خود قرار دهید؛ از فردی که خود صاحب کمال است، کمک بخواهید و قدری از روز را با او بگذرانید. سعی کنید با افراد متدین معاشرت کنید و با افرادی که فکر و حرکت آنها شما

را به گناه می کشاند هم صحبت نشوید. از مجالست با افرادی که همراهی با آنها شهوت شما را تحریک می کند دوری کنید و افکار شیطانی را از فکر خود محو نمایید. به معنویات روی آورید و در مجالس و عظ و خطابه شرکت کنید. اذکار خود را بیشتر کنید و در هر کاری از خدا کمک بخواهید. با خود زیاد خلوت نکنید و تنها در جایی نمانید و تا خوابتان نگرفته به رختخواب نروید. اگر فکر گناه به ذهنتان خطور کرد از محل خارج شده و شروع به قدم زدن نمایید و خود را به کاری مشغول کنید تا فکر باطل از ذهن شما خارج شود. باید ببینید سبب اصلی تحریک شهوت شما چیست، آن را علاج و یا از آن دوری کنید، با مرور زمان مسئله‌ی گناه را ان شاء الله فراموش خواهید کرد. اگر بتوانید هنگامی که شیطان به سراغ شما آمد، وضو ساخته و شروع به نماز خواندن نمایید بسیار مؤثر خواهد بود، در آن برکاتی است که شما را در جهت خلاصی از این مشکل کمک خواهد کرد، برایتان دعا می کنم موفق باشید.

جوانی هستم که احتیاج به نصیحت شما دارم، وظیفه‌ی فعلی بنده چه می باشد؟

بسمه تعالی: وظیفه‌ی فعلی شما عمل به واجبات و ترك محرمات است که از اهم امور می باشد. با تهذیب نفس تقوای الهی را کسب کنید و خود را از وسوسه های شیطان خلاص نمایید از عمر خود که سرمایه شما است کمال بهره را ببرید و همنشین مؤمن و متدین انتخاب کنید که در جهت نیل به کمال شما را یاری نماید.

خداوند متعال تا چه حد از ما عمل صالح خواسته است؟

انسان ابتدا باید به تکالیف شرعی خود اهمیت دهد و با فرا گرفتن مسائل شرعی و عمل به آنها، رضایت خدا را کسب نماید و بعد از آنکه انسان از انجام اعمال واجب خود اطمینان حاصل کرد به اعمال خیر اقدام کند که ذخیره ای برای آخرتش باشد. اعمال خیر نسبت به هرکس متفاوت است؛ به طور مثال نسبت به افراد متمکن، بهترین عمل، تقویت حوزه های علمیه است که همان تقویت مذهب بر حق تشیع می باشد. هرکاری که بتواند دین را یاری نماید انجام دهید که بهترین ذخیره برای آخرت است. هرکس باید نسبت به تمکن و قدرت خود، تلاش کند و توشه ای را برای آخرت خود ذخیره نماید. خداوند به همه‌ی ما توفیق دهد که عامل به وظیفه باشیم.

متأسفانه مظاهر فساد در جامعه رواج یافته، بفرمایید وظیفه‌ی يك جوان چیست؟

بسمه تعالی: این قبیل امور از ابتلائاتی است که مسئولین امر باید مراقب بوده و آنها را از جامعه‌ی اسلامی ریشه کن کنند. اما وظیفه‌ی شما فعلاً چیزی غیر از امر به معروف و نهی از منکر نیست؛ مراحل امر به معروف و نهی از منکر را حتماً مراعات نمایید، والله الهادی الی سواء السبیل.

جوانی هفده ساله هستم بفرمایید در چه مجالسی شرکت کنم و چه زمانی از شبانه روز را برای شرکت در مجالس عزاداری انتخاب نمایم؟

بسمه تعالی؛ با توجه به تناسب سن شما و وجوب تعلیم و تعلم احکام دین، لازم است به مجالسی بروید که در آن احکام دینی، اصول اعتقادی و اخلاق استفاده می شود و نسبت به وقتی که در اختیار دارید در مجالس شرکت کنید ولیکن مراقب باشید پرداختن به عزاداری موجب فوت واجبات نشود، **والله الموفق.**

چند وقتی است که گرفتارم چه کنم مرا راهنمایی نمایید؟ به هر دری می زنم مشکلم حل نمی شود!
دنیا، دار بلا و امتحان است و همه‌ی افراد به نحوی گرفتاری و مشکل دارند گرفتاری دنیا خلاصی ندارد، ولیکن به برکت و عنایت اهل بیت(علیهم السلام) زود گذر است، کاری کنید که در آخرت گرفتار نباشید. عمل در دنیا، میزان در آخرت است پس عمل خود را خالصانه و برای رضایت خدا انجام دهید تا درب های رحمت بر شما باز شود. در همه‌ی کارهایتان توکل و توسل کنید و هر فعلی را که می خواهید انجام دهید، معصومین(علیهم السلام) را واسطه قرار دهید. زیاد ذکر بگویید و در دعا خواندن کوتاهی نکنید و سعی کنید از عزیزانی که دارای کمال هستند و در تهذیب نفس موفق بوده اند کمک بگیرید، ان شاءالله موفق خواهید شد.

با توجه به اینکه دانش آموز هستم، با چه کسانی معاشرت کنم و چه نصیحتی می فرمایید؟
بسمه تعالی؛ بدانید که جوانی سرمایه ای بزرگ، اما زودگذر است که قابل برگشت نمی باشد؛ بنابراین از افرادی که معاشرت با آنان عمر انسان را هدر می دهد بپرهیزید. در انجام وظایف شرعی و تحصیل کمالات کوشا باشید و با یاد خدا، عنایت به حساب قیامت و توجه و توسل به ائمه‌ی اطهار(علیهم السلام) سعادت دنیا و آخرت خود را تضمین کنید، **والله الهادی الی سواء السبیل.**

جوانی هستم که احتیاج به نصیحت دارم تا بتوانم در کارهایم موفق شوم؟
عمر زودگذر است و سعی کن در این عمر کوتاه دو چیز را در زندگی خود مد نظر داشته باشی که موجب موفقیت و مهارت توست. در تمام کارها خدا را مد نظر بگیر و اهل بیت(علیهم السلام) را ناظر بر اعمال خود بدان. اگر چنین شد دیگر به سوی گناه، نخواهی رفت.
سعی کن با کسانی همنشین شوی که در کسب معنویت شما مؤثر باشند و اگر با آنان معاشرت داشتی از آنها استفاده معنوی کن که در راه سعادت تو نقش بسزایی دارد. مبادا وقت خود را تلف کنی و ساعت هایی را به حرف های بی ربط و بی فایده بگذرانی که همه این کارها اثر وضعی دارد.

و خلاصه آنکه اگر بخواهی موفق شوی باید در تمام لحظات زندگی تقوی الهی را سرلوحه کار خود قرار دهی.

موعظه ای که بتواند مرا در کارهایم موفق کند به خصوص در دوری از گناه؟

انسان برای آنکه بتواند موفق شود و آن گونه زندگی کند که اهل بیت(علیهم السلام) به آن سفارش کرده اند فرامین آنها(علیهم السلام) را سر لوحه کار خود قرار دهند و با استفاده از نصایح آن بزرگواران کاری کند که خشنودی پروردگار متعال و اهل بیت(علیهم السلام) را به دنبال داشته باشد.

جناده می گوید: پس از مسمومیت امام حسن(علیه السلام) نزد او رفتم و دیدم در مقابلش طشتی است که در آن خون استفراغ می کند.

عرض کردم: «مولای من! چرا خود را درمان نمی کنید؟» گفت: «مرگ را با چه معالجه کنم؟»

من گفتم: «انا لله و انا الیه راجعون.» (ما همه از آن خداییم و به سوی او رهسپاریم).

امام(علیه السلام) نگاهی به من نمود و فرمود: «قسم به خدا رسول خدا(صلی الله علیه وآله) با ما عهد نمود که امامت بر عهده ۱۲ نفر از فرزندان علی(علیه السلام) و فاطمه(علیها السلام) است و همه ما دوازده امام یا با شمشیر کشته می شویم یا با زهر، مسموم.»

آن گاه گریست.

به امام(علیه السلام) گفتم: «ای پسر رسول خدا، مرا موعظه کنید.»

فرمود(علیه السلام): «مهبای سفر آخرت شو و توشه‌ی آن سفر را پیش از رسیدن اجل به دست آور؛ بدان که تو در طلب دنیایی در حالی که مرگ هم در طلب توست. اندوه روزی را که نیامده بر روی اندوه امروزت بار مکن و بدان که هرچه از مال دنیا، بیش از قوت خودت، به دست آوری، خزینه داری دیگران (وارثانت) را کرده ای. بدان که در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عقاب، پس دنیا را نزد خود، مرداری فرض کن و از آن نستان، مگر به قدر ضرورت، که اگر حلال باشد، زهد ورزیده ای و اگر حرام باشد، گناهی نکرده ای. زیرا آن مقدار که گرفته ای بر تو حلال است؛ همان طور که گوشت مرده، در حال ضرورت، حلال است و اگر عتابی باشد، عتابش کمتر است. برای دنیای خود چنان کار کن که گویا همیشه خواهی بود و برای آخرت خود همچنان کار کن که گویا فردا خواهی مرد. اگر می خواهی بدون قوم و قبیله عزیز باشی و بدون سلطنت، اقتدار داشته باشی، از ذلت معصیت خدا به سوی عزت اطاعت او حرکت کن. و هرگاه به همنشینی با کسی نیازمند شدی، با چنین فردی همنشینی کن. کسی که همنشینی با او مایه سربلندی تو باشد و اگر به او خدمت کردی، هوایت را داشته باشد، چنان که کمکی خواستی به یاریت بشتابد و اگر سخنی گفتی تصدیقت کند، اگر در کاری همت به خرج دادی، با تو همسو و هماهنگ باشد و اگر خطایی کردی، آن را جبران کند، اگر کار نیکی از تو دید، فراموش نکند، اگر از او خواسته ای داشته، برآورده سازد و اگر چیزی نخواستی، خود

به تو ببخشد، اگر به تو مشکلی طاقت فرسا رسید، ناراحت شود، دوست تو باید کسی باشد که از او به تو زبانی نرسد، برایت دشواری نسازد، حقت را زیر پا نگذارد و اگر اختلاف مالی پیدا کردید، ایثار کند و تو را مقدم دارد».

لذا برای موفقیت ابتدا باید همیشه یاد مرگ باشید که این خود موجب دوری شما از گناه می شود و کسی را برای همنشینی و کسب و کار انتخاب نمائی که بتواند راهنمای خوبی برای شما باشد و اگر کسی بخواهد در کارهای خود موفقیت کسب کند باید فرامین و نصایح ائمه (علیهم السلام) را سرلوحه زندگی خود قرار دهند و آنگونه حرکت کند که آنان دوست دارند و این امر خود موجب موفقیت انسان در کارهایش می شود.

دختری دانشجو هستم و متأسفانه در دانشگاه جوئی وجود دارد که مرا بارها و بارها قانع کرده که درس خود را رها کنم و به شهر خود بازگردم، شما چه نصیحتی می فرمایید؟

درس خواندن شما نباید موجب انحراف شما شود و باید مراقبت کامل داشته باشید. تحصیل علم برای کسب تخصص و رفع حوائج مردم، بسیار خوب است به خصوص خدماتی که بانوان می توانند به زنان متدین ارائه کنند؛ مانند تخصص زنان در رشته‌ی پزشکی. اگر هدف بانوان این باشد که در آینده به بانوان متدین و مؤمن خدمت کنند، بسیار نیت خوبی است و اجر و ثواب دارد و در ضمن اگر از بعضی افراد دانشجو به خاطر حجاب و مسائل دیگر حرف هایی را می شنوید تحمل کرده و اعتنائی نکنید. این امتحان الهی است، شما با حفظ حجاب و عفاف کامل برای دیگران الگو باشید و با دیگر بانوان متدین همراه شده و با اساتید متدین خانم مشورت کنید. مسائل شرعی خود را در مرحله‌ی اول خوب یاد بگیرید، و اگر واقعاً می بینید چنین جوی که بتواند در دانشگاه شما را از گناه حفظ کند وجود ندارد، درس را ترك کرده و به خدا پناه ببرید. درس خواندن شما نباید موجب شود که آخرت شما از بین برود و به خصوص شما که دختر هستید و در آینده، مادری خواهید بود که باید کودکان در دامن شما تربیت شوند، خداوند شما را از آفات آخر زمان حفظ کند. زیاد توسل کنید و از خدا مدد بجویید، موفق باشید.

چند وقتی است از دنیا مأیوس شده ام و به دلیل افسردگی، تمام آرزوهایم را بر باد می بینم، چه کنم واقعاً

درمانده ام؟

مواظب باشید که این، وسوسه‌ی شیطان است. شیطان همواره در کمین است و می خواهد همان گونه که قسم خورده، شما را از طریق مستقیم خارج کند و با القای وسوسه شما را مأیوس گرداند، مواظب باشید فریب شیطان را نخورید. شما با عمل به تکالیف شرعی و دقت در عمل به

تکالیف و همچنین توسل به اهل بیت (علیهم السلام) که سفینه‌ی نجات هستند از خدا بخواهید تا شیطان را از شما دور کند و ارتباط خود با خدا را قوی کنید. زیاد ذکر بگویید و دعا بخوانید، همیشه استغفار کنید و هرگاه وسوسه شدید، خود را به کاری مشغول کنید. زیاد صلوات بفرستید؛ سعی کنید جایی تنها ننشینید که فکرهای متشتت شما را مشغول کند. با تمسک به حبل متین اهل بیت (علیهم السلام) و شرکت در مجالس و عظ و خطابه بر معلومات خود بیفزایید و با افراد فاضل و متدین مشورت کرده و سعی کنید قسمتی از روز خود را با آنها بگذرانید. اگر در شستن، وسوسه می‌شوید اهمیتی ندهید، به مقدار لازم بشویید و بر شیطان لعنت بفرستید، همین‌طور ادامه دهید، ان شاء الله بر وسوسه غلبه خواهید کرد. با دائم الذکر بودن، شیطان را از خود دور کنید.

نقش والدین در تربیت فرزندان چیست؟

وظیفه‌ی والدین در مراحل مختلف دوران رشد فرزندان خود، حساس و سنگین می‌باشد. ابتدا باید فرزند را به گونه‌ای تربیت کرد که صفات حمیده به تدریج در او شکل بگیرد و سپس به تناسب رشد کودک، کارهای لازم به او آموزش داده شود که نتیجه‌ی آن در آینده‌ی کودک مشاهده می‌شود؛ از جمله مادر سعی کند با وضو به کودک شیر دهد و اگر مشقت دارد، تیمم کند و این عمل اثر عجیبی بر فرزند خواهد داشت؛ ذکر صلوات در کنار کودک و رساندن صدای قرآن و دعا به گوش او تأثیر خوبی دارد. همچنین در مراحل مختلف رشد، اوصاف خوب و حمیده را به او آموزش داده و از همان دوران کودکی برخورد خوب را به او یاد دهد. والدین باید در گفتار و کردار خود در مقابل فرزند، دقت کامل داشته باشند که یک حرکت نادرست، فرزند را به آموزش غلط خواهد کشاند. وقتی فرزند به مرحله‌ی جوانی رسید، مسائل شرعی را به او یاد دهند و او را در جهت کسب صفات معنوی راهنمایی کنند. جوانی، دوران بسیار حساسی است که می‌توان فرزند را با آموزش صحیح و درست، به خصوص از سوی مادر که همیشه در کنار اوست، به سعادت اخروی کشاند و در هر حال بر والدین است که در دوران مختلف رشد کودک، در جهت نیل به سعادت اخروی آنان تلاش کرده و به خود تلقین نکنند که هنوز کوچک است و وقت زیادی دارد که این اشتباه بزرگی است، به خصوص این زمان که خطر بزرگی متوجه جوانان عزیز می‌باشد و والدین نقش اساسی در سرنوشت فرزندان خود دارند.

وظیفه‌ی یک بانوی خانه دار چیست؟

خانمی که زندگی مشترک خود را شروع می‌کند، علاوه بر یادگیری مسائل شرعی مربوط به خود، باید حقوق شوهر خود را نیز به نحو احسن مراعات کند.

کار منزل و تربیت فرزندان، بیشتر بر عهده‌ی بانوان خانه می‌باشد. يك زندگی خوب زمانی محقق می‌شود که زن و مرد تمام موازین شرعی را مراعات کرده و با توکل بر خداوند متعال زندگی خود را شروع کنند. باید با حفظ حجاب و عفاف از حساسیت‌های مختلفی که کانون خانواده را به خطر می‌اندازد، دوری جست. تعالیم اهل بیت(علیهم السلام)، نوری است برای گرم نگاه داشتن کانون خانواده؛ از سفارش‌های خاندان اهل بیت(علیهم السلام) که نجات بشری را به دنبال دارد، غافل نباشید و با اعمال صالح، شیطان را از خود دور نمایید. توسل خود به اهل بیت(علیهم السلام) را بیشتر کرده و در کارها رضای خدا را مد نظر داشته باشید. زن و مرد باید به یکدیگر اطمینان داشته باشند و از مسائلی که برای هر کدام ایجاد حساسیت می‌کند دوری کنند؛ به خصوص زن. مرد باید طوری عمل کند که خستگی کار خانه بر زن باقی نماند و همچنین بانوی خانه باید با خلق و خوی خوب، خستگی کار را از مرد رفع نماید. زن و مرد از یکدیگر انتظاراتی دارند که باید سعی کنند آنها را به مرور زمان محقق نمایند. کانون خانواده را با ساده زیستی و قناعت همراه با معنویت، گرم نگاه دارید و سعی کنید با تفاهم، به تربیت کودکان صالح اهتمام ورزیده و شیطان را از خود دور کنید.

یکی از مسائلی که مادران به آن مبتلا هستند، اختلاف اخلاقی زن و شوهر در تربیت کودک است، وظیفه‌ی

اینجانب که زن خانه داری هستم چیست؟

سعی پدر و مادر باید بر این باشد که با تفاهم، فرزند خود را خوب تربیت کنند و مسائل تربیتی را در قالب گفتگوی خانوادگی مطرح نمایند. اگر شوهرتان کوتاهی می‌کند، با اخلاق و برخورد خوب او را متوجه سازید و مشکل را با تفاهم حل کنید. با توجه به تعلق خاطر کودک به مادر، مادر نقش اساسی‌ای را در تربیت او دارد. سعی کنید فرزندان را به تدریج و مناسب با سنش با صفات حمیده آشنا کنید. در تربیت کودک خود، بسیار دقت کنید که خدای ناکرده در آینده پشیمان نشوید. نگوید هنوز بچه است و وقت دارد، از همان کودکی به تربیت او اهمیت دهید که در آینده، نور چشم شما باشد. ضمن محبت به فرزندان، خیرخواه آنان نیز باشید و بدانید که فرزند شما امانت الهی است، پس در امانت داری کوتاهی نکنید که مسئول هستید.

دانشجوی دانشگاه تهران هستم و متأسفانه در جوی قرار گرفته‌ام که احساس می‌کنم معنویتی را که قبل از

دانشجویی داشتم، کم کم از دست می‌دهم که علت آن، جو حاکم بر دانشگاه است، چه نصیحتی می‌فرمایید؟

فرزندم! دنیا دار امتحان است. شما با توکل به خدا با جدیت درس بخوانید تا ان شاء الله تعالی در آینده به مؤمنین خدمت کنید. سعی کنید در دانشگاه افراد متدین را شناسایی کرده و با آنها ارتباط برقرار کنید. در اوقات فراغت کتب مذهبی بخوانید و در مجالس و عظ و خطابه حاضر شوید و دائم الذکر باشید. همیشه از خدا بخواهید شما را یاری کند و به اهل بیت(علیهم السلام) توسل کنید. همیشه مد نظرتان

باشد که دنیا دار امتحان است و پاداش شما در آخرت است، و همین امر موجب حفظ شما می شود، ان شاء الله خداوند عنایت خواهد کرد و روز به روز به معنویتتان اضافه خواهد شد. اگر خدای ناکرده همین درس خواندن و بودن در آن جوی که از آن سخن می گوئید موجب شود که اعتقادات شما کم کم سست شود و به راه دیگر کشیده شوید، درس را ترك کنید که حفظ دین بر همه‌ی امور، مقدم است.

قبل از خواب چه اعمالی انجام دهم که آرامش کامل داشته باشم؟ مدام در خواب مضطربم!
فرزندم! اعمال مستحب فراوان است، شما هر ذکر و دعایی را قبل از خواب بخوانید، ان شاء الله مأجور خواهید بود. اگر بتوانید شب‌ها قبل از خواب، دو رکعت نماز و سوره‌ی «مَلِك» را بخوانید و «زیارت عاشورا» را زمزمه کنید در کسب آرامش مؤثر خواهد بود. در هر حال شما هر کار مستحبی را قبل از خواب انجام دهید ان شاء الله به کسب آرامش کمک خواهد کرد. از صلوات غافل نباشید که حلال مشکلات است؛ «دعای فرج» را زمزمه کنید و در نهایت در رختخواب کارهای روزتان را مرور نمایید. هر کدام اشتباه بوده سعی کنید آن را جبران کرده و به فکر آن باشید که دیگر تکرار نشود و یا اگر قابل اصلاح است اصلاح کنید. خود را به ایزد منان سپرده و گونه‌ی خود را بر زمین بگذارید و بگوئید «الهی لا تکنی الی نفسی طرفه عین ابداً»، موفق باشید.

مبتلا به مرضی هستم که دکترها مرا جواب کرده اند و روحیه‌ی خود را از دست داده ام شما برایم دعا کنید!
خداوند به حق صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) به شما شفای عاجل عنایت فرماید! خدا هر تقدیری را که در نظر گرفته باشد، رحمت است و اگر عمری مجدد داد در راهش صرف کنید. دنیا دار بلا و امتحان است، قوی باشید و در این مدت حیات، برای آخرت خود عمل صالح ذخیره کنید و به اهل بیت (علیهم السلام) توسل کنید. «زیارت عاشورا»، «حدیث کساء»، «زیارت جامعه» و «زیارت آل یاسین» را فراموش نکنید و به ائمه (علیهم السلام) زیاد متوسل شوید. شما به دیاری سفر خواهید کرد که مورد عنایت اهل بیت (علیهم السلام) خواهید بود،

شما شیعه‌ی مولانا و مقتدانا علی بن ابی طالب (علیه السلام) هستید. دلگرم باشید، (برای شما تربیت امام حسین (علیه السلام) می فرستم و شب قبل از خواب آن را با آب مخلوط کرده و میل کنید ان شاء الله به برکت تربیت سید الشهداء (علیه السلام) شفا خواهید یافت)، اگر حقی هم از مردم به گردن شماست، ادا نمایید، یا از آنان حلالیت بطلبید، ملتمس دعا هستم.

چرا در کارهایم موفق نیستم و به هر دری می زنم فرجی حاصل نمی شود. چه نصیحتی می فرمایید؟
بسمه تعالی: سعی کنید زیاد قرآن بخوانید و سوره‌ی «مَلِك» را تکرار کنید، توسل خود را زیاد کرده، و اهل بیت (علیهم السلام) را واسطه قرار دهید، ان شاء الله مشکل رفع خواهد شد. مأیوس نباشید که

رحمت خدا واسع است. شما در حال امتحان هستید، خدای ناکرده کفران نعمت نکنید که خداوند ناظر بر اعمال است و بنده های خود را به طرق مختلف امتحان می کند. تحمل این مشاغل، در نهایت برای شما موجب علو درجه خواهد شد. با توکل به خدا و توسل به اهل بیت(علیهم السلام) ناامیدی را از خود دور کنید که موفق خواهید شد. به خود تلقین نکنید که در کارها موفق نیستیم، بگویید من تلاش خود را می کنم، خداوند ان شاء الله به برکت اهل بیت(علیهم السلام) عنایت خواهد کرد. شاید بعضی از این افکار القای شیطان باشد نا امید نشوید، موفق باشید.

شیعیان خارج از کشور را نصیحتی بفرمایید ان شاء الله خداوند به شما طول عمر فراوان عنایت فرماید.

بسمه تعالی؛ شیعیان محترم در سرتا سر جهان باید به گونه ای رفتار کنند که سایر مردم با مشاهده ای آنها به مذهب برحق تشیع، رغبت کنند. هرکس به نسبت قدرت خود، وظیفه دارد که برای مذهب تشیع تبلیغ کند و کمترین کاری که از عهده یك مؤمن برمی آید آن است که مواظب رفتار و اعمال خود باشد و کاری نکند که دیگران به واسطه ی رفتار و اعمال او، از مذهب روی بگردانند و خدای ناکرده نظر منفی ای نسبت به مذهب در ذهنشان خطور کند که اگر این طور شد، همه ی ما فردای قیامت مسئول خواهیم بود. مؤمنین باید دقت کافی داشته باشند که وهن بر مذهب نشود و به حدیث شریف: «**كونوا لنا زیناً ولا تكونوا علينا شیناً**» توجه داشته باشند. خداوند به همه ی ما توفیق دهد که الگوی خوبی برای دیگران باشیم و با دقت کامل به وظیفه ی خود عمل نماییم تا دیگران به واسطه ی اعمال ما به دین رغبت پیدا کنند، ان شاء الله تعالی.

امروزه از سوی بعضی افراد، که به تعبیر جنابعالی ضال و مُضل هستند، بین شیعیان خارج از کشور شبهه راه می اندازند از جمله در خصوص قضیه ی هجوم به خانه ی حضرت فاطمه ی زهرا(علیها السلام) و زیارت عاشورا و... شبهه پراکنی می کنند و عوام از مؤمنین را نسبت به مذهب دلسرد می نمایند، بفرمایید وظیفه ی ما چیست؟

بسمه تعالی؛ خداوند همه ی شیعیان عزیز را از کید فتنه ی جهال در امان بدارد! مذهب ما به واسطه ی حقانیت اهل بیت(علیهم السلام) قابل خدشه نیست و اینکه می بینید بعضی به واسطه ی عقل ناقص خود، شبهات وارد می کنند^{۲۰۹} از قلت علم آنها و عدم معرفتشان

..... ۲۱۰

..... ۲۱۱



© بر کرسی درس و استفتاء قرار می گرفت و هر آنچه در تقویت مذهب و حوزه علمیه و کیان تشیع ممکن بود، انجام می داد، خالصانه از معتقدات و ضروریات مذهب دفاع می کرد، هنگامی که قلم بر دست می گرفت جز رضای پروردگار و اهل بیت(علیهم السلام) چیزی دیگر مد نظر نداشت هر آنچه را جهت تقویت مذهب صلاح می دید بر کاغذ می آورد و شبهه را در دم

نسبت به احادیث و منابع ماست و ما تا آنجا که توانسته ایم جوابشان را داده ایم. در هر حال وظیفه‌ی تمام شیعیان است که در مقابل این گونه شبهات ایستاده و از علمای متبحر سؤال کنند و به عوام بفهمانند که فریب این گونه القاءات را نخورند و در دین و معتقدات خود ثابت قدم باشند، ان شاء الله خداوند همه را موفق نماید.

شیعیان خارج از کشور ایران حقایق دینی و احکام شرعیه را از چه کسی باید اخذ نمایند؟

بسمه تعالی؛ حقایق دینی و احکام شرعیه را باید از اهل آن اخذ کرد و اهل آن، در حوزه های علمیه می باشند، افرادی که به علم و عمل معروف هستند. لازم است عده ای از جوانان مسلمان کشورهای دیگر نیز به حوزه های علمیه بیایند و پس از آشنایی با مکتب اهل بیت(علیهم السلام) و تعلم احکام، به بلادشان رفت و آمد کرده و مردم را با مذهب اهل بیت(علیهم السلام) و احکام الهی آشنا نمایند

خفه می کرد. هنگامی که مشاهده می کرد به بعضی مسلمات هجوم می شود شجاعانه وارد میدان می شد، همان تلاش ها موجب پرورش فضلاء و تحوّل فاطمیه به عاشورای دیگر شد. مرحوم میرزا(قدس سره) به مسائل اعتقادی اهمیت خاصی می دادند به خصوص وقتی که هجمه و تشکیکات شروع شد. ایشان هر سؤالی را که احساس می کردند لازم است جواب داده شود تا جلوی القای شبهات گرفته شود، پاسخ می دادند و می فرمودند: این زمان باید به عقاید اهمیتی خاص داد و مسائل اعتقادی نیز باید با دقت جواب داده شود. زمان، زمان فتنه است و عده ای با هجمه به معتقدات می خواهند آنها را کمرنگ نشان دهند. ایشان به مسائل اعتقادی بهای خاصی می دادند و سعی داشتند که هر سؤال حساسی را بی پاسخ نگذارند و ثمره‌ی آن همه تلاش و پاسخگویی، کتب عقایدی همچون «انوار الالهیه» و «ظلمات فاطمه الزهرا(علیها السلام)»، «شعائر الحسینیه»، «امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام)»، «بضعة المصطفی فاطمه الزهراء(علیها السلام)»، «نفی السهو عن النبی»، «نصوح الصحیحہ علی الائمه اثنی عشریه»، «لبس السواد»، «زیارت عاشوراء فوق الشبهات» و «فدک» و... می باشد، که کثرت استفتاءات عقایدی ایشان در رد شبهات، سند محکمی است برای دفاع از مبانی بر حقّ تشیع که گره گشای بسیاری از شبهات مطرح شده در جامعه می باشد. یکی از صفات فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) این بود که در امور عقایدی صریح و شدید بودند و بسیار شجاعانه برخورد می کردند. بارها اتفاق افتاد بعضی از اشخاصی که انحراف عقایدی داشتند، درخواست ملاقات می کردند، مرحوم میرزا (قدس سره) به ندرت قبول می کردند که این گونه افراد به خدمتشان برسند و اگر هم آنها را به خدمت می پذیرفتند، با آنها سخت برخورد می کردند و به واسطه‌ی استفتاء جواب شبهات را می دادند و موضعی را می گرفتند که بقیه متوجه و مواظب کار و حرف های خود باشند. مرحوم میرزا (قدس سره) می فرمودند: این شخص حق ندارد بیاید، اول باید عقیده‌ی خود را اصلاح کند، بعد اگر حرفی دارد، بیاید. به آقا خبر دادند شخصی به زیارت عاشورا اشکال وارد کرده و متأسفانه آخوند است. آقا (قدس سره) فرمودند: او آخوند نیست، می خواهد با لباس آخوندی آبرو کسب کند و فکر می کند با مطرح کردن این افکار بزرگ می شود، حال آنکه این اشخاص عاقبت خوشی ندارند و چوب نادانی خود را خواهند خورد. خداوند به تمام عزیزانی که در راه دفاع از عقاید شیعه و دفاع از مسلمات تلاش می کنند، توفیق دهد. تا افراد متدین و فاضل وجود دارند، این گونه افراد موفق به القای شبهه نخواهند شد؛ زیرا طلاب متدین اجازه نخواهند داد و بر همه تکلیف است که از عقاید حقه دفاع کنند. به حرف این اشخاص گوش ندهید، آنها دیر یا زود چوب عمل خود را خواهند خورد. پاسدار و نگهبان مبانی و عقاید حقه‌ی شیعه، خود اهل بیت (علیهم السلام) هستند و امام زمان(علیه السلام) ناظر است و عنایت می کند، کاری نکنید که دل امام زمان(علیه السلام) به درد آید؛ «اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَتْبَاعِهِ».

که در این صورت بزرگ‌ترین اجر را خواهند برد و فردای قیامت در مقابل اهل بیت (علیهم السلام) رو سفید خواهند بود، ان شاء الله تعالی.

مراکز اسلامی موجود در سرتاسر کشور، به چه کسانی باید رجوع نمایند؟

بسمه تعالی؛ حوزه های علمیه، مرکز فراگیری معارف دینی و احکام دین می باشند و علمای بزرگی در این حوزه ها پرورش می یابند و دین به واسطه‌ی جهد و کوشش آنها حفظ شده و می شود (ان شاء الله تعالی). بدین جهت حوزه های علمیه، اهم مراکز دینی محسوب می شوند و سایر مراکز اسلامی باید در تمام امور، و در جهت حل مشکل مردم به حوزه های علمیه مراجعه کرده و مسائل خود را از اساتید و علمای متبحر جويا شوند و رهنمودهای آنها را معیار عمل خود قرار دهند که ان شاء الله توفیق خواهند یافت که به دین خدمت کرده و قلب امام زمان (علیه السلام) را شاد نمایند.

در جهت اخذ عقاید حقه و احکام الهی به چه کسانی مراجعه کنم؟

بسمه تعالی؛ به علمای متبحر و کسانی که عمرشان را در تنقیح عقاید حقه و احکام الهیه صرف کرده اند، رجوع نمایید. آنهایی که با تلاش شبانه روزی خود با تمام وجود از مبانی حقه‌ی تشیع دفاع نموده و اجازه نداده اند که عده ای جاهل، دین را به خطر انداخته و با القاء شبهات، عوام از مؤمنین را فریب دهند. علمای متبحر، بزرگ‌ترین نعمت الهی هستند که جهت اخذ عقاید حقه و احکام الهی باید به آنان رجوع کرد.

چه کنیم که خداوند متعال از ما راضی باشد و جهت کسب فیض اخلاقی به چه کتابی مراجعه کنم؟

بسمه تعالی؛ اگر به وظایف شرعیتان عمل کنید و به دستورات الهی پایبند باشید، رضای خدا را کسب کرده اید. برای استفاده از مطالب اخلاقی می توانید به معراج السعاده مرحوم ملا احمد نراقی (رحمه الله)، جامع السعادات مرحوم ملا مهدی نراقی (رحمه الله)، اخلاق ناصری مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی (رحمه الله)، طهاره الأعراف ابن مسکویه (رحمه الله)، المحجّة البیضاء مرحوم فیض کاشانی (رحمه الله) و آداب المتعلمین مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی (رحمه الله) مراجعه کنید، والله الهادی الی سواء السبیل.

در چه مجالسی شرکت کنیم؟

در مجالسی شرکت کنید که ولاء اهل بیت (علیهم السلام) در آن حاکم باشد؛ مجلسی که فضایل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و اخلاق و کردار آنان ذکر می شود، به طوری که وقتی از مجلس خارج می شوید، استفاده برده باشید. شرکت در این مجالس، علاوه بر ذخیره‌ی ثواب برای آخرت، عمل به

تکلیف است که آن تکلیف، حفظ شعائر و دفاع از مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) می باشد و خود این شرکت، تأثیر بسزایی بر انسان می گذارد، به طوری که یکی از آثار آن دوری از گناه است.

دانش آموزی هستم که به عرفان زیاد فکر می کنم و گاهی اوقات احساس می کنم که میل به طی مراحل عرفانی را دارم، به نظر جنابعالی چه باید بکنم؟

بسمه تعالی؛ سیر در مراحل عرفانی، وجوب شرعی ندارد. وظیفه‌ی شما پس از تحصیل اعتقادات صحیح، عمل به رساله‌ی علمیه است. از ورود در مراحل عرفانی، ولو به کمک استاد اجتناب کنید، از آن نظر که بیم اشتباه در تعیین استاد حقیقی و خوب وجود دارد و ممکن است به ضلالت در عقاید و اعمال کشیده شوید، والله الهادی الی سواء السبیل.

با توجه به اینکه اینجانب دانش آموز هستم و همواره در صدد ارتقای معنویت خویش می باشم بعضی از کتب معتبر دعا را معرفی کنید تا بتوانم از آنها استفاده کنم؟

بسمه تعالی؛ بعضی از کتب معتبره‌ی دعا عبارت اند از: مهج الدعوات و مصباح الزائر و اقبال الأعمال مرحوم سید بن طاووس(رحمه الله)، مصباح المتجهد مرحوم شیخ طوسی(رحمه الله)، المصباح والبلد الأمين مرحوم کفعمی(رحمه الله)، زاد المعاد مرحوم مجلسی(رحمه الله) و مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی(رحمه الله)، **والله الموفق.**

با توجه به اینکه اینجانب دانش آموز هستم بفرمایید از خواندن چه کتبی باید اجتناب کنم؟
بسمه تعالی؛ از خواندن کتاب هایی که موجب گمراهی، تشکیک در اصول دین، سستی در عمل به احکام و یا فساد اخلاق بشود باید اجتناب نمود، والله المسدد.

چه کتاب های اخلاقی را مطالعه نمایم؟

بسمه تعالی؛ کتبی را انتخاب نمایید که غرض مؤلف این بوده که خواننده را با حقایق هستی آشنا نموده و او را به سمت و سوی معنویت و اجتناب از معاصی سوق دهد و کتاب مشتمل بر مطالبی باشد که ایمان را در قلوب مؤمنین تقویت نماید. به لطف خدا، در این زمان کتب مختلفی در این خصوص در دسترس همگان وجود دارد که با مطالعه‌ی فهرست کتاب می توانید به محتوای کتاب پی برده و آنچه را می خواهید به دست آورید؛ از جمله به معراج السعاده مرحوم ملا احمد نراقی(رحمه الله)، جامع السعادات مرحوم ملا مهدی نراقی(رحمه الله)، اخلاق ناصری مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی(رحمه الله)، طهاره الأعراف ابن مسکویه(رحمه الله)، المحجة البيضاء مرحوم فیض کاشانی(رحمه الله) و آداب المتعلمین مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی(رحمه الله) مراجعه کنید، **والله الهادی الی سواء السبیل.**

خواندن کتب علی شریعتی را برای جوانان چگونه می دانید؟

بسمه تعالی: کتاب های وی مشتمل بر مطالب غیر صحیحی است که مجال تفصیل آنها نیست. خواندن کتب شخص مذکور، تزییع عمر است، به کتبی مراجعه کنید که مؤلف آن، به تقوا و دین معروف بوده، و محتوای آن کتب شما را در جهت نیل به کمال اخلاقی راهنمایی نماید تا بتوانید ایمان را در خود بیمه کنید؛ مانند کتب معراج السعاده مرحوم ملا احمد نراقی(رحمه الله)، جامع السعادات مرحوم ملا مهدی نراقی(رحمه الله)، اخلاق ناصری مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی(رحمه الله)، طهاره الأعراف ابن مسکویه(رحمه الله)، مهجه البیضاء مرحوم فیض کاشانی(رحمه الله) و آداب المتعلمین مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی(رحمه الله)و... و به طور کلی به کتبی مراجعه کنید که هدف مؤلف، تقویت ایمان در قلوب مؤمنین باشد، **والله الموفق.**

آیا يك شخص جوان می تواند ورزش را شغل خود قرار دهد؟

بسمه تعالی: جوان مسلمان باید شاغل باشد. خداوند متعال جوان بیکار را دوست ندارد و شغلی که در شرع مطلوبیت دارد شامل ورزش نمی شود مگر اینکه ورزش امر تبعی باشد، **والله الموفق.**

چه توصیه ای برای ماه مبارك رجب المرجب می فرمایید؟

«يا ذا الجلال والإكرام يا ذا النعماء والوجود يا ذا المن والطول حرم شيبتي على النار».

خدا را شکر گذاریم که بار دیگر به ما توفیق عنایت فرمود: ماه رجب را که به فرموده رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) ماه بزرگ خداست و ماهی به حرمت و فضیلت آن نمی رسد درک کنیم. رسول گرامی اسلام فرمود: هرکس در ماه رجب يك روز را روزه بگیرد مستوجب خشنودی خدا خواهد شد و از غضب الهی در امان خواهد بود و درهای جهنم بر روی او بسته خواهد شد. حال که خدا این توفیق بزرگ را به ما عنایت فرموده قدر آن را بدانیم و در این ماه مبارك ارتباط خود را با خدای منان قوی سازیم و با تمسك به اهل بیت(علیهم السلام) آخرت خود را آباد سازیم دنیا زودگذر است و خصوصاً عزیزان نسل جوان توجه نمایند که خدای ناکرده از این روزهای مبارك غافل نگذرنند و با توسل و عبادت برکات این ماه عزیز را درک نمایند وجود مقدس امام صادق(علیه السلام) به نقل از رسول مکرم اسلام(صلی الله علیه وآله) فرمود: ماه رجب ماه استغفار امت من است پس در این ماه بسیار طلب آمرزش نمائید که خدا آمرزنده و مهربان است.

یکی از اسامی این ماه عزیز «اصب» می باشد و بدان جهت به آن اصب گفته اند که رحمت بی کران خداوند در این ماه عزیز بیشتر از ماه های دیگر شامل حال بندگان می شود پس بسیار بگوید: **استغفر الله واسئله التوبه**، امر دیگری که به عظمت و فضیلت این ماه افزوده است ولادت با سعادت مولای متقیان و امیرمؤمنان علی بن ابی طالب(علیه السلام) در این ماه است که افتخار ما شیعیان تمسك به حبل ولایت اوست که تنها راه نجات است و همچنین در این ماه عزیز (ان شاء الله) توفیق درک ایام البیض خواهیم داشت که سعادت بزرگ برای بندگان خداست مؤمنین ان شاء الله با شرکت در مراسم معنوی اعتکاف و برگزاری مجالس توسل و انابه برای تعجیل در فرج قطب عالم امکان و فریادرس مظلومان آقا ولیعصر(عج) و جهت رفع فتنه از همه مؤمنین دعا نمایند.

سالم می گوید: در اواخر ماه رجب خدمت امام صادق(علیه السلام) رسیدم از من پرسید آیا روزه گرفته ای؟ عرض کردم: خیر، فرمود: آن قدر ثواب از تو فوت شده است که قدر آن را خدا می داند! آنگاه فرمود: سالم اگر يك روز از آخر این ماه را روزه بگیری از شدت سكرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر در امان خواهی بود و هر کس دو روز روزه بگیرد از صراط به آسانی بگذرد و هر کس سه روز از آخر این ماه را روزه بدارد ایمن گردد از ترس روز قیامت و از شدت ها و سختیهای آن و خداوند به او عنایت فرماید ایمنی از آتش جهنم را.

در پایان از خداوند متعال عاجزانه مسألت می نمایم که با فرج مولایمان ارواحنا فداء قلوب همه مؤمنین را تسلی بخشیده و در این ماه مبارك که ماه اجابت دعاست دعاهايمان را مستجاب فرماید.

شهادت حضرت صدیقه شهیده(علیها السلام) نزدیک است نصیحتی بیان فرمایید.

چه نصیحتی به مسئولین مملکت دارید؟

می توان به نصیحت امام باقر (علیه السلام) به عمر بن عبدالعزیز^{۲۱۶} اشاره کرد که فرمودند: اگر شخصی به قدرتی دست یافت بر آنچه که متعلق به خود است نافع باشد و آنگونه با مردم برخورد کند که آثار رحمت

و رأفت از او ظاهر باشد و رضایت خدا را همیشه مد نظر بگیرد و در کارها بر رضایت دیگران اهمیت ندهد بلکه ضمن مراعات تقوای الهی فقط رضایت خداوند متعال و اهل بیت (علیهم السلام) را در کارهایش مد نظر داشته باشد.

روزی عمر بن عبدالعزیز دستور داد که ندا کنند هرکس ظلم و ستمی دیده و یا چیزی از او به ظلم گرفته شده بیاید تا به کارش رسیدگی شود. امام باقر (علیه السلام) نزد عمر بن عبدالعزیز بردند، عمر مشغول پاک کردن چشمانش بود. امام باقر (علیه السلام) فرمود: ای عمر، چرا گریه کردی؟ عرض کرد: ای فرزند رسول خدا هشام مرا با کارهای چنین و چنانش به گریه انداخته.

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «ای عمر! این دنیا بازاری است که وقتی از آن خارج می شوند، عده ای منفعت برده اند و گروهی ضرر کشیده اند و چه بسیارند افرادی که دنیا آنها را گول زد تا آنکه در حال غفلت، مرگ به سراغشان آمد و با حالت غمزدگی و ملامت از دنیا خارج شدند، چون

ایشان بر اثر شدت گرمای سوزان آسیب دیده بود؛ ولیکن ایشان اشک می ریخت و می فرمود: این برای مصیبت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) کم است؛ *عاش سَعِيداً ومات سَعِيداً*.

مؤسس فاطمیه و بزرگ پرچمدار انقلاب ایام فاطمیه به عاشورای دیگر، فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در گرمای سوزان و با پای برهنه همه ساله سوم جمادی الثانی روز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) جهت عرض ادب به ساحت مقدس فاطمه (معصومه) (علیها السلام) همراه با فضلاء، طلاب و متدینین به سوی حرم مطهر روانه می شدند. سال ۱۳۸۳ گرما سوزان بود و مرحوم میرزا (قدس سره) با پای برهنه خارج شدند و گرمای سوزان موجب سوزش پای مرحوم میرزا (قدس سره) شد. بعد از مراجعه به دفتر مرحوم میرزا (قدس سره) با توجه به زخمی که کف پایشان ایجاد شده بود به درمان و تمیز نمودن آن مشغول شدند. در آن هنگام حجت الاسلام والمسلمین شیخ علی دهنین احسانی و آقا زاده‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) در اتاق نزد مرحوم میرزا (قدس سره) بودند، ناگاه مرحوم میرزا (قدس سره) رو به فاضل محترم شیخ علی دهنین کرده و فرمودند: «ای شیخ ما! این هندی‌ها و پاکستانی‌ها که در ایام محرم تأسیباً به درد و رنج‌های امام حسین (علیه السلام) روی آتش (زغال گذاشته) حرکت می‌کنند و می‌گویند پاهایشان نمی‌سوزد و احساس نمی‌کنند راست می‌گویند؛ زیرا شما بین کف پام از سوزش زخم شده اما من در طول مسیر حرکت، سوزشی احساس نکردم.»

۲۱۶- طی سؤالی که از مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در خصوص عمر بن عبدالعزیز مطرح شده، ایشان (قدس سره) در پاسخ فرمودند: «هو أهون الخلفاء الامويين على أهل البيت (عليهم السلام) والمعروف أنه هو الذي رفع سب الامام اميرالمؤمنين (عليه السلام) على المنابر واستبدل السب بقوله تعالى: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) وكل امرئ بما عمل رهين.» (انوار الالهيه، ص ۳۸۵) یعنی ظلمش نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) کمتر از خلفاء دیگر بنی امیه بوده است و معروف است که او سب امیرالمؤمنین (علیه السلام) را رفع کرد و به جای آن آیه قرآن (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ) را جایگزین کرد «و هر عملی فردای قیامت خود شخص مسئول آن است» و طی استفتاء دیگر (قدس سره) نوشتند: عمر بن عبدالعزیز جزء کسانی است که مدتی غصب خلافت کرده است.

توشه ای برای جهان آخرت خود بر نگرفتند و برای آنچه از آن کراهت داشتند، مانعی فراهم نکردند. مال های آنان را پس از مرگشان کسانی تقسیم کردند که سپاسگزار آنان نبودند (مانند ابوبکر و عمر که فدک را غصب کردند) و ما به خدا قسم سزاوارتریم که به اعمال گذشتگان خود بنگریم، پس هر چه از اعمال نیک انجام داده اند که ما غبطه و آرزوی آنها را داریم، انجام دهیم و هر چه از اعمال زشت که انجام داده اند و ما از آنها ترسانیم، انجام ندهیم.

ای عمر! تقوای خدا را پیشه کن و دو چیز را در قلب خود جایگزین نما، ببین وقتی که به خدای خود وارد می شوی دوست داری چه چیزی همراهت باشد، آن را پیش فرست و نیز ببین از همراهی با چه چیزی ناراحتی؟ آن را رها کن و کالایی را که دیگران بردند ولی بازارش کساد بوده با خود مبر که امید داشته باشی از تو قبول کنند.

ای عمر! تقوا داشته باش و درهای به سوی خودت را باز کن و پرده داران را کنار بزن و مظلومان را یاری کن و آنچه ظالمان ستمگر گرفته اند برگردان!

سپس امام باقر(علیه السلام) فرمودند: «هرکس سه چیز در او باشد ایمانش کامل است.»
در این حال عمر بن عبدالعزیز روی زانو نشست و مشتاقانه گوش داد و گفت: «بگویند ای اهل بیت نبوت».

حضرت فرمود: بله ای عمر!

۱- کسی که وقتی از چیزی راضی شد رضایتش او را در باطل داخل نکند (مانند کسی که به خاطر رضایت عیالش، خود را به گناه و معصیت می افکند).

۲- کسی که وقتی بر چیزی خشم کرد از حق خارج نشود (مانند کسی که غضب می کند و ناسزا و دروغ و تهمت می گوید).

۳- کسی که وقتی به قدرت رسید به آنچه مال او نیست، دست درازی نکند (مانند سلاطین و جباران که مال دیگران را غصب می کنند)^{۲۱۷}.

نظر شما در رابطه با زیارت عاشوراء موجود در مفاتیح الجنان چیست؟

بسمه تعالی: زیارت عاشورا از نظر سند معتبر می باشد و هیچ گونه شبهه ای در آن نیست و در کتب علماء بزرگ طایفه نقل شده و مجرب می باشد و مضامین زیارت در بعضی روایات صحیحه موجود می باشد^{۲۱۸}.

۲۱۷- در این حال عمر بن عبدالعزیز که خوب می دانست امام باقر(علیه السلام) به چه نکات ظریفی اشاره دارد، دوات و کاغذی طلبید و نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم، این سندی است که عمر بن عبدالعزیز مال غصب شده‌ی محمد بن علی الباقر(علیه السلام) یعنی فدک را به او برگردانده است».

© ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) عرض ادب می کردند. ایشان همواره مدافع زیارت عاشورا بودند و جوانان و مؤمنین را به خواندن آن ترغیب می کردند و حتی برای رد شبهات، کتابی تحت عنوان «زیارت عاشورا، فوق شبهات» تدوین کردند و می فرمودند: به واسطه‌ی مداومت بر زیارت عاشورا بسیاری از علما به درجه و مقام عالی نائل شدند و مضمون زیارت عاشورا دفاع از حریم ولایت، و معرفی غاصبان و به افتضاح کشیدن دستگاه بنی امیه و بنی العباس است و روشنگر ظلم‌هایی است که بر خاندان نبوت (علیهم السلام) گذشته، آن را در هر حال فراموش نکنید.

مرحوم میرزا (قدس سره) ضمن دفاع از این زیارت، در استفتائات مختلف می فرمودند: «به اینان که در خصوص زیارت عاشورا تشکیک می کنند، توجه نکنید. اینان از لذت عبادت به دورند و طعم شیرین عبادت را نچشیده اند؛ دستگاه سید الشهداء - امام حسین (علیه السلام) - سفینه‌ی نجات است. متوسلین و عزاداران واقعی سیدالشهداء در آخرت در بهترین مکان‌ها منزل خواهند کرد. ان شاء الله تعالی، خدا توفیق دهد که ما هم عزادار واقعی آن امام شهید (علیه السلام) محسوب شویم.» و جمله‌ی معروف مرحوم میرزا (قدس سره) که در درس خود فرمودند: «ای کاش من روضه خوان ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) بودم»، همیشه در ذهن‌ها زنده است که این پیرمرد ولایی چگونه به این خاندان عشق مورزید و میدان دار دفع شبهات و دفاع از حریم ولایت بود.



© «اینان که شبهه به راه می اندازند، چون لذت عبادت و مناجات را نچشیده اند و توانایی درک فواید توسل، از جمله زیارت عاشورا را ندارند دست به الفا شبهات می زنند. علمای بزرگ به واسطه‌ی توسل به این زیارت شریف، به درجات عالی نائل شدند.» مرحوم میرزا (قدس سره) می فرماید: «زیارت عاشورا همراه با لعن، به شکلی که در کتاب «مفاتیح الجنان» آمده ثابت است. آنان که به خواندن زیارت عاشورا استمرار دارند اثر خواندن این دعا را دیده و می بینند. برخواندن آن مداومت کنید و به حرف منحرفین جاهل گوش ندهید که آنان از رحمت خداوندی به دور هستند. زیارت عاشورا یادآور مصائبی است که بر اهل بیت (علیهم السلام) گذشته و هر کس به واسطه‌ی این زیارت به اهل بیت (علیهم السلام) توسل کند، مأجور است و ان شاء الله گره کارهایش باز خواهد شد و در این دنیا اثر خواندن این دعا را خواهد دید، این دعای شریف مجرب است و مؤمنین و مخلصین درگاه ولایت بر آن مداومت کنند. ممکن است بعضی افراد در دعاهای دیگر شبهه به راه انداخته و با برداشت ناقص خود، که ناشی از بی سوادی آنها است حرف‌هایی بزنند اما بدانید که ادعیه‌ی مشهور از جمله زیارت «جامعه»، و دعای «توسل»، و حدیث «کساء» و... مجرب هستند و وسیله‌ای برای ارتباط با پروردگار، به شمار می روند. بر آنها مداومت کنید که اثر آن را در همین دنیا خواهید دید. ان شاء الله تعالی.»



© اینکه چهل شب تمام شد ولی مشکل حل نشد شبی در عالم خواب دیدم که حضرت ولی عصر (علیه السلام) در مکانی حضور دارند. (بدون آنکه مشاهده شود) در عالم خواب برای دیدن حضرت (علیه السلام) به آن مکان رفتم ولی کثرت جمعیت اجازه نداد به حضرت (علیه السلام) برسم ولی دیدم که مردم دور یک روحانی پیرمردی را گرفته اند و مسائلی را با او مطرح می کنند به من گفته اند که مشکل خود را با این آقا در میان بگذار. من به محضر آن روحانی رفتم ولی قبل از آنکه مسئله ام را مطرح کنم و از ایشان راهنمایی بطلبم اسم او را سؤال نمودم گفتند: میرزا جواد تبریزی است، من مشکل خود را به ایشان گفتم و ایشان جوابی را که دادند و دستوری را که فرمودند، بعد از بلند شدن از خواب فراموش نمودم بعد از بیداری خیلی ناراحت شدم. از بعضی از روحانیون تهران سؤال کردم شما شخصی به نام جواد تبریزی می شناسید، گفتند: ایشان از مراجع تقلید در قم می باشند، شماره دفتر ایشان را پیدا نمودم و الان می خواهم قضیه را به ایشان برسانید و بگویید شما چه می فرمایید. شیخ

نظر خود را در مورد حدیث کساء موجود در مفاتیح الجنان بفرمائید؟

بسمه تعالی؛ این حدیث از احادیث مجرب می باشد و از مسلمات و مرتکرات در اذهان عموم مؤمنین، علما و اصحاب ائمه (علیهم السلام) بوده و جای شك و شبهه ای در آن نیست و یکی از مصادیق «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» می باشد که حدیث شریف کساء را شامل می شود^{۲۲۲}.

..... ۲۲۳

توکل می گوید: خدمت آقا آدم و مطلب را به ایشان رساندم، مرحوم میرزا (قدس سره) بدون آنکه عکس العملی نشان دهد در حالی که اشک در چشمان مبارکشان حلقه زد فرمودند: به آن خانم بگویند زیارت عاشورا بخواند مشککش ان شاء الله حل خواهد شد.

یک روز در شورای استفتاء، بحث شد که هر از چند گاه عده ای متأسفانه بعضی معمم، شروع به سم پاشی در بین متدینین می کنند و می گویند: فلان خبر ثابت نیست و درست بودن آن معلوم نمی باشد؛ از جمله عده ای در خصوص زیارات و ادعیه می گویند ما بر آن سند نیافتیم و زیارت عاشورا به شکل موجود در مفاتیح الجنان تحریف شده است. از مرحوم میرزا (قدس سره) سؤال شد که آیا می شود پشت سر این گونه

اشخاص نماز خواند؟ اتفاقاً آن روز بحث در مورد کسی بود که تشکیک در زیارت عاشورا کرده است.

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) ابتدا فرمودند: اینان مگر نمی دانند که برخی از ادعیه و زیارات با چه زحمت و جهادی به ما رسیده است! ما همیشه در زمان تقیه زندگی کرده ایم و شیعیان در طول تاریخ در فشار بوده اند و ادعیه و زیارات سینه به سینه به ما نقل شده است و مضامین اکثر آنها در روایات موجود می باشد. اگر به بعضی نسخ خطی مراجعه کنید پی می برید که آنها مجبور بودند بعضی از فقرات ادعیه را حذف یا محو کنند تا بتوانند به دیگران برسانند. زیارت عاشورای مشهور، ثابت است و تزویری در آن نیست و آنچه از نظر اختلاف بین نسخ وجود دارد، به آن تزویر گفته نمی شود. نسخه ای که از نظر سند و متن ثابت است و زمان آن به شیخ طوسی (قدس سره) برمی گردد و شامل تمام فقرات زیارت می باشد را مشاهده کردم و جای شکی در آن نیست و همچنین عمل علمای بزرگ و مجرب بودن زیارت در اثبات آن کافی می باشد، به تشکیکات افراد توجه نکنید؛ زیرا منشأ آن، دوری آن سیه دلان از معنویت و لذت نبردن از عبادت است. زیارت عاشورا پلی است به سوی استجاب دعا و ارتباط معنوی با پروردگار متعال و برائت جستن از اعداء اهل بیت (علیهم السلام)، خداوند به همه توفیق دهد که این زیارت مبارک را قرائت نمایند و به واسطه‌ی توسل و خواندن این زیارت، حاجت همه برآورده شده و گره کار آنان برطرف شود؛ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى**».

◌

© ضعیفای مؤمنین هستند، اما تلاش اینان بی ثمر بوده و به نتیجه ای نخواهد رسید. مگر نه اینکه خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است: **«وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»**؛ یعنی برای رسیدن به خداوند و تقرب به درگاه او وسیله بجویید. چه وسیله و واسطه ای مهم تر و اساسی تر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) می باشد! توسل به آن ذوات مقدسه نه تنها در میان مؤمنین این امت و علما و اصحاب ائمه (علیهم السلام) امری رایج بوده بلکه در انبیا سابق هم مورد توجه بوده است؛ چنان که از روایاتی که در توبه‌ی حضرت آدم در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی: **«وَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ»** وارد شده و غیر از این مورد، از روایات متعدد در مورد انبیا به دست می آید. بنابراین، توسل و التجا به آن بزرگواران و شفیع قرار دادن آنها در پیشگاه خداوند متعال جهت عظمت مقامی که برای آن حضرات در نتیجه‌ی عبودیت و نهایت تذلل و بندگی شان در درگاه خداوند ثابت است، به خواندن دعای توسل یا حدیث کساء و امثال آن از مصادیق: **«ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»** و موجب نجات و خلاصی از ناگواری ها و دشواری ها و ایجاد زمینه‌ی برخورداری از برکات و مواهب می باشد. همان طور که شفاعت آنها در آخرت موجب نجات و رهایی از عذاب آخرت است و مؤمنین به شفاعت آن بزرگواران امید دارند و خداوند متعال هم

شفاعت آنها را می پذیرد، بر اساس آیهی شریفه‌ی: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ» اگر بنا باشد که خداوند متعال به شفاعت کسی در روز قیامت اذن بدهد، در اول مرتبه پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و اهل بیت طاهرینش (علیهم السلام) می باشند و رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) و ائمه(علیهم السلام) قدر متیقن از اذن در شفاعت می باشند، همان طور که قبول ولایت آن بزرگواران، اقتدا و تاسی به آنها در مقام عمل، تنها راه رسیدن به سعادت و رستگاری می باشد و هدایت تنها در این راه است که: «الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَالسَّبِيلُ الْأَعْظَمُ أَمَّنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ».

یکی از مصادیق «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» دعا است که حدیث کساء را شامل می شود. این حدیث شریف را بخوانید که نتایج آن را بزرگان از مؤمنین دیده اند و ان شاء الله به عنایت امام زمان(علیه السلام) امور حل می شود. نگران نباشید. از خدا بخواهید که لذت عبادت را به شما عنایت نماید و بعد از چشیدن حلاوت عبادت، معنویتی در خود احساس می کنید که لذت آن از هر چیزی بالاتر خواهد بود.